

کیمهان ۴۵۵

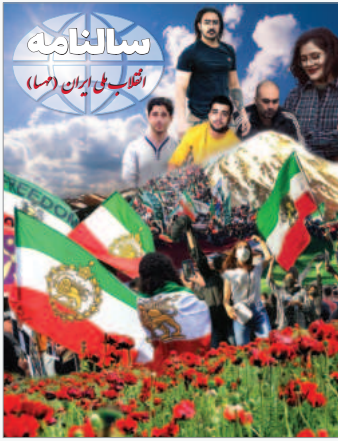
KAYHAN.LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباحزاده
جمعه ۱۰ تا ۱۶ فروردین ماه ۱۴۰۳ خورشیدی
سال چهارم - شماره ۱۹۲۱

نوروز

جنبش ملی ادامه دارد

خرید سالنامه مهسا



قیمت: ۵۰ (پنجاه) پوند
تعداد صفحات: ۱۴۳۶

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۵۳۰ مگابایت
نحوه دریافت سالنامه پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید

خرید کتاب سقوط بهشت



قیمت: ۱۵ (پانزده) پوند
تعداد صفحات: ۷۵۲

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۱۳ مگابایت
نحوه دریافت کتاب پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید

آگهی در کیهان آگاهی می‌آورد

نشانی سایت:
www.kayhan.london
روابط عمومی:
info@kayhan.london
آگهی و تبلیغات:
ads@kayhan.london
سردبیری:
editorial@kayhan.london



وبسایت کیهان لندن به زبان انگلیسی

KAYHAN LIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN
COMMUNITY
www.kayhanlife.com

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: جاهل عنکبوت به قلم حامد محمدی (افسر خلیان)

برای نخستین بار ابعاد گسترده حضور نظامی و ناگفته‌های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد. علاقمندان می‌توانند این کتاب را مستقیماً از طریق تماس با کیهان لندن ads@kayhan.london و یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشی‌های معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۳۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

Satrap Publishing: Email: satrap@btconnect.com www.satrap.co.uk
Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD
Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA
Ferdousi Bookshop, Box 45095, SE 104 30 Stockholm, SWEDEN
UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris, FRANCE
Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY



بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباح‌زاده

KAYHAN LIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

- @KayhanLife
- @kayhanlife
- @KayhanLife
- <https://kayhanlife.com/newsletters-subscription>

کیهان شما، کیهان لندن

- @KayhanLondon
- @kayhanlondon
- @kayhanlondon
- https://t.me/kayhan_london

10 New Square-Lincoln's Inn
London WC2A 3QG
Tel: 0044 (0)20 3633 3684
e-mail:
info@kayhan.london
ads@kayhan.london
editorial@kayhan.london
www.kayhan.london
www.kayhanlife.com

سال چهلم

کیهان شماره ۱۹۲۱ (۴۵۵)

جمعه ۱۰ تا ۱۶ فروردین ماه ۱۴۰۳
۲۹ مارس تا ۴ آوریل ۲۰۲۴



کیهان

فهرست مطالب**

سر مقاله - بمب اتم در دست «آخر زمانی» های یعنی آغاز آن جهان! / الا اله بقرات ۴
تیترا هفته - نوروز جنبش ملی ادامه دارد / ۴-۵

شاهزاده رضا پهلوی: تنه راه حل ثبات خاورمیانه «تغییر رژیم» در ایران است... / ۶
پیام نوروزی شاهزاده رضا پهلوی: سالی که پیش روست، سال فراتر رفتن از امید... / ۶
واکنش کاربران در شبکه های اجتماعی به تبریک نوروزی مقامات آمریکایی... / ۷
آمریکا، فرانسه و ایتالیا اصلی ترین تأمین کنندگان تسلیحات خاورمیانه... / ۸
نشست نکوداشت رضا شاه بزرگ... / فیروزه نوردستروم ۹-۱۱
بداخلاقی! /... / خیراندیش (احمد احرار) ۱۱
سیاست و سیاستگذاری اقتصادی در ایران - خاطرات علینقی عالیخانی (بخش ۸)... / ۱۲-۱۳
ولادیمیر پوتین سلطه خود بر روسیه را تا سال ۲۰۳۰ تمدید کرد... / ۱۴
واشنگتن فری بکن: طرح جمهور یخواهان مجلس آمریکا برای اعمال... / ۱۵
از سال محموله های «سپاه قدس» از «بندر کنستانتا» رومانی به لاذقیه سوریه... / ۱۶
بیش از ۸۰ کشته در حمله مسلحانه به تالار «کرو کوس سیتی هال» مسکو... / ۱۷
توافق رهبران اتحادیه اروپا در مورد تخصیص سوئد دارایی های بلوکه شده... / ۱۸
آنتونی بلینکن: مایل هستیم جمهوری اسلامی که تأمین کننده اصلی سلاح، اطلاعات و... / ۱۹
کدام قانون اساسی؟ /... / محمود مسائلی ۲۰-۲۱
آسوشیند پرس: سقوط ارزش ریال پس انداز ایرانیان را بدمی دهد... / ۲۱
متن کامل گفتگوی «رک مدبا» با نوانو یاسمین پهلوی در باره فرامرز اصلانی... / ۲۲-۲۴
عبدالله فرحناک خلبان سابق نیروی هوایی ارتش: جهانیانی مردن زگی بودو... / ۲۵
اسکای نیوز: دولت استرالیا آماده بود سپاه پاسداران را در فهرست سازمان های... / ۲۶-۲۷
کود تاجیکان نجر به دنبال توافق مخفیانه برای فروش اورانیوم به جمهوری اسلامی... / ۲۷
هشدار کارشناسان نسبت به گسترش برنامہ های اتمی تسلیحاتی جمهوری اسلامی... / ۲۸-۲۹
حکم اخراج قائم مقام پیشین وزارت کشور جمهوری اسلامی از کانادا صادر شد... / ۲۹
اورشلیم بست: برای رهبران حماس رنج کشیدن مردم غزه یک سلاح است... / ۳۰
تصویب قطعنامه آتش بس در غزه؛ افزایش فشارها به اسرائیل برای توقف عملیات... / ۳۱
تخریب چند شبکه تدارکاتی مستقر در آلمان، عمان، ترکیه و ایران مرتبط با... / ۳۲
با نگاه خبری «جو بش کرو نیکل»: گروه های نیابتی و جنگ غزه «سلاح»... / ۳۲-۳۳
آنونومیست: چگونه چین، روسیه و جمهوری اسلامی در حال ایجاد روابط... / ۳۴-۳۵
گفتگو با «فریبالوچ» برنده جایزه بین المللی «زنان شجاع ۲۰۲۴»... / ۳۵
هشدار «گروه هفت» به رژیم ایران در مورد دار سال موشک بالستیک به روسیه... / ۳۶
عزل مدیر عامل مترو و تهران با فشار سپاه پاسداران... / ۳۶-۳۷
احضار سفیر جمهوری اسلامی در برلین برای ارائه مدارک دخالت رژیم ایران در... / ۳۷
زمین خواری صدیقی و پسران؛ امضایی جعل نشده و امام جمعه تهران... / ۳۸-۳۹
چه کسی پاسخگوی تیراندازی های بی ضابطه ی ماموران و قتل شهروندان است؟! / ۴۰
لاپوشانی جنایات جمهوری اسلامی علیه مردم در گزارش «کمیته و بژه» حکومت... / ۴۱
پدیده خودکشی بزرگان جوان؛ «نگو بیم خودکشی، بگو بیم کشتار سیستماتیک»... / ۴۲-۴۳
دادگاه نظامی قزوین حکم اعدام سرهنگ جوانمردی قاتل مهران سماک را... / ۴۳
رهبران تروریست های «حماس» و «جهاد اسلامی» در تهران... / ۴۴
بهر روز واحدی از فرماندهان میدانی «سپاه قدس» در سوریه کشته شد... / ۴۴
حملات سنگین هوایی به پایگاه های «سپاه قدس» در سوریه... / ۴۵
وزارت خزانهداری آمریکا یک شبکه مالی مرتبط با سپاه قدس، حوثی ها و حزب الله... / ۴۵
عادی سازی حجاب اجباری در ورزش ایران و نقش فائزه رفسنجانی... / ۴۶
نمایشگاه «چشم برای آزادی» در مرکز نوبل صلح در اسلوی... / ۴۷
جمهوری اسلامی در پنجاه و پنجمین شورای حقوق بشر متهم به... / ۴۷
عضو «هیات علمی مرکز علوم اسلامی»: شاید لازم است سلاح هسته ای داشته باشیم تا... / ۴۸
با کارت قومیت در ایران بازی نکنید! /... / مایکل روبین (فروم خاورمیانه) ۴۹
رکورد تازه قیمت دلار و سقوط بی سابقه ارزش ریال و قدرت خرید مردم... / ۵۰-۵۱
جمهوری اسلامی تلاش می کند کنترل «گذرگاه رفح» به دست اسرائیل نیفتد... / ۵۱
اقتصاد ایران در ۱۴۰۳؛ تداوم رکود تورمی و نبود برنامه برای توسعه زیرساخت ها... / ۵۲-۵۳
تهدیدنیمی از جمعیت ایران با فرونشست؛ افزایش مهاجرت های اقلیمی در... / ۵۳-۵۴
نهادهای ریاست جمهوری اسلامی سامان طاهر پور طراح ایرانی در سوئد را تهدید کرد... / ۵۴
نشست شورای عالی مسکن با فرماندهان... / ۵۵
بر خلاف ادعای دولت؛ رشد اقتصادی در شرایط فعلی غیرممکن است... / ۵۶
احکام سنگین زندان برای یازده فعال حقوق زنان در استان گیلان... / ۵۷
خبرهای کوتاه... / ۵۸-۵۹
پشت جلد - عکس هفته / نوروز در کنار حافظ ۶۰

بازنشر
بازنشر



نوروز

جنبش ملی ادامه دارد



● **همدلی و همگرایی ملی برای گرامیداشت آیین نوروز امسال در حالی به نمایش گذاشته شد که حکومت نه تنها هرگز از برگزاری آن حمایت نکرده بلکه به بهانه‌های مختلف از جمله «رعایت شئون اسلامی» در «رمضان» و «محرم» و... علیه جشن مردم کارشکنی کرده است.**

کاخ نیاوران با ۸ هزار و ۹۸ نفر بازدیدکننده در صدر اماکن بازدید شده در نخستین روزهای نوروزی قرار داشتند.

همبستگی مردمی با پاسداشت نوروز

ثبت تصاویری از حضور انبوهی از شهروندان که با وجود گرانی و مشکلات اقتصادی خود را برای لحظه‌ی تحویل سال به پاسارگاد رسانده بودند، یادآور حضور چند هزار نفری مردم در پاسارگاد در آبان ۹۵ و در روز بزرگداشت کوروش بود؛ تجمعی که به نقطه عطف تجمعات ضدحکومتی تبدیل شد.

در دیگر مناطق کشور نیز مردم با جشن و سرور و رقص، همبستگی خود را بار دیگر به رخ جمهوری اسلامی کشیدند. همدلی و همگرایی ملی برای گرامیداشت آیین نوروز امسال در حالی به نمایش گذاشته شد که حکومت نه تنها هرگز از برگزاری آن حمایت نکرده بلکه به بهانه‌های مختلف از جمله «رعایت شئون اسلامی» در «رمضان» و «محرم» و... علیه جشن مردم و به ویژه حضور زنان و جوانان کارشکنی کرده است.

همزمانی ماه رمضان با نوروز بهانه‌ای در دست حکومت شد تا روند نظارت بر اماکن گردشگری و امنیتی کردن فضای شهرها و پلمب اقامتگاه‌ها و رستوران‌ها و مراکز تفریحی را تشدید کند. مردم اما از همین فرصت هم استفاده کردند و به حکومت نشان دادند دین برایشان یک امر خصوصی است و در فضای جامعه نیز دست بر نقطه ضعف رضانی جمهوری اسلامی، یعنی روزه‌خواری، گذاشتند.

در نوروز ۱۴۰۳ مردم بار دیگر نشان دادند جنبش ملی علیه جمهوری اسلامی زنده و پویا است. حضور صدها هزار شهروند در اماکن تاریخی و ملی، از تخت جمشید تا کاخ سعدآباد، برپایی گردهمایی‌های نوروزی با رقص و آواز، پیام خانواده‌های دادخواه از سر مزار عزیزان جانیخته، تا به سخره گرفتن نگاه ایدئولوژیک حکومت به ماه رمضان، از جمله رویارویی‌های مردم بود که پیام در جریان بودن مبارزات ملی علیه حکومت را بازتاب داد.

نوروز امسال با تصاویری ماندگار از گردهمایی مردم در اماکن تاریخی آغاز شد؛ بطوری که رسانه‌های داخلی نیز در بُهت و غافلگیری حکومت نتوانستند نادیده بگیرند که چگونه در اقدامی خودجوش، صدها هزار شهروند از شهرهای مختلف در اماکنی چون تخت جمشید و کاخ سعدآباد و کاخ گلستان حاضر شدند.

بر اساس آمارهایی که در نخستین روزهای تعطیلات نوروزی منتشر شد، حافظیه با حضور ۳۲ هزار و ۹۰۸ شهروند، رتبه نخست حضور بازدیدکنندگان را کسب کرد. پس از آن پایگاه میراث جهانی تخت جمشید با ۲۴ هزار و ۴۷۵ نفر، سعدیه با ۱۸ هزار و ۹۰۶ نفر، مجموعه فرهنگی تاریخی سعدآباد با ۱۵ هزار و ۴۸۰ نفر در صدر اماکن تاریخی بازدید شده در نخستین روزهای جشن نوروز امسال قرار داشتند.

در استان تهران که معمولاً مقصد مسافران نوروزی به شمار نمی‌رود، مجموعه فرهنگی-تاریخی سعدآباد با تعداد ۱۵ هزار و ۴۸۰ نفر بازدیدکننده، مجموعه میراث جهانی کاخ گلستان با ۱۰ هزار و ۵۱۱ نفر بازدیدکننده، مجموعه فرهنگی تاریخی

سرمقاله

مب اتم در دست «آخر زمانی»ها یعنی آغاز آن جهان!

در ماه‌های اخیر که توجه جهان پس از حمله نظامی روسیه علیه اوکراین بر حمله تروریستی هفتم اکتبر حماس علیه اسرائیل و جنگ غزه متمرکز شده، کم نیستند ناظرانی که مرتب نسبت به اینکه جمهوری اسلامی با استفاده از این فرصت به مب اتم نزدیک می‌شود، هشدار می‌دهند. این هشدارها عمدتاً در چارچوب نگرش «بازدارندگی» مطرح می‌شوند و دیدگاهی نیز که معتقد است سرانجام «ایران» به خاطر توازن در منطقه به عنوان قدرت آتی از سوی جهان پذیرفته خواهد شد، بر اساس نظریه «بازدارندگی» آن را توجیه می‌کند؛ اما...

اما کشورهای غربی و دموکراسی‌ها متوجه نیستند که در ارتباط با سلاح‌های کشتار جمعی و مب اتم، جمهوری اسلامی از جنس فاشیسم و کمونیسم که ایدئولوژی‌های زمینی و این جهانی هستند، نیست!

برای اتحاد شوروی و آلمان نازی که در نیمه نخست قرن بیستم بین آنها و آمریکا بر سر رسیدن به بمبی ویرانگر مسابقه راه افتاده بود تا از آن برای بازداشتن دیگری از اقدام علیه خود استفاده کنند، استدلال «بازدارندگی» بر این بود که استفاده از این سلاح علیه دیگری، علیه خود نیز هست!

اما برای ایدئولوژی آخرزمانی که رسالت خود را پایان این جهان با هدف رسیدن به رستگاری در آن جهان می‌داند و برایش آیه و حدیث و روایت و ده‌ها داستان خودقانع‌کننده دارد، هیچ سیاست و عامل بازدارنده‌ای وجود ندارد! اگر هم ادعای «بازدارندگی» می‌کنند، دروغ می‌گویند.

جمهوری اسلامی و تروریست‌های مذهبی با مب اتم عین کمربند انتحاری عمل خواهند کرد و نه تنها از بین رفتن خودشان و کشور برایشان مهم نیست بلکه اساساً رسالت‌شان نابودی این جهان و فراهم آوردن زمینه برای «ظهور» و بقیه‌ی قضایاست! کشور برای آنها مثل مقر نظامی و پایگاه عملیاتی و یک اقامتگاه موقت در «این جهان» است.

به همین دلیل، برخلاف لایبگراں رژیم که تمام این سال‌ها تلاش کردند تا جمهوری اسلامی را بی‌خطر معرفی کنند، می‌بایست دولت‌ها و سیاستمداران غربی را نسبت به این ایدئولوژی ویرانگر آگاه کرد و به آنها فهماند که با نازیسم و کمونیسم روبرو نیستند و افتادن سلاح کشتار جمعی و مب اتمی به دست حکومت اسلامی و گروه‌های آخرزمانی یعنی باز کردن راه برای وقوع آنچه در جنگ سرد و رقابت دو بلوک شرق و غرب اتفاق نیفتاد!

برخی چنین تحلیل می‌کنند که جمهوری اسلامی برای تضمین بقاء خود به دنبال مب است تا غرب را از تغییر رژیم بازدارد! اما هم حکومت و هم غرب می‌دانند، تغییر رژیم موضوع دیگران نیست! غرب اگر به دنبال تغییر رژیم بود، تا حالا آن را عملی کرده بود! این جمهوری اسلامی است که به دنبال تغییر جهان است! موضوع بر سر دو ایدئولوژی زمینی، کمونیسم و کاپیتالیسم، نیست؛ بر سر این جهان و آن جهان است! برای انسان‌های عاقل، و خردمندی و منطق غربی این موضوع باورنکردنی و مضحک به نظر می‌رسد اما واقعی است و این را در انواع تحرکات اسلامگرایان از جمله «عملیات انتحاری» و آمادگی برای «شهادت» نه برای حفاظت از خاک و میهن و هم‌میهن بلکه برای «نابودی دشمن» و رسیدن به خوشبختی ابدی پس از مرگ می‌توان دید!

«دشمن» برای اسلامگرایان هر کسی غیر از خودشان است حتا اگر مسلمان باشد! دموکراسی‌ها می‌بینند که اینها برای گسترش ایدئولوژی و انجام رسالت برای «نجات جهان» و «ظهور» و رسیدن «آخر زمان» با پهیاد و موشک چه می‌کنند؛ تصور اینکه اگر تسلیحات کشتار جمعی و مب اتمی داشته باشند چه خواهند کرد، چندان مشکل نیست.



از پوشش اختیاری تا روزه‌خواری

با وجود خط و نشان‌هایی که از پیش کشیده شده بود، مردم انواع کارهایی را که به عنوان «روزه‌خواری» شناخته می‌شود از خوردن و آشامیدن تا عدم رعایت حجاب اجباری به عمد انجام دادند.

نسبت به کشف حجاب هم انزجار قلبی داشته باشند و هم تذکر لسانی بدهند و حاکمیت اسلامی نیز برابر با قانون با این افراد برخورد کند.»

جنبش ملی پویاست و پیش می‌رود

هجده ماه پیش اعتراضاتی در ایران آغاز شد که با وجود

اعتراضات نیز با حضور بر مزار عزیزان خود پیام و شادباش‌هایی نوروزی فرستاده و برای مبارزات مردم و پایدگی میهن آرزوی پیروزی کردند.

مادر آرش فروزنده جمالی، از جانب‌اختگان اعتراضات ۱۴۰۱، روز اول فروردین‌ماه بر مزار پسرش گفت: «روز شادی وطن می‌رسد و دل همه مردم خوش می‌شود. ایران عزیزم، عید من با آبادی تو عید می‌شود. تا وقتی این حکومت هست نه عیدی وجود دارد، نه بهاری و نه شادی.»

میثم پیرفلک پدر کیان پیرفلک از دیگر جانب‌اختگان اعتراضات ۱۴۰۱ نیز با حضور بر مزار فرزندش، شادباش نوروزی را با « درود بر ملت شریف ایران» آغاز کرد و در پایان گفت: « با آرزوی روزهای خوب و سربلندی ایران عزیزمون. فرجام‌تان نیک.»

پایداری مردم ایران برای سعادت ملی

آنچه هجده ماه پیش و پس از قتل حکومتی مهسا امینی، دختر ایران، توسط نیروهای امر به معروف و نهی از منکر، در ایران رقم خورد، دارای پیشینه‌ای به عمر جمهوری اسلامی و انقلاب ۵۷ است.

انقلاب ۵۷ که علیه انقلاب مشروطه و حکومت پهلوی بود، با تکیه بر نگاه ضدملی پرور شد و حکومت برآمده از آن نیز از نخستین روز به دنبال محو تاریخ و فرهنگ ایرانی و هویت‌زدایی از ایرانیان بود.

پس از انقلاب ۵۷ خمینی بنیانگذار جمهوری اسلامی «ملی‌گرایی» را «کفر» خواند و نمادهای ملی مانند شیر و خورشید از پرچم ملی و یا از لوگوی «جمعیت شیروخورشید سرخ ایران» حذف شدند تا با «الله» و «هلال احمر»، ملت ایران به «امت اسلام» تبدیل شود.

اما مردم هر سال سفره‌های هفت‌سین را پهن کردند و شب یلدا و چهارشنبه‌سوری را با وجود سرکوب، جشن گرفتند.

جمهوری اسلامی نه تنها نتوانست از مردم ایران «امت اسلام» بسازد بلکه در فرهنگ‌زدایی از ایرانیان شکست نیز خورد.

از اواخر دهه هفتاد خورشیدی موجی از خودآگاهی ملی در ایران ایجاد شد که با نقد ریشه‌های چپ‌گرایانه و اسلام‌گرایانه انقلاب ۵۷، راه برگشت از مسیر تباهی را که آن انقلاب برای کشور و ملت رقم زده است، گشود. در این راه، برپایی یک حکومت ملی با در نظر گرفتن ویژگی‌ها و هویت تاریخی و فرهنگی ایران برای داشتن کشوری آزاد و آباد یک ضرورت ناگزیر است.

نخستین خروجی‌های موج آگاهی ملی آن سال‌ها در حضور هزاران نفر در پاسارگاد در آبان ۹۵ و روز بزرگداشت کوروش نمایان شد. این موج آگاهی ملی در اعتراضاتی که علیه ماهیت و ساختار جمهوری اسلامی از نیمه دهه ۹۰ خورشیدی آغاز شد نیز در شعارها و بالا بردن پرچم شیروخورشید از سوی معترضان کاملاً نمایان بود.

اکنون، با نوروزی که پشت سر گذاشته می‌شود، اعتراضات ۱۴۰۱ را به جرأت می‌توان تثبیت خودآگاهی ملی ایرانیان علیه جمهوری اسلامی ارزیابی کرد. تصویر واقعی این اعتراضات، یکپارچگی مردمی بود که با همبستگی و یک‌صدا خواستار براندازی جمهوری اسلامی بودند.

مردم بارها، از جمله در نوروز امسال، نشان داده‌اند روح ایران‌گرایی حاکم بر اعتراضات آنها بر اصل یکپارچگی و همبستگی آنها فارغ از زبان و تبار و جنسیت قرار دارد و آزادی و منافع هر گروه اجتماعی و قشر و طبقه‌ای را در گرو سعادت ملی از شرق تا غرب و از شمال تا جنوب کشور می‌دانند.



همه جوسازی‌های بخشی از جریان‌ات سیاسی و تعدادی از رسانه‌های خارج کشور، اعتراضاتی با مشخصات ملی علیه جمهوری اسلامی بود.

این اعتراضات یکپارچه، نه در ساختار اعتراضات قومی، و نه جنسیتی و صنفی و فرقه‌ای قابل تعریف و تحلیل نیست؛ بلکه تصویری از خروش مردم یک کشور است که بر بستر خودآگاهی ملی برای یک خواست سیاسی و در برابر یکی از سرکوب‌گرترین حکومت‌های قرن حاضر ایستادگی کرده، جان داده، هزینه متحمل شده و همچنان پایداری می‌کند.

در حالی که پس از چند ماه کشتار و بازداشت و سرکوب گسترده معترضان در خیابان و پروپاگاندای رسانه‌ای علیه این اعتراضات ملی، تجمعات خیابانی فروکش کرد و بسیاری معتقد بودند اعتراضات «تمام» شد، اما مردم در طول ماه‌های گذشته به اشکال مختلف از جمله استفاده از پوشش اختیاری و تحریم دو انتخابات مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان رهبری، جان انقلاب ملی را زنده نگه داشته‌اند.

در شهرهای مختلف، تحریکات مردم در نوروز امسال بار دیگر نشان که در زیر پوست جامعه‌ای که هزاران جانب‌اخته و بازداشتی و زندانی داده و با انواع سرکوب امنیتی، قضایی و دولتی روبروست و در روندی سازمانیافته با فقر و فلاکت دست و پنجه نرم می‌کند، جنبش ملی و آزادیخواهی همچنان جریان دارد.

جامعه با هوشمندی و موقعیت‌شناسی بی‌نظیری در هر برهه زمانی انتخاب می‌کند که اعتراض، مبارزه و نافرمانی‌اش را به چه شکلی نشان دهد و پیام این جنبش ریشه دوانده در میان مردم را چگونه به گوش جمهوری اسلامی، و همچنین جهان، برساند.

در کنار شماری از زندانیان سیاسی و عقیدتی که به جرم آزادیخواهی اسیر شده‌اند، خانواده‌های جانب‌اختگان

پیش از نوروز ۷ مجید میراحمدی معاون وزیر کشور روزه‌خواری و تظاهر به آن را «فعل حرام» خوانده و گفته بود: «رستوران‌ها، کافه‌ها و اغذیه‌فروشی‌هایی که در داخل شهر هستند، مطلقاً اجازه فعالیت تا قبل از افطار حتی با پوشاندن شیشه‌ها ندارند.»

دادستان کل کشور هم تأکید کرده بود که روزه‌خواری در ملاء عام، تحت هر شرایطی جرم است و تفاوتی ندارد که در ایستگاه راه‌آهن، فرودگاه یا رستوران باشد و افراد نباید در این مکان‌ها به صورت علنی روزه‌خواری کنند.

در این میان پلمب مراکز تفریحی، اقامتگاه‌ها و رستوران‌ها نیز از نخستین روزهای تعطیلات به بهانه «عدم رعایت شئون اسلامی» آغاز شد و صدها واحد صنفی پلمب شدند. شاید همین تأکیدها و صف‌آرایی حکومت برای مبارزه با «روزه‌خواری» بود که سبب شد مردم امسال «روزه‌خواری» را نیز به عنوان راهی در مقابله با حکومت به کار بگیرند و نه تنها با پوشش اختیاری در سفرهای نوروزی و سطح شهرها حاضر شوند بلکه تذکرات به نخوردن و نیاشامیدن و رویه ایدئولوژیک کشورداری جمهوری اسلامی را نیز به سخره بگیرند. رویارویی مردم با جمهوری اسلامی با «روزه‌خواری» آنقدر برجسته بود که محمدصادق کوشکی فعال سیاسی اصولگرا در یادداشتی انتقادی نوشت که در ماه رمضان امسال «شاهد وسیع‌ترین موج روزه‌خواری در تاریخ جمهوری اسلامی بودیم».

حبیب‌الله شعبانی موثقی امام جمعه همدان نیز با تأکید بر اینکه «روزه‌خواری و رعایت نکردن حجاب به هر بهانه‌ای خلاف شرع و قوانین کشور است» گفت که «وظیفه حاکمیت اسلامی جلوگیری از تجاهر به روزه‌خواری است و تذکر لسانی نسبت به منکرات بر همگان واجب و تکلیف شرعی است.»

امام جمعه همدان افزوده که «کشف حجاب جرم و از مصادیق تجاهر به گناه است و بر همه مردم واجب است

پیام نوروزی شاهزاده رضا پهلوی: سالی که پیش روست، سال فراتر رفتن از امید و رسیدن به باور است؛ سال در انداختن طرحی نو



هم‌میهنان عزیزم،

فرا رسیدن نوروز، این یادگار ماندگار نیاکان ما را به شما شادباش می‌گویم. نوروز، نمادی از پیوستگی فرهنگی و تاریخی ما ایرانیان است؛ یادآور اینکه از پی سرمای جانسوز و تاریکی زمستان، نور بار دیگر، جان جهان را گرما و روشنایی می‌بخشد.

سالی که گذشت، سالی بود پرفراز و نشیب. شاید در آغاز سال، سرکوب جنایتکارانه‌ی رژیم، و به بار ننشستن فداکاری‌های جاویدنامان خیزش مهسا، برخی از شما را دلسرد کرد. اما با خردمندی و اراده‌ای ملی، پرچم مبارزه را برافراشته نگه داشتید، و در پایان سال، در سیرک انتخابات، شکستی بزرگ را به جمهوری اسلامی و سرکرده‌اش تحمیل کردید، و گامی مهم در راه آزادی میهن برداشتید.

سالی که پیش روست، سال عملگرایی و کوشش و فداکاری دوچندان است؛ سال بالا زدن آستین‌های همت و پیا کردن چکمه‌های استقامت؛ سال عبور از آنها که بخشی از مشکل‌اند و بهم پیوستن آنها که به دنبال حل مشکل‌اند؛ سال فراتر رفتن از امید و رسیدن به باور؛ سال در انداختن طرحی نو.

ما چهل و پنج سال است که در شب بلند زمستانی خود بسر می‌بریم. اما امروز حتی پاسداران ضحاک نیز شمیم نور را حس می‌کنند، و طنین گام‌های رهایی ایران، قلب‌های تیره‌شان را هراسناک ساخته است.

پیام نوروز برای ما روشن است: شب می‌رود و روز می‌آید. تاریکی می‌گذرد و نور، پردیس ایران را دگرباره روشن خواهد کرد و گرما خواهد بخشید.

نوروزتان پیروز!

پاینده ایران



اساسی‌ترین نقص در تحلیل‌ها و انتظارات غرب از رژیم ایران بوده است در جایی که دیگر بازیگران در صحنه جهانی مانند روسیه و چین منافع خود را پیش می‌برند. رضا پهلوی با این استدلال که امید به «وادار کردن رژیم به نشستن پای میز مذاکره واقع‌بینانه نیست»، از رویکرد دوگانه برای اعمال «فشار حداکثری» بر رهبران رژیم ایران انتقاد کرد و گفت، برای تغییر وضعیت فعلی باید از مردم ایران حمایت حداکثری به عمل آورد و به آنها فرصت داد. وی توضیح داد، «مردم ایران آنقدر از نظام به ستوه آمده‌اند که نمی‌توانند چند سال دیگر بنشینند و منتظر بمانند... آنچه برای کمک به آنها مؤثر است دسترسی به اینترنت آزاد و تأمین مالی اعتصابات کارگری است، چنین تلاش‌هایی مستلزم همکاری بین دولت‌های قدرتمند در جهان غرب و منطقه است.»

در بخش دیگری از این مصاحبه شاهزاده رضا پهلوی تأکید کرد، «همیشه گفته‌ام که خط قرمز من، هر نوع مداخله خارجی است، اما ما نیاز به حمایت خارجی داریم.» وی افزود، ۴۵ سال پیش ایران از نظر شکوفایی اقتصادی و مدرنیته یک رهبر منطقه‌ای بود و قرار بوده «ژاپن خاورمیانه» تبدیل شود اما در عوض به «کره شمالی» تبدیل شد. بخشی از صحبت‌های شاهزاده رضا پهلوی در این مصاحبه درباره عملکرد جریان‌ها و گروه‌های مخالف حکومت است. وی در همین ارتباط گفت که همزمان با تلاش برای همگرایی و اتحاد مخالفان در داخل و خارج ایران و همچنین سفرهایش از آمریکا به کشورهای دیگر برای دیدار با مقامات و کارشناسان، امنیت شخصی‌اش «همیشه یک مسئله بوده است» اما قرار داشت در «لیست سیاه رژیم» چیزی نیست که بتوان آن را پنهان کرد.

خبرگزاری کیودو درباره این موضوع ادامه می‌دهد، اما وارث پادشاهی ایران برای انجام «وظیفه میهنی» خود در قبال کشورش می‌گوید، پنهان شدن یک گزینه نیست. او خطرات امنیتی را به عنوان یک واقعیت زندگی می‌پذیرد، اگرچه هرچه تأثیرگذارتر می‌شود، خطرهای علیه وی نیز بیشتر می‌شود. این خبرگزاری ژاپنی همچنین تأکید کرده است، «پهلوی محبوب‌ترین شخصیت مخالف رژیم است» با اینهمه وی می‌گوید به دنبال جایگاه و رهبری در آینده ایران نیست بلکه برای رسیدن تا آن آینده تلاش می‌کند: «من از همان ابتدا به صراحت گفتم که تنها هدف من این است که در ایران یک انتقال قدرت بدون خشونت داشته باشیم تا به یک نظام سکولاردموکراتیک برسیم... اما من این واقعیت را می‌دانم که مردم به من اعتقاد و اعتماد زیادی دارند و به همین دلیل از این سرمایه سیاسی برای مدیریت این انتقال به نفع آنها استفاده می‌کنم تا این روند را رهبری کنم و اطمینان حاصل کنم که در یک روند دموکراتیک مردم فرصت پیدا کنند تا خودشان تعیین‌کننده‌ی آینده باشند.»

شاهزاده رضا پهلوی در مصاحبه با خبرگزاری ژاپنی «کیودو»: تنها راه حلِ ثباتِ خاورمیانه «تغییر رژیم» در ایران است

● شاهزاده رضا پهلوی در مصاحبه با خبرگزاری ژاپنی «کیودو» که ۱۶ مارس (۲۶ اسفندماه) منتشر شد، عنوان کرد «دیپلماسی نمی‌تواند وضعیت فعلی را تغییر دهد، بلکه تنها راه حل این وضعیت آنست که مردم رژیم را تغییر دهند». وی در این مصاحبه بار دیگر تأکید کرده است: «جهان باید به این نتیجه برسد تا وقتی رژیم اسلامی در ایران وجود دارد، مشکلات متعدد برای جهان از بین نخواهد رفت.»

● «مردم ایران آنقدر از نظام به ستوه آمده‌اند که نمی‌توانند چند سال دیگر بنشینند و منتظر بمانند... آنچه برای کمک به آنها مؤثر است دسترسی به اینترنت آزاد و تأمین مالی اعتصابات کارگری است، چنین تلاش‌هایی مستلزم همکاری بین دولت‌های قدرتمند در جهان غرب و منطقه است.»

● خبرگزاری ژاپنی «کیودو» همچنین تأکید کرده است، «پهلوی محبوب‌ترین شخصیت مخالف رژیم است» با اینهمه وی می‌گوید به دنبال جایگاه و رهبری در آینده ایران نیست بلکه برای رسیدن تا آن آینده تلاش می‌کند: «من از همان ابتدا به صراحت گفتم که تنها هدف من این است که در ایران یک انتقال قدرت بدون خشونت داشته باشیم تا به یک نظام سکولاردموکراتیک برسیم... اما من این واقعیت را می‌دانم که مردم به من اعتقاد و اعتماد زیادی دارند و به همین دلیل از این سرمایه سیاسی برای مدیریت این انتقال به نفع آنها استفاده می‌کنم تا این روند را رهبری کنم و اطمینان حاصل کنم که در یک روند دموکراتیک مردم فرصت پیدا کنند تا خودشان تعیین‌کننده‌ی آینده باشند.»

شاهزاده رضا پهلوی در مصاحبه با خبرگزاری ژاپنی «کیودو» که ۱۶ مارس (۲۶ اسفندماه) منتشر شد، عنوان کرد «دیپلماسی نمی‌تواند وضعیت فعلی را تغییر دهد، بلکه تنها راه حل این وضعیت آن است که مردم رژیم را تغییر دهند.» این خبرگزاری می‌نویسد، رضا پهلوی ۶۳ ساله که تا انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ و ولیعهد ایران بود، تلاش‌های خود را برای ایجاد دموکراسی سکولار در کشورش افزایش داده و تأکید می‌کند که تغییر رهبری در ایران تنها راه ثبات در خاورمیانه و فراتر از آن است.

شاهزاده رضا پهلوی در این مصاحبه تأکید کرده، «جهان باید به این نتیجه برسد تا وقتی رژیم اسلامی در ایران وجود دارد، مشکلات متعدد برای جهان از بین نخواهد رفت.»

وی معتقد است اولین گام برای حل مشکلات منطقه از جمله پایان دادن به حمایت جمهوری اسلامی از شبه‌نظامیان، سرکوب حقوق بشر و تهدیدات هسته‌ای اینست که دولت‌های غربی رویکرد خود را در قبال رژیم ایران تغییر دهند. او در همین ارتباط می‌گوید: «تا آنجا که به غرب مربوط می‌شود، تنها گزینه این است که در نهایت بفهمیم که راه حل، تغییر رژیم است و نه تغییر رفتار رژیم... این

واکنش کاربران در شبکه‌های اجتماعی به تبریک نوروزی مقامات آمریکایی؛ «دولت بایدن باید سمت مردم ایران بایستد نه ملاها»

از خودش و همکاریانش کنار «سفره هفت سین» در در شبکه اجتماعی «ایکس» نوشت: «برای همه کسانی که رسیدن بهار و آغاز دوباره را جشن می‌گیرند، نوروز خجسته‌ای را آرزو می‌کنیم. باشد که پیوندهای خانوادگی و نوید فردایی روشن‌تر را گرامی بداریم.»

از دیگر مقام‌های ایالات متحده که نوروز را به ایرانی‌ها تبریک گفته‌اند، آبرام پیلی معاون نماینده ویژه آمریکا در امور ایران است. وی در ویدئویی عنوان کرد، «ایران منابع عظیم طبیعی و استعداد‌های شگرف انسانی دارد اما رژیم ایران همچنان از طریق فساد و سوءمدیریت این موهبت‌ها را به هدر می‌دهد.»

معاون نماینده ویژه آمریکا در امور ایران تأکید کرد: «آمریکا به حمایت از شما و آرمان شما برای یک ایران آزاد و دموکراتیک ادامه خواهد داد.»

امی گوتهام سفیر آمریکا در آلمان با انتشار تصویری از سفره هفت‌سین سالی پر از برکت» را آرزو کرد. گفت: «ما به ویژه زنان کشورهایی مانند ایران و افغانستان را که برای حقوق خود مبارزه می‌کنند، به رسمیت می‌شناسیم. ما شما را می‌بینیم، می‌شنویم و قدرت و شجاعت شما را می‌ستاییم... نوروز مبارک.»

گفت: «عید شما مبارک، سال خوبی را برای شما آرزو مندیم.» در متن پیام رسمی بایدن به مناسبت سال نو باستانی آمده «امسال، نوروز در زمانی دشوار برای بسیاری از مردم فرا می‌رسد زمانی که بیش از هر زمان دیگری به امید نیاز است و ایالات متحده علاوه بر اینکه همچنان در کنار زنان شجاع و آزادیخواه ایرانی خواهد ایستاد، به همراه شرکای خود، مقامات جمهوری اسلامی را نیز در قبال نادیده گرفتن حقوق بشر بنیادین مردم ایران پاسخگو خواهد کرد.»

رئیس جمهوری آمریکا در ادامه پیام نوروزی خود افزود، «نوروز امسال در حالی فرا رسیده است که جنگ در غزه نیز رنج وحشتناکی را بر مردم فلسطین تحمیل کرده و ما همچنان به رهبری بین‌المللی برای رساندن کمک‌های بشردوستانه بیشتر به آنها از جمله غذا، آب، دارو و سرپناه مورد نیاز فوری ادامه خواهیم داد.»

وی همچنین خاطرنشان کرد: «ما سفره هفت‌سین خود را در کاخ سفید تزئین کرده‌ایم تا امیدها، ظرفیت و نوید سال نو را منعکس کند و همانطور که شروع بهار را جشن می‌گیریم، به جوامع مهاجر متنوع در سراسر کشورمان که سنت‌های قدیمی را برای روایت داستان مداوم آمریکا

مقامات عالی رتبه آمریکا در پیام‌هایی جداگانه فرا رسیدن سال نو را به ایرانیان و همه کسانی که نوروز را جشن می‌گیرند تبریک گفته و اعلام کردند که «ایالات متحده همچنان در کنار زنان شجاع ایران که برای آزادی‌های خود مبارزه می‌کنند، خواهد ایستاد.»

آبرام پیلی معاون نماینده ویژه آمریکا در امور ایران در ویدئویی عنوان کرد، «ایران منابع عظیم طبیعی و استعداد‌های شگرف انسانی دارد اما رژیم ایران همچنان از طریق فساد و سوءمدیریت این موهبت‌ها را به هدر می‌دهد.» وی تأکید کرد: «آمریکا به حمایت از شما و آرمان شما برای یک ایران آزاد و دموکراتیک ادامه خواهد داد.»

امی گوتهام سفیر آمریکا در آلمان با انتشار تصویری از سفره هفت‌سین سالی پر از برکت» آرزو کرد و گفت: «ما به ویژه زنان کشورهایی مانند ایران و افغانستان را که برای حقوق خود مبارزه می‌کنند، به رسمیت می‌شناسیم. ما شما را می‌بینیم، می‌شنویم و قدرت و شجاعت شما را می‌ستاییم... نوروز مبارک.»

مقامات عالی رتبه آمریکا در پیام‌هایی جداگانه از طریق شبکه‌های اجتماعی فرا رسیدن سال نو را به ایرانیان و همه



می‌ستاییم... نوروز مبارک.» ستاد فرماندهی مرکزی آمریکا در منطقه (سنتکام) نیز از طریق اکانت «ایکس» نوروز را به ایرانی‌ها تبریک گفت. اگرچه مقامات آمریکایی در تبریک‌های نوروزی مدعی شده‌اند که کنار مردم ایران ایستاده‌اند اما تقریباً اغلب کاربران در صفحات اجتماعی از جمله اینستاگرام و توییتر در جملاتی متفاوت اما با مضامین تقریباً مشترک به سیاست‌های دولت بایدن در قبال جمهوری اسلامی اعتراض کرده و آن را «مماشات با ملاها» می‌دانند. بسیاری از مردم ضمن تشکر از مقامات آمریکایی تأکید کرده‌اند که آنها باید بر اساس آنچه ادعا می‌کنند کنار مردم ایران بایستند نه کنار ملاها.

دوباره تطبیق داده‌اند، احترام می‌گذاریم و حالا که نسل‌های آمریکایی امید این عید را در سراسر ایالات متحده گسترانده‌اند، این امید را در شیرینی‌ها و هدایایی که بین خانواده و دوستان رد و بدل می‌شود، می‌بینیم. در صدای کوبیدن قابلمه‌های کودکان و در خنده‌های خانواده‌هایی که در کنار سفره هفت‌سین جمع شده‌اند، می‌شنویم و آن را حس می‌کنیم. نوروز جشنی است که روح ملی ما را منعکس می‌کند و به ما یادآوری می‌کند که امید در پیش است.» علاوه بر جو بایدن سایر مقامات آمریکا از جمله کامالا هریس معاون رئیس جمهور و آنتونی بلینکن وزیر خارجه آمریکا نیز نوروز را تبریک گفتند. بلینکن با انتشار تصویری

کسانی که نوروز را جشن می‌گیرند تبریک گفتند؛ مردم نیز از فرصت استفاده کردند و انتقاد و اعتراض خود از مماشات دولت بایدن با جمهوری اسلامی را ابراز می‌کنند. جو بایدن رئیس جمهوری ایالات متحده سه‌شنبه ۱۹ مارس (۲۹ اسفندماه) به همراه همسرش جیل بایدن مناسبت فرا رسیدن نوروز را به ایرانی‌ها تبریک گفت و ادعا کرد، «ایالات متحده همچنان در کنار زنان شجاع ایران که برای آزادی‌های خود مبارزه می‌کنند، خواهد ایستاد.» بایدن اشاره کرد که در کاخ سفید «سفره هفت‌سین» چیده شده و نوروز را «زمانی برای تأمل، تجدید و تولد دوباره» خواند و خطاب به همه کسانی که این روز را جشن می‌گیرند

آمریکا، فرانسه و ایتالیا اصلی‌ترین تأمین‌کنندگان تسلیحات خاورمیانه؛ عربستان و قطر بزرگترین واردکننده تسلیحات



عربستان و قطر دو واردکننده عمده تسلیحات آمریکایی و فرانسوی هستند

سیمون ویزمان پژوهشگر ارشد انتقال تسلیحات در «سپیری» می‌گوید: «شکی وجود ندارد که سطوح بالای پایدار واردات تسلیحات توسط ژاپن و سایر متحدان و شرکای ایالات متحده در آسیا و اقیانوسیه عمدتاً ناشی از یک عامل کلیدی است: نگرانی در مورد جاه‌طلبی‌های چین. برنامه ایالات متحده آمریکا که تصویری مشابه آنها از تهدیدات چین دارد، تأمین‌کننده در حال رشد برای منطقه است.»

واردات سلاح در خاورمیانه

خاورمیانه حجم بالایی از تسلیحات به ویژه از آمریکا و اروپا را وارد می‌کند. برآوردها نشان می‌دهد ۳۰ درصد صادرات تسلیحات بین‌المللی در سال ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۳ با خاورمیانه انجام شد. سه کشور خاورمیانه در بین ۱۰ واردکننده برتر در این دوره بودند: عربستان سعودی، قطر و مصر. عربستان سعودی با دریافت ۸/۴ درصد از واردات تسلیحات جهانی در این دوره، دومین واردکننده بزرگ تسلیحات در جهان شده است. قطر واردات تسلیحات خود را تقریباً چهار برابر (۳۹۶ درصد) افزایش داده و به سومین واردکننده بزرگ سلاح در جهان در سال‌های ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۳ تبدیل شده است. عمده تسلیحات واردکنندگان خاورمیانه توسط ایالات متحده آمریکا تأمین شده که حدود ۵۲ درصد است؛ پس از آن فرانسه (۱۲ درصد)، ایتالیا (۱۰ درصد) و آلمان (۷/۱ درصد) بیشترین صادرات تسلیحات را به خاورمیانه داشته‌اند.

زین حسین محقق در «سپیری» می‌گوید: «با وجود کاهش واردات تسلیحات به خاورمیانه، این واردات در برخی کشورها همچنان بالاست که عمدتاً ناشی از درگیری‌ها و تنش‌های منطقه‌ای است. تسلیحات عمده وارداتی در ۱۰ سال گذشته بطور گسترده در درگیری‌های منطقه از جمله غزه، لبنان و یمن استفاده شده است. برخی کشورهای منطقه خلیج فارس حجم زیادی تسلیحات را برای استفاده علیه حوثی‌ها در یمن و مقابله با نفوذ [رژیم] ایران وارد کرده‌اند.»

کشورهای اروپایی بین سال‌های ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۳ حدود ۹۴ درصد بیشتر از سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۸ بوده است. پس از اینکه دست‌کم ۳۰ کشور از فوریه ۲۰۲۲ تسلیحات عمده‌ای را به عنوان کمک نظامی به اوکراین ارائه کردند، اوکراین به بزرگترین واردکننده تسلیحات اروپایی بین سال‌های ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۳ تبدیل شد. در دوره اخیر، حدود ۵۵ درصد واردات تسلیحات توسط کشورهای اروپایی از آمریکا بود که در مقایسه با سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۸ حدود ۳۵ درصد افزایش پیدا کرد. بعد از آمریکا دو کشور آلمان و فرانسه بزرگترین تأمین‌کنندگان تسلیحات در اروپا بوده‌اند که به ترتیب ۶/۴ درصد و ۴/۶ درصد واردات را به خود اختصاص داده‌اند.

به گفته پیتر ویزمن محقق ارشد برنامه انتقال تسلیحات SIPRI طی دو سال گذشته تقاضا برای دریافت سیستم‌های دفاع هوایی در اروپا به دلیل نگرانی از حملات هوایی روسیه رو به افزایش است.

طبق گزارش «سپیرین»، در حال حاضر هند به بزرگترین واردکننده تسلیحات در جهان تبدیل شده است. برای اولین بار در ۲۵ سال گذشته، ایالات متحده بزرگترین تأمین‌کننده تسلیحات در آسیا و اقیانوسیه بود. ایالات متحده ۳۴ درصد از واردات تسلیحات توسط کشورهای این منطقه را به خود اختصاص داده است، در حالی که روسیه ۱۹ درصد و چین ۱۳ درصد صادرات به این کشورها دارند.

واردات تسلیحات هند بین سال‌های ۲۰۱۴-۲۰۱۸ در مقایسه با ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۳ حدود ۴/۷ درصد افزایش یافته است. اما پاکستان نیز ۴۳ درصد واردات تسلیحات خود را افزایش داد و پنجمین واردکننده سلاح در سال‌های ۲۰۱۹-۲۰۲۳ تبدیل شد. چین تأمین‌کننده ۸۲ درصد از تسلیحات پاکستان بود. واردات تسلیحات به ژاپن ۱۵۵ درصد و کره جنوبی ۶/۵ درصد افزایش یافته است اما واردات تسلیحات چین تا ۴۴ درصد کاهش یافت، که عمدتاً در نتیجه جایگزینی تسلیحات تولید داخلی و مونتاژ است.

● مؤسسه بین‌المللی مطالعات صلح استکهلم (SIPRI) گزارش داد، هندوستان، عربستان سعودی، قطر، اوکراین و پاکستان به ترتیب در بالاترین رده فهرست واردات کنندگان تسلیحات از سال ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۳ قرار دارند.

● خاورمیانه حجم بالایی از تسلیحات به ویژه از آمریکا و اروپا وارد می‌کند. برآوردها نشان می‌دهد ۳۰ درصد صادرات تسلیحات بین‌المللی در سال ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۳ به خاورمیانه انجام شد. سه کشور خاورمیانه در بین ۱۰ واردکننده برتر در این دوره بوده‌اند: عربستان سعودی، قطر و مصر.

● مؤسسه بین‌المللی مطالعات صلح استکهلم (SIPRI) گزارش داد، هندوستان، عربستان سعودی، قطر، اوکراین و پاکستان به ترتیب در بالاترین رده فهرست واردات کنندگان تسلیحات از سال ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۳ قرار دارند. بر اساس این گزارش، حدود ۵۵ درصد از واردات سلاح توسط کشورهای اروپایی از سال ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۳ توسط ایالات متحده تأمین شده که در مقایسه با سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۸ حدود ۳۵ درصد افزایش داشته است.

ماتیو جرج مدیر برنامه انتقال تسلیحات SIPRI می‌گوید «ایالات متحده نقش بین‌المللی خود را به عنوان یک تأمین‌کننده تسلیحات افزایش داده است که یکی از جنبه‌های مهم سیاست خارجی آن است... این روند درست در زمانی اتفاق می‌افتد که سلطه اقتصادی و ژئوپلیتیک ایالات متحده توسط قدرت‌های نوظهور به چالش کشیده شده است.»

صادرات تسلیحات فرانسه بین سال‌های ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۳ در مقایسه با صادرات این کشور بین سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۸ به میزان ۴۷ درصد افزایش پیدا کرده است.

در این مدت حدود ۴۲ درصد صادرات تسلیحاتی فرانسه به کشورهای آسیایی و اقیانوسیه و حدود ۳۴ درصد به کشورهای خاورمیانه اختصاص داشته است. هند بزرگترین دریافت‌کننده صادرات تسلیحات فرانسه است و ۳۰ درصد تسلیحات خود را از این کشور اروپایی تأمین کرده. افزایش صادرات تسلیحات فرانسه عمدتاً به دلیل تحویل هواپیماهای جنگی به هند، قطر و مصر بوده است. کاتارینا جوکیچ محقق مؤسسه SIPRI می‌گوید «فرانسه از فرصت تقاضای قوی جهانی برای تقویت صنعت تسلیحات خود از طریق صادرات استفاده می‌کند. فرانسه به ویژه در فروش هواپیماهای جنگی خود در خارج از اروپا موفق بوده است.» اما صادرات تسلیحات روسیه بین سال‌های ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۳ در مقایسه با سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۸ تا ۵۳ درصد کاهش یافت که طی نیم قرن گذشته بی‌سابقه بوده است. روسیه تا پیش از حمله به اوکراین به ۳۱ کشور تسلیحات صادر می‌کرد، اما در سال ۲۰۲۳ تنها به ۱۲ کشور صادرات داشت. کشورهای اقیانوسیه با ۶۸ درصد بیشترین واردکننده سلاح از روسیه هستند. پس از آن هند با ۲۴ درصد و چین با ۲۱ درصد بزرگترین خریداران تسلیحات روسی‌اند.

پس از ایالات متحده آمریکا، فرانسه و روسیه، کشورهای ایتالیا (با ۸۶ درصد) و کره جنوبی (۱۲ درصد) اصلی‌ترین صادرکنندگان سلاح و مهمات بوده‌اند. بررسی‌ها نشان می‌دهد صادرات سلاح چین ۵/۳ درصد، آلمان ۱۴ درصد، بریتانیا ۱۴ درصد، اسپانیا ۳/۳ درصد و اسرائیل ۲۵ درصد کاهش یافته است.

افزایش گسترده واردات اسلحه به اروپا

بر اساس گزارش مؤسسه «سپیری» واردات تسلیحات توسط

نشست نکوداشت رضاشاه بزرگ؛ رضاشاه حافظ مشروطه شد و مردم با «رضاشاه روحت شاد» خدمات او را ارج می‌نهند



مذهبیون و خرافیون حاکم بر آن بازگرداند، با پایه‌گذاری مراکز علمی، زنان را از بند حجاب هزار و اندی ساله آزاد کرد؛ پس از رفتن ایشان و کوچ اجباری‌شان هم پسر خردمند ایشان محمدرضا شاه پهلوی توانستند چرخه ایران نوین را باز به حرکت درآورد. در دوران پادشاهی محمدرضا شاه پهلوی، در کنار هزاران آبادانی اقتصادی و اجتماعی که در زمان ایشان اجرا شد، رسیدن به دروازه‌های تمدنی که از آن یاد می‌کردند تحصیل علم و معرفت و دوراندیشی برای پایه‌ریزی برنامه‌های اقتصادی بود که ما را از بند وابستگی به بیگانه‌ها رها کند.»

به گفته دکتر حمیدی «شاهزاده رضا پهلوی در «پیمان نوین» یادآور این مهم بودند که برای آزادی سرزمین‌مان ایران باید با یک باور جمعی بر پایه قانون و حفظ تمامیت ارضی میهن‌مان با آزادی سرزمین‌مان صلح و سلامتی را برای جهان به ارمغان آوریم.»

سخنران دوم این همایش عرفان قانعی‌فرد تحلیلگر خاورمیانه و پژوهشگر تاریخ ایران، سخنانش را درباره تقابل سنت مذهبی و مدرنیته رضاشاه آغاز کرد.

وی به خیانت امثال سلمان فارسی‌ها و شکست امپراتوری تمدن بزرگ ایران از اعراب و شروع تاریخ مملو از جنایت و خیانت حکومت‌های اسلامی در ایران اشاره کرد و گفت: «پس از ماجرای کریلا و عاشورا آخوند با صحبت‌های جگرسوز در تاریخ ما شروع به کار کرد؛ با فلسفه آخوندیسم و مردم متعصب خرافه و شایعه‌باور هم پذیرای این قشر شدند، در طی ۱۴ قرن اخیر مردم ایران شدند تعزیه‌گردان و عزادار با ذهنیتی مملو از خرافات مذهبی که شاید قرن‌ها طول بکشد که این ذهنیت را پاک کنیم.»

این پژوهشگر به سلاطین صفویه اشاره کرد که «بدون مشورت آخوند، هیچ کاری انجام نمی‌دادند تا اینکه در اواخر صفویه کشور به سمت هرج و مرج رفت و ۲۳۵ سال این جریان ادامه یافت تا مردی وطن‌پرست به نام

اسفند ۱۴۰۲ همایش ۱۴۶ سال افتخار و نکوداشت زادروز رضاشاه بزرگ در جنوب کالیفرنیا، برنامه‌ای از «بنیاد تاج» و «بنیاد میراث پهلوی» برگزار شد.

در این نشست، امیر حمیدی کارشناس بین‌المللی در مسائل امنیت ملی و تروریسم جهانی، عرفان قانعی‌فرد تحلیلگر خاورمیانه و پژوهشگر تاریخ ایران، امین سوفیامهر پژوهشگر فلسفه سیاسی و روابط بین‌الملل و وحید بهمن دانش‌آموخته و پژوهشگر تاریخ شرکت داشته و سخنانی در ارتباط با نقش رضاشاه بزرگ در تاریخ معاصر کشور ایراد کردند.

نگار کرامتی مجری برنامه از سخنران اول دکتر امیر حمیدی کارشناس بین‌المللی در مسائل امنیت ملی و تروریسم جهانی دعوت به سخنرانی کرد. او در آغاز سخنان خود به این موضوع پرداخت که چرا پرداختن به رضاشاه و گرمی داشتن وی اهمیت دارد.

به گفته این پژوهشگر، «۲۴ اسفند ماه زادروز رضا شاه بزرگ سرسلسله پهلوی به دلیل تاثیر دلآوری‌ها و عملکرد ارزنده این پادشاه نزد ملت ایران روزی ویژه و قابل احترام است. از طرف دیگر این سرباز خلف ایران در مقطع خاصی با رای مجلس، زمام امور مملکتی را با نام شاه ایران عهده‌دار شد و می‌بینیم حتی چندین نسل بعد هم با آگاهی از حقیقت تاریخی که بر ما رفته نیک می‌دانند که ناجی ایران آن روز و ماندگاریش با نام ایران جوادان بر روی نقشه جغرافیایی بدون شک حضور مستمر او بوده؛ رضا شاه بزرگ ایرانی را که می‌رفت با زمامداری قاجار در قعر فراموشی و تنگدستی نابود شود با خردمندی و حس میهن‌پرستانه خود بازسازی کرد و حتی از منصوبین و رجل قاجار هم برای این مهم دعوت کرد و دنیا را با ۱۶ سال زمامداری خود مات و مبهوت نمود.»

سخنران به خدمات و قوانینی که در زمان رضاشاه ارائه شد نیز اشاره کرد و توضیح داد: «رضاشاه قانون را به ایران اسیر

● دکتر امیر حمیدی: رضا شاه بزرگ ایرانی را که می‌رفت با زمامداری قاجار در قعر فراموشی و تنگدستی نابود شود با خردمندی و حس میهن‌پرستانه خود بازسازی کرد و حتی از منصوبین و رجل قاجار هم برای این مهم دعوت کرد.

● عرفان قانعی‌فرد: رضاشاه مانند پادشاه انگلستان از کشیش کمک نگرفت که تاج بر سرش بگذارد، خود تاج را بر سر خویش گذاشت، رضاشاه برخلاف ادعای روشنفکران چپ‌زده، انگلیسی‌ها حامی او نبودند، اگر انگلیسی‌ها حامی رضا شاه بودند اولین کاری که می‌کرد ملا را تعطیل می‌کرد، روس‌ها هم نفرتی عمیق از رضاشاه داشتند به خاطر از بین بردن پسیان و میرزا کوچک جنگلی؛ انگلیسی‌ها هم از او نفرت داشتند به خاطر از بین بردن شیخ خزعل... رضاشاه ۷۳ سال منتظر قضاوت مردم ایران ماند تا اینکه در تظاهرات ۹۶ در مشهد شعار مردم‌گرایانه و هوشمندانه شعار «رضاشاه روحت شاد» به گوش همگان رسید.

● دکتر امین سوفیامهر: در تاریخ اروپا مشروطه زمانی ظهور می‌کند که دولت‌ها در اوج قدرت خود هستند ولی مشروطیت در ایران زمانی ظهور می‌کند که سازمان و سامان دولت بسیار تضعیف شده... اهمیت رضاشاه در این است که این ضعف را درک می‌کند و پاسخ به این ضرورت تاریخی می‌دهد که مشروطه آغازین ایران نیازمند داشتن قوه مجریه قوی و دولت نیرومند است... رضاشاه نه تنها تعطیل‌کننده مشروطه نبود، بلکه معمار ایجاد ساختار توسعه سیاسی در ایران است.

● وحید بهمن: بزرگ‌ترین حرکت رضاشاه در مقابل منافع انگلیسی‌ها مقابله با شیخ خزعل بود که مستقیم از طرف دولت انگلیس حمایت می‌شد، در مورد تمامیت ارضی وضعیت ایران بسیار بغرنج بود، خان‌های محلی که مستقیم با دولت‌های خارجی قرارداد می‌بستند، رضاشاه پای آنها را جمع کرد.

فیروزه نوردستروم- روز شنبه ۱۶ مارس ۲۰۲۴ برابر با ۲۶

«نادرشاه» ظهور کرد و ایران را از آن ورطه نجات داد. بعد از ۶۰ سال دوره نادری و ۴۰ سال دوره زندیه قاجارها با کمک ملایان شیعه به قدرت رسیدند، این داستان ادامه پیدا کرد تا رضاشاه، سردار دلیر و وطن‌پرست وارد کشو شد، دارالسلطنه قاجاری با قبه‌های عالم و حرمسراهای همایونی را تعطیل کرد و دوران اهرمینی ملا و جعلیات‌شان به پایان رسید، حتی ملا با روس ساخت برای اینکه حرم امام هشتم‌شان را هم توپ‌باران کنند، ملا به دنبال این بود که در قدرت باشد، در این احوال پریشان رضاشاه پهلوی سرباز وطن ظهور کرد که به معنای تجدید حیات ایران بود، مردی که با مرارت، ایران را ساخت و هیچ توجهی به ناسزاگویی مخالفانش نداشت. رضاشاه در آرزوی ایران مترقی بود، ایران ازهم‌گسیخته را دوباره احیا کرد. به قول علی دشتی در روزنامه وطن، ایشان «پدر وطن» بود.»

به گفته قانع‌ی فرد، در آبان ۱۳۰۴ که قاجار منقرض شد و سلسله ایرانساز پهلوی در ۲۵ آذر ۱۳۰۴ شروع و در ۴ اردیبهشت ۱۳۰۵ مراسم تاجگذاری برگزار شد، رضاشاه مانند پادشاه انگلستان از کشیش کمک نگرفت که تاج بر سرش بگذارد، خود تاج را بر سر خویش گذاشت، رضاشاه برخلاف ادعای روشنفکران چپ‌زده، انگلیسی‌ها حامی او نبودند، اگر انگلیسی‌ها حامی رضا شاه بودند اولین کاری که می‌کرد ملا را تعطیل نمی‌کرد، روس‌ها هم نفرتی عمیق از رضاشاه داشتند به خاطر از بین بردن پسیان و میرزا کوچک جنگلی؛ انگلیسی‌ها هم از او نفرت داشتند به خاطر از بین بردن شیخ خزعل.»

این پژوهشگر با اشاره به اینکه رضاشاه مشابه نادر، بساط ملایان را جمع کرد و تمامیت ارضی ایران را نجات داد تاکید کرد: «ملی‌گرایی رضاشاه نکته‌ای بود که آغاز مدرنیته و تحکیم قدرت مرکزی و توسعه‌گرایی بود، ملاها از هر فتنه‌ای علیه ایشان استفاده کردند، شیخ بهلول در قبر رضا در مشهد تحصن کرد، ملا فتنه مسجد گوهرشاد را درست کرد؛ هرچند رضاشاه خداپاوار بود ولی بیشتر به انسانیت و ایرانیت اعتقاد داشت.» عرفان قانع‌ی فرد با تاکید بر اینکه رضاشاه می‌دانست ملا دغدغه ایران را ندارد اضافه کرد: «در طی ۱۵ سال دوران شاهنشاهی رضاشاه، با انجام ۳ کار مهم یعنی تاسیس کنگره فردوسی، فرهنگستان و دانشگاه تهران به جنگ ملا رفت و فرهنگ و دانش را در ایران همگانی کرد. علاوه بر اینکه قضاوت و فرهنگ را از چنگ ملا درآورد. در ۱۳۲۰ ایران اعلام بی‌طرفی کرد، جاسوس‌های طرفدار روس و انگلیس پشت رضاشاه را خالی کردند و سرنوشت کشور را به دولتمردی چون فروغی سپرد تا اینکه در ۵ مهر ۱۳۲۰ خاک ایران را ترک کرد.»

وی ادامه داد: «در ۱۰ مهر شوری در سفارت شوروی حزب توده را درست کرد کاشانی از تبعید برگشت، مجمع مسلمانان مجاهدین اسلام، سازمان تروریستی فداییان اسلام را درست کردند. از ترور احمد کسروی شروع کردند بعد چند نخست وزیر، همانطور که نادر ملا را به عقب راند رضاشاه توانست ملا را از عرصه حذف کند، حیات سیاسی را از چپ بگیرد و اندیشه وطن‌پرستی را در ایران ترویج دهد اما آخوند و ملا به دنبال این بود که هر حرکتی را که ملی‌گرایی باشد پوچ کند. همان کاری که الان در همین روزگار دارند انجام می‌دهند؛ رضاشاه مثل کنفدراسیون وطن‌فروش نبود و به آغوش آمریکا نرفت، با خروج رضاشاه انگلستان تمایلی به پادشاهی پهلوی نداشت می‌خواستند انتقام ۲۰ سال بی‌اعتنایی رضاشاه را بگیرند، رضاشاه ۷۳ سال منتظر قضاوت مردم ایران ماند تا اینکه در تظاهرات ۹۶ در مشهد شعار مردم‌گرایانه و هوشمندانه شعار «رضاشاه روح‌ت شاد» به گوش همگان رسید. این شعار به معنای عبور از ۵۷ بی‌وطنی و ملاست؛ استراتژی پیش رو

برای نجات ایران.»

سخنران سوم امین سوفیامهر پژوهشگر فلسفه سیاسی و روابط بین‌الملل، سخنان خود را با موضوع «رضاشاه، حافظ مشروطه» آغاز کرد.

وی با بیان اینکه رضاشاه یکی از ناشناخته‌ترین شخصیت‌های تاریخ معاصر ایران است گفت: «نه به دلیل نبود مدارک و مستندات در مورد رضاشاه بلکه نفوذ نوعی بدآگاهی؛ برخی تاریخ‌نگاران ما، در غیاب منطق سیاسی تاریخ معاصر ایران را نوشتند از همین زاویه رضاشاه زیر انبوهی از بدآگاهی‌ها مدفون شده و امیدوارم این احیای نام رضاشاه، باعث شود تمام دژآگاهی‌ها بطور اخص در مورد رضاشاه و بطور عام در مورد تاریخ معاصر زوده شود. یکی از این بدآگاهی‌ها این بود که رضاشاه با ورودش باعث شد مشروطیت در ایران تعطیل شود و او نوعی دیکتاتوری در ایران پایه‌گذاری کرد و اگر رضاشاه بر سر کار نمی‌آمد مشروطه ایران کامیاب می‌شد.»

وی به مقایسه تاریخ مشروطیت در اروپا و ایران پرداخت و توضیح داد: «در تاریخ اروپا مشروطه زمانی ظهور می‌کند که دولت‌ها در اوج قدرت خود هستند ولی مشروطیت در ایران زمانی ظهور می‌کند که سازمان و سامان دولت بسیار تضعیف شده و بسیاری از نخبگان آن زمان ایران تصور می‌کنند که تضعیف تاریخی ایران برمی‌گردد به فقدان یک نظام حقوقی و اینکه پادشاه باید «مبسوط‌الید» [دست باز] باشد و بنا بر اراده و هوا و هوس خود هر تصمیمی بگیرد. برای اینکه بر این مشکل فائق شوند راه حل نخبگان مشروطه شدن کشور و محدود شدن قدرت پادشاه بود در صورتی که در ایران آن زمان پادشاهان ایران، روی کاغذ قدرت نامحدودی داشتند اما در عمل حتی پادشاهان قاجار نمی‌توانستند اعمال قدرت کنند مثلا بر روی شیخ خزعل. این آخوندها بودند که از طریق محاکم شرعی حکومت می‌کنند، در عمل پادشاه هیچ قدرتی نداشت منتهی راه حل نخبگان مشروطه‌خواه این است که پادشاه نباید مَبسوط‌الید باشد این موضوع قابل دفاع از لحاظ نظری است از نظر مصلحت سیاسی مشکل بر سر نبود دولت نیرومند در ایران است و وقتی رضاشاه ظهور می‌کند پاسخ به این ضرورت تاریخی می‌دهد که مشروطه آغازین ایران نیازمند داشتن قوه مجریه قوی و دولت نیرومند است.»

به گفته وی، «اهمیت رضاشاه در این است که ضعف مشروطه آغازین را با درایت خود درک می‌کند. تا زمان برآمدن سردار سپه سرخوردگی‌های زیادی میان مشروطه‌خواهان به وجود آمد، کشور هنوز ناامن است. مشروطه روی کاغذ اجرا شده از دوره ۱۵ ساله که اولین دوره مجلس شورای ملی برقرار می‌شود تا زمان برآمدن سردار سپه فقط سه دوره مجلس برقرار می‌شود با ورود رضاشاه مجلس شورای ملی دوران فترت خود را می‌گذراند، قوه مقننه در فقدان قوه مجریه قوی امکان تداوم ندارد. اهمیت کار رضاشاه این بود که قوه مجریه نیرومند، حافظ دادگستری و قوه مقننه یعنی قانونگذاری را به ایران اعطا کرد. بسیاری از طرفداران مشروطه‌خواه و طرفداران رضاشاه نسبت به این تحول عظیم که رضاشاه انجام داد چندان عنایت کافی نشان نمی‌دهند.»

سوفیامهر به تاسیس دولت مدرن و بدآگاهی‌های موجود دیگر نسبت به نظم رضاشاه اشاره کرد و توضیح داد: «ملت و دولت ایران پیش از رضاشاه وجود داشت؛ منتها سازمان دولت پیش از برآمدن رضاشاه سست بود و رضاشاه اینها را تقویت می‌کند و دست به یک نوآوری در مفهوم ملت دست می‌زند. بنابراین نه تنها رضاشاه تعطیل‌کننده مشروطه نبود، بلکه معمار ایجاد ساختار توسعه سیاسی در ایران است.

رضاشاه با دولت مقتداری که ایجاد کرد زیرساخت‌های توسعه سیاسی در ایران را به وجود آورد، به گونه‌ای که هیچکس پس از رضاشاه نتوانست این کار را انجام دهد. آنچه با حکومت رضاشاه تقویت شد حکومت قانون بود، دادگستری مدرن از ارکان حکومت قانون است، نظام قانونی جدید و دادگستری را رضاشاه ایجاد کرد، یکی از ارکان نظام‌های جدید دارای آزادی نظام مالیاتی است. مسئله دیگر نظام آموزشی مدرن که محور توسعه سیاسی است؛ آزادی زنان و کشف حجاب یکی از عناصر توسعه انسانی است؛ کاری که رضاشاه در مورد حقوق زنان انجام داد از بین بردن دوگانه اندرونی و بیرونی بود، بنابراین رضاشاه نه تنها مشروطیت را در ایران تعطیل نکرد بلکه برقرارکننده حکومت قانون و بنیانگذار معیار ساختار توسعه سیاسی در ایران بود.»

سخنران چهارم این همایش وحید بهمن دانش‌آموخته و پژوهشگر تاریخ سخنان خود را درباره برآمدن رضاشاه در سپهر سیاسی ایران آغاز کرد.

وی رضاشاه را یکی از مهم‌ترین پادشاهان کل تاریخ ایران دانست و اضافه کرد: «در فاصله ۱۲۸۵ و ۱۴۰۰ خورشیدی که می‌بایست شش هفت مجلس داشته باشیم فقط سه مجلس تشکیل شد. مجلس اول به توپ بسته شد، مجلس دوم تحت فشار و به فرمان روس‌ها منحل شد، مجلس سوم هم به همین سرنوشت دچار شد، کشور تحت اشغال نیروهای روسیه و انگلیس بود، بیماری همه جا را فرا گرفته بود، نیروی مرکزی ما به شهری و چند شهر اطراف تهران محدود شده بود و عملاً هیچ اراده حاکمیتی در مناطق جنوبی، شمال غرب و جنوب غرب حتی شرق ایران در خراسان نداشتیم.»

به گفته وحید بهمن «رضاشاه قبل از شناختن آبرونساید و سید ضیا به فکر ایران بود؛ حرکت رضاشاه در خیزش ملی ۳ اسفند ۱۲۹۹ کودتا نیست، حرکت رضاشاه شاخه روشن سیاسی داشت، کودتا با جنگ و خونریزی همراه است در حالی که حرکت رضاشاه بدون جنگ و خونریزی همراه بود. فدای سه اسفند ۱۲۹۹ در اعلامیه رضاشاه امضا می‌کند به هیچ عنوان حمایت خارجی وجود ندارد، هرچه سند است شکایت سفرای انگلیس هست از بی‌اعتنایی و کارشکنی‌های رضا شاه نسبت به منافع انگلیس برای انجام اقداماتی چون لغو انحصار ننگین چاپ اسکناس ایران و ارائه آن به بانک ملی ایران، لغو قرارداد دارسی؛ در جریان قرارداد ۱۹۳۳ تلاش می‌کند سهم و منافع ایران را بیشتر رعایت کند.»

وحید بهمن همچنین به فرمان لغو کاوش‌های انحصاری انگلیسی‌ها از سوی رضاشاه اشاره کرد و گفت: «۴۰ سال قبل از آن مظفرالدین شاه قاجار و ناصرالدین شاه امتیازی به فرانسوی‌ها داده بودند که بر اساس آن هرچه خواستند کاوش کنند و به غارت بپردازند؛ اما با طرف آمریکایی شرط گذاشته شد که هیچ طلا و نقره‌ای از ایران خارج نکنید، به همین دلیل لوح‌های طلایی داریوش بزرگ به فرمان رضاشاه از ایران خارج نشدند.»

وحید بهمن با اشاره به اینکه رضاشاه پلیس جنوب، بازوی امنیتی انگلیس در جنوب را لغو می‌کند تاکید کرد: «بزرگترین حرکت رضاشاه در مقابل منافع انگلیسی‌ها مقابله با شیخ خزعل بود که مستقیم از طرف دولت انگلیس حمایت می‌شد، در مورد تمامیت ارضی وضعیت ایران بسیار بغرنج بود، خان‌های محلی که مستقیم با دولت‌های خارجی قرارداد می‌بستند، رضاشاه پای آنها را جمع کرد. رضاشاه را متهم می‌کنند که مشروطه را عقیم کرد کسی که مشروطه را احیا کرده رضاشاه بزرگ است. در قانون اساسی مشروطه ایران و متمم، کوچکترین اشاره‌ای به تشریفاتی بودن مقام پادشاه نشده، قوه مجریه کاملا در اختیار پادشاه

بداخلاقی!

خبراندیشی (احمد احرار)

(کیهان لندن شماره ۱۰۶۵) مردادماه ۱۳۸۴

پانزدهم



يك مقدار تخلفات شرعی در جریان انتخابات صورت گرفت که مصلحت نبود قبل از خاتمه انتخابات مطرح شود. در واقع، هر کس که باخت و از بازی بیرون رفت ضمن ستردن اشکهای خود، با ناله جگرسوز از این «حرکات غیر شرعی» گله کرد. هاشمی رفسنجانی، بازنده نهایی گفت «در این انتخابات زشتیهایی هم رخ داد. اینجانب و بستگانم را ظالمانه خراب کردند. این مسأله نشان داد که اخلاق در بین بخشهایی از جامعه ما آسیب جدی دیده است!»

پرزیدنت خامنه‌ای نیز در مقام همدردی، وجود «پاره‌ای بداخلاقیه» را در انتخابات تأیید کرد و اظهار داشت «وضعیت اخلاق در سطح کشور، بخصوص در سطح رسمی مطلوب نیست. امروز در این کشور تهمت و دروغ هزینه ندارد (استغفرالله!) و تخریب يك انسان مسلمان به‌سادگی آب خوردن است... حتی در قم به‌نام دفاع از مکتب اهل بیت، انقلاب و اسلام، بداخلاقیه تئوریزه می‌شود و این قابل قبول نیست. اگر شخصیت‌های انقلاب را لکه‌دار کردید، اگر هم درست باشد (معاذالله!) نباید این کار انجام شود...»

و بالاخره از طرف «مقام معظم رهبری» دستور مؤکد صادر شد که مراجع صالحه در مورد این بداخلاقیه تحقیق و مرتکبین را شناسایی و مجازات کنند.

در اجرای دستور مقام معظم رهبری، دادگاه ویژه روحانیت به‌عنوان مرجع صالح رسیدگی به بداخلاقیه دست‌به‌کار شد و طبق خبرهایی که لایذ خواندید و شنیدید تا کتون تعدادی از اعضای ستاد تبلیغاتی مصطفی معین و نیز چند طلبه در معرض اتهام قرار گرفته و به دادگاه جلب شده‌اند.

دادگاه ویژه روحانیت اصرار دارد کسانی که بداخلاقیه و بی‌تربیتها مرتکب تخریب شخصیت ایشان شده‌اند رأساً و رسماً شکایت کنند ولی رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌گوید «اظهاراتم نسبت به روند برگزاری انتخابات برای پیگیری حقوق شخصی‌ام نیست بلکه برای اصلاح روند کار است و مسلماً هر کاری از من ساخته باشد در حمایت از دولت آینده انجام خواهم داد!»

حریف، این بار پوست خربزه را دیده است و تصمیم ندارد پا روی آن بگذارد. فعلا تا دردی که از زمین خوردن در میدان انتخابات عارض اسافل اعضای او شده است التیام حاصل نکند، ترجیح می‌دهد دست به‌عصا راه برود و اگر شکایتی هم دارد همانا به نزد خدا برود...

شک نیست که در انتخابات اخیر تخلفاتی صورت گرفته است اما نه بدان گونه که ضد انقلاب ادعا می‌کند یا کاندیداهای شکست خورده مدعی شدند. تخلفات شرعی و قانونی از آن نوع که مورد تأیید رهبر معظم انقلاب و شورای محترم نگهبان قرار گرفته است.

بخشی از این تخلفات در زمان وقوع جرم لو رفت و متخلفان شناخته و بازداشت شدند. ازجمله این جنایتکاران که توجه نداشتند رأی مردم ناموس آنهاست و مداخله نایجا در انتخابات حکم تجاوز به ناموس ملت را دارد شخصی است به‌نام سید علی باقری بازرگ ویژه دولت در انتخابات.

این شخص که بر اثر اوضاع شلم‌شورهای هشت، ده سال گذشته و پیدا شدن خط انحرافی موسوم به اصلاح‌طلبی تا مقام مدیر کلی هم رسیده بود ساعت 5 بعد از ظهر روز جمعه سوم تیرماه، هنگامی که در شعبه شماره 2408 واقع در مسجد امام زمان، ده متری ایمان، قصد تجاوز به حقوق ملت را داشت توسط ناظران شورای نگهبان شناسایی و بازداشت شد.

جنایتکار یادشده عوض این که عبرت حاصل کند و شکرگزار باشد که عطوفت اسلامی شامل حالش شده و او را با وجود چنین جرم نابخشودنی فقط چند ساعتی توقیف و سپس آزاد کرده‌اند، در نامه شکواییه‌ای به جهان‌بخش خانجانی مشاور وزیر و مدیر کل روابط عمومی وزارت کشور می‌نویسد «اینجانب بعد از این که به‌مدت بیش از دو ساعت در توقیف ناظر این مرکز در شعبه فوق‌الذکر بودم به فرمان شخصی که خود را مسؤول ناحیه شورای نگهبان معرفی می‌نمود، تحت‌الحفظ به کلانتری خانی‌آباد نو اعزام و در نهایت، با دخالت مسؤولین نیروی انتظامی تهران بزرگ آزاد شدم. از همکاران دلسوز هیأت نظارت شهرستان تهران انتظار دارم بررسی نمایند کسانی که با در دست داشتن بی‌سیم و کارت ناظر و سرنایر شورای نگهبان و در دسته‌های موتورسوار و پراید سوار در روز اخذ رأی اقدام به تعقیب و مراقبت مرتب اینجانب به‌عنوان مأمور رسمی دولت می‌نمودند و باعث محدودیت بازرسی برای اینجانب و در نهایت هم مانع از ادامه کارم شدند به کدام مجوز قانونی و شرعی اقدام می‌نمودند و آیا اصلاً وابسته به آن مجموعه بوده‌اند یا خیر...»

چه غلطهای زیادی! این که گفته‌اند ده‌هکار را اگر رو بدهی طلبکار می‌شود، بیخود نگفته‌اند. از تخلفات قانونی که بگذریم می‌رسیم به تخلفات شرعی.

مشروطه است و عزل و نصب وزرا کاملاً در اختیار پادشاه مشروطه است، قوای دریایی زمینی و هوایی نیز کاملاً در اختیار پادشاه مشروطه است.»

در ادامه این برنامه نگار کرامتی از تیمسار سپهبد خلبان محمد حسین مهرمند (فرمانده تاکتیکی نیروی هوایی شاهنشاهی) دعوت کرد تا به روی صحنه برود. پس از ابراز احساسات حضار سالن برای تشویق سرهنگ هوشنگ وزین، از علیرضا میبیدی روزنامه‌نگار و مجری و از یادگاران تلویزیون ملی ایران آمدن به روی صحنه دعوت شد. پیش از اینکه در این نکوداشت به علیرضا میبیدی شاعر، تهیه‌کننده و برنامه‌ساز پیشکسوت رادیو و تلویزیون لوح تقدیری اهدا شود وی در سخنانی توضیح داد که این وظیفه تمام روزنامه‌نگاران، برنامه‌سازان، و رسانه‌سازان مکتوب دیداری و شنیداری است تا در این روزگار پتیاره در مقابل قدرت‌ها و حکومت‌های مستبد، تمامیت‌خواه و جنایتکار بایستند و وظیفه خود را در غیاب نهادهای بین‌المللی و قدرت‌های دنیا انجام بدهند.

به گفته این برنامه‌ساز شناخته‌شده تلویزیونی، این وظیفه هر روزنامه‌نگاری است که متأسفانه این وظیفه امروز غایب شده به لحاظ اینکه برخی رسانه‌ها به تجارت‌خانه تبدیل شده‌اند، یعنی بیشتر بر اساس منافع عمل می‌کنند.

میبیدی در ادامه اضافه کرد: «یک زمانی شعر می‌گفتم در فکر رضاشاه بودم گفتم اگر فردی بخواهد از یک جاده‌ای به کوه برسد سه راه دارد یک، کوه را دور بزند؛ دو، از کوه خودش را به آن طرف برساند؛ سه، برگردد. ولی شخصیتی در تاریخ داریم که راه چهارمی به ما نشان داد، آن کوه را مته می‌کند و بعد کار مهم دیگری که به نظر انجام داد برداشتن یک سنگ لحد بود بر روی گودالی که در آن، فرهنگ ایران، ادب و ارزش‌ها و سنت‌ها و افتخارات ما در آنجا پنهان شده بود یعنی دکانداران دین، البته مذهبیون به معنای دشمنی با مذهب نیست، مذهب باید کار خودش را انجام دهد و در پستوی خودش زندگی کند؛ رضاشاه این سنگ لحد را برداشت، مذهب و دینداران مذهبی یک مانع بودند، رضاشاه این سنگ لحد را جابجا کرد و تازه ملت ایران موفق شد که ببیند چه امکاناتی در اختیار دارد، چه سرمایه‌های پنهانی داشته، این مانع و سنگ لحد آنها را دفن کرده و از دید جامعه پنهان مانده بود.»

وی در ادامه این پرسش را مطرح کرد که «این مرد چه اهمی در دست داشت که تاریخ ایران را جابجا کرده؟ حق با دکتر میلانی است، ما رضاشاه را اصلاً نمی‌شناسیم، یکبار دیگر باید این شخصیت بزرگ و ارجمند را شناخت؛ متأسفانه پاره‌ای از روشنفکران البته رسانه‌های بیگانه هم موثر بوده‌اند مثل رسانه بی‌بی‌سی سابق اولین مطلبی که علیه رضاشاه به دروغ منتشر کرد با موضوع «دزدی‌های رضاشاه» بود که ادعا کردند رضاشاه جواهرات سلطنتی را با خود برده! اما امروز رضاشاه بیش از زمانی که زنده بود در ایران حکومت می‌کند، حکومت با اوست حکومت در ایران امروز با رضاشاه است.»

میبیدی به تحریم سیرک انتخابات اخیر مجلس شورای اسلامی و خیرگان رهبری از سوی نسل جوان اشاره کرد و گفت: «من ساعت‌ها نشستم و ویدیو کلیپ‌ها را مشاهده کردم، در ایران این مردمند که دارند حکومت می‌کنند. کی گفته جمهوری اسلامی در ایران بر سر کار است؟ این مردمند که حاکمیت دارند و این یک دستاورد بسیار بزرگ است که نباید از دست بدهیم. ایران در یک نقطه عطف از تاریخ قرار دارد.»

در پایان این مراسم جلسه پرسش و پاسخ با حضور سخنرانان برگزار شد.

مدیران تحصیلکرده و کارآمد ایرانی، کشور را عوض کردند و بعد از انقلاب هم هر جا رفتند درخشیدند

در اجرای برنامه خصوصی سازی، کارخانه های دولتی را به شرکتهای سهامی تبدیل کردیم و سهام آنها را فروختیم

(تاریخ نشر در کیهان لندن: از بهمن ماه ۱۳۸۰ تا مهرماه ۱۳۸۱ - از شماره ۸۹۲ تا ۹۲۳)

مقدمه

«بنیاد مطالعات ایران» هفتمین مجلد از مجموعه «توسعه و عمران ایران» را چاپ و منتشر کرد. این مجلد به خاطرات و ملاحظات دکتر علینقی عالیخانی وزیر بازرگانی و رئیس دانشگاه تهران در دوران قبل از انقلاب اختصاص دارد. ازین مجموعه، قبلا گفتگو با عبدالرضا انصاری (آب و برق خوزستان) گفتگو با اکبر اعتماد (برنامه انرژی اتمی ایران) گفتگو با پرویز مینا (تحول صنعت نفت ایران) گفتگو با منوچهر گودرزی و خداداد فرمانفرمائیان و عبدالمجید مجیدی (برنامه ریزی عمرانی و تصمیم گیری سیاسی) گفتگو با محسن شیرازی (صنعت گاز ایران) گفتگو با باقر مستوفی (صنعت پتروشیمی ایران) انتشار یافته که گزیده هایی از هرکدام را خوانندگان ما در صفحه «خاطرات و تاریخ» ملاحظه کرده اند. غلامرضا افخمی که آرشيو تاریخ شفاهی بنیاد مطالعات زیر نظر او قرار دارد در مقدمه ای بر «سیاست و سیاستگذاری اقتصادی در ایران» می نویسد:

«علینقی عالیخانی از ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۸ یعنی بیشترین سالهای دهه چهل شمسی، مسئولیت سیاستگذاری و اجرای سیاستهای اقتصادی کشور را به عهده داشته است. رابطه او با علم صمیمی، با منصور رسمی و با هویدا، اقلا در سالهای اول، دوستانه بود... شاه همواره پشتیبان عالیخانی و نظرات او بود اما در همان حال، شاه و هویدا هر دو معتقد به اولویت رسالت دولت در توسعه اقتصادی بودند... تضاد میان نیاهای اقتصاد آزاد و الزامات سیاسی حکومت، تنش می آفرید و بر جو سیاسی اثر می گذاشت. این تنشها متدرجا رابطه عالیخانی و هویدا را مشکل کرد و در نهایت منجر به استعفاي عالیخانی شد.»

ازین کتاب بخشهایی را برگزیده ایم که به تدریج می خوانید. طبق معمول کوشیده ایم مطالب را طوری تنظیم و تقسیم بندی کنیم که هر شماره تا حدود امکان مطلب مستقلی باشد.



سیاست و سیاستگذاری اقتصادی در ایران
(بخش ۸)
خاطرات علینقی عالیخانی
ویراستار - دکتر غلامرضا افخمی

شده بود. سمیعی خیلی در کارش اصولی بود. می شد به او اعتماد کرد. اعتقاد داشت که باید کار ایرانی را ایرانیها انجام بدهند. همان اول کار به تمام بانکهای مختلط گفت که باید مدیر عامل خودشان را تغییر بدهند و مدیر عامل ایرانی به جای مدیر عامل خارجی بگذارند. خیلی سر این موضوع پافشاری کرد و همه آنها را عوض کرد و با قدرت کارش را انجام می داد که مورد پسند من بود. بین او و اصفیاء و من تفاهم خیلی زیادی بود، در حدی که در مورد کارهای اساسی ای که در ملاقاتهایمان با آن برخورد می کردیم به هم تلفن می کردیم و همدیگر را در جریان می گذاشتیم که چه کار کرده ایم.

چند سال بعد، خاطرم می آید، يك میسیونری از طرف صندوق بین المللی پول آمده بود به ایران. از من وقت خواستند که مرا ببینند و در باره مسائل اقتصادی ایران با من صحبت بکنند. از من يك مقدار سؤال کردند و من هم به آنها جواب دادم. رئیس میسیون صندوق بین المللی با خنده به من گفت تعجب می کنم از صحبتهایی که شما می کنید. گفت که ما پیش از آنکه بیائیم پهلوی شما بانک مرکزی بودیم، همین سئوالات را از آنها کردیم، عین پاسخهای شما را دادند. بعد، این شخص، که انگلیسی بود، به طنز گفت هماهنگی ای که من در سازمان اداری ایران می بینم به خوبی انگلیس است و خیلی بهتر از واشنگتن. آن چیزی که در واقع اینها را خیلی به تعجب انداخته بود این بود که هیچ فکر نمی کردند که در يك کشور در حال رشد يك چنین ارتباط و هماهنگی بین مدیران سطح بالایش باشد، در حالی که برای ما عادی شده بود با یکدیگر همکاری نزدیک داشته باشیم. فکر می کردیم که باید این طور باشد. ولی بعدها که خود من شدم مشاور اقتصادی و به کشورهای مختلف رفتم، فهمیدم که تا چه اندازه ما از این نظرها جلوتر بودیم از کشورهایی که امروز در دنیا خیلی هم اسم و رسم دارند و خیلی در باره شان صحبت می کنند.

از آنها مهدی سمیعی بود. مهدی سمیعی شد رئیس بانک مرکزی و به عنوان قائم مقام خودش خداداد فرمانفرمائیان را آورد، که خداداد را من از کودکی می شناختم. به شما اشاره کردم، وقتی که دنبال حزب بازی می گشتیم، و پیش از آنکه به بیروت برود و بعد هم به امریکا، او هم در جرگه ما بود. بعد هم که به ایران برگشتیم همدیگر را می دیدیم. بنابراین



مهدی سمیعی

او را خیلی بیشتر می شناختم و خود او هم با سابقه ای که در سازمان برنامه داشت با مدیران سازمان برنامه نزدیک بود. در نتیجه وضع به این صورت درآمد که سازمان برنامه و بانک مرکزی و وزارت اقتصاد شدند يك مثلث خیلی جالبی که کاملا حرف همدیگر را می فهمیدند، کاملا باهم تفاهم داشتند. این تفاهم به خاطر رابطه ای بود که بین خود ما ایجاد

● رابطه شما با بانک مرکزی، بخصوص در مورد سیاستهای پولی که در ارتباط با کار شما مطرح می شد. چطور بود؟

– بانک مرکزی در آن ماههای اولی که من سر کار بودم تقریباً بی صاحب مانده بود. همچنان که اشاره کردم، مرحوم پورهمایون وارد به کار نبود. دکتر مقدم، که به عنوان قائم مقام با کفایت بانک را اداره می کرد، تصمیم گرفته بود کناره گیری کند. در واقع می خواست برود در خارج کار بکند. همان زمان گمان می کنم رفت به صندوق بین المللی پول، که در آنجا هم بسیار خوب کار کرد. در نتیجه علم می بایست به دنبال کسی باشد که بیايد بانک مرکزی را اداره بکنند. پس از چند ماه مهدی سمیعی را انتخاب کرد. مهدی سمیعی پیش از آن تاریخ قائم مقام بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران بود، که نخستین مدیر عاملش يك نفر هلندی بود. بعد که مهدی سمیعی آمد به بانک مرکزی، چند ماه بعد آن هلندی را کنار گذاشتند و مرحوم قاسم خردجو رئیس بانک شد. به هر حال مهدی سمیعی را آوردند. سمیعی را من همان هفته های اولی که در وزارت اقتصاد بودم دیدم. به ملاقات من آمد به عنوان قائم مقام بانک توسعه صنعتی، و گفتگویی که با هم داشتیم خیلی گرم و خوب بود و دو طرف با تفاهم زیادی با هم صحبت کردیم. من واقعا خیلی خوشحال شدم از آشنائی با این مرد. او از حسابداران قسم خورده ای بود که تحصیلات بسیار عالی کرده بود در انگلستان و بعد هم کاریر خیلی خوبی در بانک ملی ایران داشت. بانک ملی ایران یکی از آن کانونهای تربیت آدم در کشور بود. همه این دستگاههایی که رضا شاه درست کرد تبدیل شدند به کانون تربیت آدم. مثلا این سیمان ری کوچک 100 تن در روز که رضا شاه درست کرده بود، که بعدا تازه شد 500 تنی، هر چه مهندس درجه يك سیمان این کشور داشت آنجا تربیت شده بود. بعد هم آمدند کارخانه های سیمان 2000 تنی و 4000 تنی درست کردند، ولی تربیتشان در سیمان ری بود. همچنین بانک ملی بانکدار برای کشور تربیت کرد، که یکی

فروش کارخانجات دولتی

البته این همکاری فقط با این دو دستگاه اصلی دولتی نبود. اشاره کردم به بانک توسعه صنعتی و معدنی و همچنین بانک اعتبارات صنعتی. این دو تا هم عاملهای مهمی بودند در کار ما و با آنها هم من نزدیکی فوق العاده زیاد پیدا کردم، با وجودی که بانک توسعه صنعتی و معدنی یک بانک خصوصی بود. دولت فقط کمک کرده بود به ایجاد این بانک. ولی در عمل شما وقتی که با خردجو صحبت می کردید یا با همکاران خردجو مثل دکتر امین و فریدون مهدوی، انگار که دارید با مسئولان وزارت اقتصاد حرف می زنید. هیچکس تفاوتی احساس نمی کرد. من هفته ای یک بار با خردجو جلسه داشتم. تمام کارهایش را برای من مطرح می کرد و من هم تمام مسائل اساسی که با آن برخورد داشتیم را به او می گفتم. او با معاونانم نیز در تماس بود و آنها را مرتب می دید. یعنی کار ما این نبود که برویم ببینیم چه شکلی باید در کارها نظارت بکنیم و به اصطلاح آن قلت بگذاریم. بلکه این بود که از آن بانک استفاده بکنیم به عنوان یک وسیله ای برای پیشرفت اقتصاد کشور. واقعا هم این کار را کردیم. بسیار نتیجه خوبی از این کارمان گرفتیم. در همان آغاز کار من، دولت تعدادی از کارخانجات دولتی را که مورد نیاز به عنوان پشتوانه اصلاحات ارضی نبود در اختیار وزارت اقتصاد گذاشت. من تصمیم داشتم این کارخانه ها را به تدریج بفروشم، چون هیچ دلیل نداشت که وزارت اقتصاد کمپوت در مشهد یا اصفهان تولید بکند، یا کارخانه روغن کشتی داشته باشد. از راههایی که برای خصوصی سازی پیدا کرده بودیم این بود که این واحدها را در اختیار بانک توسعه صنعتی بگذاریم و آنها این کارخانه ها را به شرکتهای سهامی تبدیل بکنند و سهامش را بفروشند. همان کار را هم کردند و در این زمینه با هم همکاری بسیار سازنده ای داشتیم. نظیر همین کار را به تدریج نخست با کندی ولی بعداً با سرعت خیلی بیشتر، با بانک اعتبارات صنعتی انجام دادیم، که مدیریتش با علینقی فرمانفرمائیان بود. او هم در ضمن اینکه استقلال کار خودش را داشت، به عنوان بانکی که رسماً زیر نظر سازمان برنامه درست شده بود، تبدیل شد به یکی از همکاران خیلی خوب و نزدیک من و همکاران من در وزارت اقتصاد. همه اینها هر کدام به سهم خودشان کمک کردند به فعالیتهایی که ما در پیش داشتیم.

همراه با این نهادهایی که ایجاد شده بود افراد تازه ای به میدان آمدند، افراد برجسته ای بودند که با دید تازه ای به مسائل نگاه می کردند. آنها هم همان اعتقاد راسخ ما را داشتند به اینکه آن کارهایی را که دیگران کرده اند ما هم می توانیم بکنیم. آنها هم اعتقاد داشتند که در کشور باید صنعت ایجاد کرد؛ آنها هم اعتقاد داشتند که این کار را می توانیم با بخش خصوصی خودمان انجام بدهیم. یعنی داشت این گونه افراد، مثل یگانه، نیازمند، خردجو، دکتر امین، فرمانفرمائیان یک شانس برای کشور بود. بعد از انقلاب هم هر کدام از اینها نشان دادند تا چه اندازه اشخاص موفق و کارآمدی در کار خودشان بودند. در هر محیطی که رفتند درخشیدند. این یکی از وقایع بزرگ دهه 60 ایران بود که نتیجه زحمات دوره رضا شاه بود که دانشجو به فرنگ فرستاده بود و آنها برگشته و در ایران دبیرستان و دانشگاه درست کردند و به سهم خودشان جوانهای کشور را تربیت کردند. این جوانها باز یا در داخل کشور یا در خارج رفتند درس خواندند و به تحصیلاتشان ادامه دادند و بازگشتند. اینها یک باره کشور را عوض کردند. و این از آن چیزهایی است که باید به آن توجه کرد. آدمی را شما تربیت می کنید، اما در مدت 20 سال، 25 سال، 30 سال به چشمتان نمی آید که چه تغییری شده تا اینکه یک باره یک تغییر کیفی عظیمی

در همه چیز رخ می دهد. من خاطرم می آید، یکی از این سناتورهای یک بار در زمان دولت هویدا به من گفت که چیز عجیبی در این کشور اتفاق افتاده. ما حالا یک وزیرانی داریم که همدیگر را به اسم کوچک صدا می کنند. آن حالت جناب و اینها از بین رفته بود در کشور. می خواهم بگویم این آتمسفری بود که ما در آن کار می کردیم...

کارخانه های بدهکار

یکی از گرفتاریهای اساسی ما در آن مرحله کارخانجاتی بود که تعطیل شده بودند که از بابت وامی که از محل ارزیابی پشتوانه اسکناس گرفته بودند، بدهی داشتند به دولت و بدهی شان را نمی توانستند پس بدهند. گاهی به خاطر ضعف مدیریت بود که نمی توانستند پس بدهند، گاهی به خاطر آن بود که به آن کارخانه بی جهت وام داده بودند. به عنوان نمونه یک وقتی در تبریز بودم، استاندار گفت آقا بیایید یک کارخانه نساجی را ببینید که از کار افتاده. من رفتم کارخانه را دیدم. یک مقدار ماشین آلات نساجی، که این ماشین آلات را در سال 1305 یا 1306 دست دوم از هندوستان خریده بودند، آورده بودند به تبریز. آن وقت این ماشینها به یک صورتی مدتی کار کرده، حالا شده 1344. حالا استاندار می گوید این ماشین آلات 40 ساله دست دوم، که از هندوستان آمده بود، و اصلش انگلیسی بود، چرا کار نمی کنند. گفتم این گونه ماشین آلات فرسوده نباید هم کار بکند. وقتی که آدمیم بیرون، در باغ آن کارخانه، استاندار به من گفت ما چه بکنیم؟ گفتم شما در این محوطه اگر سبب پائیزه بکارید بهتر است تا به خیال تولید کالا با این ماشین آلات فرسوده بیفتید. شما ماشین آلاتی را یک روزی به درست یا غلط خریده اید. ولی امروز از حیز انتفاع افتاده و سودی از آن نمی رسد. اما مردم را که نمی شود بابت آن جریمه کرد. بنابراین آن حمایتی که می کردیم همراه با این بود که برخی واحدهای به ظاهر صنعتی را نیز باید تعطیل بکنیم، چون دیگر نمی توانستند کار بکنند.

همچنین در اصفهان کارخانه هائی داشتیم. رسم صاحبان



خداداد فرمانفرمائیان

صنایع نساجی اصفهان این بود که از دولت کمک بخواهند بدون اینکه توجه بکنند که خودشان هم باید یک همتی به خرج بدهند. خوب، ما سختگیری می کردیم. یعنی پولشان را که نمی توانستند بدهند، بانک ملی می رفت سهمشان را می گرفت، یا آنها را زیر فشار می گذاشت که کارشان را بهتر بکنند. بویژه مساله مدیریت خیلی مهم بود. من یک مورد از

موردی را که برایمان پیش آمد توضیح می دهم. کارخانه ای بود در منطقه تهران که ماشین آلات نو داشت. این کارخانه با این ماشین آلات نو و با وام سنگینی که از محل ارزیابی پشتوانه اسکناس به بانک ملی داشت به حال ورشکستگی افتاده بود. در این مورد ما توافق کردیم که این کارخانه را، که اگر اشتباه نکنم اسمش اطلس بافت بود، سازمان مدیریت صنعتی و مهندس نیازمند اداره بکنند و قرارداد ببندند که در عرض دو یا سه سال کارخانه را تبدیل بکنند به یک کارخانه سود ده. مهندس نیازمند، که جزو دانشهای فنی گوناگونی که دارد یکیش هم نساجی است، واقعا خیلی خوب وارد است در این زمینه، یک جوان بسیار لایقی از همکاران ما را در آنجا گذاشت. پس از مدتی کارخانه دیگر زیان ده نبود. چندی بعد سود داد. یک روزهم با تشریفات رسمی تمام خانواده ای که این کارخانه ها را درست کرده بودند، مرد، زن، دختر، پسر، همه شان آمدند در وزارت اقتصاد در دفتر من، خیلی رسمی سند امضاء کردند و ما کارخانه را منتقل کردیم به آنها. کارخانه تبدیل شد به یکی از کارخانه های پیشرو کشور. صرفاً به خاطر اینکه کسانی که مدیریت درست داشتند، کفایت داشتند برای کاری که می خواستند انجام بدهند، رفتند و کارخانه را به راه انداختند.

● بعد آن خانواده توانست این کار را ادامه بدهد؟

— بله، فقط به خاطر اینکه با سیستم صحیح شروع شده بود. کار را با سیستم صحیح شروع کردن خیلی مهم است. بانک ملی ایران، روز اول، پایه اش را درست گذاشتند و دیگران ادامه دادند. حالا آن کسانی که پایه اش را درست گذاشتند، مشاوران آلمانی بودند، و هر چند خود آلمانیها آلودگی مالی پیدا کردند و کارشان به دادگستری کشید، ولی اینها مهم نیست. پایه درست گذاشته شده بود. عین همین وضع را شما در صنایع دیگر می بینید. صنعت نفت در ایران چرا صنعت محکمی شده؟ برای اینکه پایه اش درست بوده. یا وقتی که ابتهاج می گفت که من باید جان موّم را بیاورم، می خواست پایه را درست بگذارد. حالا پایه درست را ممکن است لازم باشد فرنگی بیاید بگذارد؛ ممکن است هم ایرانی بیاید بگذارد. در این مورد، ایرانی هم می توانست انجام بدهد. دلیل نداشت که کسی را از خارج بیاورید این کار را انجام بدهد. ولی، خوب خود مهندس نیازمندی که این کار نساجی را یاد گرفته بود، از فرنگی یاد گرفته بود. به هر حال شما از یک جایی، از یک نفر دیگر، باید یاد بگیرید. بعد البته ما این کار را تکرار کردیم. چندی بعد یک کارخانه فلزکاری بود متعلق به برادر یکی از شخصیت های بالای کشور. این شخص هم در کار خودش وامانده بود.

تقاضای کمک و پشتیبانی داشت ما گفتیم هیچ کمکی به شما نمی توانیم بکنیم، ولی حاضریم برای شما کارخانه را اداره بکنیم. اعلیحضرت هم خیلی علاقمند بودند به برادر این شخص و بنابراین مایل بودند به او به نحوی کمک بشود. ولی ما گفتیم تنها کمکی که می توانیم بکنیم، با آن تجربه ای که در اطلس بافت پیدا کرده بودیم، این است که ایشان از مدیریت کارخانه بروند کنار. ما برایشان کارخانه را اداره می کنیم. باز هم این را محول کردیم به سازمان مدیریت صنعتی و پس از چندی کارخانه فوق العاده سود ده شد و این شخص هم توانست تمام وامهای خودش را پس بدهد و از گرفتاریهایش بیرون بیاید، بدون اینکه احتیاج به هیچ کمک و حمایت غیر عادی داشته باشد و از آن پس در همه کارهای خودش موفق شد. امروز هم، تا آنجائی که من خبر دارم، در خارج از کشور مقدار هنگفتی از ثروتی که به دست آورده خرج می کند برای کمک به ایرانیهای بیوفا. پس، از هر نظر کار خوبی بود. (ادامه دارد)



ولادیمیر پوتین

بخشی از صحبت‌های پوتین درباره مرگ مشکوک آلکسی ناوالنی در زندان بود که گفت: «این یک رویداد غم‌انگیز است، اما موارد دیگری نیز داشتیم که افراد در زندان فوت کردند. آیا این اتفاق در آمریکا رخ نداده است؟ این اتفاق افتاد و بیش از یکبار. به هر حال، اجازه دهید به شما بگویم، این بسیار غیرمنتظره است که چند روز قبل از فوت آقای ناوالنی، برخی همکاران به من گفتند، نه اعضای دولت، عده‌ای گفتند که ایده‌ای وجود دارد که آقای ناوالنی را با افرادی که در کشورهای غربی در زندان هستند، مبادله کنند. شاید باورتان شود، شاید نه، کسی که با من صحبت کرد هنوز جمله‌اش را تمام نکرده بود و من گفتم: موافقم. اما متأسفانه اتفاقی که نباید افتاد. فقط به یک شرط گفتم مبادله می‌کنیم و اینکه به روسیه برنگردد، بگذار آنجا بنشینند. اما این اتفاق افتاد... این رسم زندگی است.»

بخشی از صحبت‌های رئیس جمهوری روسیه مربوط به وضعیت جنگ علیه اوکراین بود که گفت: «ما طرفدار مذاکرات صلح هستیم، اما نه به این دلیل که مهمات دشمن تمام شده؛ بلکه اگر واقعاً جدی باشند، در درازمدت بخواهند روابط مسالمت‌آمیز و حسن همجواری بین دو کشور ایجاد کنند و یک سال و نیم و دو سال برای تسلیح مجدد اقدام نکنند.»

وی همچنین گفت که در غرب از جمله در آمریکا، دموکراسی وجود ندارد. او مدعی شد، سیستم انتخاباتی در روسیه شفاف‌تر از ایالات متحده است.

پوتین هشدار داد، حضور نیروهای غرب در اوکراین می‌تواند جهان را به جنگ جهانی سوم بکشاند.

خبرگزاری فرانسه گزارش داد که با فراخوان مخالفان، در آخرین روز انتخابات اعتراضات پراکنده در بیرون از چند مرکز رأی‌گیری برگزار شد تا نارضایتی خود را به گوش پوتین برسانند اما واقعیت آن است که پوتین به چیزی کمتر از سلطه کامل بر قدرت راضی نیست و نزدیک ربع قرن است که خود را در قدرت نگه داشته است.

در جریان برگزاری انتخابات شماری از شهروندان به دلیل آتش زدن صندوق‌های رأی‌گیری یا رنگ پاشیدن داخل صندوق‌ها بازداشت شدند.

انتخابات شرکت کرده بودند مدعی شد «مشارکت مردمی بالا و بی‌سابقه بود و پوتین به پیروزی قاطع و قانع‌کننده‌ای دست یافت و تلاش از خارج کشور برای تأثیرگذاری بر انتخابات ریاست جمهوری روسیه شکست خورد و هیچ تأثیری بر نتایج نداشت.»

ولادیسلاو داونکوف نماینده کنونی مجلس (دوما) از حزب «شخصیت‌های جدید»، لئونید اسلوتسکی نماینده دوما و رئیس حزب لیبرال دمکرات و نیکلای خاریتونوف معاون حزب کمونیست روسیه رقبای اصلی پوتین در این انتخابات بودند. علاوه بر ابراهیم رئیسی، کیم جونگ اون رهبر کره شمالی، نیکولاس مادورو رئیس جمهوری ونزوئلا، برونو رودریگز پارایلا وزیر خارجه کوبا، لئویس آرسه رئیس جمهوری بولیوی، دنیل اورتگا رئیس جمهوری نیکاراگوئه، شوکت میرضیایف رئیس جمهوری ازبکستان، شیومارا کاسترو رئیس جمهوری هندوراس و امامعلی رحمان رئیس جمهوری تاجیکستان در پیام‌هایی جداگانه به پوتین تبریک گفتند.

دولت‌های آمریکا، آلمان، بریتانیا و سایر کشورها مشروعیت انتخابات روسیه را زیر سؤال بردند و اعلام کردند در شرایطی که مخالفان سیاسی در زندان هستند انتخابات آزادانه و منصفانه برگزار نشده است.

دیوید کامرون وزیر خارجه بریتانیا با محکوم کردن «برگزاری غیرقانونی انتخابات در خاک اوکراین» و عدم نظارت مستقل گفت: «انتخابات آزاد و منصفانه به این شکل نیست.»

کاخ سفید در بیانیه‌ای با اشاره به بازداشت مخالفان و منتقدان در روسیه اعلام کرد که «روشن است» این انتخابات منصفانه نیست. ولودیمیر زلینسکی رئیس جمهوری اوکراین نیز انتخابات روسیه را نامشروع دانست و گفت «پوتین به دنبال حکومت مادام‌العمر است.»

پوتین طی سخنانی در ستاد انتخاباتی خود نتایج اولیه انتخابات را به عنوان نشانه‌ای از «اعتماد و امید» مردم به خودش دانست و گفت: «البته ما وظایف زیادی در پیش داریم. اما می‌خواهم برای همه روشن کنم: زمانی که ما محکم ایستادیم، هیچکس نتوانست ما را بترساند، اراده و وجدان ما را سرکوب کند. آنها در گذشته شکست خوردند و در آینده نیز شکست خواهند خورد.»

ولادیمیر پوتین سلطه خود بر روسیه را تا سال ۲۰۳۰ تمدید کرد؛ «ما طرفدار مذاکره‌ایم اما نه وقتی که مهمات دشمن تمام شده»

همانطور که قابل پیش‌بینی بود ولادیمیر پوتین برای شش سال دیگر رئیس جمهور روسیه ماند. کمیسیون مرکزی انتخابات روسیه روز ۱۸ مارس (۲۸ اسفند) به طور رسمی نتایج نهایی انتخابات را اعلام کرد که طبق آن پوتین ۷۱ ساله با کسب ۸۷/۳۳ درصد آراء برای پنجمین بار رئیس جمهور روسیه شد. به این ترتیب او تا سال ۲۰۳۰ در قدرت باقی خواهد ماند.

الا پامفیلا مسئول برگزاری انتخابات روسیه مدعی شد، «مشارکت در این دوره یک رکورد در تاریخ روسیه مدرن بود، چرا که بیش از ۸۷ میلیون نفر در مراکز رأی‌گیری حضور پیدا کردند.»

دولت‌های آمریکا، آلمان، بریتانیا و سایر کشورها مشروعیت انتخابات روسیه را زیر سؤال بردند و اعلام کردند در شرایطی که مخالفان سیاسی در زندان هستند انتخابات آزادانه و منصفانه برگزار نشده است. -دیوید کامرون وزیر خارجه بریتانیا با محکوم کردن «برگزاری غیرقانونی انتخابات در خاک اوکراین» و عدم نظارت مستقل گفت: «انتخابات آزاد و منصفانه به این شکل نیست.»

پوتین طی سخنانی در ستاد انتخاباتی خودش نتایج اولیه انتخابات را به عنوان نشانه‌ای از «اعتماد و امید» مردم به خودش دانست.

وی همچنین گفت که در غرب از جمله در آمریکا، دموکراسی وجود ندارد. او مدعی شد که سیستم انتخاباتی در روسیه شفاف‌تر از ایالات متحده است.

همانطور که قابل پیش‌بینی بود ولادیمیر پوتین برای شش سال دیگر رئیس جمهور روسیه ماند. کمیسیون مرکزی انتخابات روسیه روز ۱۸ مارس (۲۸ اسفند) بطور رسمی نتایج نهایی انتخابات را اعلام کرد که طبق آن پوتین ۷۱ ساله با کسب ۸۷/۳۳ درصد آراء برای پنجمین بار رئیس جمهور روسیه شد. به این ترتیب او تا سال ۲۰۳۰ در قدرت باقی خواهد ماند.

الا پامفیلا مسئول برگزاری انتخابات روسیه مدعی شد، «مشارکت در این دوره یک رکورد در تاریخ روسیه مدرن بود، چرا که بیش از ۸۷ میلیون نفر در مراکز رأی‌گیری حضور پیدا کردند.»

وی با بیان اینکه ۷۷/۴۴ درصد واجدان شرایط در این



نیروهای سپاه و بسیج در راهپیمایی حکومتی

واشنگتن فری بیکن: طرح جمهوریخواهان مجلس آمریکا برای اعمال «سخت‌ترین تحریم‌ها» علیه جمهوری اسلامی

رژیم ایران بیش از هر زمان دیگری به سلاح هسته‌ای نزدیک شده و غنی‌سازی اورانیوم را نزدیک به سطح درجه تسلیحاتی آغاز کرده است.

سخت‌ترین اقدام گنجانده شده در این بسته پیشنهادی از سوی جیم بنکس است که رژیم ایران را مسئول جنگ حماس علیه اسرائیل می‌داند و هدف آن جلوگیری از لغو تحریم‌های آمریکا علیه جمهوری اسلامی است.

در این طرح دولت بایدن از صدور معافیت‌های تحریمی مربوط به جمهوری اسلامی که اجازه دسترسی مقامات جمهوری اسلامی به پول‌های بلوکه شده را فراهم می‌کند منع خواهد شد. در یکی از این معافیت‌ها مربوط به پرداخت بدهی عراق بابت واردات برق و گاز از ایران بیش از ۱۰ میلیارد دلار به جیب جمهوری اسلامی سرازیر شد.

بر اساس پیشنهاد کمیته مطالعات جمهوریخواهان استفاده از هرگونه پول مالیات‌دهندگان برای تأمین مالی توافقی هسته‌ای با رژیم ایران تا زمانی که این کشور روابط مالی خود را با جمهوری خلق چین و سازمان‌های تروریستی قطع نکند، ممنوع خواهد بود.

در این طرح از «قانون مهسا» نیز حمایت شده است. طبق این قانون، علی‌خامنه‌ای، رؤسای دولت و مجلس شورای اسلامی در فهرست ناقضان حقوق بشر قرار گرفته‌اند.

سایر اقدامات قانونی در این طرح، شامل کاهش کمک‌های مالی آمریکا به نیروهای مسلح لبنان است که به شدت تحت کنترل حزب‌الله قرار دارند. همچنین کمک به دولت عراق تا زمانی که روابط خود را با شبه‌نظامیان ایرانی در این کشور قطع نکند، متوقف می‌شود.

طرح بودجه کمیته مطالعات جمهوریخواهان احتمالاً در بین نمایندگان جمهوریخواه مجلس مورد قبول قرار می‌گیرد، اما در سنا که تحت کنترل دموکرات‌هاست با مشکل روبرو خواهد شد.

۸۹۵ میلیارد دلار است و محور آن تقویت توان نظامی آمریکا و اعمال سخت‌ترین تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی است.

این بودجه بطور قابل توجهی روی تهدیدات جمهوری اسلامی متمرکز است و جامع‌ترین مجموعه تحریم‌ها علیه رژیم ایران را ارائه داده است. بر اساس این طرح دولت بایدن برای استفاده از هرگونه بودجه فدرال با هدف مذاکرات دیپلماتیک با جمهوری اسلامی برای «احیای برجام» منع می‌شود. این طرح همچنین دستور دولت دونالد ترامپ مبنی بر شناسایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عنوان یک سازمان تروریستی خارجی را تدوین می‌کند و تلاش‌های دولت برای کاهش فشار بر تهران را پیچیده‌تر می‌سازد.

به نظر می‌رسد این طرح شکاف‌های علنی بین دولت بایدن و جمهوریخواهان کنگره را در مورد هزینه‌های دفاعی و اولویت‌های نظامی برجسته‌تر می‌کند. احتمالاً این پیشنهاد در مجلس که اکثریت کرسی‌های آن در کنترل جمهوریخواهان است، اقبال گسترده‌ای به دست خواهد آورد. در شرایطی که کنگره در حال بررسی بودجه درخواستی دولت است، یک تقابل مالی بین کاخ سفید و جمهوریخواهان شکل گرفته است.

واشنگتن فری بیکن گزارش می‌دهد کمیته مطالعات جمهوریخواهان بخش عمده‌ای از بودجه خود را به مقابله با عملیات تروریسم جهانی رژیم ایران اختصاص می‌دهد و بر ضرورت مقابله با اقدامات جمهوری اسلامی در دامن زدن به هرج و مرج در خاورمیانه به ویژه بعد از حمله مرگبار «هفت اکتبر» حماس به اسرائیل که با کمک مالی و پشتیبانی تهران صورت گرفت تمرکز دارد.

قانونگذاران در این طرح پیشنهادی می‌نویسند: «تلاش‌های دولت بایدن برای ورود مجدد به توافق هسته‌ای شکست خورده با جمهوری اسلامی، نتیجه نداده است... درواقع،

پایگاه خبری «واشنگتن فری بیکن» گزارش داد، جمهوریخواهان مجلس آمریکا چهارشنبه ۲۰ مارس (اول فروردین) طرح بودجه‌ای را پیشنهاد داده‌اند که براساس آن بودجه دفاعی آمریکا بطور قابل توجهی افزایش پیدا خواهد کرد. طبق این طرح «سخت‌ترین تحریم‌ها علیه رژیم ایران» که تا کنون توسط کنگره در نظر گرفته شده، اعمال خواهد شد.

این طرح که توسط کمیته مطالعات جمهوریخواهان (RSC) تدوین شده، برای اصلاح برنامه‌ها و اولویت‌های ارتش ارائه شده است. بودجه پیشنهادی این کمیته حدود ۸۹۵ میلیارد دلار است و محور آن تقویت توان نظامی آمریکا و اعمال سخت‌ترین تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی است.

سخت‌ترین اقدام گنجانده شده در این بسته پیشنهادی از سوی جیم بنکس است که رژیم ایران را مسئول جنگ حماس علیه اسرائیل می‌داند و هدف آن جلوگیری از لغو تحریم‌های آمریکا علیه جمهوری اسلامی است.

در این طرح دولت بایدن از صدور معافیت‌های تحریمی مربوط به جمهوری اسلامی که اجازه دسترسی مقامات جمهوری اسلامی به پول‌های بلوکه شده را فراهم می‌کند منع خواهد شد.

پایگاه خبری «واشنگتن فری بیکن» گزارش داد، جمهوریخواهان مجلس آمریکا چهارشنبه ۲۰ مارس (اول فروردین) طرح بودجه‌ای را پیشنهاد داده‌اند که بر اساس آن بطور قابل توجهی بودجه دفاعی آمریکا افزایش پیدا خواهد کرد. طبق این طرح «سخت‌ترین تحریم‌ها علیه رژیم ایران» که تا کنون توسط کنگره در نظر گرفته شده، اعمال خواهد شد.

این طرح که توسط کمیته مطالعات جمهوریخواهان (RSC) تدوین شده، برای اصلاح برنامه‌ها و اولویت‌های ارتش ارائه شده است. بودجه پیشنهادی این کمیته حدود

ارسال محموله‌های «سپاه قدس» از «بندر کنستانتا» رومانی به لاذقیه سوریه؛ دلال‌های اروپایی FATF را دور می‌زنند



عبور کشتی کانیتیزبر «آرزو» از تنگه بسفر استانبول / مارس ۲۰۲۴

در کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران انجام می‌دهیم بالا رفتن با کمک باد مخالف است. به صورت تحقیقی هیچ موفقیتی خلق‌الساعه نیست.» طبق گزارش وزارت خارجه اسرائیل، جمهوری اسلامی با نادیده گرفتن قوانین FATF سالانه بیش از یک میلیارد دلار در حمایت از گروه‌های تروریستی مانند حزب‌الله و حماس سرمایه‌گذاری می‌کند.

مقامات اسرائیل مدت‌هاست تلاش می‌کنند تا دولت‌های اروپایی از جمله رومانی و بلغارستان را برای قرارداد سپاه پاسداران در فهرست سازمان‌های تروریستی قانع کنند.

گسترش تجارت مخفیانه سپاه پاسداران از طریق دلالات و شرکت‌های اروپایی، اعتبار قوانین و مکانیسم‌های بین‌المللی از جمله FATF را برای مقابله با پولشویی و تأمین مالی تروریسم به چالش کشیده است. جمهوری اسلامی از این کانال‌ها اقدام به ارسال تسلیحات و فروش نفت و میعانات می‌کند و از طریق کشورهای ثالث پول آن را برمی‌گرداند. مداخلات دولت‌های غربی به ویژه آمریکا با رژیم ایران از عواملی است که دست سپاه پاسداران را برای دورزدن تحریم‌ها بیش از پیش باز کرده است.

در همین ارتباط «تلگراف» نوشته بود، «اروپا بنادر عظیمی دارد و جمهوری اسلامی از آنها برای استتار استفاده می‌کند و فریبکاری در این بنادر آسان است چون در مقایسه با بنادر کوچک که نظارت‌های امنیتی بیشتری وجود دارد، همه چیز باید خیلی سریع انجام شود.»

رانن سولومون کارشناس اطلاعاتی به این روزنامه گفت، جمهوری اسلامی با استفاده از مسیرهای جایگزین از طریق اروپا به محموله‌های تسلیحاتی خود «مشروعیت» می‌بخشد و توجهات را از صادرات مستقیم محموله‌ها منحرف می‌کند.

کنستانتا [constanța]، از بسفر به سمت مدیترانه عبور کرد.» بندر بنغازی در شمال لیبی در ساحل دریای سرخ قرار دارد. بندر کنستانتا در رومانی نیز بزرگترین بندر دریای سیاه و چهارمین بندر بزرگ اروپا محسوب می‌شود.

جمهوری اسلامی برای «سلاح‌شویی» نه تنها از بنادر بلژیک، اسپانیا و ایتالیا استفاده می‌کند بلکه برای دور زدن تحریم‌ها نیز روی بنادر رومانی، هلند، ترکیه و فرانسه هم حساب کرده است. سود حاصل از دور زدن تحریم‌ها برای سپاه پاسداران آنقدر زیاد است که حتا بعد از پرداخت رشوه هنگفت به دلالات اروپایی باز هم سود می‌برد.

کارشناسان اطلاعاتی می‌گویند، جمهوری اسلامی با استفاده از مسیر اروپا ماهیت و منبع صادرات را پنهان می‌کند و اوراق مربوط به کانتینرها و محموله‌ها را تغییر می‌دهد. همچنین برخی منابع اطلاعاتی در اروپا می‌گویند، سپاه علاوه بر قاچاق سلاح از بنادر اروپایی به عنوان پوشش برای قاچاق مواد مخدر نیز استفاده می‌کند.

بر اساس گزارش منابع غیررسمی، باندهای قوی و عوامل سپاه از جمله در بندر ناپولی در ایتالیا یا آنتروپن بلژیک با کمک دلالات بین‌المللی و شرکت‌های پوششی در اروپا تحریم‌ها را دور می‌زنند و بخشی از منابع مالی تروریسم را از همین طریق تأمین می‌کنند.

«بالا رفتن با کمک باد مخالف»

یکی از شرکت‌های ایرانی که در فهرست تحریم‌های آمریکا قرار دارد، کشتیرانی «حافظ دریای آریا» است. از این شرکت به عنوان «بازوی کانتینری گروه کشتیرانی جمهوری اسلامی» نام برده می‌شود. محمد حسن ابراهیمی معاون بازاریابی و خدمات مشتریان کشتیرانی «حافظ دریای آریا» با اشاره به ضرورت مقابله با تحریم‌ها می‌گوید، «کاری که ما

● دو هفته پس از آنکه روزنامه بریتانیایی «تلگراف» افشا کرد، جمهوری اسلامی دست‌کم با پنج کشتی کانیتیزبر از طریق بنادر اروپایی اقدام به ارسال تسلیحات برای حزب‌الله لبنان و رژیم سوریه می‌کند، منابع ترکیه‌ای یکی از آن کشتی‌ها را هنگام عبور از تنگه بسفر استانبول شناسایی کردند.

● اکانت «Yörük Işık» که عبور و مرور کشتی‌ها را رصد می‌کند ۲۴ مارس (پنجم فروردین) با انتشار تصویری از عبور کشتی «آرزو» از تنگه بسفر استانبول به کنایه نوشت «کشتی مورد علاقه وزارت خزانه‌داری آمریکا با پرچم جمهوری اسلامی با نام آرزو متعلق به خطوط کشتیرانی دولتی ایران، در مسیر بندر خمینی به بندر لاذقیه، بنغازی و کنستانتا، از بسفر به سمت مدیترانه عبور کرد.»

- بندر بنغازی در شمال لیبی در ساحل دریای سرخ قرار دارد. بندر کنستانتا در رومانی نیز بزرگترین بندر دریای سیاه و چهارمین بندر بزرگ اروپا محسوب می‌شود.

● بر اساس گزارش منابع غیررسمی، باندهای قوی و عوامل سپاه پاسداران از جمله در بندر ناپولی در ایتالیا یا آنتروپن بلژیک با کمک دلالات بین‌المللی و شرکت‌های پوششی در اروپا تحریم‌ها را دور می‌زنند و بخشی از منابع مالی تروریسم را از همین طریق تأمین می‌کنند.

● جمهوری اسلامی برای «سلاح‌شویی» و در برخی مواقع «قاچاق مواد مخدر» نه تنها از بنادر بلژیک، اسپانیا و ایتالیا استفاده می‌کند بلکه برای دور زدن تحریم‌ها نیز روی بنادر رومانی، هلند، ترکیه و فرانسه هم حساب کرده است. سود حاصل از دور زدن تحریم‌ها برای سپاه پاسداران آنقدر زیاد است که حتا بعد از پرداخت رشوه هنگفت به دلالات اروپایی باز هم سود می‌برد.

● محمد حسن ابراهیمی معاون بازاریابی و خدمات مشتریان کشتیرانی «حافظ دریای آریا» با اشاره به ضرورت مقابله با تحریم‌ها می‌گوید، «کاری که ما در کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران انجام می‌دهیم بالا رفتن با کمک باد مخالف است. به صورت تحقیقی هیچ موفقیتی خلق‌الساعه نیست.»

دو هفته پس از آنکه روزنامه بریتانیایی «تلگراف» افشا کرد، جمهوری اسلامی دست‌کم با پنج کشتی کانیتیزبر از طریق بنادر اروپایی اقدام به ارسال تسلیحات برای حزب‌الله لبنان و رژیم سوریه می‌کند، منابع ترکیه‌ای یکی از آن کشتی‌ها را هنگام عبور از تنگه بسفر استانبول شناسایی کردند. این روزنامه گزارش داده، «واحد ۱۹۰» نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از طریق بنادر آنتروپن (بلژیک)، والنسیا (اسپانیا) و رونا (ایتالیا) با پنج کشتی با نام‌های «دیزی، کاشان، شیب، آرزو و آذگون» در عملیات «سلاح‌شویی» نقش دارد. این کشتی‌ها پیش از عزیمت به بندر لاذقیه در شمال سوریه در این بنادر پهلو می‌گیرند. مقصد نهایی این کشتی‌ها سواحل جنوب لبنان است.

اکانت «Yörük Işık» که عبور و مرور کشتی‌ها را رصد می‌کند ۲۴ مارس (پنجم فروردین) با انتشار تصویری از عبور کشتی «آرزو» از تنگه بسفر استانبول به کنایه نوشت «کشتی مورد علاقه وزارت خزانه‌داری آمریکا با پرچم جمهوری اسلامی با نام آرزو متعلق به خطوط کشتیرانی دولتی ایران، در مسیر بندر خمینی به بندر لاذقیه، بنغازی و

بیش از ۸۰ کشته در حمله مسلحانه به تالار «کروکوس سیتی هال» مسکو؛ داعش مسئولیت حمله را به عهده گرفت



آتش‌سوزی در سالن «کروکوس سیتی هال» در حومه مسکو پس از یک حمله مسلحانه / مارس ۲۰۲۴

تأسف از «تیراندازی وحشتناک» در مسکو به خبرنگاران گفت: «در حال حاضر هیچ نشانه‌ای وجود ندارد که اوکراین یا اوکراینی‌ها در این تیراندازی دست داشته باشند... ما در حال بررسی موضوع هستیم.»

کری در پاسخ به اینکه آیا این رویداد نشانه‌ای از شکاف در رژیم ولادیمیر پوتین است، گفت: «در مسکو و روسیه افرادی هستند که به نحوه اداره کشور توسط آقای پوتین اعتراض دارند، اما فکر نمی‌کنم الان بتوان بین این حمله و انگیزه‌های سیاسی خط و ربط برقرار کرد. فکر می‌کنم... زمان بیشتری نیاز داریم و باید اطلاعات بیشتری به دست آوریم.»

هشدار امنیتی به شهروندان آمریکایی

سفارت آمریکا در روسیه چندین روز قبل با صدور هشدار امنیتی به شهروندان آمریکایی، از آنها خواسته بود تا «در ۴۸ ساعت آینده از شرکت در تجمعات بزرگ خودداری کنند.»

اینهمه در حالیست که میخائیلو پودولیاک مشاور ولودیمیر زلینسکی رئیس جمهوری اوکراین دست داشت در این حملات را رد کرد و گفت: «اوکراین قطعاً هیچ ارتباطی با تیراندازی و انفجار در تالار کروکوس ندارد.»

وی افزود: «اوکراین بیش از دو سال است که با ارتش روسیه می‌جنگد و همه چیز در این جنگ تنها در میدان نبرد تعیین می‌شود، تنها با کمیت سلاح و تصمیمات کیفی نظامی. حملات تروریستی هیچ مشکلی را حل نمی‌کند.»

وی تأکید کرد که «اوکراین هرگز به استفاده از روش‌های تروریستی متوسل نشده... این بی‌معنی است. برخلاف روسیه که در جنگ کنونی علیه اوکراین از حملات تروریستی استفاده می‌کند.»

فروردین) سه تا پنج مرد مسلح پس از ورود به سالن شش هزار نفری «کروکوس» مردم را به رگبار بستند و سالن را آتش زدند.

ساعاتی بعد داعش در اطلاعیه‌ای مسئولیت این اقدام رگبار را به عهده گرفت. در این اطلاعیه آمده، «نیروهای دولت اسلامی یک تجمع بزرگ مسیحیان در شهر کراسنوغورسک در حومه مسکو پایتخت روسیه را مورد هدف قرار دادند و صدها نفر را کشته و زخمی کردند و پیش از آنکه به سلامت به پایگاه‌هایشان بازگردند، خسارت شدیدی به آن مکان وارد کردند.»

دولت روسیه همه برنامه‌ها و اجتماعات آخر هفته را لغو کرده است. مقامات امنیتی این کشور اعلام کردند یکی از مهاجمان دستگیر شده است.

دیمیتری مدودف معاون رئیس شورای امنیت ملی روسیه در واکنش به این واقعه گفته است: «تروریست‌ها هیچ زبانی جز انتقام نمی‌فهمند؛ اگر زور را با زور پاسخ ندهیم، هیچ محاکمه یا تحقیقاتی سودی نخواهد داشت.»

سرگئی سوبیانین شهردار مسکو نیز این حمله رگبار را یک «تراژدی وحشتناک» خواند.

این حمله مسلحانه یک هفته پس از آن اتفاق افتاد که ولادیمیر پوتین بار دیگر سلطه خود را بر روسیه به عنوان رئیس جمهور شش سال دیگر تمدید کرد.

هرچند داعش مسئولیت این «اقدام تروریستی» را به عهده گرفته اما برخی می‌گویند خود دولت روسیه پشت آن قرار دارد تا بهانه‌ای برای گسترش جنگ به سایر نقاط داشته باشد. اما روس‌ها انگشت اتهام را به سوی اوکراین دراز کرده‌اند.

جان کربی سخنگوی امنیت ملی کاخ سفید ضمن ابراز

● جمعه شب ۲۲ مارس (سوم فروردین) سه تا پنج مرد مسلح پس از ورود به سالن شش هزار نفری «کروکوس» مردم را به رگبار بستند و سالن را آتش زدند.

● تیراندازی و آتش‌سوزی در سالن کنسرت «کروکوس سیتی هال» واقع در شمال غربی مسکو دست‌کم ۸۰ کشته و بیش از ۱۴۰ مجروح برجای گذاشت.

● ساعاتی بعد داعش در اطلاعیه‌ای مسئولیت این اقدام رگبار را به عهده گرفت. در این اطلاعیه آمده، «نیروهای دولت اسلامی یک تجمع بزرگ مسیحیان در شهر کراسنوغورسک در حومه مسکو پایتخت روسیه را مورد هدف قرار دادند و صدها نفر را کشته و زخمی کردند و پیش از آنکه به سلامت به پایگاه‌هایشان بازگردند، خسارت شدیدی به آن مکان وارد کردند.»

● هرچند داعش مسئولیت این «اقدام تروریستی» را به عهده گرفته اما برخی می‌گویند خود دولت روسیه پشت آن قرار دارد تا بهانه‌ای برای گسترش جنگ به سایر نقاط داشته باشد. اما روس‌ها انگشت اتهام را به سوی اوکراین دراز کرده‌اند.

● جان کربی سخنگوی امنیت ملی کاخ سفید ضمن ابراز تأسف از «تیراندازی وحشتناک» در مسکو به خبرنگاران گفت: «در حال حاضر هیچ نشانه‌ای وجود ندارد که اوکراین یا اوکراینی‌ها در این تیراندازی دست داشته باشند... ما در حال بررسی موضوع هستیم.»

تیراندازی و آتش‌سوزی در سالن کنسرت «کروکوس سیتی هال» واقع در شمال غربی مسکو دست‌کم ۸۰ کشته و بیش از ۱۴۰ مجروح برجای گذاشت.
بنا بر گزارش منابع روسیه، جمعه شب ۲۲ مارس (سوم

توافق رهبران اتحادیه اروپا در مورد تخصیص سود دارایی‌های بلوکه شده روسیه به اوکراین



نشست رهبران اروپایی در بروکسل / مارس ۲۰۲۴

رهبران کشورهای اروپایی درباره راه‌های تقویت صنعت دفاعی اروپا به منظور مسلح کردن اوکراین و ایجاد نیروهای خود بحث کردند.

کاجا کالاس نخست وزیر استونی گفته بود، «مشکل بزرگی برای تأمین مالی صنایع دفاعی وجود دارد».

بروکسل مجموعه‌ای از پیشنهادات را با هدف افزایش ظرفیت کمک‌ها ارائه کرده اما همچنان به دلیل اینکه به اندازه کافی سریع عمل نمی‌کنند مورد انتقاد قرار می‌گیرند.

در حالی که روسیه اقتصاد خود را بر اساس شرایط جنگی تنظیم کرده، اتحادیه اروپا از وعده‌های خود برای تأمین یک میلیون گلوله توپخانه به اوکراین کوتاهی کرده است. جمهوری چک ابتکار ارسال گلوله‌های توپ به اوکراین را هدایت می‌کند. در هفته‌های اخیر فرانسه و استونی ایده استفاده از نیروی زمینی در اوکراین را مطرح کردند اما فعلاً اکثریت کشورهای عضو اتحادیه از جمله آلمان مخالف آن هستند.

رهبران اروپایی اکنون به دنبال گرفتن وام از بانک سرمایه‌گذاری اروپا برای تقویت بخش دفاعی خود هستند. در حال حاضر، این بانک تنها به سرمایه‌گذاری در تعداد کمی از «تجهیزات با کاربرد دوگانه» محدود شده که می‌توانند هم عملکرد نظامی و هم غیرنظامی داشته باشند. اولاف شولتز صدراعظم آلمان قول داده که برلین و متحدان اروپایی آن در حمایت خود از اوکراین ثابت قدم خواهند ماند، حتی در شرایطی که اعضای دولت ائتلافی او به شدت بر سر کمک نظامی به این کشور اختلاف دارند.

در شرایطی که محور نشست اخیر رهبران اتحادیه اروپا در مورد اوکراین بود اما آنها در مورد وضعیت غزه نیز گفتگو کردند. بین رهبران اروپایی یعنی آنها که حامیان اسرائیل هستند و آنان که بیشتر پشتیبانی فلسطین هستند اختلاف نظر وجود دارد.

با گذشت بیش از دو سال از جنگ روسیه علیه اوکراین، ارسال کمک‌های نظامی غرب برای تقویت ارتش اوکراین دچار مشکل شده است. در همین حال، ولادیمیر پوتین با تثبیت جایگاه خود در روسیه برای شش سال دیگر به عنوان رئیس جمهور سلطه بر کشورش خود را محکم کرده است. براساس توافق صورت گرفته بین دولت‌های اروپایی، راه برای پرداخت حدود سه میلیارد یورو در سال به کی‌یف باز خواهد شد.

در همین ارتباط رئیس کمیسیون اروپا به خبرنگاران گفت: «خوشحالم که رهبران پیشنهاد ما را برای استفاده از درآمدهای فوق‌العاده از دارایی‌های مسدود شده روسیه تأیید کردند. این بودجه برای تأمین تجهیزات نظامی اوکراین صرف می‌شود.»

در اولین گام اجرای این توافق، اتحادیه اروپا حدود ۲۰۰ میلیارد یورو از دارایی‌های بانک مرکزی روسیه را به عنوان بخشی از تحریم‌های اعمال شده علیه مسکو مسدود کرده است.

فشار اتحادیه اروپا برای یافتن بودجه بیشتر برای اوکراین در حالیست که بسته حمایتی ۶۰ میلیارد دلاری از سوی ایالات متحده همچنان در کنگره مسدود است.

ولودیمیر زلینسکی رئیس جمهور اوکراین در یک نشست آنلاین خطاب به ۲۷ رهبر اتحادیه اروپا گفت که کمبود مهمات نیروهایش برای اروپا «تحقیرآمیز» است. او همچنین خواستار تقویت سیستم‌های دفاع هوایی اوکراین شده است.

رهبران اتحادیه اروپا اصرار دارند که هدف قرار دادن منافع حاصل از دارایی‌های مسدود شده از نظر قانونی درست است. اما کرملین هشدار داده که از روش‌های قانونی و «دیگر روش‌های تلافی‌جویانه» برای پاسخ دادن استفاده خواهد کرد.

در کنار تلاش‌ها برای رساندن تسلیحات بیشتر به کی‌یف،

اتحادیه اروپا حدود ۲۰۰ میلیارد یورو از دارایی‌های بانک مرکزی روسیه را که در این اتحادیه بلوکه شده، به عنوان بخشی از تحریم‌ها علیه مسکو به اوکراین می‌دهد.

اورزولا فون در لاین رئیس کمیسیون اروپا می‌گوید، «درآمد حاصل از سود دارایی‌های بلوکه شده روسیه مخارج مالی تجهیزات نظامی اوکراین را تأمین می‌کند».

ولودیمیر زلینسکی رئیس جمهور اوکراین در یک نشست آنلاین خطاب به ۲۷ رهبر اتحادیه اروپا گفت که کمبود مهمات نیروهایش برای اروپا «تحقیرآمیز» است. او همچنین خواستار تقویت سیستم‌های دفاع هوایی اوکراین شده است.

رهبران اتحادیه اروپا اصرار دارند که هدف قرار دادن منافع حاصل از دارایی‌های مسدود شده از نظر قانونی درست است. اما کرملین هشدار داد که از روش‌های قانونی و «دیگر روش‌های تلافی‌جویانه» برای پاسخ دادن استفاده خواهد کرد.

اتحادیه اروپا حدود ۲۰۰ میلیارد یورو از دارایی‌های بانک مرکزی روسیه را که در این اتحادیه بلوکه شده است، به عنوان بخشی از تحریم‌ها علیه مسکو به اوکراین می‌دهد.

به گزارش خبرگزاری فرانسه، رهبران اتحادیه اروپا روز پنجشنبه ۲۱ مارس (دوم فروردین) با پرداخت بخشی از سود حاصل از دارایی‌های مسدود شده بانک مرکزی روسیه به اوکراین موافقت کردند.

اوکراین خواستار دریافت مهمات بیشتر برای نیروهای مسلح خود شده و اروپایی‌ها اعلام کردند که به این کار سرعت خواهند بخشید.

اورزولا فون در لاین رئیس کمیسیون اروپا می‌گوید، «درآمد حاصل از سود دارایی‌های بلوکه شده روسیه مخارج مالی تجهیزات نظامی اوکراین را تأمین می‌کند».

آنتونی بلینکن: مایل هستیم جمهوری اسلامی که تأمین کننده اصلی سلاح، اطلاعات و فناوری برای حوثی‌هاست به آنها بگوید از حمله دست بکشند!



آنتونی بلینکن وزیر خارجه آمریکا در سفر به عربستان سعودی / مارس ۲۰۲۴

ادعا می‌کنند در این مذاکرات مواردی را انتقال می‌دهند که از «یک درگیری گسترده‌تر» جلوگیری شود.

پیش از این گزارش شده بود که مقامات آمریکایی چندین مرتبه از مقامات دولت چین خواسته‌اند برای مهار حوثی‌ها به جمهوری اسلامی که پشتیبان آنهاست فشار بیاورند اما بی‌فایده بوده است. هرچند آمریکا با همکاری بریتانیا برای مقابله با حملات حوثی‌ها چند عملیات مستقیم علیه آنها در خاک یمن انجام دادند اما تهدیدات آنها کاهش پیدا نکرد. در آمریکا مقامات ارشد حزب جمهوریخواه «مماشات» دولت بایدن با منشاء این حملات یعنی رژیم ایران را عامل گستاخ‌تر شدن حوثی‌ها می‌دانند.

آمریکا در ماه‌های اخیر چند شرکت و دلال مرتبط با شبکه پشتیبانی موشکی و پهبادی از حوثی‌ها را در فهرست تحریم‌ها قرار داده است.

اداره کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری (OFAC) روز ۱۶ مارس (۲۶ اسفندماه) با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد که شرکت کشتیرانی «ویشنو» (Vishnu) را که در جزایر مارشال ثبت شده، در فهرست تحریم‌های خود قرار داده است.

یک مقام ارشد آمریکایی در مورد حوثی‌ها که دولت بایدن چندی پیش دوباره آنها را به عنوان یک سازمان تروریستی معرفی کرده، گفت: «ما به روشنی درباره اینکه حوثی‌ها چه کسانی هستند و جهان‌بینی آنها چیست آگاه هستیم... بنابراین مطمئن نیستیم که آنها فوراً متوقف شوند، اما مصمم هستیم تلاش کنیم تا توانایی‌های آنها را کاهش دهیم و از بین ببریم.»

اگرچه آنتونی بلینکن گفته «مایل هستیم تهران به حوثی‌ها بگوید از حمله دست بکشند» اما مقامات جمهوری اسلامی بارها ادعا کردند این گروه شبه‌نظامی از تهران دستور نمی‌گیرد و مستقل عمل می‌کند.

فشارهای زیادی از سوی ما و بسیاری از کشورهای دیگر، از جمله از طریق تحریم‌ها، بر حکومت ایران تحمیل شده است، اما من همچنین فکر نمی‌کنم ادامه حمایت از حملات حوثی‌ها به نفع ایران باشد. همه کشورهای جهان این حملات را محکوم می‌کنند و اینکه ایران تا چه اندازه مسئول آن دیده می‌شود، برای [رژیم] ایران خوب نیست. بنابراین امیدواریم که جمهوری اسلامی از نفوذی که دارد برای پایان دادن به این حملات استفاده کند.»

بلینکن در بخشی از این صحبت‌ها با بیان اینکه «حوثی‌ها محموله‌هایی را که به سمت مردم خودشان در یمن در حال حرکت بود، مورد حمله قرار دادند» توضیح داد، «به شدت درگیر یک تلاش دیپلماتیک هستیم تا اطمینان حاصل کنیم که درگیری‌ها گسترده نشود، از جمله عدم سرایت آن به لبنان و توسط حزب‌الله... به نظر هیچکس واقعاً در پی درگیری نیست، من معتقد نیستم که اسرائیلی‌ها یا حزب‌الله این را می‌خواهند، لبنان قطعاً این را نمی‌خواهد و حتا [رژیم] ایران به عنوان حامی حزب‌الله فکر نمی‌کنم این را بخواهد. اما متأسفانه گاهی اوقات آسان است که در یک درگیری ناخواسته پیش می‌آید اما باید حل شود.»

روزنامه «فایننشال تایمز» چهارشنبه ۱۳ مارس (۲۳ اسفندماه) گزارش داد مقام‌های آمریکا و جمهوری اسلامی در ماه ژانویه سال ۲۰۲۴ در عمان گفتگوی محرمانه داشتند. طی این گفتگوها واشنگتن نگرانی‌های خود را در زمینه برنامه‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی نیز ابراز کرده است. برخی منابع گزارش دادند محور این مذاکرات درباره حملات حوثی‌ها و پشتیبانی تهران از گروه‌های نیابتی بوده است. یک فرد مطلع گفته بود که مقامات آمریکایی مذاکره غیرمستقیم با تهران را «روشی برای جلوگیری از افزایش طیف وسیعی از تهدیدات جمهوری اسلامی» می‌دانند. آنها

● آنتونی بلینکن وزیر خارجه آمریکا که چهارشنبه ۲۰ مارس برای گفتگو درباره اوضاع منطقه به خاورمیانه سفر کرده می‌گوید، «ما می‌خواهیم که ایران از نفوذ خود بر حوثی‌ها استفاده کند، زیرا تأمین کننده اصلی سلاح، اطلاعات و فناوری برای حوثی‌ها است. ما مایل هستیم ببینیم که آنها به حوثی‌ها بگویند که از حملات خود دست بکشند.»

● وی در گفتگو با شبکه «الحدث» عنوان کرد، «ما اختلافات زیادی با [رژیم] ایران در زمینه‌های مختلف داریم و فشارهای زیادی از سوی ما و بسیاری از کشورهای دیگر، از جمله از طریق تحریم‌ها، بر حکومت ایران تحمیل شده است، اما من همچنین فکر نمی‌کنم ادامه حمایت از حملات حوثی‌ها به نفع [رژیم] ایران باشد.»

با ادامه حملات شبه‌نظامیان حوثی به کشتی‌های خارجی در دریای سرخ و تنگه باب‌المندب، مقامات آمریکایی بار دیگر از جمهوری اسلامی خواستند از نفوذ خود برای توقف این حملات استفاده کند. این درخواست‌ها در شرایطی است که همین مقامات بارها تأکید کرده‌اند که جمهوری اسلامی به صورت مستقیم این حملات را طراحی و پشتیبانی می‌کند.

آنتونی بلینکن وزیر خارجه آمریکا که چهارشنبه ۲۰ مارس (یکم فروردین) برای گفتگو درباره اوضاع منطقه به خاورمیانه سفر کرده می‌گوید، «ما می‌خواهیم که ایران از نفوذ خود بر حوثی‌ها استفاده کند، زیرا تأمین کننده اصلی سلاح، اطلاعات و فناوری برای حوثی‌ها است. ما مایل هستیم ببینیم که آنها به حوثی‌ها بگویند که از حملات خود دست بکشند.»

وی در گفتگو با شبکه «الحدث» عنوان کرد، «ما اختلافات زیادی با [رژیم] ایران در زمینه‌های مختلف داریم و

کدام قانون اساسی؟



● تفاوت میان قانون اساسی مشروطه و آن قانونی اساسی نوینی که برخی می‌گویند باید تهیه شود، چیست؟
● کسانی که ویژگی قومی را بر گوهر هویت ملی ترجیح می‌دهند، به دام فلسفی تناقض ذاتی در بیان خویششان خویش سقوط می‌کنند. اولویت دادن به گوهر ایرانی ضامن «اصل فلسفی عدم تناقض» است.
● قانون اساسی متناسب با شرایط ایران آزاد و دموکراتیک باید پیش‌برنده مفهوم «میهن» و «هویت ملی- تاریخی» باشد. یعنی اینکه همه توجهات باید بر «میهنی‌سازی قانون اساسی»، علاوه بر موضوعات تاریخی و هویتی، که اموری ملی و داخلی هستند، با التزامات در روابط بین‌الملل نیز پیوندی ناگسستنی دارد. چرا که قانون اساسی با یک «بایستن اخلاقی» و یک «التزام حقوقی» در مرکز قوانین جهانشمول می‌تواند معنی و مفهوم داشته باشد.

محمود مسائلی - آیا برای آینده ایران باید قانون اساسی نوینی تهیه شود یا اینکه می‌توان قانون اساسی پیشین را مورد استناد قرار داد؟ این نوشتار کوتاه می‌کوشد این پرسش را دید نگارنده مورد توجه قرار دهد.

قانون اساسی جمهوری اسلامی از حیث اعتبار حقوقی و هنجاری در حال مرگ، زینهار، و مایه اصلی همه مصیبت‌هایی است که در طول این ۴۵ سال بر سر ملت و میهن، و همچنین کل منطقه آمده است. بنابراین اولاً نظام اسلامی باید برود زیرا به هیچ عنوان قابلیت اصلاح ندارد. ثانیاً قانون اساسی دیگری باید برای ایران آزاد و دموکراتیک در نظر گرفته شود که قادر باشد نیازهای جامعه را پاسخ گوید، و مردم نیز با اراده و اختیار آزاد خود پذیرای آن باشند. در این ارتباط، ضرورتاً چند پرسش مطرح می‌شود:

۱. تفاوت میان قانون اساسی مشروطه و آن قانونی اساسی نوینی که برخی می‌گویند باید تهیه شود، چیست؟ یعنی چه عناصری این دو قانون اساسی را از یکدیگر متمایز می‌سازد؟ و کدامین می‌تواند حافظ منافع ملی در ایران آزاد و دموکراتیک آینده باشد؟

۲. چه عواملی برای انتخاب وجود دارند؟ آیا این تفاوت‌ها «اساسی» [۱] یا «رویه‌ای» [۲] هستند؟ توضیح بیشتر و روشن‌تر این تفاوت‌ها دارای اهمیت است.

اولین تفاوت و یا ویژگی، یعنی بُعد «اساسی» قانون اساسی با «هویت ملی» ارتباط دارد. منظور اینکه ایران یک هویت تاریخی است که گوهر وجودی آن در همه ادوار زمانی این مرز و بوم استمرار داشته و باید در همه شرایط پابرجا باقی بماند. به عنوان مثال، هویت من با میهن آباء و اجدادی و ایرانی بودنم پیوند دارد؛ من یک ایرانی اصفهانی، گیلک، لر، کرد، یا ترک هستم. یعنی اینکه ایرانی بودنم بر اصفهانی بودن، گیلک بودن، لر بودن، کرد بودن، و یا ترک بودن من مقدم است. اگر گوهر ایرانی بودن به عنوان «شاخصه اساسی» هویتی من نادیده گرفته شود، هیچ جایگاه و یا مجالی برای بیان ویژگی قومی من، و اساساً هویت من، باقی نمی‌ماند. بدون ایرانی بودن، من نمی‌دانم که هستم؛ همه انسانیت خود را در کوره‌راه‌های تاریخ فرهنگی و هویتی گم کرده، و در حقیقت از دست می‌دهم. کسانی که ویژگی قومی را بر گوهر هویت ملی ترجیح می‌دهند، به دام فلسفی تناقض ذاتی در بیان

امور داخلی کشورها و حوزه «صلاحیت مستقل» آنهاست، باید قابلیت سازگاری با قوانین مورد تفاهم و پذیرفته شده بین‌المللی داشته باشد؟

اولین دلیل این است که قانون اساسی با یک «بایستن اخلاقی» [۱۰] و یک «التزام حقوقی» [۱۱] در مرکز قوانین جهانشمول [۱۲] می‌تواند معنی و مفهوم داشته باشد. بایستن اخلاقی را منشور ملل متحد در مقدمه بیان می‌کند: «ایمان به حقوق اساسی بشر و به حیثیت و ارزش شخصیت انسانی و به تساوی حقوق مرد و زن و همچنین بین ملت‌ها اعم از کوچک و بزرگ»، و التزام حقوقی در همان فراز منشور مشاهده می‌شود: «احترام الزامات ناشی از عهدنامه‌ها و سایر منابع حقوق بین‌المللی و کمک به ترقی اجتماعی و شرایط زندگی بهتر با آزادی بیشتر». بدون این شروط قطعی و مطلق، قانون اساسی ارزش وجودی خود را از دست داده و به خطری اصلی برای صلح و آرامش خانواده بشری تبدیل می‌شود.

دومین دلیل این است که قانون اساسی باید تاییدکننده ضرورت «حفظ صلح و امنیت بین‌المللی» باشد. در حقیقت، بر اساس ماده ۴ منشور ملل متحد، قانون اساسی می‌بایست «گوهر صلح دوستی، مدارا و تساهل در قبال دیگر جوامع صلح‌دوست بوده و تمایل و قابلیت» برای انجام آن را داشته باشد. بدون این ضرورت هیچ قانون اساسی نمی‌تواند مورد قبول جوامع آزاد و دموکراتیک امروزی جهان باشد.

سومین دلیل در تعهد کشورها به موجب منشور ملل متحد قرار دارد که همه کشورها را (حداقل در تئوری) به همکاری‌های مسالمت‌آمیز برای پیشبرد ترقی اقتصادی و اجتماعی همه ملل جهان فرا می‌خواند.

با توجه به این ضرورت‌ها و «بایستن»‌های حقوقی و هنجاری، به درستی معلوم نیست که آیا قانون اساسی که می‌بایست در آینده تدوین شود، بتواند اینگونه معیارها را در نظر بگیرد. بنابراین به نظر می‌رسد که قانون ←

خویششان خویش سقوط می‌کنند. اولویت دادن به گوهر ایرانی ضامن «اصل فلسفی عدم تناقض» [۳] است. اگر این گوهر فراموش شود، همه هویت و موجودیت «من» بدون معنی و مفهوم خواهد بود.

ویژگی دوم، یعنی امر «رویه‌ای» در بحث قانون اساسی، اهمیتی ثانویه دارد، مثلاً اینکه چه نوع سیاست رفاه اجتماعی متناسب با شرایط ایران آزاد و دموکراتیک آینده است. بنابراین، موضوعات رویه‌ای در اصل نمی‌توانند آسیب‌های جدی به موضوعات اساسی و هویتی وارد سازند. مهم‌ترین راهنما در توضیح پرسش‌های بالا این است که قانون اساسی متناسب با شرایط ایران آزاد و دموکراتیک باید پیش‌برنده مفهوم «میهن» و «هویت ملی- تاریخی» باشد. یعنی اینکه همه توجهات باید بر «میهنی‌سازی قانون اساسی» [۴] معطوف باشد. «میهنی‌سازی قانون اساسی»، علاوه بر موضوعات تاریخی و هویتی، که اموری ملی و داخلی هستند، با دو التزام در روابط بین‌الملل نیز پیوندی ناگسستنی دارد.

اولاً، قانون اساسی باید «حاکمیت ملی» [۵] را در برابر مخاطرات محافظت کند. اما این ضرورت محافظت به ذات و ماهیت قانون اساسی وابسته است. این ذات در دو اصل «تمامیت ارضی» [۶] و «استقلال سیاسی» [۷] تبلور پیدا می‌کند.

ثانیاً، قانون اساسی باید در ذات خود گوهر «تعین سرنوشت» [۸] ملی را بطور قطعی و بدون هیچ قید و شرطی پروراند و همواره در حیات سیاسی کشور زنده و با نشاط نگه دارد.

این دو التزام ماهوی، یا «بایستن» غیرقابل تردید و یا چانه‌زنی، که «فرمانی امری» [۹] را در درون خود حمل می‌کند، ذات قانون اساسی ملی و میهنی شده را به حقوق بین‌الملل پیوند می‌دهد. منظور از این فرمان امری که تحت هیچ شرایطی نباید، و نمی‌تواند، نقش شود، چیست؟ به چه دلیل «قانون اساسی میهنی‌شده» که مربوط به

آسوشیتدپرس: سقوط ارزش ریال پس انداز ایرانیان را بر باد می‌دهد



تهران - خیابان فردوسی

برای سفر به خارج کشور است که باعث افزایش تقاضا برای دلار و یورو می‌شود.»

مجتبی ۴۹ ساله با تعجب می‌گوید، «ریال نسبت به شش روز گذشته پنج درصد افزایش داشت در حالی که کل کشور در تعطیلات است!»

در ادامه این گزارش آمده، «افزایش نرخ ارز به شدت بر سایر بازارها از جمله مسکن و اجاره تاثیر می‌گذارد.»

در آخرین روز کاری در سال ۱۴۰۲ نرخ دلار ۵۹ هزار تومان بود. بسیاری از ایرانیان با کاهش ارزش ریال پس اندازهای زندگی‌شان از بین رفته. امروز ارزش پول ایران حدود یک بیستم ارزش دلار در سال ۲۰۱۵ است، زمانی که ایران توافق هسته‌ای را با قدرت‌های جهانی امضاء کرده.

طبق اعلام مرکز آمار دولت نرخ تورم در ایران در سال ۲۰۲۴ حدود ۵/۴۲ درصد است، در حالی که بانک مرکزی آن را بیش از ۴۶ درصد اعلام کرده است. هیچ توضیحی هم برای اختلاف وجود ندارد.

اینهمه در شرایطی است که روابط جمهوری اسلامی ایران با غرب در پایین‌ترین سطح خود قرار گرفته است. تحریم‌های گسترده، دسترسی حکومت به منابع مالی را کاهش داده و مذاکرات احیای برجام در سال ۲۰۲۲ نیز به شکست انجامید. در این میان، تنش‌ها در خاورمیانه به میزان قابل توجهی افزایش یافته است. ارسال پهپاد و موشک برای روسیه نیز دیپلماسی با جمهوری اسلامی را به شدت پیچیده‌تر کرده است.

شرایط وخیم اقتصادی در گذشته به خشم گسترده مردم علیه حکومت کمک کرد، اما همچنان بسیاری از ایرانیان مجبورند با وجود سرکوب شدید مخالفان، بجای مشارکت در فعالیت‌های سیاسی پریسک، به فکر تأمین نیازهای سفره‌ی خود باشند.

آسوشیتدپرس بدون اشاره به «تحریم انتخابات» از سوی مردم نوشت، سقوط ریال کمتر یک ماه پس از انتخابات مجلس شورای اسلامی اتفاق افتاده است. این انتخابات کمترین میزان مشارکت مردم از «انقلاب ۵۷» تا کنون را به خود اختصاص داد که نتیجه سلطه سیاستمداران افراطی است.

● آسوشیتدپرس در گزارشی با اشاره به افزایش نرخ دلار به بیش از ۶۱ هزار و ۳۵۰ در بازار آزاد ایران آن را «سقوط تاریخی ریال» خواند و نوشت افزایش نرخ ارز به شدت بر سایر بازارها از جمله مسکن و اجاره تاثیر می‌گذارد و پس انداز ایرانیان را بر باد می‌دهد.

● در این گزارش آمده «روابط جمهوری اسلامی ایران با غرب در پایین‌ترین سطح خود قرار گرفته. تحریم‌های گسترده، دسترسی حکومت به منابع مالی را کاهش داد و مذاکرات احیای برجام در سال ۲۰۲۲ نیز به شکست انجامید. در این میان، تنش‌ها در خاورمیانه به میزان قابل توجهی افزایش یافته. ارسال پهپاد و موشک برای روسیه نیز دیپلماسی با جمهوری اسلامی را به شدت پیچیده‌تر کرده است.»

● آسوشیتدپرس اشاره کرد، «شرایط وخیم اقتصادی در گذشته به خشم گسترده مردم علیه حکومت کمک کرد، اما همچنان بسیاری از ایرانیان مجبورند با وجود سرکوب شدید مخالفان، بجای مشارکت در فعالیت‌های سیاسی پریسک، به فکر تأمین نیازهای سفره‌ی خود باشند.»

به دنبال افزایش نرخ دلار در بازار آزاد ایران، خبرگزاری آسوشیتدپرس روز یکشنبه ۲۴ مارس (پنجم فروردین) در گزارشی به سقوط تاریخی ارزش ریال همزمان با تعطیلات نوروزی پرداخت.

در این گزارش آمده، هر دلار آمریکا روز یکشنبه در صرافی‌های خیابان فردوسی تهران به ۶۱ هزار و ۳۵۰ تومان افزایش یافت و سقوط ریال رکورد تازه‌ای ثبت کرد و مردم تلاش می‌کردند ریال خود را با سایر ارزها مبادله کنند، هرچند بیشتر صرافی‌ها به دلیل ایام نوروزی تعطیل بودند. محسن کارمند ۳۲ ساله یکی از صرافی‌ها می‌گوید: «پایان تعطیلات به کاهش قیمت‌ها کمک می‌کند، قیمت واقعی نیست، تقاضا برای خرید دلار بسیار زیاد است، اما فقط چند صرافی وجود دارد.» او و سایر ایرانیان به دلیل پیامدهای احتمالی صحبت با رسانه‌های خارجی در مورد وضعیت اقتصادی کشور به شرط ناشناس ماندن اسم‌شان با این خبرگزاری گفتگو کردند.

آسوشیتدپرس می‌نویسد، «تعطیلات دو هفته‌ای فرصتی

→ اساسی مشروطه قابل اعتمادتر از قانونی باشد که می‌بایست تهیه شود. به چند دلیل:

اول اینکه روح قانون اساسی مشروطه اساسا بر مبنای هویت ملی و تاریخی ایران تعریف شده است، و از این رو گوهر هویت ایرانی را به نمایش می‌گذارد. اقوام و گروه‌های مختلف ایرانی با این گوهر ایرانی هویت خود را می‌یابند.

دوم، قانون اساسی مشروطه به لحاظ حقوقی تداوم آرزوها و خواست‌های مردم ایران از آغاز تا امروز بوده است. بنابراین، طبق قاعده حقوقی «از هیچ چیز نمی‌توان چیزی ساخت» [۱۳] قانون اساسی مشروطه از آن پیش‌زمینه‌های تاریخی و هویتی ایرانی سرچشمه می‌گیرد. حال اگر در اثر واقعه ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ آن قانون اساسی نادیده انگاشته شد، هرگز به این معنی نیست که تجلی گوهر هویت ایرانی باید برای همیشه کنار گذاشته شده، چیزی از صفر و بر خلاف قاعده به وجود آید.

سوم، بازتاب‌دهنده تلاش‌های آزادیخواهان مردم برای یک حیات شرافتمندانه است که معیارهای آن را با اراده‌ی جمعی تعریف کرده‌اند. در فدای ایرانی آزاد این قانون به رای عمومی گذاشته می‌شود. اما از امروز باید اجزا و عصاره‌های آن با آگاهی‌های عمیق و درک صحیح مردم همراه شود تا گروه‌های تجزیه‌طلب نتوانند از شرایط پس‌اقیام عمومی مردم و فضای پراضطراب و بیقرار آن بهره‌گیرند.

با همه این اوصاف، ناگزیر بخش‌هایی از قانون اساسی مشروطه می‌بایست مورد بازبینی قرار گیرد و همساز با روح زمان گردد. به عنوان مثال، آیا باید مذهب شیعه اثنی عشری همچنان به عنوان مذهب رسمی کشور پذیرفته شود؟ بی‌تردید مواردی در آن قانون اساسی برای تحقق دموکراسی و حقوق بشر می‌بایست مورد بازبینی و بازنویسی جدی قرار گیرد. این موضوعات اما می‌بایست در حوزه‌های تخصصی مختلف شامل حقوق مدنی و جزا، حقوق بین‌المللی، نظریه‌های رفاهی، نظریه‌های دولت و غیره، و نه بر اساس عقاید و نظرات سیاسی کسانی که تخصصی در این زمینه ندارند، مورد مطالعه قرار گیرد.

*دکتر محمود مسائل استاد بازنشسته روابط و حقوق بین‌الملل، دانشگاه‌های آتاوا و کارلتون و دبیرکل اندیشکده بین‌المللی نظریه‌های بدیل با مقام مشورتی دائم نزد ملل متحد
Substantive [۱]
Procedural [۲]
Principle of non-contradiction [۳]
It must be patriated. Patriation of the [۴]
constitution

National sovereignty [۵]
Territorial integrity [۶]
Political independence [۷]
[۸] بر اساس موازین حقوق بین‌الملل معاصر، همه اقوام ایرانی باید از حق تعیین سرنوشت در چارچوب صلاحیت و حاکمیت ملی برخوردار باشد. این حق هرگز نمی‌تواند بر اساس تمایلات تجزیه‌طلبانه پذیرفته شود. نه فقط قوانین حقوق بین‌الملل، بلکه رویه‌های قضایی بین‌المللی حق تعیین سرنوشت را فقط در چارچوب صلاحیت ملی پذیرا هستند.

Categorical imperative [۹]
A moral ought [۱۰]
Legal obligation [۱۱]
Universal law [۱۲]
Ex nihilo [۱۳]

متن کامل گفتگوی «رُک مدیا» با بانو یاسمین پهلوی درباره فرامرز اصلانی: او هنر محض بود و هرگز حاضر نشد هنرش را بفروشد



هر حال خوشحالم که با شما هستم.

● خیلی از شما متشکرم و امیدوارم در آینده در موقعیت‌های شاد هم با شما همراه باشیم. من بسیار خوشحالم که ما این برنامه را به زبان انگلیسی اجرا می‌کنیم چرا که همیشه مایل بودم جادوی فرامرز اصلانی را فراتر از جامعه ایرانی به مردم بشناسانم. اول از همه واقعا بابت از دست دادن او متأسفم؛ همه ما ناراحتیم. اما فرامرز دوست نزدیک شما بوده و می‌خواهم بیرسم چند روز اخیر برای شما چگونه گذشت؟

-این اندوه عمیقی‌ست که همه ما به نوعی تجربه می‌کنیم؛ ترکیبی از اشک و لیخند زمانی که خاطرات در ذهن‌مان یادآوری می‌شوند. بسیار سخت است خصوصا که همه چیز به سرعت اتفاق افتاد. او در نزدیکی خانه ما بستری بود و من به شدت مایل بودم به ملاقات خودش و همسرش بروم و هرطور که می‌شود حمایت‌شان کنم اما به علت ضعف مصونیت جسمی و خطر انتقال بیماری‌های واگیردار امکان ملاقات با او فراهم نبود. من امیدوارم بودم که بتوانم بر بیماری‌اش غلبه کنم اما همه چیز بسیار سریع اتفاق افتاد و فکر می‌کنم ما هنوز نتوانستیم قبول کنیم که او دیگر با ما نیست؛ این بسیار بسیار غم‌انگیز است. من دیروز توانستم با مرجان ملاقاتی داشته باشم و با خودخواهی گفتم که آمده ام تا حال خودم بهتر شود و امیدوارم که بتوانم حال تو را هم بهتر کنم. نیاز داشتم که او را در آغوش بگیرم و این چیزی بود که واقعا به من کمک کرد تا الان بتوانم اینجا باشم و اندکی در مورد او با شما صحبت کنم.

● شما الان از همین اول احساساتی شده‌اید

و هنر از بین برد. در نتیجه ما دوستی خود را نه به اجبار بلکه از روی دلخواه به این شکل نگه داشتیم.»

بانو یاسمین پهلوی در گفتگویی با ژان قمیشی برنامه‌ساز کانال «رُک مدیا» درباره فرامرز اصلانی هنرمند موسیقی و شعر و نوازندگی که بر اثر ابتلا به بیماری سرطان همزمان با آغاز نوروز در یکم فروردین ۱۴۰۳ درگذشت سخن گفت. متن این گفتگو را که شنبه ۴ فروردین از «رُک مدیا» در یوتیوب پخش شد و توسط کیهان لندن از انگلیسی به فارسی برگردانده شده در ادامه می‌خوانید.

● ژان قمیشی- این برنامه ویژه ROQE به نام زنده‌یاد و در گرامیداشت فرامرز اصلانی است و بانو یاسمین پهلوی وکیل و فعال حقوق بشر که به خاطر دموکراسی در ایران تلاش می‌کند مهمان من است. او در تهران متولد شد و خانواده اش پس از انقلاب به آمریکا آمدند و در کالیفرنیا ساکن شدند. وی تحصیلات خود را در رشته حقوق سیاسی در دانشگاه جرج واشنگتن به پایان رساند و به عنوان همسر رضا پهلوی شاهزاده تبعیدی ایران نیز چهره‌ای شناخته شده در گردهمایی‌ها و تظاهرات ایرانیان است. وی با این حضور همبستگی خود را با ایرانیان داخل ایران و پشتیبانی از خواست آنها را برای رسیدن به آزادی و دموکراسی نشان می‌دهد. او همچنین دوست نزدیک فرامرز اصلانی و مرجان همسرش بوده و اکنون از واشنگتن در این برنامه شرکت می‌کند.

● ژان قمیشی: سلام

بانو یاسمین پهلوی: سلام، به خاطر این دعوت از شما متشکرم؛ ای کاش به مناسبتی شاد اینجا می‌بودم؛ ولی به

● «من دقیقا نه سال پیش در پانزدهم مارس ۲۰۱۵ او را برای اولین بار ملاقات کردم و صادقانه بگویم زیاد با او و کارهایش آشنا نبودم و هرگز اجرای او را از نزدیک ندیده بودم. ارتباط من با او و همسرش اتفاقی و در مناسبات انسانی شکل گرفت و من همان چیزی را که همه می‌گویند دوباره تکرار می‌کنم: فرامرز مردی مهربان، موقر، باهوش و یک جنتلمن واقعی بود.»

● «فرامرز برای من بسیار بیش از فقط یک خواننده بود. او همانطور که همه دیده‌اند و می‌گویند هرگز هنرش را به خاطر موفقیت تجاری به خطر نیانداخت. او هنر محض بود. شاعر بود و ترانه‌هایش را خودش می‌نوشت و از ته قلبش با ما حرف می‌زد.»

● «وقتی در مورد او فکر می‌کنم و ناگهان متوجه می‌شوم که قرار نیست خاطرات جدیدی با او بسازم این بسیار سخت است و احساساتی‌ام می‌کنم. در کل من زیاد اهل گریه نیستم و افراد بسیار کمی هستند که موجب گریه من می‌شوند.»

● «من همیشه افرادی را تحسین می‌کنم که نیازی ندارند مدام به دیگران بگویند چقدر بزرگ و باهوش‌اند اما آنقدر در درون و ذاتشان اطمینان وجود دارد که اجازه می‌دهند در زمان مناسب این توانایی‌ها بروز کنند. از هر لحاظ او چنین شخصیتی داشت... بیشتر ساعاتی که ما همراه فرامرز و مرجان سپری می‌کردیم به نواختن موسیقی می‌گذشت. چون همسر من به نواختن «درام» علاقمند است و ما در خانه دوستان مشترک بیشتر به نواختن درام و گیتار می‌پرداختیم و او گاهی برای ما می‌خواند. تا قبل از قتل مهسا تمام مهمانی‌های ما چنین فضایی داشت و هنر در آن حرف اول را می‌زد. چرا که این برای همسر من هم فرصتی بود که بخشی از نگرانی‌هایش را با کمک موسیقی

پرسید می‌خواهی به یکی از ترانه‌های جدیدم گوش کنی؟ می‌دانید او همیشه در مورد استعدادهای خودش بسیار متواضع بود و این تحسین مرا برمی‌انگیخت. من همیشه به افرادی جذب می‌شوم که چنین شخصیتی دارند و برای جلب توجه تلاش نمی‌کنند و در عوض بطور ذاتی و بدون تلاش، تو را جذب خودشان می‌کنند و هربار که با آنها برخورد می‌کنی چیز جدیدی یاد می‌گیری و من بسیار علاقمند بودم که با او ارتباط داشته باشم.

● او به شما چه آموخت؟ از او چه یاد گرفتید؟

- او کلمات فارسی زیادی به من یاد می‌داد. زبان فارسی را بسیار دوست داشت و دلش می‌خواست اصالت زبان فارسی را حفظ شود و از کلماتی که از زبان عربی مشتق می‌شوند کمتر استفاده شود. در نتیجه به من کمک می‌کرد تا جایگزین فارسی برای این کلمات پیدا کنم.

● مثلا سر میز غذا وقتی حرف می‌زدید کلمات شما را تصحیح می‌کرد؟

- نه، نکته همینجاست. او هرگز بدون اینکه از او درخواست کنم این کار را انجام نمی‌داد. بسیار موقر بود و هرگز نظراتش را به کسی تحمیل نمی‌کرد. اگر نظرش پرسیده می‌شد، می‌گفت. مثلا زمانی که به همراه مرجان که رانندگی می‌کرد به جایی می‌رفتیم از او سوال می‌پرسیدم. مرجان دیوانه‌وار رانندگی می‌کند و من نمی‌دانم چطور تا حالا بارها تصادف نکرده‌ام. ما هم از این فرصت برای صحبت استفاده می‌کردیم و وقتی مرجان مشغول رانندگی بود از او در مورد کلماتی که به دنبال جایگزین‌شان بودم و یا مسائل دیگر می‌پرسیدم. او هرگز چنین شخصیتی نداشت که نظرش را تحمیل کند.

● این بخش جدایی‌ناپذیر شخصیت او بود و به شدت باهوش بود. در همه چیز سررشته داشت از روزنامه‌نگاری تا صحبت روان به زبان‌های مختلف ... اما هرگز با این توانایی‌ها خودنمایی نمی‌کرد. می‌دانید، سال‌ها پیش که با او مصاحبه مفصلی انجام دادم و اولین مصاحبه طولانی او به زبان انگلیسی بود با او شوخی کردم که مردم پشت سرت می‌گویند آیا فرامرز اصلا می‌تواند انگلیسی حرف بزند؟ اما انگلیسی او بسیار بسیار بهتر از زبان‌دان‌ها بود. اما او هرگز نشان نمی‌داد. چیزی که در مورد او بسیار زیبا بود این بود که همیشه می‌خواست ترانه‌های ساده و قابل فهم باشند و هرگز نمی‌خواست که توان ادبی و طبع شعر پیچیده خودش را در ترانه‌هایش پیاده کند. همیشه می‌خواست شعرهایش برای مردم عادی قابل فهم باشد و این خواسته‌اش در موفقیت‌اش مؤثر بوده و به همین علت است که ترانه‌های او اینقدر کلاسیک هستند.

- بله، دقیقا نکته همین است که ذره‌ای خودنمایی در او وجود نداشت. او در عین اینکه بسیار متواضع بود بسیار هم با استعداد و باهوش بود و همانطور که قبلا اشاره کردم دلیل رابطه‌ی خوب من با او همین بود. من همیشه افرادی را تحسین می‌کنم که نیازی ندارند مدام به دیگران بگویند چقدر بزرگ و باهوش‌اند اما آنقدر در درون و ذاتشان اطمینان وجود دارد که اجازه می‌دهند در زمان مناسب این توانایی‌ها بروز کنند. از هر لحاظ او چنین شخصیتی داشت. وقتی او را می‌دیدید فکر نمی‌کردید که اجرای موسیقی حرفه‌ای او باشد. چراکه او فراتر از آن بود؛ همانطور که می‌دانیم و شما هم اشاره کردید او نه تنها قادر بود ترانه‌هایی بنویسد که برای مردم قابل فهم باشد بلکه می‌توانست ساعت‌ها بنشیند و شعرهای فارسی

کردید فرامرز برای من بسیار بیش از فقط یک خواننده بود. او همانطور که همه دیده‌اند و می‌گویند هرگز هنرش را به خاطر موفقیت تجاری به خطر نینداخت. او هنر محض بود. شاعر بود و ترانه‌هایش را خودش می‌نوشت و از ته قلبش با ما حرف می‌زد و نقش بسیار اساسی در جهت آشنا کردن عامه مردم با شعر ایرانی داشته و تا ابد خواهد داشت. او همیشه برای من یک انسان بسیار باهوش و عمیق بود که نمی‌توانم او را با هیچکدام از هنرمندان دیگر مقایسه کنم. او منحصر به فرد بوده و خواهد ماند. با شعرها و آهنگ‌هایش هدیه بزرگی برای ایرانیان بجا گذاشت. او به ادبیات و فرهنگ و تاریخ ایران عشق می‌ورزید. قبل از اینکه برای ضبط این برنامه آماده شوم به خاطر آوردم که او به من یک سنجاق سینه با طرح «فرور» هدیه داده بود؛ خودش هم همیشه این سنجاق را به همراه پرچم شیروخورشید به سینه می‌زد. فکر می‌کنم تمام اینها به ما نشان می‌دهد که او چگونه شخصی بود. روحی داشت که زندگی‌های قبلی فراوانی را تجربه کرده بود و هدیه‌ای برای ما بجا گذاشت که بتوانیم برای حفظ نیکی و میراث ایرانی خود بجنگیم و همچنین قویا معتقدم که او با حضورش جهان را هم به جای بهتری تبدیل کرده بود.

● او برای ما یک یادآوری سخت از پایان خودمان است.

اجازه بدهید که بگویم او نامیراست. درواقع عمر برای شخصی شبیه به او مفهوم بی‌ربطی است. همانطور که خود شما اشاره کردید، هنرمندی خوشرو و پر از انرژی و زندگی بود؛ با اینهمه تصور پایان او برای من واقعا سخت است. ممکن است عجیب به نظر برسد اما در مورد بعضی افراد ما می‌پذیریم که آنها پیر می‌شوند و زندگی هم ابدی نیست و همه ما روزی خواهیم مُرد. اما در مورد او حتا با اینکه می‌دانستیم بیمار است این اتفاق مثل یک سیلی به صورت ما بود. چند روز پیش که خبر درگذشت او را شنیدم با خودم گفتم مگر ممکن است! آیا شما می‌توانید آنچه را می‌گویم به احساسات خودتان ربط دهید؟

- بله، من واقعا همیشه به این معتقد بودم که مرگ پایان نیست و شخصا اینطور فکر می‌کنم که ما زندگی‌های زیادی را تجربه می‌کنیم و در هر زندگی کارهای زندگی‌های پیشین خود را می‌بینیم و افرادی هستند که ما فرای زندگی حال حاضر خود با آنها احساس نزدیکی داریم. همین فکر به من آرامش می‌دهد که فکر نمی‌کنم او ما را ترک کرده و حس می‌کنم که روح و بنیان وجودش همچنان با ماست و همین فکر باعث می‌شود حس کنم او در همین لحظه هم کنار من حضور دارد. من بسیار غمگینم و برای حضور فیزیکی او دلتنگ شده‌ام اما او را از طریق ترانه‌ها و آهنگ‌هایش و دختران دوست داشتنی‌اش حس می‌کنم و فکر می‌کنم که همیشه با ماست و خواهد بود.

● در ابتدای گفتگو اشاره کردید که برای او مدتی اشک ریختید. گریه شما برای چه چیزی در مورد او بود؟

- فکر می‌کنم گریه‌ی من در مورد خاطرات او بود. او فردی بود که تاثیر شگرفی بر اطرافیانش می‌گذاشت. وقتی در مورد او فکر می‌کنم و ناگهان متوجه می‌شوم که قرار نیست خاطرات جدیدی با او بسازم این بسیار سخت است و احساساتی‌ام می‌کنم. در کل من زیاد اهل گریه نیستم و افراد بسیار کمی هستند که موجب گریه من می‌شوند. اما او واقعا در قلب من بود و هست. هرچند طول زمان آشنایی من با او کمتر از دیگران بوده اما کیفیت دورانی که با او سپری کردم بسیار عمیق بود. به یاد می‌آورم وقتی در ماشین نشسته بودیم و منتظر بودیم تا بقیه بیایند او از من

بله، چون همانطور که همه می‌گویند فرامرز بسیار انسان خاصی بود. من دقیقا نه سال پیش در پانزدهم مارس ۲۰۱۵ او را برای اولین بار ملاقات کردم و صادقانه بگویم زیاد با او و کارهایش آشنا نبودم و هرگز اجرای او را از نزدیک ندیده بودم. ارتباط من با او و همسرش اتفاقی و در مناسبات انسانی شکل گرفت و من همان چیزی را که همه می‌گویند دوباره تکرار می‌کنم: فرامرز مردی مهربان، موقر، باهوش و یک جنتلمن واقعی بود.

● اجازه بدهید به ملاقات شما با مرجان برگردیم؛ حالش چطور بود؟

- او به طرز باورنکردنی به خود مسلط بود. نمی‌دانستم موقع دیدنش باید چه انتظاری داشته باشم اما او مثل همیشه بسیار بسیار قوی و محکم بود. اگر شما این زوج را نمی‌شناختید فکر می‌کردید مرجان است که قرار است سرگرم‌تان کند. او همه چیز را سر و سامان می‌دهد و محور همه چیز است و به این دلیل همه او را دوست داریم. روحیه شوخ‌اش را حتی در این شرایط هم حفظ کرده. همانطور که گفتم همه ما گاهی لبخند می‌زنیم اما او در این شرایط هم قادر است این لبخند را حفظ کند و باعث شود دیگران هم احساس بهتری داشته باشند. امیدوارم روی من به عنوان فردی که هر زمان نیاز باشد آماده‌ی کمک به او هستم حساب کند.

● مطمئنم که دیدار با شما برای او بسیار ارزشمند بوده.

شما در این مورد که همه چیز بسیار سریع اتفاق افتاد درست می‌گویید. ما فرامرز را همین چندوقت پیش با حال خوب دیده بودیم. اولین باری که احساس کردید بیماری او جدیست چه زمانی بود؟

- کمتر از یک ماه پیش در یک مهمانی شام در خانه برادرم، فرامرز را دیدم و حالش خوب به نظر می‌رسید. البته مدتی بود که با مسئله ریه‌اش که در اثر کووید ضعیف شده بود درگیر بود و به این علت مرتب تحت نظر پزشک بود. ما شب خوبی را سپری کردیم. صادقانه بگویم او همیشه محکم و عالی و سرحال به نظر می‌رسید و بسیار سخت بود که او را بیمار یا ضعیف تصور کنیم. آخرین خاطراتم از او این است که بسیار خندیدیم. با هم دور میز «دو حقیقت و یک دروغ» بازی می‌کردیم که او در آن بسیار مهارت داشت. در این بازی دور میز می‌چرخیم و حدس می‌زنیم کدامیک از حرفایی که گفته می‌شود دروغ و کدامیک راست است. هیچکدام از ما نمی‌توانستیم درست حدس بزنیم که کدامیک از حرف‌های او دروغ است در حالی که فرامرز قادر بود به راحتی دروغ‌های ما را حدس بزند.

● او فردی بود که بسیار راحت می‌شد باورش کرد. یکی

از نکاتی که دیروز در همین برنامه در مورد او به آن اشاره کردیم چیزی بود که او خودش در مورد لئونارد کوهن گفت. همانطور که می‌دانید من همیشه فرامرز را لئونارد کوهن ایران می‌دانستم و فرامرز خودش در مورد لئونارد کوهن می‌گفت یکی از دلایلی که مردم لئونارد را دوست دارند این است که او را به راحتی باور می‌کنند و درست هم می‌گفت و این در مورد خود فرامرز هم صدق می‌کند. شما همیشه فکر می‌کنید حرف او از واقعیت سرچشمه گرفته و برای همین است که او در این بازی نیز مهارت زیادی داشت.

- بله، او بسیار خوب بازی می‌کرد. مرجان هم مهارت زیادی دارد اما فرامرز واقعا خوب بود. این آخرین خاطره من از اوست ولی در کل همانطور که شما با لئونارد کوهن مقایسه

را باور کردم. وقتی افراد دیگری این را می‌گویند، با خودم می‌گویم حتما ساخته ذهن خودشان است اما در مورد او اینطور نبود. وقتی شما یک عزیز را از دست می‌دهید در حرف می‌گویید که او بهترین بود! اما در مورد او واقعا نمی‌شود جز این گفت که او بهترین بود. دقیقا به تمام الهامات ما جان بخشیده بود.

-بله، واقعا همینطور است. اول از هرچیز به نظر من حسادت اغلب اوقات از احساس ناامنی و نداشتن اعتماد به خود سرچشمه می‌گیرد و او مشخصا فردی بود که کاملا به خودش اطمینان و به هنر و رسالتش باور داشت؛ در نتیجه فکر نمی‌کنم که هرگز خودش را با دیگری مقایسه کرده باشد و احتمالا به همین دلیل هم بوده که هرگز پیشنهادهای مختلفی را که برای تجاری کردن هنرش در زمینه ساخت موسیقی یا اجراها به او داده می‌شد نپذیرفت. شاید می‌توانست کارهایی برای کسب درآمد بیشتر انجام دهد اما به نظر من برای او اینطور بود که جایگاهش در جهان و رسالتش و آنچه را قرار است انجام دهد تثبیت شده می‌دانست. این بدین معناست که نمی‌توانم او را با هیچکس مقایسه کنم و خودش هم این کار را نکرده. بسیار منحصر به فرد بود و هویت ویژه‌ی خودش را داشت.

● بسیار خرسندم که این گفتگو را با شما داشتم و نظرات و احساسات شما را شنیدم. قبل از پایان برنامه آیا خاطره‌ی خاصی از فرامرز دارید که در این چند روزی که او را از دست داده‌ایم در ذهن‌تان تکرار شده باشد؟

-شاید خنده‌دار به نظر برسد اما اگرچه او شخصیتی عمیق و باهوش داشت آنچه به دلایلی بیشتر از همه چیز به یاد می‌آید این است که ما با هم برای شرکت در یک مراسم ازدواج به مکزیکوسیتی رفته بودیم و در موزه فریدا [فریدا کالو نقاش سرشناس مکزیک در نیمه اول قرن بیستم] بودیم...

● این خاطره مربوط به چه زمانی است؟

-مربوط به قبل از شیوع کرونا است. فکر می‌کنم تمام زندگی‌ام به دو قسمت قبل و بعد از کرونا تقسیم شده؛ ولی یادم نمی‌آید دقیقا مربوط به چه سالی است. آنچه در این خاطره باعث لیخن من می‌شود این است که در آن موزه برشی از تصویر فریدا و همسرش برای گرفتن عکس یادگاری بازدیدکنندگان طراحی شده بود و همانطور که همه می‌دانند همسر فریدا مرد بسیار چاقی بود. مرجان و فرامرز سرشان را داخل سوراخ‌های دو تصویر بردند تا از آنها عکس بگیرم. چون فرامرز که خوش لباس بود چهره‌اش در تصویر یک مرد چاق و زشت جا گرفته بود همیشه مرا به خنده می‌اندازد. باید آن عکس را پیدا کنم...

● حالا همه دلشان می‌خواهد آن عکس را ببینند. واقعا چه خاطره خوبی تعریف کردید که زهر این غم را بگیرد.
-همانطور که گفتم ما در این چند روز خنده و گریه را با هم داشتیم.

● از شما به خاطر حضور در این برنامه و تعریف این خاطره متشکرم؛ با اینکه می‌دانم این روزها برای شما پر از فراز و نشیب هستند. حتما در این گفتگوی کوتاه هم احساسات بسیار خالص بودند و من قدردان زمانی هستم که شما برای این گفتگو اختصاص دادید.

-من هم از دعوت شما و اینکه فرصت بیان خاطراتم را به من دادید متشکرم. امیدوارم که حق مطلب را ادا کرده باشم چون بسیار سخت است که شخصی مانند او را در گفتگویی کوتاه توصیف کرد. متشکرم.

ایران باز هم بسیار به ایران متصل و متعهد باقی ماند. این مرا بسیار غمگین می‌کند که به یاد می‌آورم در گفتگوی مان به من گفت که بزرگترین آرزوی شما بازگشت به ایران و اجرا در آنجاست. چیزی که اکنون دیگر امکانپذیر نیست. آیا او در این مورد به شما چیزی گفت؟

-همانطور که گفتم ما کمتر وارد بحث‌های سیاسی و جنجالی می‌شدیم؛ بیشتر شبیه این بود که ما یک ماموریت انسانی مشترک داریم که از صمیم قلب برایش تلاش می‌کنیم. ما هرگز در این مورد بحث‌های فلسفی نمی‌کردیم. من در مورد بسیاری چیزهای دیگر از او می‌پرسیدم اما هرگز در مورد خاطرات سیاسی گذشته‌اش و یا چشم‌اندازهای سیاسی‌اش برای آینده ایران از او سوال نمی‌کردم. دوستی ما کاملا خارج از جهان سیاست بود و من باید بگویم که رابطه‌های زیادی دارم که همینطور است و این برای ما بسیار ضروریست چرا که ما نیاز داریم روابط دوستانه‌ای داشته باشیم که با دشواری تلاش‌های مان برای آزادی ایران تحت تاثیر قرار نگیرند. در نتیجه بیشتر ساعتی که ما همراه فرامرز و مرجان سپری می‌کردیم به نواختن موسیقی می‌گذشت. چون همسر من به نواختن «درام» علاقمند است و ما در خانه دوستان مشترک بیشتر به نواختن درام و گیتار می‌پرداختیم و او گاهی برای ما می‌خواند. تا قبل از قتل مهسا تمام مهمانی‌های ما چنین فضایی داشت و هنر در آن حرف اول را می‌زد. چرا که این برای همسر من هم فرصتی بود که بخشی از نگرانی‌هایش را با کمک موسیقی و هنر از بین ببرد. در نتیجه ما دوستی خود را نه به اجبار بلکه از روی دلخواه به این شکل نگه داشتیم.

● درواقع قانونی وجود نداشت که شما مجبور به رعایت‌اش باشید...
...-بله

● اما نکته مورد نظر من این بود که او در تظاهرات حاضر می‌شد و این معنای زیادی دارد. همین قابل توجه و درس بزرگی است که شما بدانید نیازی نیست ایدئولوژی یا گرایش مشخصی داشته باشید بلکه فقط لازم است در اعتراضات حاضر باشید.

-بله، دقیقا، او حضور داشت و فکر می‌کنم در همه تظاهرات واشنگتن شرکت کرد. درست مثل خود من که تلاش کردم در همه اعتراضات حاضر باشم. ما همیشه آنجا با هم بودیم فارغ از اینکه چه کسانی یا چه عقایدی در اطراف ما هستند؛ به همراه مرجان در این مبارزه و در تظاهرات حضور داشتیم و او واقعا در عمل نشان داد که وقتی پای مبارزه برای ایران در میان باشد او کجای تاریخ ایستاده است. می‌دانید که سال‌ها از طریق شعرها و آهنگ‌هایش این حمایت را نشان داده بود اما زمانش که رسید او در جهت نشان دادن این حمایت قدم برداشت. حتی زمانی که می‌دانستم بیمار است و با اینکه ریه‌اش در هوای سرد اذیت می‌شود در چندین تظاهرات در هوای بسیار سرد شرکت کرد و هرگز هم شکایتی نداشت. اینکه یک مرد هرگز شکایتی نداشته باشد یک موضوع جداگانه است. صادقانه می‌گویم تا همین ماه پیش هم با وجود بیماری هرگز از او شکایتی در مورد هیچ چیز نشنیدیم.

● راستی هم او هرگز در مورد این حقیقت که حرفه‌اش توسط انقلاب اسلامی دستخوش تغییر شد هیچ شکایتی نکرد. هرگز کام خودش را تلخ نکرد و دوست داشت که با دید مثبت منتظر اتفاقات خوب باشد. در یکی از مصاحبه‌هایش به من گفت که هرگز حسود نبوده و من او

را نقل کند و در مورد سیاست و تاریخ حرف بزند. اما هرگز برای این کارها داوطلب نمی‌شد. شنیده بودم که خجالتی است اما شخصا فکر نمی‌کنم که واقعا خجالتی بوده باشد بلکه سبک شخصیت او اینگونه بود که ساکت و آرام باشد. اما باید اشاره کنم وقتی شما دوستی با چنین شخصیتی دارید یکی از بهترین احساسات زمانست که باعث می‌شود آنها بخندند و به اصطلاح یخشان بشکند و از آن حالت مصمم و بی‌اشکال همیشگی خود در بیایند. من دوست داشتم گاهی او را متعجب کنم و باعث شوم ناگهان بابت چیزی که گفته‌ام از خنده منفجر بشود. ما با هم به سفر می‌رفتیم و اوقات خوشی با هم داشتیم و من همیشه این خاطرات را گرامی می‌دارم.

● می‌دانید که شما تنها کسی نیستید که او را دوست داشتید؛ به نظر می‌رسد همه افراد حتا کسانی که هرگز او را ملاقات نکردند (با اینکه سلفی‌های زیادی با تعداد زیادی از طرفدارانش می‌گرفت و در اینترنت منتشر می‌شد) او را دوست داشتند. من در مقاله‌ای که به او تقدیم کردم با شوخی نوشته‌ام او تنها ایرانی روی کره زمین است که هیچکس پیدا نمی‌شود که نظر منفی یا نقدی به او داشته باشد و حدس می‌زنم زندگی‌اش را به همین روش پیش می‌برد. او کسی نبود که بی‌تفاوت باشد. آنچه می‌خواهم از شما هم سوال کنم اینست که در سال‌های اخیر دیدیم که او نیز در بسیاری از تظاهرات و گردهمایی‌های ایرانیان به همراه خود شما حضور پیدا کرد و حمایت خود را از دموکراسی و آزادی در ایران با صدای بلند ابراز کرد. او به نوعی همگانی این کار را انجام داد و توانست شخصیت فردی خودش را هم حفظ کند تا همه ما اینطور دوستش داشته باشیم. به نظر شما چطور موفق به این کار شد؟

-فکر می‌کنم این به همان چیزی برمی‌گردد که پیشتر هم گفتم. او ذاتا شخصیتی نداشت که بخواهد عقاید خود را به کسی تحمیل کند؛ انسانی نبود که راه برود و به دیگران بگوید چه کاری را چگونه انجام دهند و یا از نظر او چه چیز بهترین است. فکر می‌کنم فعالیت سیاسی او نیز نمایانگر همین اخلاق او بود. درواقع تلاش نمی‌کرد که سخنرانی کند و یا مسیر مشخصی برای دیگران تعیین کند. ما به مدت چندین ماه هر هفته شب‌ها با یکدیگر در تظاهرات شرکت می‌کردیم. همه آن زمان از ایرانیان داخل حمایت می‌کردند اما روش او متفاوت بود. تا قبل از قتل مهسا امینی من هرگز با فرامرز بحث سیاسی ویژه‌ای نداشتم اما بعد از آن اتفاق وقتی همه هنرمندان ایرانی در سراسر دنیا حس کردند که باید کاری برای جامعه ایران انجام دهند دیگر همه سیاسی شدند. اما همان موقع هم ندیدم که او گرایش سیاسی خاصی غیر از حمایت همه‌جانبه از مردم داخل ایران و مبارزه آنها برای آزادی داشته باشد و فقط شاهد عشق او به وطن‌اش بودم که دوست داشت ایران یک کشور دموکراتیک باشد. از این نظر شاید شما درست می‌گویید که وقتی فردی نخواهد عقیده‌اش را به دیگران تحمیل کند و یا مردم را به پذیرش اجباری عقیده‌ای وادارد آنگاه کسی دیگر از او متنفر نخواهد شد. او همیشه همینطور بی‌ریا ماند و خوش به حالش شاید این چیزی باشد که همه ما باید بیاموزیم.

● شاید هم این به مردمی برگردد که باور پیدا می‌کنند وقتی می‌بینند شما عقیده‌ای دارید که به نظر می‌رسد این عقیده از یک واقعیت اصیل سرچشمه می‌گیرد. البته من نمی‌دانم اما احتمالا رهبران رژیم حاکم بر ایران طرفدار او نیستند؛ اما غیر از آنها بقیه افراد او را دوست دارند. او مثل خود شما بود به عنوان فردی که با وجود ۴ دهه دوری از

عبدالله فرحناک خلبان سابق نیروی هوایی ارتش: جهانبانی مرد بزرگی بود و تیمسار خاتم هوای خلبانها را داشت



تیمسار محمد خاتم آخرین فرمانده نیروی هوایی ارتش شاهنشاهی در کنار محمدرضا شاه پهلوی

از این مصاحبه اشاره می‌کند «جهانبانی یک مرد برجسته و شجاع و یک خلبان برجسته بود و بی‌انصافی است که اینها را نبینیم... اما حکومت او را مخالف دانست و اعدامش کرد.» فرحناک با اشاره به «پاکسازی‌های پس از انقلاب» [در ارتش] گفته «بعد از انقلاب مورد بی‌مهری قرار گرفتم... با ۲۹ سال و ۱۱ ماه بازنشسته شدم. کجای قانون است؟ الان حقوق من نسبت به هم‌ردیف من پنج میلیون اختلاف دارد. خب، اینطور تشخیص داده‌اند. من هم راضی‌ام و هیچ صدایی در نمی‌آورم. ولی آیا درست است؟»

پرواز کنیم! خندید و گفت برو بنشین خانه تا ملک‌الموت بیاید سراغت!»

حبیب بقایی از بهمن‌ماه ۱۳۷۳ تا خرداد ۱۳۸۰ فرمانده نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی بود.

وضعیت زندگی و اقتصادی نیروهای مسلح در دوران پهلوی قابل مقایسه با بعد از انقلاب اسلامی نیست. نه تنها پرسنل و بازنشسته‌ها بلکه جانبازان و خانواده کشته‌شدگان جنگ نیز در شرایط سخت زندگی می‌کنند.

سرلشکر عبدالرحیم موسوی فرمانده کل ارتش جمهوری اسلامی ۲۶ اسفندماه در نشست شورای عالی مسکن با ریاست ابراهیم رئیسی با اشاره به ناتوانی پرسنل برای خرید خانه و حتا اجاره آن گفت، «واقعیت این است که کارکنان نه آورده آنچنانی دارند و نه توان بازپرداخت اقساط را دارند.»

با وجود همه محدودیت‌ها و حساسیت‌های حکومتی، تقدیر از فرماندهان ارتش شاهنشاهی توسط فرماندهان ارتش جمهوری اسلامی سابقه دارد.

رحمان قضات معاون سابق هوانیروز سوم مهرماه ۱۳۹۸ در مصاحبه با روزنامه اطلاعات (شماره ۲۷۳۸۷) با تمجید از محمدرضا شاه و منوچهر خسرو داد گفته بود، «شاه هم تجهیزات فراوان و پیشرفته‌ای برای هوانیروز خریده بود. جایی خواندم که به شاه گفته بودند ارتش عراق در حال خرید تعداد زیادی تانک است و شاه جواب داده بود جلو هر تانک عراقی یک هلیکوپتر کبرا می‌گذارم. حتی گفته می‌شد فرمانده وقت هوانیروز- منوچهر خسرو داد- از وزارت نفت بودجه‌ای مستقیم می‌گرفت و صرف خرید تجهیزات می‌کرد. این بود که هوانیروز ایران در شروع جنگ مشکلی در تجهیزات نداشت و بعد از آمریکا دومین هوانیروز مجهز دنیا به حساب می‌آمد.»

گفتنی است که این مصاحبه از وبسایت روزنامه اطلاعات حذف شده است.

عبدالله فرحناک خلبان سابق نیروی هوایی ارتش در مصاحبه با خبرگزاری «مهر» (وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی) با تقدیر از رفتار فرماندهان نیروی هوایی ارتش شاهنشاهی ایران، از پایین بودن حقوق بازنشستگی خود انتقاد کرد.

در این مصاحبه که سوم فروردین‌ماه ۱۴۰۳ منتشر شد، خبرنگار از فرحناک پرسیده «ظاهراً خاتم خیلی هوای خلبانها را داشته است!» و او پاسخ داد، «خیلی! وجداناً خیلی هوای خلبانها را داشت. دوست داشتنش هم ظاهری و تظاهر نبود. واقعاً قدردان بود.»

وی با شرح خاطره‌ای از تیمسار نادر جهانبانی در بخشی از این مصاحبه اشاره می‌کند «جهانبانی یک مرد برجسته و شجاع و یک خلبان برجسته بود و بی‌انصافی است که اینها را نبینیم... اما حکومت او را مخالف دانست و اعدامش کرد.»

فرحناک با اشاره به «پاکسازی‌های پس از انقلاب» [در ارتش] گفته «بعد از انقلاب مورد بی‌مهری قرار گرفتم... با ۲۹ سال و ۱۱ ماه بازنشسته شدم. کجای قانون است؟ الان حقوق من نسبت به هم‌ردیف من پنج میلیون اختلاف دارد. خب اینطور تشخیص داده‌اند. من هم راضی‌ام و هیچ صدایی در نمی‌آورم. ولی آیا درست است؟»

عبدالله فرحناک خلبان سابق نیروی هوایی ارتش در مصاحبه با خبرگزاری «مهر» (وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی) با تقدیر از رفتار فرماندهان نیروی هوایی ارتش شاهنشاهی ایران، از پایین بودن حقوق بازنشستگی خود انتقاد کرد.

در این مصاحبه که سوم فروردین‌ماه ۱۴۰۳ منتشر شد، خبرنگار از فرحناک پرسیده «ظاهراً خاتم خیلی هوای خلبانها را داشته است!» و او پاسخ داد، «خیلی! وجداناً خیلی هوای خلبانها را داشت. دوست داشتنش هم ظاهری و تظاهر نبود. واقعاً قدردان بود.»

وی با شرح خاطره‌ای از تیمسار نادر جهانبانی در بخشی



عبدالله فرحناک

اسکای نیوز: دولت استرالیا آماده بود سپاه پاسداران را در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار دهد، اما ناگهان منصرف شد!



بازدید حسین سلامی فرمانده کل سپاه پاسداران از پایگاه «فتح» سپاه پاسداران / تیرماه ۱۳۹۹

بهبان می‌آورد و در مورد دلایلی که چرا سپاه را در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار نداده، شفاف نیست.»

وی همچنین عنوان کرد، «به راستی شرم‌آور است که دولت آنها را به صورت محرمانه در اختیار کمیته مشترک اطلاعات و امنیت پارلمان قرار نمی‌دهد. این کمیته به گونه‌ای طراحی شده که بتواند چنین اطلاعاتی را ببیند و مراقب شفافیت و پاسخگویی دولت در تصمیم‌گیری در حساس‌ترین مسائل باشد.»

سناتور چندلر از جمله اعضای ائتلافی است که از فوریه سال گذشته، زمانی که کمیته سنا به ریاست او گزارش خود را درباره خشونت‌ها در ایران ارائه کرد، از دولت خواست تا سپاه پاسداران را در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار دهد. این کمیته در پی سرکوب خیزش ضدحکومتی در ایران شکل گرفت و سال گذشته ۱۲ توصیه ارائه کرد که مهم‌ترین آنها این بود که دولت باید اقدامات لازم را برای طبقه‌بندی رسمی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عنوان یک سازمان تروریستی انجام دهد. دولت استرالیا اما چنین کاری نکرد و در عوض، تنها چهار فرد و سه نهاد ناقض حقوق بشر را به دلیل نقش داشتن در ظلم و سرکوب علیه ایرانیان تحریم کرد.

سناتور چندلر گفت که او مشکوک است که ممکن است مقامات وزارت خارجه، وزارت دادگستری را تحت فشار گذاشته باشند، همانطور که در کشورهای دیگر که سپاه در فهرست گروه‌های تروریستی قرار نگرفته، چنین بوده است.

● وزارت خارجه بریتانیا با این ادعا که نیاز به بازنگه داشتن کانال‌های ارتباطی با جمهوری اسلامی دارد، امیدهای وزارت کشور را برای ممنوع کردن سپاه پاسداران ناکام گذاشت.

اسکای نیوز روز سه‌شنبه ۱۹ مارس (۲۹ اسفندماه) طبق اسناد اختصاصی گزارش داد دولت استرالیا در حال آماده شدن برای قرار دادن نام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست گروه‌های تروریستی بود اما ناگهان منصرف شد.

این اقدام موجب شد که حزب لیبرال، دولت آنتونی آلبنیزی از حزب کارگر را متهم کند که در کنار مردم نمی‌ایستد و استرالیایی‌ها را در معرض خطر قرار داده است.

اسکای نیوز با «تعجب‌آور» خواندن این موضوع گزارش داد که این اسناد پس از آن آشکار شدند که یکی از اعضای جامعه

ایرانی ساکن سیدنی به نام آرش بهگو خواستار پاسخگویی دادستانی کل استرالیا در این زمینه شد.

آرش بهگو یک ایرانی است که پنج سال پیش به همراه خانواده‌اش به استرالیا رفته است. او از قرار نگرفتن نام سپاه پاسداران در فهرست سازمان‌های تروریستی استرالیا خشمگین شد و در ژوئن ۲۰۲۳ با استناد به قانون آزادی اطلاعات از دادستانی کل استرالیا خواست به او اجازه دسترسی به اسنادی را بدهد که باعث تغییر نظر دولت استرالیا درباره سپاه پاسداران شده است.

دادستانی کل استرالیا، در ماه اوت ۲۰۲۳ در پاسخ به آرش بهگو هشت سند را شناسایی کرد اما گفت دسترسی به آنها عمدتاً به دلایل امنیت ملی، دفاعی و یابین‌المللی ممکن نیست.

در میان این هشت سند، دو فرم «نامزدی» و «بیان دلایل» هر دو به تاریخ ۱۱ ژانویه ۲۰۲۳ وجود داشت که به گفته مخالفان نشان می‌دهد دولت قبل از تغییر نظر خود، تقریباً سپاه پاسداران را در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار داده بود.

به نوشته اسکای نیوز «بر اساس پروتکل، برای قرار دادن یک سازمان تروریستی تحت قوانین جزایی، دادستان کل باید یک بیانیه دلایل و فرم نامزدی تهیه کند. اما به نظر می‌رسد در عرض کمتر از سه هفته، نظر اداره کل دادستانی به شدت تغییر کرد.»

دادستانی کل استرالیا در ۳۱ ژانویه، در نامه‌ای به کلر چندلر سناتور لیبرال اعلام کرد که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به دلایل قانونی و به این عنوان که «نهادی متعلق به یک کشور- ملت است»، نمی‌تواند در فهرست گروه‌های تروریستی قرار گیرد.

این ادعای دادستانی کل استرالیا در حالیست که در ایران مردم شعار می‌دهند «بسپه‌چی، سپاهی، داعش ما شمایین.»

مارک دریفوس دادستان کل استرالیا از ارائه اسناد به آرش بهگو، سنا و کمیته مشترک اطلاعات و امنیت پارلمان خودداری کرده و مدعی شده «این کار را برای دفاع از منافع عمومی انجام می‌دهد.»

در همین ارتباط سناتور چندلر به اسکای نیوز گفت: «دولت

اسکای نیوز روز سه‌شنبه ۱۹ مارس (۲۹ اسفندماه) طبق اسناد اختصاصی گزارش داد دولت استرالیا در حال آماده شدن برای قرار دادن نام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست گروه‌های تروریستی بود اما ناگهان نظر خود را تغییر داد.

● این اسناد پس از آن آشکار شدند که یکی از اعضای جامعه ایرانی ساکن سیدنی به نام آرش بهگو خواستار پاسخگویی دادستانی کل استرالیا در این زمینه شد.

● دادستانی کل استرالیا ۳۱ ژانویه در نامه‌ای به کلر چندلر سناتور لیبرال اعلام کرد که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به دلایل قانونی و به این عنوان که «نهادی متعلق به یک کشور- ملت است»، نمی‌تواند در فهرست گروه‌های تروریستی قرار گیرد.

● در همین ارتباط سناتور چندلر به اسکای نیوز گفت: «دولت بهانه می‌آورد و در مورد دلایلی که سپاه را در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار نداده، شفاف نیست... به راستی شرم‌آور است که دولت آنها را به صورت محرمانه در اختیار کمیته مشترک اطلاعات و امنیت پارلمان قرار نمی‌دهد.»

● سناتور چندلر گفت که او مشکوک است که ممکن است مقامات وزارت خارجه، وزارت دادگستری را تحت فشار گذاشته باشند، همانطور که در کشورهای دیگر که سپاه در فهرست گروه‌های تروریستی قرار نگرفته، چنین بوده است.

● وزارت خارجه بریتانیا با این ادعا که نیاز به بازنگه داشتن کانال‌های ارتباطی با جمهوری اسلامی دارد، امیدهای وزارت کشور را برای ممنوع کردن سپاه پاسداران ناکام گذاشت.

اسکای نیوز روز سه‌شنبه ۱۹ مارس (۲۹ اسفندماه) طبق اسناد اختصاصی گزارش داد دولت استرالیا در حال آماده شدن برای قرار دادن نام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست گروه‌های تروریستی بود اما ناگهان منصرف شد.

این اقدام موجب شد که حزب لیبرال، دولت آنتونی آلبنیزی از حزب کارگر را متهم کند که در کنار مردم نمی‌ایستد و استرالیایی‌ها را در معرض خطر قرار داده است.

اسکای نیوز با «تعجب‌آور» خواندن این موضوع گزارش داد که این اسناد پس از آن آشکار شدند که یکی از اعضای جامعه

کودتاجیان نیجر به دنبال توافق مخفیانه برای فروش اورانیوم به جمهوری اسلامی



دیدار علی لایمن زین نخست وزیر نیجر و هیات نظامی همراه با ابراهیم رئیسی در تهران / پنجم بهمن ۱۴۰۲

کودتای سال ۲۰۲۳ در نیجر و سرنگونی محمد بازوم رئیس جمهوری قانونی این کشور به نخست وزیری رسید از حمایت ولادیمیر پوتین رئیس جمهوری روسیه برخوردار است. در بخشی از گزارش «وال استریت ژورنال» آمده، مقامات آمریکایی و غربی در ماه‌های اخیر دریافته‌اند که نظامیان نیجر به دنبال توافقی با جمهوری اسلامی هستند که به تهران امکان دسترسی به ذخایر اورانیوم نیجر را می‌دهد. نخست‌وزیر منصوب خونتای نیجر در همین ارتباط با ابراهیم رئیسی و دیگر مقامات جمهوری اسلامی در تهران دیدار کرده است. مقامات غربی می‌گویند که مذاکرات جمهوری اسلامی و نیجر در این زمینه پیشرفت قابل ملاحظه‌ای داشته و توافق مقدماتی برای بهره‌برداری تهران از منابع اورانیوم نیجر امضا شده است.

مقامات آمریکا این نگرانی را به اطلاع مقامات نظامی نیجر رسانده‌اند اما در مقابل نیجر آمریکا را به تلاش برای بازداشت نیجر از انتخاب شرکای دیپلماتیک و نظامی خود متهم کرده است. مقامات همچنین مدعی شده‌اند که هیچ قراردادی در زمینه اورانیوم با جمهوری اسلامی نداشته‌اند.

انجمن بین‌المللی هسته‌ای می‌گوید، نیجر در سال ۲۰۲۲ هفتمین تولیدکننده بزرگ اورانیوم در جهان بوده و حدود دو هزار و ۲۰ تن اورانیوم تولید کرده است. بخش عمده‌ای از این تولید به فرانسه که با نیجر در زمینه معادن مشارکت دارد، صادر شده است. معادن اورانیوم ایران می‌تواند پاسخگوی نیاز داخلی باشد اما از آنجا که جمهوری اسلامی برنامه‌های هسته‌ای را در سطحی بسیار گسترده‌تر دنبال می‌کند، به مقادیر قابل توجهی اورانیوم نیاز دارد که بیش از ظرفیت معادن داخلی است. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی پیشتر بر معادن اورانیوم ایران و تولید کیک زرد نظارت داشت اما تهران این دسترسی را متوقف کرده است.

یک هفته پیش از این آمریکا در بیانیه‌ای در شورای حکام آژانس از جمهوری اسلامی خواست تا تمام اورانیوم غنی‌شده ۶۰ درصدی خود را «رقیق‌سازی» کند. رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در ماه‌های اخیر بارها هشدار داد که «می‌توانم تضمین کنم برنامه هسته‌ای ایران صلح‌آمیز است.»

● **روزنامه «وال استریت ژورنال» گزارش داد دولت نظامی نیجر قصد دارد به اتحاد ضد تروریسم با آمریکا پایان دهد. این تصمیم پس از آن اتخاذ شد که مقامات ایالات متحده «خونتای» (حکومت نظامی) حاکم بر نیجر را متهم کرد که بطور مخفیانه در حال بررسی توافقی با جمهوری اسلامی برای اجازه دسترسی تهران به ذخایر اورانیوم نیجر است.**

● **تصمیم برای پایان دادن به همکاری نظامی با آمریکا شبه شب توسط سخنگوی حکومت نظامی نیجر اعلام شد. این اقدام ضربه جدی به تلاش‌های دولت بایدن برای مهار شورش گسترده اسلامگرایان در ساحل و منطقه نیمه‌خشک جنوب صحرا وارد می‌کند.**

روزنامه «وال استریت ژورنال» روز یکشنبه ۱۷ مارس (۲۷ اسفندماه) گزارش داد دولت نظامی نیجر قصد دارد به اتحاد ضد تروریسم با آمریکا پایان دهد. این تصمیم پس از آن اتخاذ شد که مقامات ایالات متحده «خونتای» (حکومت نظامی) حاکم بر نیجر را متهم کرد که بطور مخفیانه در حال بررسی توافقی با جمهوری اسلامی برای اجازه دسترسی تهران به ذخایر اورانیوم نیجر است.

تصمیم برای پایان دادن به همکاری نظامی با آمریکا شبه شب توسط سخنگوی حکومت نظامی نیجر اعلام شد. این اقدام ضربه جدی به تلاش‌های دولت بایدن برای مهار شورش گسترده اسلامگرایان در ساحل و منطقه نیمه‌خشک جنوب صحرا وارد می‌کند. همچنین این اقدام می‌تواند بر فعالیت پایگاه ۱۱۰ میلیون دلاری که توسط ایالات متحده در آن منطقه ساخته شد تأثیرگذار باشد. آمریکا از این پایگاه برای پرواز پهپادهای نظارتی بر فراز غرب آفریقا استفاده می‌کند. این احتمال وجود دارد که بیش از ۶۰۰ نظامی آمریکا مستقر در نیجر مجبور به خروج از آن کشور شوند.

مقامات آمریکایی در تلاش‌اند پس از کودتا در نیجر مناسبات خود را با حکومت نظامی مستقر در این کشور تنظیم کنند. وال استریت ژورنال مدعی شده نظامی‌هایی که در نیجر قدرت را به دست گرفته‌اند روابط خود را به روسیه و دو همسایه این کشور، مالی و بوركینافاسو که تحت کنترل فرماندهان متحد مسکو قرار دارند محدود کرده‌اند. علی ملین زین که بعد از

دلائل استرالیا تا حدودی مشابه همان دلایلی است که طبق آن دولت بریتانیا از تروریستی اعلام کردن سپاه پاسداران خودداری کرد.

در مجموعه‌ای از متن‌گزینشی ایمیل‌هایی که در اختیار آرش بهگو قرار گرفته، جملاتی هست که نشان می‌دهد مقامات وزارت خارجه استرالیا از وزارت دادگستری درخواست مشاوره در مورد موضوع مورخ ۱۹ ژانویه سال گذشته را داشته است. حدود ۱۰ روز پس از این درخواست، وزارت دادگستری به سناتور چندلر گفت که امکان قرار دادن سپاه پاسداران در فهرست گروه‌های تروریستی وجود ندارد.

کلر چندلر به اسکای نیوز گفت: «من گمان می‌کنم که این یکی از دلایلی است که دولت استرالیا سپاه را در فهرست خود قرار نداده زیرا آنها فکر می‌کنند که از نظر هر رابطه‌ای که استرالیا سعی در مدیریت آن با ایران دارد مشکل‌ساز خواهد بود.»

با این حال او هشدار داد: «ما می‌دانیم که رژیم جمهوری اسلامی ایران بازیگر خوبی نیست. آنها دولت خوبی نیستند که استرالیا خواهد روابطی مرتب و منظم با آنها داشته باشد. آنها رژیمی هستند که ما باید روابط خود را با آن تا حد ممکن به حداقل برسانیم.»

اسکای نیوز در بخش دیگری می‌نویسد، «جمهوری اسلامی بزرگترین حامی تروریسم در جهان است و هسته‌ای اصلی این عملیات تروریستی سپاه پاسداران است. حماس در غزه، حزب‌الله در لبنان و حوثی‌ها در یمن از جمله دستیاران سپاه هستند.»

سناتور چندلر گفت: «استرالیایی‌ها باید بسیار نگران باشند که دولت فعلی ما حاضر نیست سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در لیست سازمان‌های تروریستی قرار دهد.»

وی همچنین افزود، «ما می‌دانیم که این سازمان در حال حاضر باعث خشونت و ترور قابل توجهی در خاورمیانه می‌شود و همچنین می‌دانیم که رژیم جمهوری اسلامی ایران در استرالیا فعالیت‌های مداخله‌جویانه خارجی در این کشور انجام داده و در مورد نفوذ سپاه به خاک خود ما سؤالاتی وجود دارد.»

آرش بهگو نیز به اسکای نیوز گفت که «استرالیایی‌ها باید از تهدیدی که با آن روبرو هستند آگاه باشند... بسیاری از هموطنان استرالیایی من ممکن است در مورد این سازمان ندانند و این وظیفه من است که به خاطر امنیت ملی، در مورد خطری که درباره آن می‌دانم صحبت کنم.»

پیتر ورتهایم یکی از اعضای شورای اجرایی یهودیان استرالیا در همین ارتباط گفت که قوانین نباید مانع از قرار دادن سپاه پاسداران در فهرست گروه‌های تروریستی شوند.

او می‌افزاید، «در حالی که کل یک ملت یا دولت را نمی‌توان طبق قوانین استرالیا یک سازمان تروریستی دانست، دلیلی وجود ندارد که یک سازمان مجزا از دولت، با قانون و ساختار سازمانی خاص خود به عنوان یک سازمان تروریستی تعیین نشود.»

آرش بهگو در گفتگو با اسکای نیوز می‌افزاید، «تحت قانون آزادی اطلاعات، در حال بررسی درخواست تجدید نظر درباره خودداری از ارائه اسناد هستم... شما می‌توانید آنها را نادیده بگیرید، اما آنها شما را نادیده نخواهند گرفت. ما می‌توانیم و باید آنها را تروریستی اعلام کنیم و مطمئن شویم که قانون اجرا می‌شود زیرا کسانی که از این خطر غفلت کردند، می‌توانند ببینند چه بلایی سرشان آمده است.»

سخنگوی دادستانی کل استرالیا می‌گوید، «این یک رویه قدیمی است که این اداره در مورد اینکه آیا یک سازمان برای قرار گرفتن در لیست سازمان‌های تروریستی در نظر گرفته شده یا می‌شود، اظهار نظر نمی‌کند.»

هشدار کارشناسان نسبت به گسترش برنامه‌های اتمی تسلیحاتی جمهوری اسلامی



بازدید بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از تأسیسات هسته‌ای در ایران

با اینکه نشانه‌های جدی مبنی بر سرعت گرفتن فعالیت‌های اتمی جمهوری اسلامی برای «تکمیل پب اتمی» وجود دارد اما تحلیلگران معتقدند اقدامات کافی برای مقابله با آن صورت نمی‌گیرد.

دوبوویتز تخمین می‌زند که جمهوری اسلامی در حال حاضر علاقه‌ای به رونمایی از پب اتم ندارد اما قابلیت آن را به دست آورده و به اندازه کافی اورانیوم غنی شده برای ساخت چندین پب در اختیار دارد، اما تصمیم به پیشروی جانبی در برنامه‌های اتمی گرفته است. وی تأکید کرده، هدف جمهوری اسلامی صرفاً دستیابی به پب اتم نیست بلکه می‌خواهد موقعیت خود را به عنوان یک بازیگر مقتدر تثبیت کند.

روزنامه «اسرائیل هیوم» در ادامه می‌نویسد، «این کار زمان می‌برد، بر اساس نگاه واقع‌بینانه، [رژیم] ایران [برای ساخت پب اتم] هنوز ۱۸ تا ۲۴ ماه زمان نیاز دارد اما برای کسانی که می‌خواهند جمهوری اسلامی را متوقف کنند، زمان بسیار کمتری وجود دارد. برنامه‌های اتمی جمهوری اسلامی تا چند ماه دیگر به نقطه‌ای می‌رسد که بطور قابل توجهی از حملات مصون می‌ماند. از قبل دانش و توانایی کافی برای تکمیل پب را خواهد داشت و حتا در صورت حمله، قادر خواهد بود آنچه را از دست داده به سرعت بازگرداند.»

دوبوویتز از جمله تحلیلگرانی است که معتقدند اسرائیل در این موضوع تنهاست. وی می‌گوید، «آمریکایی‌ها حمایت خواهند کرد، اما خودشان حمله نمی‌کنند- آنهم در سال انتخابات... [رژیم] ایران این را می‌داند و به همین دلیل در حال حرکت به جلو است. برای حفظ امنیت، آمریکایی‌ها را با تروریسم مشغول نگه می‌دارد؛ برای رئیس جمهوری فعلی آمریکا، تلفات در آستانه انتخابات یک فاجعه انتخاباتی است. جو بایدن خواستار آرامش است، همانطور که دونالد ترامپ اگر اکنون در قدرت می‌بود، برای حفظ آرامش تلاش می‌کرد. آخرین چیزی که یک رئیس جمهور ایالات

مرکز مطالعات استراتژیک «بگین- سادات» در دانشگاه «بار-ایلان» در اسرائیل گزارش داده است که با وجود تهدیدات رژیم ایران و گروه‌های نیابتی منطقه برای امنیت اسرائیل اما همچنان اصلی‌ترین تهدید جمهوری اسلامی «فعالیت‌های اتمی و برنامه‌های تهران برای دستیابی به پب اتم است که احتمالاً با کمک کره شمالی آن را پیش می‌برد.» تحقیقات این مرکز نشان می‌دهد دولت اسرائیل باید موازی با اقدام علیه گروه‌های نیابتی، به تدوین استراتژی بازدارندگی هسته‌ای علیه جمهوری اسلامی بپردازد. تلاش‌های گسترده‌ای آغاز شده تا توجه رهبران اسرائیل و همچنین رهبران غرب به خطرناک‌تر شدن برنامه‌های اتمی جمهوری اسلامی معطوف شود.

مارک دوبوویتز رئیس «بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها» (FDD) که اخیراً به اسرائیل سفر کرده به مقامات آن کشور هشدار داده است که ساخت تأسیسات زیرزمینی غنی‌سازی در نطنز در مراحل پایانی است و تا پایان سال تکمیل خواهد شد. روزنامه «اسرائیل هیوم» شنبه ۲۳ مارس (چهارم فروردین) در گزارشی نوشت، این تأسیسات در عمق ۱۰۰ متری ساخته شده؛ به این معنی که به اندازه کافی عمیق است تا بتواند در برابر پب‌های اسرائیل و به احتمال زیاد آمریکا مقاومت کند. در نتیجه تنها ۹ ماه تا ورود جمهوری اسلامی به دوره جدید مصونیت باقی مانده است.

مارک دوبوویتز به مقامات اسرائیل گفته در حالی که آنها درگیر جنگ با حماس در غزه و مقابله با حملات حزب‌الله در جنوب لبنان هستند و در سوریه علیه شبه‌نظامیان وابسته به جمهوری اسلامی عملیات انجام می‌دهند اما اصلی‌ترین تهدید علیه این کشور همچنان برنامه‌های اتمی تسلیحاتی رژیم ایران است. ژنرال آویو کوخاوی رئیس پیشین ستاد کل ارتش اسرائیل در مصاحبه با روزنامه «اسرائیل هیوم» فاش کرد «جمهوری اسلامی مخفیانه فعالیت‌های خود را با هدف تبدیل مواد غنی شده به یک سلاح [اتمی] عملیاتی از سر گرفته است.»

● مرکز مطالعات استراتژیک «بگین- سادات» در دانشگاه «بار-ایلان» در اسرائیل گزارش داده است که با وجود تهدیدات رژیم ایران و گروه‌های نیابتی منطقه برای امنیت اسرائیل اما همچنان اصلی‌ترین تهدید جمهوری اسلامی «فعالیت‌های اتمی و برنامه‌های تهران برای دستیابی به پب اتم است که احتمالاً با کمک کره شمالی آن را پیش می‌برد.»

● مارک دوبوویتز رئیس «بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها» (FDD) هشدار داده که ساخت تأسیسات زیرزمینی غنی‌سازی در نطنز در مراحل پایانی است و تا پایان سال تکمیل خواهد شد.

● روزنامه «اسرائیل هیوم» شنبه ۲۳ مارس (چهارم فروردین) در گزارشی نوشت، این تأسیسات در عمق ۱۰۰ متری ساخته شده؛ به این معنی که به اندازه کافی عمیق است که بتواند در برابر پب‌های اسرائیل و به احتمال زیاد آمریکا مقاومت کند؛ در نتیجه تنها ۹ ماه تا ورود جمهوری اسلامی به دوره جدید مصونیت باقی مانده است.

● ژنرال آویو کوخاوی رئیس پیشین ستاد کل ارتش اسرائیل در مصاحبه با روزنامه «اسرائیل هیوم» فاش کرد «جمهوری اسلامی مخفیانه فعالیت‌های خود را با هدف تبدیل مواد غنی شده به یک سلاح [اتمی] عملیاتی از سر گرفته است.»

● روزنامه «اسرائیل هیوم» می‌نویسد، «این کار زمان می‌برد؛ بر اساس نگاه واقع‌بینانه، [رژیم] ایران [برای ساخت پب اتم] هنوز ۱۸ تا ۲۴ ماه زمان نیاز دارد اما برای کسانی که می‌خواهند جمهوری اسلامی را متوقف کنند، زمان بسیار کمتری وجود دارد. برنامه‌های اتمی جمهوری اسلامی تا چند ماه دیگر به نقطه‌ای می‌رسد که بطور قابل توجهی از حملات مصون می‌ماند. از قبل دانش و توانایی کافی برای تکمیل پب را خواهد داشت و حتا در صورت حمله، قادر خواهد بود آنچه را از دست داده به سرعت بازگرداند.»

حکم اخراج قائم مقام پیشین وزارت کشور جمهوری اسلامی از کانادا صادر شد



سلمان سامانی

پاسداران انقلاب اسلامی را از ورود به کانادا منع کرده است. بخشی از دادخواست ارائه شده به دادگاه علیه سامانی، بر یک نشست مطبوعاتی پس از سرکوب اعتراضات سراسری آبان ۹۸ متمرکز است که سامانی در آن به عنوان سخنگوی وزارت کشور حضور داشت.

سلمان سامانی در جلسه کمیسیون مهاجرت و پناهندگی کانادا که ۱۹ بهمن ماه ۱۴۰۲ برگزار شد تأیید کرد که زیر نظر عبدالرضا رحمانی فضلی وزیر کشور وقت جمهوری اسلامی فعالیت می‌کرده اما مدعی شد از دستور او به نیروهای پلیس برای کشتار معترضان اطلاع نداشته است.

او در عین حال ادعا کرد که رخدادهای سال ۹۸ «چنان او را آشفته» کرد که تصمیم به ترک دولت گرفت اما در پاسخ به این سوال که چرا با وجود این تا دو سال بعد از آن به کار خود در وزارت کشور جمهوری اسلامی ادامه داده گفت: «من برای کمک به مبارزه با همه‌گیری کرونا و کمک به مردم ایران تصمیم گرفتم در وزارت کشور بمانم.»

احمد علی‌رضا بیگی نماینده تبریز در مجلس شورای اسلامی و فرمانده پیشین نیروی انتظامی در اردبیل، فارس و اصفهان فروردین ۱۴۰۴ در تذکر شفاهی گفته بود رحمانی فضلی صلاحیت برگزاری انتخابات را ندارد زیرا دستش به خون مردم آلوده است.

«گلوبال‌نیوز» همچنین از بررسی پرونده سومین مقام بلندپایه جمهوری اسلامی برای اخراج از کانادا خبر داده اما اسمی از او نبرده است.

خبرگزاری «سی‌بی‌سی» طی گزارشی در دسامبر ۲۰۲۲ (۱۲ آذرماه ۱۴۰۲) نوشت اداره خدمات مرزی کانادا ورود ده‌ها نفر از مقامات ارشد حکومت ایران را ممنوع کرده و در حال تحقیق از حدود ۱۰۰ نفر از دارندگان اقامت کانادا برای ارتباط احتمالی آنان با جمهوری اسلامی است.

با فشار جامعه ایرانیان مقیم کانادا و با فشارهای سیاسی حزب محافظه‌کار (حزب رقیب دولت لیبرال جاستین ترودو) برای اعلام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عنوان یک سازمان تروریستی، دولت لیبرال در عوض تصمیم گرفته از طریق قوانین مهاجرت اقداماتی انجام دهد.

● پایگاه خبری «گلوبال‌نیوز» روز ۲۰ مارس (اول فروردین) اعلام کرد دادگاه مهاجرت کانادا حکم اخراج سلمان سامانی قائم‌مقام وزیر کشور دولت حسن روحانی را صادر کرده است.

● سلمان سامانی دومین عضو ارشد رژیم ایران است که پس از تحریم‌های تصویب شده در سال ۲۰۲۲ از کانادا اخراج می‌شود. پیش از او مجید ایرانمنش مدیرکل پیشین پشتیبانی و فناوری اطلاعات نهاد ریاست جمهوری اسلامی نیز با حکم دادگاه از کانادا اخراج شده بود.

● بخشی از دادخواست ارائه شده به دادگاه علیه سامانی، بر یک نشست مطبوعاتی پس از سرکوب اعتراضات سراسری آبان ۹۸ متمرکز است که سامانی در آن به عنوان سخنگوی وزارت کشور حضور داشت.

● وی در جلسه کمیسیون مهاجرت و پناهندگی کانادا که ۱۹ بهمن ماه ۱۴۰۲ برگزار شد تأیید کرد که زیر نظر عبدالرضا رحمانی فضلی وزیر کشور وقت جمهوری اسلامی فعالیت می‌کرده اما مدعی شد از دستور او به نیروهای پلیس برای کشتار معترضان اطلاع نداشته است.

● پایگاه خبری «گلوبال‌نیوز» روز ۲۰ مارس (اول فروردین) اعلام کرد دادگاه مهاجرت کانادا حکم اخراج سلمان سامانی قائم‌مقام وزیر کشور دولت حسن روحانی را صادر کرده است. سلمان سامانی دومین عضو ارشد رژیم ایران است که پس از تحریم‌های تصویب شده در سال ۲۰۲۲ از کانادا اخراج می‌شود. پیش از او مجید ایرانمنش مدیرکل پیشین پشتیبانی و فناوری اطلاعات نهاد ریاست جمهوری اسلامی نیز با حکم دادگاه از کانادا اخراج شده بود.

دولت کانادا پرونده دست‌کم ۹ مقام ارشد جمهوری اسلامی را که ساکن این کشور هستند در دست بررسی قرار داده است. این اقدام در واکنش به سرکوب گسترده مردم ایران پس از خیزش ضدحکومتی در سال ۱۴۰۱ انجام گرفت. دولت کانادا بر اساس یک بیانیه رسمی، رژیم ایران را به عنوان یک حکومت درگیر در «تروریسم و نقض سیستماتیک و فاحش حقوق بشر» معرفی کرد. این سیاست عملاً صدها مقام ایرانی و اعضای سپاه

متحده در شرایط کنونی به آن نیاز دارد یک جنگ منطقه‌ای یا جهانی است.»

روزنامه «اسرائیل هیوم» در بخش دیگری از این گزارش به موضع «حزب‌الله لبنان» می‌پردازد و می‌نویسد، «تقریباً همه کارشناسان معتقدند که این گروه علاقه‌ای به جنگ همه‌جانبه با اسرائیل ندارد. دلایل زیادی برای این امر وجود دارد، از جمله ویرانی غزه و ترس از آسیب مشابه به لبنان؛ اما دلیل اصلی این است که جمهوری اسلامی که حزب‌الله را ساخته و حمایت مالی کرده و عمدتاً در هدایت آن مشارکت دارد، فعلاً علاقه‌ای به این موضوع ندارد. جمهوری اسلامی با تمام احترامی که برای مبارزات فلسطینی‌ها در غزه و همدردی‌هایی که با جنگ حماس قائل است، یک موضوع مهم‌تری برای نگرانی دارد: برنامه هسته‌ای خودش... حزب‌الله قصد دارد اسرائیل را از حمله به ایران باز دارد یا اگر اسرائیل تصمیم به حمله داشته باشد، پاسخ دهد و اگر چنین است، شاید جنگی که قرار است در لبنان به اسرائیل تحمیل شود، بهتر باشد با حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران آغاز شود، زیرا می‌دانیم که نتیجه در جبهه شمالی نیز همین خواهد بود.»

پیش از این نیز ژنرال ژاکوب ناگل مشاور سابق امنیت ملی دولت بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل و عضو ارشد «بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها» گفته بود، جمهوری اسلامی اقدامات نیروهای نیابتی در منطقه از جمله درگیری با اسرائیل و جهان را ابزاری برای منحرف کردن توجهات عمومی از برنامه‌های اتمی خود قرار داده است.

ناگل توضیح داده بود، رژیم ایران ممکن است یک «سلاح گمراه‌کننده جمعی» را برای لاپوشانی پیشرفت در ساخت سلاح‌های کشتار جمعی اتمی خود فعال کرده باشد.

بر اساس نظریه «گزینه سامسون» برخی تحلیلگران نظامی معتقدند اسرائیل ممکن است در مواجهه با خطری که موجودیت آن را تهدید می‌کند از سلاح هسته‌ای به عنوان آخرین راه چاره استفاده کند.

روزنامه «اورشلیم پست» در گزارشی می‌نویسد، با افزایش تجاوزهای جمهوری اسلامی به اسرائیل، نیاز مبرمی به تجدید نظر در رویکرد مقابل با «تهدیدات نوظهور» وجود دارد. مرکز مطالعات «بگین-سادات» تأکید کرده اسرائیل باید بر همین اساس بازدارندگی خود را تقویت کند اما همزمان «امکان ایجاد کانال‌های ارتباطی با تهران برای ایجاد بازدارندگی متقابل» را پیشنهاد کرده است. با اینهمه این مطالعه حاظرظرفیت پتانسیل حملات پیشگیرانه (پیشدستانه) برای جلوگیری از پیامدهای فاجعه‌بار اتمی شدن جمهوری اسلامی را هم در نظر گرفته است. در نهایت، این مطالعه تأکید کرده «برای جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای به هر قیمتی حمایت می‌کند.»

نماینده آمریکا در شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اخیراً اعلام کرد «ایران به توسعه برنامه هسته‌ای خود، نصب آبشارهای سانتریفیوژ پیشرفته و تولید اورانیوم بسیار غنی‌شده که هیچ هدف صلح‌آمیز معتبری برای آن ندارد، ادامه می‌دهد.» واشنگتن به جمهوری اسلامی هشدار داده که باید تمام اورانیوم ۶۰ درصدی ذخیره شده خود را «رقیق سازی» کند اما به نظر نمی‌رسد جمهوری اسلامی با رویکرد ضعیف غرب این اوتلیتمانوم را بپذیرد. بسیاری از تحلیلگران معتقدند مباحثات غرب است که جمهوری اسلامی را گستاخ تر کرده. بر همین اساس است که کارشناسان به دولت اسرائیل هشدار می‌دهند که می‌بایست استراتژی منحصر به فرد خود را برای مقابله با برنامه‌های اتمی جمهوری اسلامی تدیون کند که چندان متکی بر حمایت رهبران غرب نباشد.

اورشلیم پست: برای رهبران حماس رنج کشیدن مردم غزه یک سلاح است؛ رهبران حماس در تهران در واقع با «مدیران حماس» گفتگو کردند!



دیدار قالیباف با هنیه / فروردین ۱۴۰۲

بسیار کوچکتر و ضعیفتر بود. اینهمه در حالیست که عملیات مرگبار «هفت اکتبر» منجر به محکومیت بینالمللی حماس نشده است؛ در عوض برخی کشورها جنگ غزه را به عنوان یک عامل منحرفکنندهی خوشایند می‌دانند و حماس را به عنوان یک ابزار بالقوه برای استفاده علیه غرب می‌بینند. بنابراین حماس در حال یک بازی است که روسیه و رژیم ایران نیز در حال انجام آن هستند. به این ترتیب است که حماس هم جنگ را اداره می‌کند و هم به عنوان گروه نیابتی استفاده می‌شود. جلسات رهبران حماس در ایران در واقع جلسه آنها با «مدیران» حماس است.

علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی در دیدار با اسماعیل هنیه گفته است، «اقدامات تبلیغاتی و رسانه‌ای مقاومت فلسطین تاکنون بسیار خوب و جلوتر از دشمن صهیونیستی بوده است و باید در این زمینه بیش از پیش اقدام شود.» وی در دیدار با شعرا نیز توصیه کرده بود، «رسانه‌ها بیش از موشک و پهپاد بر دشمن اثر می‌گذارد.»

اورشلیم پست با اشاره به این صحبت‌ها می‌نویسد، «این مهم است زیرا حماس نیز بر اساس روایت‌سازی رسانه‌ای بقاء یافته و رشد می‌کند. آنها در حالی که کمک‌های بشردوستانه را غارت می‌کنند با همین رسانه‌ها نشان می‌دهند که مردم غزه در رنج‌اند.»

حماس از گرسنگی مردم به عنوان سلاح استفاده می‌کند و در حالی که اسرائیل ممکن است موشک‌های دقیق داشته باشد، اما حماس «رنج کشیدن» مردم را عین سلاح به کار می‌برد.

در پایان این گزارش تأکید شده است که «هنیه از رنج و گرسنگی مردم غزه می‌گوید و اینها عباراتی است که حماس آنها را مانند سلاح به کار می‌گیرد و معتقد است از اف-۳۵های اسرائیل قدرتمندتر است... البته در تاریخ مبارزه با تروریسم، ارتش‌ها می‌توانند پیروز شوند، همانطور که داعش شکست خورد، اما تنها در صورتی که گروه‌هایی مانند حماس بطور کامل شکست بخورند. به همین دلیل حماس دست به قمار می‌زند تا رفح به دست اسرائیل نیفتد و در نهایت شکست نخورد.»

بود. این واقعیت که حماس توانست یک یگان کامل از زنان جوان سرباز را قتل عام کند و هفت نفر از آنها را به گروگان بگیرد، نشان‌دهنده شکستی عظیم در توانایی‌های اسرائیل و وعده‌ای است که دولت یهود همیشه به سربازان و مردم‌اش مبنی بر اینکه فجایعی علیه یهودیان «دیگر هرگز تکرار نخواهند شد» داده است.

پنج ماه پس از نسل‌کشی یهودی‌ها در داخل مرزهای اسرائیل و گروگانگیری، اسرائیل نتوانست حماس را شکست دهد و بسیاری از گروگان‌ها در غزه نگهداری می‌شوند.

آنها در بسیاری از موارد یک مایل دورتر از نیروهای ارتش اسرائیل، در مکان‌هایی مانند «رفح» نگهداری می‌شوند و ارتش اسرائیل بجای فشار آوردن به آن مکان‌ها برای نجات گروگان‌ها، نیروهای خود را در غزه کاهش داده است. در عوض، مقامات اسرائیل با قطر مذاکره می‌کنند؛ کشوری که میزبان رهبران حماس است؛ رهبرانی که با هواپیماهای قطری به تهران رفت و آمد کرده و احساس پیروزی می‌کنند.

سفر هنیه به ایران در شرایطی انجام شده که شورای امنیت سازمان ملل خواستار آتش‌بس است آنهم در حالی که حماس آخرین پیشنهادها برای مبادله گروگان‌ها را رد کرده بود. در بخش دیگری از این گزارش آمده، رهبران حماس می‌دانند شانس زیادی برای پیروزی در جنگ ندارند. تنها کاری که از عهده آنها برمی‌آید زنده ماندن و ادعای پیروزی است تا شانس اینکه بار دیگر در غزه قدرت را به دست بگیرند داشته باشند.

از آنجا که حماس توسط روسیه، چین، ترکیه و جمهوری اسلامی ایران حمایت می‌شود و همچنین متحدان غرب یعنی ترکیه و قطر میزبان آنها هستند، رهبران آن می‌دانند که از حمایت بین‌المللی قابل توجهی برای مرحله بعدی برنامه‌های خود برخوردارند.

حمایت از حماس امروز در سراسر جهان بسیار بیشتر از هر زمان دیگری در تاریخ است. به عنوان مثال، اگر حماس در سال ۲۰۲۴ با حماس در ۲۰۰۴ در انتفاضه دوم یا ۱۹۹۴ با شرایط منتهی به پیمان اسلو مقایسه کنیم، این سازمان

اسماعیل هنیه از رهبران ارشد گروه تروریستی حماس که در تهران بسر می‌برد بعد از دیدار با حسین امیرعبداللّه‌یان وزیر خارجه جمهوری اسلامی، ابراهیم رئیسی و علی خامنه‌ای، روز پنجشنبه نهم فروردین ماه با پاسدار علی‌اکبر احمدیان دبیر شورای عالی امنیت ملی و سردار پاسدار محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی دیدار کرد.

روزنامه «اورشلیم پست» در گزارشی می‌نویسد: «رهبران حماس با دیدار مقاماتی از چین، روسیه، ترکیه، جمهوری اسلامی ایران و قطر اعتبار زیادی به دست آورده‌اند؛ این موضوع آنها را به این باور رسانده است که می‌توانند اسرائیلی‌ها را بیش از هر زمان دیگری در تاریخ قتل عام کنند و به روند پیمان ابراهیم لطمه بزنند.»

«رهبران حماس می‌دانند شانس زیادی برای پیروزی در جنگ ندارند. تنها کاری که از عهده آنها برمی‌آید زنده ماندن و ادعای پیروزی است تا شانس اینکه بار دیگر در غزه قدرت را به دست بگیرند داشته باشند.»

علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی در دیدار با اسماعیل هنیه گفته است، «اقدامات تبلیغاتی و رسانه‌ای مقاومت فلسطین تاکنون بسیار خوب و جلوتر از دشمن صهیونیستی بوده.» اورشلیم پست با اشاره به این صحبت‌ها می‌نویسد، «این مهم است زیرا حماس نیز بر اساس روایت‌سازی رسانه‌ای بقاء یافته و رشد می‌کند. آنها در حالی که کمک‌های بشردوستانه را غارت می‌کنند با همین رسانه‌ها نمایش می‌دهند که مردم غزه در رنج‌اند.»

حماس از گرسنگی مردم به عنوان سلاح استفاده می‌کند و در حالی که اسرائیل ممکن است موشک‌های دقیق داشته باشد، اما حماس «رنج کشیدن» مردم را عین سلاح به کار می‌برد.

اسماعیل هنیه از رهبران ارشد گروه تروریستی حماس که در تهران بسر می‌برد، بعد از دیدار با حسین امیرعبداللّه‌یان وزیر خارجه جمهوری اسلامی، ابراهیم رئیسی و علی خامنه‌ای، روز پنجشنبه نهم فروردین ماه با پاسدار علی‌اکبر احمدیان دبیر شورای عالی امنیت ملی و سردار پاسدار محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی دیدار کرد.

روزنامه «اورشلیم پست» در گزارشی می‌نویسد هنیه در حالی به تهران سفر کرده که شماری از رهبران بلندپایه حماس از جمله صالح العاروری و مروان عیسی کشته شده‌اند و تخمین زده می‌شود که بیش از ۱۰ هزار نفر از نیروهای این گروه طی ۱۷۰ روز گذشته در عملیات اسرائیل در خاک غزه از بین رفته باشند. با اینکه هزاران نفر از عوامل حماس در غزه بازداشت شده‌اند اما کادر رهبری این گروه دست‌نخورده باقی مانده است؛ مسئله‌ای که به نظر می‌رسد در بین آنها احساس پیروزی به وجود آورده است.

این روزنامه می‌نویسد، رهبران حماس با دیدار مقاماتی از چین، روسیه، ترکیه، ایران و قطر اعتبار زیادی به دست آورده‌اند؛ این موضوع آنها را به این باور رسانده که می‌توانند اسرائیلی‌ها را بیش از هر زمان دیگری در تاریخ قتل عام کنند و به روند «پیمان ابراهیم» لطمه بزنند.

بعد از واقعه هولوکاست در تاریخ سابقه نداشت این تعداد یهودی قتل عام شوند. بطور کل اینکه صدها اسرائیلی را در خاک اسرائیل به گروگان بگیرند هرگز اتفاق نیفتاده

تصویب قطعنامه آتش‌بس در غزه؛

افزایش فشارها به اسرائیل برای توقف عملیات علیه حماس



نشست شورای امنیت سازمان ملل / مارس ۲۰۲۴

عمل کند. وی افزود، «دولت بایدن به اسرائیل خیانت کرد و در کنار تروریست‌های حماس مورد حمایت [رژیم] ایران قرار گرفت، که همچنان شهروندان آمریکا را گروگان می‌گیرند.»

ماتیو میلر سخنگوی وزارت خارجه آمریکا لغو سفر نتانیاهو به واشنگتن را «تعجب‌آور و مایه تأسف» دانست.

این مقام وزارت خارجه آمریکا به خبرنگاران گفت، «حمله زمینی به رفح که آخرین پناهگاه حدود نیمی از جمعیت ۲/۳ میلیونی غزه پس از آواره شدن آنهاست... اشتباه خواهد بود و امنیت اسرائیل را تضعیف می‌کند.»

در مورد ضرورت توقف جنگ در غزه، دونالد ترامپ نامزد جمهوریخواهان در انتخابات ریاست جمهوری به مقامات اسرائیل توصیه‌های جدی داشته است. وی در مصاحبه با روزنامه «اسرائیل هیوم» سیاست‌های دولت بایدن را اصلی‌ترین عامل جنگ خوانده و به نتانیاهو توصیه کرده «اسرائیل در حال از دست دادن حمایت‌های جهانی است و باید جنگ غزه را خاتمه دهد.»

ترامپ تأکید کرد، «کشتاری که حماس در جنوب اسرائیل رقم زد، یکی از غم‌انگیزترین رخدادهایی بوده که تا کنون دیده است اما با این حال اسرائیل باید این جنگ را به پایان برساند.»

دولت‌های غربی و عربی خواستار افزایش مسیرها برای انتقال کمک‌های بشردوستانه به غزه هستند اما اسرائیل می‌گوید نیروهای حماس این مسیرها را مختل می‌کنند. با وجود تصویب قطعنامه در شورای امنیت گزارش‌ها حاکی از ادامه درگیری‌هاست و مقامات اسرائیلی اصرار دارند تا مرز رفح را که اصلی‌ترین شریان حماس از در کنترل خود بگیرند.

روبرو شد و بنیامین نتانیاهو نخست وزیر این کشور سفر برنامه‌ریزی شده خود به واشنگتن را لغو کرد.

همچنین متن پیشنهادی که به تصویب شورای امنیت رسیده شامل محکومیت حماس به عنوان یک سازمان تروریستی می‌شود!

لیندا توماس گرینفیلد سفیر آمریکا در سازمان ملل در جلسه شورای امنیت گفت: «حمایت آمریکا از توقف جنگ و تبادل گروگان‌ها صرفاً لفظی نیست. ما شبانه‌روز تلاش می‌کنیم تا این اهداف را از طریق دیپلماسی واقعی در میدان عملی کنیم، زیرا می‌دانیم که تنها از طریق دیپلماسی است که می‌توانیم این دستور کار را به جلو ببریم.»

او ضمن حمایت از راهکارهای سیاسی گفت: «آتش‌بس می‌تواند بلافاصله با آزادی اولین گروگان آغاز شود و بنابراین ما باید بر حماس فشار بیاوریم تا این کار را انجام دهد.»

در این قطعنامه بر «نیاز فوری به گسترش جریان کمک‌های بشردوستانه و تقویت حفاظت از غیرنظامیان در کل نوار غزه» و «رفع همه موانع به منظور ارائه کمک‌های بشردوستانه در مقیاس وسیع» تأکید شده است. رسانه‌های اسرائیلی اعلام کردند، «اتفاقی که در سازمان ملل اتفاق افتاد به نفع اسرائیل نیست... این به معنای اوج بحران با آمریکا است.»

تصویب این قطعنامه در سازمان ملل با انتقادات گسترده از سوی جمهوریخواهان آمریکا علیه دولت بایدن نیز مواجه شده است.

سناتور بیل هگرتی در واکنش به وتو نکردن قطعنامه شورای امنیت از سوی آمریکا گفت دولت بایدن آنقدر به دنبال جلب رضایت «چپ‌های طرفدار حماس» است که حاضر است علیه شهروندان و منافع متحدان آمریکا

● شورای امنیت سازمان ملل متحد دوشنبه ۲۵ مارس (ششم فروردین) خواستار آتش‌بس فوری میان اسرائیل و شبه‌نظامیان فلسطینی حماس در «ماه رمضان» و آزادی سریع و بدون قید و شرط همه گروگان‌ها شد.

● این قطعنامه که پیش‌نویس آن توسط ۱۰ کشور عضو شورای امنیت تدوین شده بود، با ۱۴ رأی مثبت و یک رأی ممتنع آمریکا به تصویب رسید. تصمیم دولت بایدن برای وتو نکردن این قطعنامه با انتقاد شدید مقامات اسرائیل و وزیر این کشور سفر برنامه‌ریزی شده خود به واشنگتن را لغو کرد.

● سناتور بیل هگرتی در واکنش به وتو نکردن قطعنامه شورای امنیت از سوی آمریکا گفت دولت بایدن آنقدر به دنبال جلب رضایت «چپ‌های طرفدار حماس» است، که حاضر است علیه شهروندان و منافع متحدان آمریکا عمل کند. وی افزود، «دولت بایدن به اسرائیل خیانت کرد و در کنار تروریست‌های حماس مورد حمایت [رژیم] ایران قرار گرفت، که همچنان شهروندان آمریکا را گروگان می‌گیرند.»

● ماتیو میلر سخنگوی وزارت خارجه آمریکا لغو سفر نتانیاهو به واشنگتن را «تعجب‌آور و مایه تأسف» دانست.

شورای امنیت سازمان ملل متحد دوشنبه ۲۵ مارس (ششم فروردین) خواستار آتش‌بس فوری میان اسرائیل و شبه‌نظامیان فلسطینی حماس در «ماه رمضان» و آزادی سریع و بدون قید و شرط همه گروگان‌ها شد.

این قطعنامه که پیش‌نویس آن توسط ۱۰ کشور عضو شورای امنیت تدوین شده بود، با ۱۴ رأی مثبت و یک رأی ممتنع آمریکا به تصویب رسید. تصمیم دولت بایدن برای وتو نکردن این قطعنامه با انتقاد شدید مقامات اسرائیل

تحریم چند شبکه تدارکاتی مستقر در آلمان، عمان، ترکیه و ایران مرتبط با برنامه‌های موشکی، پهپادی و هسته‌ای جمهوری اسلامی



نمایش پهپادهای سپاه و ارتش در رژه نیروهای مسلح جمهوری اسلامی

پایگاه خبری «جویش
کرونیکل»:
گروه‌های نیابتی و
جنگ غزه «سلاح
گمراه‌کننده»
رژیم ایران برای
لاپوشانی برنامه
اتمی نظامی
هستند

● ژنرال ناگل مشاور سابق امنیت ملی دولت بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل و عضو ارشد «بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها» (FDD) می‌گوید جمهوری اسلامی اقدامات نیروهای نیابتی در منطقه از جمله درگیری با اسرائیل و جهان را ابزاری برای منحرف کردن توجهات عمومی از برنامه‌های اتمی خود قرار داده است.

● ناگل توضیح داده، رژیم ایران ممکن است یک «سلاح گمراه‌کننده جمعی» را برای لاپوشانی پیشرفت در ساخت سلاح‌های کشتار جمعی اتمی خود فعال کرده باشد. وی گفت که وجود یک برنامه بلندمدت احتمالی با جدول زمانی محرمانه و مراحل متعدد باید جدی گرفته شود.

● این مقام سابق دفاعی اسرائیل در ادامه می‌گوید، «رویدادهایی که تا کنون رخ داده، این ایده را که [رژیم] ایران یک طرح چند مرحله‌ای دارد رد نمی‌کند.» وی با اشاره به اقداماتی که باید در کنار غنی‌سازی اورانیوم برای مونتاژ کلاهک‌های هسته‌ای انجام شود، افزود: «فکر می‌کنم امروز در مرحله‌ای هستیم که ایران در حال توسعه اجزای برنامه‌های تسلیحاتی اتمی است... اگر به نظر می‌رسد که هیچ تصمیم قطعی برای دستیابی به تسلیحات هسته‌ای ندارند و چنین تصمیمی در جایی دیده نمی‌شود، به این دلیل است که این موضوع موجب فشار بر آنها خواهد شد.»

یک مقام ارشد سابق دفاعی اسرائیل به «جویش کرونیکل» می‌گوید اسرائیل باید برای انجام حملات شدید همزمان به حزب‌الله لبنان و برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی آمادگی داشته باشد. وی هشدار داده برنامه‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی پوششی برای پیشبرد برنامه تسلیحات اتمی است.

سرتیپ ژنرال یاکوب ناگل مشاور سابق امنیت ملی دولت بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل، رئیس سابق شورای امنیت ملی اسرائیل و عضو ارشد «بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها» (FDD) در گزارشی که ۲۱ مارس (دوم فروردین) منتشر شد، تشریح کرد، «جمهوری اسلامی اقدامات نیروهای نیابتی در منطقه از جمله درگیری با اسرائیل و جهان را ابزاری

جهان است که به درگیری دامن می‌زند و جان غیرنظامیان بی‌شماری را به خطر می‌اندازد... ایالات متحده به استفاده از ابزارهای خود برای مختل کردن این شبکه‌ها و پاسخگویی کشورهایی که به تکثیر پهپادها و موشک‌های ایران کمک می‌کنند، ادامه خواهد داد.»

یکی از کسانی که در فهرست تحریم‌ها قرار گرفته، مازیار کریمی شهروند ایرانی-آلمانی ساکن آلمان است که رزین اپوکسی و سایر اقلام را برای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با استفاده از شبکه پیچیده‌ای شامل واسطه‌ها و شرکت‌های پوششی (صوری) تهیه می‌کرده است.

طبق گزارش وزارت خزانه‌داری آمریکا، کریمی یک عامل تدارکاتی با سابقه است که حداقل از سال ۲۰۱۳ به صنایع دفاعی جمهوری اسلامی از جمله تسهیل خرید تجهیزات خدمات ارائه می‌داده است.

کریمی از شرکت آلمانی «مازیکسون» (Mazixon) برای تسهیل خرید تجهیزات پهپاد و آنتن برای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و تجهیزات برای برنامه موشک بالستیک حمایت می‌کرده است. وی دارای عمده سهام شرکت آلمانی مازیکسون و مدیرعامل آن است.

کریمی از شرکت Mazaya Alardh Aldhabia LLC (MAA) مستقر در عمان به عنوان یک شرکت پوششی برای پشتیبانی از سپاه پاسداران استفاده کرده است.

شرکت «مدافل» (MODAFL) مستقر در ایران و شرکت «گوکالر» (Gokler) مستقر در ترکیه نیز به دلیل همکاری با سپاه پاسداران در فهرست تحریم‌ها قرار گرفتند. همچنین رستم شهماری قوجه بیگلو مدیرعامل شرکت «پیشرو مبتکران پلیمر» و میترا اپانالو مدیرعامل شرکت «ماندگار بسپار فجر آسیا» (سازنده کامپوزیت) نیز به لیست تحریم‌شدگان اضافه شده‌اند. این شرکت‌ها با شرکت «تکنولوژی سانتی‌فیوژ ایران» (تسا) که با سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی مرتبط است در ارتباط بوده‌اند.

● به گزارش وبسایت وزارت خزانه‌داری آمریکا، این شبکه‌ها فیبر کربن، رزین‌های اپوکسی و سایر کالاهای قابل استفاده موشکی برای سازمان جهاد خودکفایی نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، وزارت دفاع و لجستیک نیروهای مسلح و سایر شرکت‌های تحریم شده از سوی ایالات متحده، تهیه می‌کرده‌اند. این شبکه‌ها با شرکت فناوری‌های سانتی‌فیوژ ایران (TESA) که با سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی (AEOI) مرتبط است همکاری داشتند.

● یکی از کسانی که در فهرست تحریم‌ها قرار گرفته، مازیار کریمی شهروند ایرانی-آلمانی ساکن آلمان است که رزین اپوکسی و سایر اقلام را برای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با استفاده از شبکه پیچیده‌ای از واسطه‌ها و شرکت‌های پوششی (صوری) تهیه می‌کرده است.

دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه داری آمریکا (OFAC) روز چهارشنبه ۲۰ مارس (اول فروردین ۱۴۰۳) سه شبکه تدارکاتی مستقر در ایران، ترکیه، عمان و آلمان را که از برنامه‌های موشکی بالستیک، هسته‌ای و دفاعی جمهوری اسلامی پشتیبانی می‌کرده‌اند مورد تحریم قرار داد.

به گزارش وبسایت وزارت خزانه‌داری آمریکا، این شبکه‌ها فیبر کربن، رزین‌های اپوکسی و سایر کالاهای قابل استفاده موشکی برای سازمان جهاد خودکفایی نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، وزارت دفاع و لجستیک نیروهای مسلح، سایر شرکت‌های تحریم شده توسط ایالات متحده تهیه می‌کرده‌اند. این شبکه‌ها با شرکت فناوری‌های سانتی‌فیوژ ایران (TESA) که با سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی (AEOI) مرتبط است همکاری داشته‌اند.

برایان نلسون معاون وزیر خزانه‌داری در امور تروریسم و اطلاعات مالی درباره این تحریم‌ها گفت: «جمهوری اسلامی از طریق شبکه‌های پیچیده تدارکات مخفی، به دنبال تأمین سیستم‌های تسلیحاتی به بازیگران سرکش در سراسر

→ برای منحرف کردن توجهات روی برنامه‌های اتمی خود قرار داده است.»

ناگل توضیح می‌دهد، رژیم ایران ممکن است یک «سلاح گمراه‌کننده جمعی» را برای لاپوشانی پیشرفت در ساخت سلاح‌های کشتار جمعی اتمی خود فعال کرده باشد. وی گفت که وجود یک برنامه بلندمدت احتمالی با جدول زمانی محرمانه و مراحل متعدد باید جدی گرفته شود.

این مقام سابق دفاعی اسرائیل، توضیح داد که مرحله دوم برنامه احتمالی جمهوری اسلامی این است که اسرائیل را درگیر «جنگ غزه» کند و همزمان جامعه بین‌المللی درگیر واکنش به نیروهای نیابتی به ویژه حوثی‌ها شوند. حزب‌الله نیز با شدت کم دخالت در این درگیری‌ها را ادامه می‌دهد. به گفته وی، در مرحله سوم این طرح احتمالی، حزب‌الله درگیر جنگ تمام‌عیار می‌شود و در مرحله چهارم بطور بالقوه، رژیم ایران با استفاده از انحراف توجه جامعه بین‌الملل سلاح هسته‌ای را رونمایی خواهد کرد. ژنرال ناگل گفت: «این سناریو را نمی‌توان رد کرد.»

بر اساس گزارشی که رویترز ۱۵ مارس ۲۰۲۴ (۲۵ اسفند ۱۴۰۲) منتشر کرد، حزب‌الله اخیراً به جمهوری اسلامی پیام داده که در هر جنگ تمام‌عیار آینده به تنهایی با اسرائیل مقابله خواهد کرد.

در این گزارش آمده است که اسماعیل قآنی فرمانده نیروهای قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در ماه فوریه ۲۰۲۴ از بیروت بازدید کرد تا «درباره خطری که اسرائیل علیه حزب‌الله لبنان به عنوان هدف بعدی [بعد از مقابله با حماس] به وجود خواهد آورد، گفتگو کند.»

در این گزارش به نقل از منابع ایرانی ناشناس آمده، «حسن نصرالله دبیرکل حزب‌الله به قآنی اطمینان داد که غی خواهد جمهوری اسلامی در تله جنگ با اسرائیل یا آمریکا بیفتد و حزب‌الله به تنهایی خواهد جنگید.»

ناگل در ادامه می‌گوید، «رویدادهایی که تا کنون رخ داده، این ایده را که [رژیم] ایران یک طرح چند مرحله‌ای دارد رد نمی‌کند.» وی با اشاره به اقداماتی که باید در کنار غنی‌سازی اورانیوم برای مونتاژ کلاهک‌های هسته‌ای انجام شود، افزود: «فکر می‌کنم امروز در مرحله‌ای هستیم که ایران در حال توسعه اجزای برنامه‌های تسلیحاتی اتمی است... اگر به نظر می‌رسد که هیچ تصمیم قطعی برای دستیابی به تسلیحات هسته‌ای ندارند و چنین تصمیمی در جایی دیده نمی‌شود، به این دلیل است که چنین موضوعی موجب فشار بر آنها خواهد شد.»

او استدلال کرد که «پیشرفت تدریجی برنامه‌های اتمی جمهوری اسلامی به صورت دائمی توسط چند تیم، برای غنی‌سازی اورانیوم و ایجاد سیستم‌های لازم برای تولید بمب‌های هسته‌ای در حال پیگیری است... این تیم‌ها که در یک سطح پایین‌تر از فرماندهی فعالیت می‌کنند، آنچه را از دست‌شان برمی‌آید انجام می‌دهند، بدون اینکه اسلحه‌ای در دست بگیرند.»

ناگل تأکید کرد: «اسرائیل باید آماده شود، همانطور که در تمام سال‌های گذشته برای ضربه زدن به برنامه‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی آماده بوده است. اگر فعالیت‌های اسرائیل نمی‌بود، ایران مدت‌ها پیش به یک کشور هسته‌ای تبدیل شده بود. واضح است که اورانیوم با درجه‌ی کافی نظامی برای یک بمب غنی شده بود. خیلی‌ها این را نمی‌فهمند.»

ناگل با اشاره به غنی‌سازی ۲۰ و ۶۰ درصدی اورانیوم در ایران تأکید کرد، «طولانی‌ترین بخش از فرآیند غنی‌سازی اورانیوم توسط ایران انجام شده است... بیشترین زمان مورد نیاز برای رسیدن به اورانیوم با درجه نظامی (۹۰ درصد)



بازدید علی خامنه‌ای از ماشین‌های سانتریفیوژ / خرداد ۱۴۰۲

کند. فرد باید باهوش باشد و فکر نکند که همیشه حق با اوست.»

«افتادن در تله»

«بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها» اوایل ماه مارس یک ارزیابی مشترک ناگل و مارک دوبویوتز مدیر اجرایی «FDD» و کارشناس برنامه هسته‌ای و تحریم‌های ایران را منتشر کرد. در این ارزیابی آمده بود، اسرائیل «در خطر افتادن در دامی است که علی خامنه‌ای پهن کرده... جنگ غزه تله‌ای است که برای انحراف افکار عمومی از برنامه‌های اتمی جمهوری اسلامی تدارک دیده شده تا توجه دستگاه نظامی، اطلاعاتی و سیاسی اسرائیل را به آن جلب کند و با این استراتژی برنامه‌های اتمی خود را پیش ببرد.»

ژنرال ناگل تأکید کرد، کسانی که نگران «مشروعیت» بین‌المللی اسرائیل هستند، جنبه بسیار مهم‌تری از آمادگی نظامی اسرائیل را از نادیده گرفته‌اند و این همان چیزی است که باید عامل اصلی هدایت زمان‌بندی آن برای درگیری با دشمنان در جبهه‌های جدید باشد.

در همین حال، روسیه اخیراً مواضع نظامی خود را در جنوب سوریه در نزدیکی اسرائیل مستقر کرده است. در حالی که ناگل تردید دارد که اکنون مسکو یک تهدید عملیاتی برای اسرائیل باشد، عنوان کرد که اورشلیم باید در مورد کمک احتمالی روسیه در آینده به برنامه هسته‌ای ایران محتاط باشد. کمک‌هایی که می‌تواند به عنوان بازپرداخت برای تأمین پهپاد و موشک برای تلاش‌های جنگی روسیه به جمهوری اسلامی داده شود.

ناگل گفت: «امیدوارم روس‌ها این کار را نکنند، اما ممکن است این اتفاق بیفتد.»

آمریکا اخیراً در نشست شورای حکام آژانس اوتی‌اتوم داد که جمهوری اسلامی باید تمام ذخیره اورانیوم ۶۰ درصدی خود را «رقیق‌سازی» کند هرچند که منتقدان دولت بایدن می‌گویند مماشات وی با رژیم باعث گسترخ شدن آنها و پیشرفت برنامه‌های اتمی و منطقه‌ای رژیم شده است.

صرف رسیدن به سطوح غنی‌سازی ۲۰ و ۶۰ می‌شود و از این سطح به بعد زمان زیادی برای رسیدن به اورانیوم ۹۰ درصدی لازم نیست. از این رو، من بر این باورم که نیازی به تخمین زدن زمان دستیابی جمهوری اسلامی به اورانیوم ۹۰ درصدی نیست زیرا در نهایت آنها این کار را انجام خواهند داد.»

روزنامه «وال استریت ژورنال» گزارش داد که با وجود تلاش‌های آلمان، فرانسه و هلند برای پیشبرد تحریم‌ها علیه رژیم ایران به دلیل عرضه تسلیحات به روسیه و کشورهای نیابتی خاورمیانه، ایالات متحده از این اقدام به این دلیل خودداری می‌کند که از تشدید تنش منطقه‌ای نگران است و گمان می‌کند چنین اقدامی تلاش‌های دیپلماتیک برای مهار برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی را مختل می‌کند.

ناگل ارزیابی می‌کند که ایالات متحده و اروپا هرگز به برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی حمله نخواهند کرد و افزود: «کاهش تحریم‌های جمهوری اسلامی به خوبی با قصد تهران برای ادامه پیشرفت‌های خزنده هسته‌ای همخوانی دارد. از این رو، اسرائیل باید برای هر چیزی آماده باشد... تا بتوانیم به بخش غنی‌سازی برنامه اتمی ضربه بزنیم، اما همچنین می‌توانیم به بخشی از سیستم تسلیحاتی آن نیز ضربه وارد کنیم.»

این مشاور سابق امنیت ملی دولت نتانیاهو در پاسخ به این پرسش که ارتش اسرائیل چگونه می‌تواند در صورت لزوم همزمان با جمهوری اسلامی و حزب‌الله مقابله کند، پاسخ داد: «قبل از هفت اکتبر و پس از آن، اسرائیل توانایی کار در بیش از یک عرصه را برای خود ایجاد کرده است. کار آسانی نیست و ما درس‌هایی آموخته‌ایم. بخشی از دکتترین دفاعی ما پس از هفت اکتبر تغییر کرده است.

این تغییرات شامل تخمین‌هایی است که جنگ‌ها چقدر طول می‌کشد، زیرا جنگ غزه به زودی به ماه ششم خود نزدیک می‌شود. اسرائیل باید قابلیت‌های مهمات، عمدتاً توپخانه و گلوله‌های تانک ایجاد کند و اسرائیل باید آماده کار در بیش از یک عرصه باشد. به دلیل آنچه در جنوب رخ می‌دهد، زمان جنگ با حزب‌الله ممکن است تغییر

اکنونمیست: چگونه چین، روسیه و جمهوری اسلامی در حال ایجاد روابط عمیق تر هستند



دیدار ولادیمیر پوتین رئیس جمهوری روسیه با علی خامنه‌ای / عکس: ۲۸ تیرماه ۱۴۰۱

اتحاد جدید خود می‌دانند.»

در ادامه‌ی مقاله «اکنونمیست» آمده است، چین قول مشارکت «بدون محدودیت» با روسیه را داده و در سال ۲۰۲۱ یک «قرارداد استراتژیک» ۲۵ ساله به ارزش ۴۰۰ میلیارد دلار با جمهوری اسلامی ایران امضاء کرد. تجارت دوجانبه بین آنها در حال رشد است. طرح‌هایی برای تجارت بدون تعرفه دارند و سیستم‌های پرداخت جدید و مسیرهای تجاری برقرار کرده‌اند که تحریم‌ها را دور می‌زند. این موضوع برای آمریکا و متحدانش، کابوس به شمار می‌رود. یک محور پر رونق ضدغربی می‌تواند به دشمنان [دشمنان غرب] کمک کند تا تحریم‌ها را خنثی کنند، در جنگ‌ها پیروز شوند و دیگر بازیگران بدخواه را به خدمت بگیرند. توافق‌های جدید آنها شامل مناطقی است که پیوندها در آنها از قبل قوی است. البته در سایر موارد همکاری فقط جزئی است و برخی از مسائل نیز حل نشده است. اما پرسش این است که وضعیت این اتحاد در پنج تا ۱۰ سال آینده چگونه خواهد بود؟ «اکنونمیست» با اشاره به افزایش درآمد‌های نفتی روسیه و جمهوری اسلامی و افزایش واردات نفت به چین، می‌نویسد: «در حالی که تحریم‌های غرب به هر کسی خارج از گروه هفت اجازه واردات نفت روسیه را می‌دهد، صنعت انرژی ایران مشمول تحریم‌های به اصطلاح ثانویه است که کشورهای ثالث را محدود می‌کند. با این حال، از سال ۲۰۲۲ دولت بایدن اجرای آن را کاهش داده است. نتیجه این کار، افزایش واردات چین بود... چین همچنین از روسیه گاز ارزان دریافت می‌کند.»

روسیه و ایران چاره‌ای جز فروش به چین ندارند. در مقابل، چین فقط مشمول محدودیت‌هایی بر واردات فناوری غربی است و با ممنوعیت مالی یا تحریم تجاری مواجه نیست. بنابراین می‌تواند نفت را از کشورهای دیگر خریداری کند که به آن دست برتر در مذاکرات می‌دهد. چین عرضه‌های روسیه و ایران را با تخفیف ۱۵ تا ۳۰ دلاری در قیمت جهانی نفت دریافت می‌کند و سپس هیدروکربن‌های ارزان قیمت ←

اسفندماه) به آن پرداخت. در این نوشتار تلاش شده بر اساس آمار و ارقام به خواننده القاء شود که نزدیکی تهران، پکن و مسکو چندان خطرناک نیست اگرچه نفع نهایی را چین می‌برد.

در مقدمه مقاله «اکنونمیست» آمده، ولادیمیر پوتین رئیس جمهور روسیه و ابراهیم رئیسی همتای ایرانی‌اش، چند چیز مشترک دارند. هر دو متعلق به گروهی از رهبران هستند که شخصاً هدف تحریم‌های آمریکا قرار گرفته‌اند. با اینکه هیچکدام زیاد سفر نمی‌کنند، هر دو در سال‌های اخیر به چین رفته‌اند و به نظر می‌رسد هر دو کشور به طرز قابل توجهی در پی روابط نزدیکتر هستند. در ماه دسامبر آنها در کرملین برای گفتگو در مورد جنگ غزه ملاقات کردند. در ۱۸ مارس نیز ابراهیم رئیسی به سرعت به پوتین به خاطر پیروزی «قاطعانه» او در انتخابات تریک گفت.

در طول تاریخ، روسیه، ایران و چین کمتر پشتیبان همدیگر بودند. در قلب امپریالیست‌ها، آنها اغلب در مناطق یکدیگر مداخله می‌کردند و برای کنترل مسیرهای تجاری آسیا حتا روابط خود را بهم می‌زدند. اما اخیراً اقدامات آمریکا این تحركات را تغییر داده است. در سال ۲۰۲۰ دو سال پس از خروج آمریکا از توافق برجام، دونالد ترامپ دوباره تحریم‌ها را علیه جمهوری اسلامی اعمال کرد. تحریم‌های بیشتری در ژانویه ۲۰۲۴ [دولت بایدن] برای مجازات جمهوری اسلامی به دلیل حمایت از حماس و حوثی‌های یمن اعلام شد. روسیه نیز در سال ۲۰۲۲ پس از حمله به اوکراین تحت تحریم‌های غرب قرار گرفت و اخیراً این تحریم‌ها تشدید شده است.

در همین حال، چین با محدودیت‌هایی مواجه است که در صورت انتخاب مجدد دونالد ترامپ در انتخابات آتی به عنوان رئیس جمهور، می‌تواند بسیار سخت‌تر شود. روسیه، چین و جمهوری اسلامی که توسط یک دشمن مشترک متحد شده‌اند، اکنون متعهد می‌شوند که یک سیاست خارجی مشترک را نیز پیش ببرند: «حمایت از دنیای چندقطبی که دیگر تحت سلطه آمریکا نیست. هر سه پیوندهای اقتصادی قوی‌تر را مبنای

● تعمیق روابط جمهوری اسلامی، روسیه و چین موضوعی است که هفته‌نامه «اکنونمیست» روز ۱۸ مارس (۲۸ اسفندماه) به آن پرداخت. در این نوشتار تلاش شده براساس آمار و ارقام به خواننده القاء شود تا نزدیکی تهران، پکن و مسکو چندان خطرناک نیست اگرچه نفع نهایی را چین می‌برد.

● در مقدمه مقاله «اکنونمیست» آمده، ولادیمیر پوتین رئیس جمهور روسیه و ابراهیم رئیسی همتای ایرانی‌اش چند چیز مشترک دارند. هر دو متعلق به گروهی از رهبران هستند که شخصاً هدف تحریم‌های آمریکا قرار گرفته‌اند. با اینکه هیچکدام زیاد سفر نمی‌کنند، هر دو در سال‌های اخیر به چین رفته‌اند و به نظر می‌رسد هر دو کشور به طرز قابل توجهی در پی روابط نزدیکتر هستند.

● «مناسبات اقتصادی ایران و روسیه بیش از حد شبیه به شرکای تجاری طبیعی [کالای مشابه در برابر کالای مشابه] است. از ۱۵ دسته کالایی که هر کدام صادر می‌کنند، ۹ دسته مشترک هستند و ۱۰ مورد از ۱۵ واردات بزرگ آنها نیز یکسان است. تنها دو مورد از ۱۵ کالای مورد تقاضا روسیه در میان صادرات برتر ایران به حساب می‌آیند. در جاهایی که ایران شکاف شدید تقاضا دارد که روسیه می‌تواند پر کند، مانند اتومبیل، صنایع الکترونیک و ماشین‌آلات، ظرفیت تولید روسیه اما محدود است.»

● طبق این گزارش، سهام سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی چین در ایران از سال ۲۰۱۴ تا کنون ثابت مانده است. حتی در شرایطی که این کشور پول را به سایر اقتصادهای نوظهور سرازیر کرده اما فقط حدود سه میلیارد دلار آن برای اقتصاد ایران صرف شده که بسیار ناچیز است. معاملات توافق شده در آخرین سفر رئیسی به پکن، که حداکثر می‌تواند ۱۰ میلیارد دلار ارزش داشته باشد، در برابر ۵۰ میلیارد دلاری که چین به عربستان سعودی، رقیب بزرگ جمهوری اسلامی، در سال ۲۰۲۲ تعهد داده، بسیار ناچیز است.

ابراهیم رئیسی روز سه‌شنبه ۲۹ اسفندماه در یک گفتگوی تلفنی با ولادیمیر پوتین رئیس جمهوری روسیه با تریک به دلیل پیروزی وی در انتخابات ریاست جمهوری آن کشور ابراز امیدواری کرد فصل جدیدی از مناسب میان تهران و مسکو برای گسترش روابط و همکاری‌های سازنده برقرار شود. پوتین نیز سال نو را به ابراهیم رئیسی تریک گفت و با اشاره به «نهایی شدن قریب‌الوقوع پیش‌نویس موافقتنامه همکاری‌های دوجانبه» تأکید کرد که حضور جمهوری اسلامی و روسیه در سازمان‌های بریکس و شانگهای فرصتی برای تعمیق تعاملات دو طرف است. هر دو نفر اعلام کردند که در مورد عملیات اسرائیل در غزه مواضع مشترک دارند.

بسیاری از مقامات غربی در مورد گسترش روابط رژیم ایران و روسیه به ویژه در امور نظامی و امنیتی هشدار می‌دهند. اخیراً کشورهای عضو «گروه هفت» در یک بیانیه به جمهوری اسلامی هشدار دادند اگر به ارسال موشک‌های بالستیک به روسیه ادامه دهد با «اقدامات جدید و قابل توجه» از سوی جامعه بین‌المللی از جمله تحریم پرواز هواپیماهای «ایران ایر» به اروپا روبرو خواهد شد.

تعمیق روابط جمهوری اسلامی، روسیه و چین موضوعی است که هفته‌نامه «اکنونمیست» نیز روز ۱۸ مارس (۲۸)

گفتگو با «فریبا بلوچ» برنده جایزه بین‌المللی «زنان شجاع ۲۰۲۴» وزارت خارجه آمریکا



ویدئو

زنان، جایگاه فرهنگ و دین، اهمیت اتحاد و همبستگی، نقش مولانا عبدالحمید (اسماعیل‌زهی) امام جمعه اهل سنت مسجد مکی زاهدان، و نیز امیدهای خودش برای فردا آزادی ایران از اسارت جمهوری اسلامی صحبت کرد.

آنهم در شرایطی که روسیه ناچار است رقابت با ایران را افزایش دهد. آمریکا می‌تواند با تکیه بر مالزی برای جلوگیری از قاچاق نفت در آب‌های این کشور، شعله‌های آتش را بیشتر کرده و شریان‌های تغذیه رژیم ایران را مسدود کند. خود چین نیز تحت نظارت فزاینده قرار دارد. اتحادیه اروپا در فوریه تحریم‌هایی را علیه سه شرکت چینی اعلام کرد که گفته شده است به روسیه کمک می‌کنند.

«هراس سنج»

بنابراین در این مرحله، روابط ضد غربی نگران‌کننده است، اما واقعاً ترسناک نیست. این روابط چگونه در طی سال‌ها و دهه‌های آینده توسعه خواهد یافت؟ محتمل‌ترین سناریو این است که بجای تبدیل شدن به یک شراکت واقعی، به عنوان وسیله‌ای باقی ماند که در خدمت منافع چین باشد. چین تا زمانی که بتواند دستاوردهای فرصت‌طلبانه به دست آورد از آن استفاده خواهد کرد و از دادن بال‌های مناسب به دیگران کوتاهی خواهد کرد. چین از اعمال فشار بر مسیرهای تجاری یا سیستم‌های پرداخت جایگزین خودداری می‌کند و نمی‌خواهد تجارت خود در غرب را به خطر بیندازد.

با این حال، اگر آمریکا، شاید در دوره دوم ریاست جمهوری ترامپ، تلاش کند چین را از بازارهای غربی خارج کند، ممکن است این سیاست چین تغییر کند. چین بدون هیچ چیز دیگری برای از دست دادن، منابع بسیار بیشتری را برای تشکیل یک بلوک جایگزین اختصاص خواهد داد و ناگزیر تلاش خواهد کرد تا روابط موجود را تقویت کرده و اتحادهای خود را گسترش دهد. شرکای تازه اما ممکن است راضی نباشند: صنایع تولیدی آنها با تغییر مسیر صادرات خود توسط چین آسیب خواهند دید. آمریکا نیز متضرر خواهد شد: مصرف‌کنندگان آنها برای واردات خود هزینه بیشتری می‌پردازند و به مرور زمان رهبران آن با اولین چالش جدی برای تسلط خود بر سیستم تجارت جهانی روبرو خواهند شد.

فریبا بلوچ (ملازهی) فعال حقوق زنان و شهروندان استان سیستان و بلوچستان یکی از ۱۳ برندگان جایزه بین‌المللی «زنان شجاع ۲۰۲۴» وزارت خارجه آمریکا است.

وزارت خارجه آمریکا در همین ارتباط اعلام کرد، این جایزه به زنانی اعطا می‌شود که «شجاعت، قدرت و رهبری استثنائی در دفاع از صلح، عدالت، حقوق بشر، برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان و دختران از خود نشان داده‌اند». فریبا بلوچ نیز «با صراحت در مورد حقوق زنان و بحران حقوق بشر در سیستان و بلوچستان که به شدت تحت تأثیر خشونت رژیم، اعدام‌ها و تبعیض‌های سیستماتیک قرار گرفته‌اند، صحبت می‌کند».

این فعال مدنی که ایران را دو سال پیش ترک کرده، جایزه خود را در مراسمی در تاریخ ۱۳ اسفندماه ۱۴۰۲ در کاخ سفید و با حضور جیل بایدن بانوی اول آمریکا و آنتونی بلینکن وزیر خارجه این کشور دریافت کرد.

نازنین انصاری با فریبا بلوچ (ملازهی) در «وینفیلد هاوس» اقامتگاه جین هارتلی سفیر ایالات متحد آمریکا در بریتانیا گفتگو کرده است. وی در مورد بازداشت عامر دادآفرین و محمد ملازهی، پسر و برادرش، در خرداد ۱۴۰۲ توسط نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی، وضعیت و محدودیت‌های شغلی

«اکنونیمست» در بخش دیگری می‌نویسد، داشتن دست بالا باعث می‌شود روسیه علاقه‌ای به ارائه کمک به متحدان خود نداشته باشد. در اوایل جنگ، حامیان اوکراین می‌ترسیدند که روسیه و ایران برای دور زدن تحریم‌ها متحد شوند. در عوض، روسیه ناوگان نفتکش‌های «سایه» خود را توسعه داد و به ایرانی‌ها دسترسی نداد. ایران به دنبال منابع مالی و فناوری روسیه برای بهره‌برداری از ذخایر عظیم گاز خود بوده است. روسیه اما تا کنون کمک چندانی به آن نکرده است. در سایر زمینه‌ها نیز جمهوری خلق چین به رقیب جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده است. تا همین اواخر، پایگاه تولیدی قابل توجه جمهوری اسلامی منبعی برای مقاومت آن به شمار می‌رفت.

به نظر می‌رسد که غرب میل چندانی برای تحریم‌های ثانویه عمده ندارد. اما اقدامات موجود همچنان باعث ایجاد مشکل خواهد شد. در دسامبر، آمریکا تحریم‌هایی را برای هر کسی که با شرکتهای روسی در صنایع از جمله ساخت و ساز و تولید و فناوری سر و کار دارد، اعمال کرد. اینها شبیه به مواردی است که در سال ۲۰۱۱ به رژیم ایران تحمیل شد، که بعداً در سال ۲۰۱۵ پس از امضای توافق هسته‌ای به حالت تعلیق درآمد. قبل از تعلیق، این اقدامات باعث کاهش شدید واردات ایران از چین شد. شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد برخی بانک‌های چینی در حال حاضر تجارت روسیه را دامپینگ می‌کنند.

اگرچه این تحریم‌های جدید بخش انرژی روسیه را هدف قرار نمی‌دهند، اما اگر بانک‌ها با توقف تجارت با این غول انرژی واکنش نشان دهند، می‌توانند مانع تجارت نفت روسیه با مشتریانی غیر از چین شوند. از ماه اکتبر، آمریکا همچنین تحریم‌هایی را علیه ۵۰ نفتکش اعمال کرده که گفته می‌شود تحریم‌های روسیه را نقض می‌کنند. حدود نیمی از آنها از آن زمان تا کنون نفت روسیه را بارگیری نکرده‌اند. همه اینها صادرات به چین را برای روسیه ضروری‌تر و سخت‌تر می‌کند،

را به محصولات با ارزش بالاتر تبدیل می‌کند. ظرفیت تولید صنعت پتروشیمی این کشور در دو سال گذشته بیش از مجموع همه کشورهای دیگر از سال ۲۰۱۹ افزایش یافته است. چین همچنین حجم عظیمی از محصولات نفتی پالایش شده تولید می‌کند.

تجارت است نه کمک!

تقویت تجارت کالا بین سه کشور همیشه کار ساده‌ای بود. همه نفت می‌خواهند. با یک بارگیری در کشتی، می‌توان آن را به هر جا ارسال کرد. با این حال، چین یک سیاست غیررسمی برای محدود کردن وابستگی به هر عرضه‌کننده کالا به ۱۵ تا ۲۰ درصد کل نیاز خود دارد، به این معنی که به حداکثر مقداری که می‌خواهد از ایران و روسیه وارد کند، نزدیک است. اگرچه این تجارت هنوز برای تأمین یک راه نجات برای دو کشور کافی است، اما تنها در صورتی مفید است که آنها بتوانند ارز به سختی به دست آمده را صرف واردات کالا کنند. از این رو جاه‌طلبی برای توسعه انواع دیگر تجارت است.

در بخش دیگری از این مقاله با اشاره به افزایش ارسال تسلیحات از سوی رژیم ایران به روسیه، تأکید شده با وجود گسترش روابط میان طرفین، آنها برای مقاومت در برابر تحریم‌ها در بلندمدت، به سرمایه‌گذاری نیاز دارند اما برای نقل و انتقال پول کانال‌های قابل توجهی در اختیار آنها نیست و در «ضعیف‌ترین حالت ممکن برای جذب سرمایه‌گذاری مستقیم» قرار گرفته‌اند.

طبق این گزارش، سهام سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی چین در ایران از سال ۲۰۱۴ تا کنون ثابت مانده است، حتی در شرایطی که این کشور پول را به سایر اقتصادهای نوظهور سرازیر کرده اما فقط حدود سه میلیارد دلار آن برای اقتصاد ایران صرف شده که بسیار ناچیز است. معاملات توافق شده در آخرین سفر ابراهیم رئیسی به پکن، که حداکثر می‌تواند ۱۰ میلیارد دلار ارزش داشته باشد، در برابر ۵۰ میلیارد دلاری که چین به عربستان سعودی، رقیب بزرگ جمهوری اسلامی، در سال ۲۰۲۲ تعهد داده، بسیار ناچیز است.

جمهوری اسلامی و روسیه تجربه نسبتاً کمی در همکاری با یکدیگر دارند و میزان سرمایه‌گذاری مورد نیاز آنها قابل توجه نیست. بانک «توسعه اوراسیا» تحت حمایت روسیه تخمین می‌زند که سرمایه لازم برای ایران و روسیه ۲۶ میلیارد دلار باشد. جذب چنین سرمایه‌ای، در دو کشوری که مشهورند سرمایه‌گذاری در آنها جذابیتی ندارد، در بهترین شرایط نیز سخت خواهد بود، چه برسد به شرایط تحریم!

مشکل جدی‌تر اینست که مناسبات اقتصادی ایران و روسیه بیش از حد شبیه به شرکای تجاری طبیعی [کالای مشابه در برابر کالای مشابه] است. از ۱۵ دسته کالایی که هر کدام صادر می‌کنند، ۹ دسته مشترک هستند و ۱۰ مورد از ۱۵ واردات بزرگ آنها نیز یکسان است. تنها دو مورد از ۱۵ کالای مورد تقاضا روسیه در میان صادرات برتر ایران به حساب می‌آیند. در جاهایی که ایران شکاف شدید تقاضا دارد که روسیه می‌تواند پر کند، مانند اتومبیل، صنایع الکترونیک و ماشین‌آلات، ظرفیت تولید روسیه اما محدود است.

با کاهش سود حاصل از تجارت به دلیل تحریم‌های مختلف، روابط بین دو کشور در عوض یک رابطه رقابتی خواهد بود، به ویژه در مورد صادرات انرژی. از زمانی که غرب نفت روسیه را تحریم کرد، این کشور با ایران برای به دست آوردن سهم بیشتری از واردات چین رقابت می‌کرد و در نتیجه جنگ قیمت به وجود آمد. این نبردی است که ایران در حال شکست خوردن در آن است. روسیه تولیدکننده بزرگتر نفت است و انرژی آن مشمول تحریم‌های ثانویه نیست. مقداری از نفت خام آن نیز می‌تواند به چین ارسال شود که گزینه ارزان‌تری است.

عزل مدیرعامل مترو تهران با فشار سپاه پاسداران؛ اتهام تاریخ مصرف یک «ناقص حقوق بشر»!؟



مسعود درستی مدیرعامل سابق مترو تهران

● مسعود درستی مدیرعامل مترو تهران پس از هفته‌ها اختلاف با شهردار تهران و مقامات بلندپایه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی عزل شد. علیرضا زاکانی شهردار تهران روز یکشنبه ۲۷ اسفندماه بدون اعلام دلیل اخراج درستی طی حکمی رضا محمدنژاد بیدخت را به عنوان جانشین او معرفی کرد.

● درستی دو روز قبل از اینکه اخراج شود در مصاحبه با خبرنگاری ایسنا گفته بود «نه تنها خودم، بلکه خانواده‌ام نیز هیچگونه قصد و اراده‌ای برای مهاجرت نداشته و نداریم. این موضوعات مطرح شده زائیده مغز افرادی است که احتمالاً قصد برهم زدن آرامش شرکت بهره‌برداری را در این ایام سال دارند».

● برخی منابع غیررسمی می‌گویند درستی در حال فراهم کردن مقدمات مهاجرت به کانادا بود که دولت این کشور وی را تحریم کرد.

مسعود درستی مدیرعامل مترو تهران پس از هفته‌ها اختلاف با شهردار تهران و مقامات بلندپایه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی عزل شد. علیرضا زاکانی شهردار تهران روز یکشنبه ۲۷ اسفندماه بدون اعلام دلیل اخراج درستی طی حکمی رضا محمدنژاد بیدخت را به عنوان جانشین او معرفی کرد.

مسعود درستی دو روز قبل از اینکه اخراج شود در مصاحبه با خبرنگاری ایسنا گفته بود «نه تنها خودم، بلکه خانواده‌ام نیز هیچگونه قصد و اراده‌ای برای مهاجرت

از این عمل صرف نظر کند، زیرا به بی‌ثباتی در منطقه می‌افزاید و نشان دهنده افزایش قابل ملاحظه و اساسی در پشتیبانی از جنگ روسیه در اوکراین است، تجاوزی که نقض آشکار قوانین بین‌المللی و منشور سازمان ملل به شمار می‌رود.»

گروه هفت به جمهوری اسلامی هشدار داده، «اگر به ارائه موشک‌های بالستیک یا فناوری‌های مرتبط به روسیه ادامه دهد، آماده واکنش‌های سریع و هماهنگ از جمله اقدامات جدید و مهم هستیم.»

به گزارش سی‌ان‌ان، یک مقام ارشد دولت بایدن گفت که ایالات متحده و متحدانش «در این مورد یکصدا هستند» و روشن خواهند کرد که هزینه این اقدامات برای رژیم ایران بیشتر از منافع آن خواهد بود.

به گفته این مقام دولتی، یکی از گزینه‌ها که درباره آن بحث شده، ممنوعیت پرواز هواپیماهای شرکت «ایران ایر»

هشدار «گروه هفت» به رژیم ایران در مورد ارسال موشک بالستیک به روسیه؛ احتمال ممنوعیت پرواز «ایران ایر» به اروپا



بوئینگ «ایران ایر» در فرودگاه تهران

به اروپاست.

این مقام در پاسخ به این پرسش که آیا رهبری جمهوری اسلامی با این ایرلاین پرواز می‌کند یا اینکه فقط شهروندان ایرانی هستند که با «ایران ایر» پرواز می‌کنند، پاسخی نداد.

گسترش پشتیبانی‌های نظامی از روسیه توسط جمهوری اسلامی شتاب بیشتری گرفته و اوکراین مجبور شده است مهمات خود را جیره‌بندی کند.

در این میان، ارائه بسته کمکی ۶۰ میلیارد دلاری ایالات متحده به اوکراین با مخالفت جمهوریخواهان متوقف شده است. در اوایل این هفته، ویلیام برنز رئیس سازمان اطلاعاتی آمریکا (CIA) گفت که قطع کمک به اوکراین یک «اشتباه تاریخی» خواهد بود و بسیاری از شهرهای آن سقوط می‌کند و آنها مجبور می‌شوند آنچه را روسیه دیکته می‌کند بپذیرند.

مقامات آمریکایی هنوز اطلاعات دقیقی از اینکه موشک‌های ساخت جمهوری اسلامی به روسیه ارسال شده است ارائه نکرده‌اند. جمهوری اسلامی اما پیش از این هزاران فروند پهپاد، موشک‌های هدایت شونده و مهمات توپخانه در اختیار روسیه قرار داده است.

این مقام آمریکایی همچنین گفت: «روسیه از همه آن تجهیزات برای حمله به اوکراین با تأثیرات جدی استفاده کرده و این یک اقدام شدید از سوی ایران است که کمک بالقوه‌ی روسیه در میدان جنگ به شمار می‌رود.»

● کشورهای عضو «گروه هفت» به جمهوری اسلامی هشدار دادند، «اگر به ارائه موشک‌های بالستیک یا فناوری‌های مرتبط به روسیه ادامه دهد، آماده واکنش‌های سریع و هماهنگ از جمله اقدامات جدید و مهم هستیم.»

● یک مقام ارشد دولت بایدن گفت که ایالات متحده و متحدانش «در این مورد یکصدا هستند» و روشن خواهند کرد که هزینه این اقدامات برای رژیم ایران بیشتر از منافع آن خواهد بود.

● به گفته این مقام دولتی، یکی از گزینه‌ها که در باره آن بحث شده، ممنوعیت پرواز هواپیماهای شرکت «ایران ایر» به اروپاست.

کشورهای عضو «گروه هفت» در یک بیانیه به جمهوری اسلامی هشدار دادند اگر به ارسال موشک‌های بالستیک به روسیه ادامه دهد با «اقدامات جدید و قابل توجه» از سوی جامعه بین‌المللی روبرو خواهد شد.

در این بیانیه که جمعه ۱۵ مارس (۲۵ اسفندماه) صادر شد، آمده «ما به شدت نگران گزارش‌هایی هستیم مبنی بر اینکه ایران در حال بررسی انتقال موشک‌های بالستیک و فناوری مرتبط با آن به روسیه پس از تأمین پهپادهای رژیم روسیه است که در حملات بی‌امان علیه مردم غیرنظامی در اوکراین استفاده می‌شوند.»

در بخش دیگری از بیانیه آمده «ما از ایران می‌خواهیم

احضار سفیر جمهوری اسلامی در برلین برای ارائه مدارک دخالت رژیم ایران در حمله به کنیسه یهودیان بوخوم



با افزایش تهدیدات علیه یهودیان و مراکز متعلق به آنها در آلمان توسط اسلامگرایان تدابیر امنیتی برای حفاظت از آنها در آلمان افزایش یافت

رهبران اروپایی به بهانه‌های مختلف تا کنون از قرار دادن نام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست سازمان‌های تروریستی خودداری کرده‌اند.

جوپز بول مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا اوایل بهمن‌ماه ۱۴۰۱ اعلام کرد که اعلام سپاه به عنوان گروه تروریستی نیاز به پیگیری حقوقی توسط کشورهای عضو اتحادیه و «حکم دادگاه‌های اروپایی» دارد.

آلمان در ماه‌های اخیر پس از حمله تروریستی حماس به اسرائیل بطور قابل توجهی نسبت به افزایش حرکات ضد یهودی نگران شده است.

به گفته انجمن فدرال مراکز تحقیقات و اطلاعات یهودستیزی، در بحبوحه آخرین آشفته‌گی‌ها در خاورمیانه، اقدامات یهودستیزانه در این کشور به شدت افزایش یافته است. نهادهای امنیتی آلمان می‌گویند متهم این پرونده که ۳۶ سال دارد از مقامات جمهوری اسلامی برای به آتش کشیدن کنیسه یهودیان در در منطقه «رور» واقع در غرب آلمان دستور گرفته بود. از آنجا که این کنیسه حفاظت شده بود، کوکتل مولوتفی که متهم پرتاب کرده بود، در داخل مدرسه مجاور کنیسه افتاد. کسی که متهم را به پلیس لو داد از نزدیکان وی بود. «بابک ج.» تلاش کرده بود آن فرد را برای همدستی با خود راضی کند. گفته شده وی متهم عامل حمله به یک کنیسه در شهر اسن نیز بوده و قصد داشته کنیسه‌ای در دورتموند را نیز به آتش بکشد.

روزنامه «واشنگتن پست» اواسط اسفند ۱۴۰۱ به نقل از چند مقام امنیتی آلمان گزارش داد فردی به نام رامین یکتاپرست از رهبران گروه موتورسیکلت‌سواری «فرشته‌های جهنم» مظنون اصلی سازماندهی حمله به مرکز فرهنگی یهودیان در اسن آلمان بود. وی با «بابک ج.» در تماس بوده است. یکتاپرست مدتی مدیر یک روسپی‌خانه در شهر لورکوزن بود و منابع امنیتی گفته بودند او به دلیل آشنایی با باندهای تبهکار در آلمان از طرف سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مأمور این عملیات شد.

● به دنبال محاکمه یک ایرانی به اتهام تلاش برای آتش‌زدن یک کنیسه یهودیان در بوخوم در سال ۲۰۲۲، وزارت خارجه آلمان روز چهارشنبه ۲۰ مارس (اول فروردین) سفیر جمهوری اسلامی را به دلیل کمک‌های برنامه‌ریزی شده تهران برای آتش زدن این کنیسه احضار کرد.

● وزارت خارجه آلمان، اعلام کرد که سفیر جمهوری اسلامی در این کشور را احضار کرده تا حکم و دلایل کتبی دادگاه دوسلدورف مبنی بر قطعی بودن دخالت تهران در حمله به کنیسه در شهر بوخوم را به وی ارائه دهد.

● سفیر جمهوری اسلامی در برلین محمود فرزنده است. وبسایت سفارت تا زمان تنظیم این گزارش هیچ واکنشی نسبت به احضار سفیر منتشر نکرده است.

به دنبال محاکمه یک ایرانی به اتهام تلاش برای آتش زدن یک کنیسه یهودیان در بوخوم در سال ۲۰۲۲، وزارت خارجه آلمان روز چهارشنبه ۲۰ مارس (اول فروردین) سفیر جمهوری اسلامی را به دلیل کمک‌های برنامه‌ریزی شده تهران برای آتش زدن این کنیسه احضار کرد. «بابک ج.» تبعه ایرانی-آلمانی در دسامبر ۲۰۲۲ به اتهام حمله به کنیسه‌ای در شهر بوخوم در غرب آلمان به دو سال و ۹ ماه زندان محکوم شد. در حکم دادگاه دوسلدورف آمده بود این حمله با کمک «نهادهای حکومتی ایران» طراحی شده بود.

وزارت خارجه آلمان اعلام کرد که سفیر جمهوری اسلامی در این کشور را احضار کرده تا حکم و دلایل کتبی دادگاه دوسلدورف مبنی بر قطعی بودن دخالت تهران در حمله به کنیسه در شهر بوخوم را به وی ارائه دهد.

این وزارتخانه با انتشار پستی در شبکه اجتماعی «ایکس»، افزود: «ما اکنون بلافاصله این اسناد و احکام قضایی را با شرکای اروپایی خود و نهادهای وابسته به اتحادیه اروپا در میان می‌گذاریم و در حال بررسی گام‌های بعدی هستیم.» سفیر جمهوری اسلامی در برلین محمود فرزنده است. وبسایت سفارت تا زمان تنظیم این گزارش هیچ واکنشی در ارتباط با احضار سفیر منتشر نکرده است.

نداشته و نداریم. این موضوعات مطرح شده زائیده مغز افرادی است که احتمالاً قصد برهم زدن آرامش شرکت بهره‌برداری را در این ایام سال دارند.» از این صحبت‌های وی چنین به نظر می‌رسد که برای عزل آمادگی ذهنی نداشته است زیرا در این مصاحبه تأکید می‌کند، «من و همکارانم به این موضوعات هیچ اهمیتی نمی‌دهیم و در کنار هم تلاش می‌کنیم خدمات‌رسانی در متروی تهران در ایام پایانی سال برای مردم به بهترین شکل ممکن و همراه با آرامش باشد.» او توضیح داده، «متأسفانه اتفاقات و خرابی‌های اخیر گاهی کام مردم را تلخ کرده است. ما تلاش می‌کنیم با همت همکاران برخی عقب‌ماندگی‌ها را جبران کنیم.»

همزمان با وقوع چند حادثه و خرابکاری زنجیره‌ای در مترو تهران، اواسط اسفندماه دولت کانادا مسعود درستی مدیرعامل شرکت بهره‌برداری مترو تهران و حومه را به دلیل «نقض گسترده و سیستماتیک حقوق بشر» از طریق حضور حجاب‌بان‌ها در ایستگاه‌های مترو و مزاحمت آنها برای زنان و دختران تحریم کرد.

پس از اعلام این تحریم‌ها، شایعه شد که درستی استعفا داده است. برخی منابع ادعا کردند اتفاقاتی مرتبط با افزایش حوادث و خرابکاری‌ها در مترو تهران عامل استعفای مدیر آن بود و برخی دیگر آن را مرتبط با تحریم کانادا دانستند. بعضی منابع نیز دخالت‌های سپاه پاسداران در امورات مختلف شرکت بهره‌برداری مترو تهران را در استعفای درستی مؤثر دانستند. در همین ارتباط وبسایت «دیده‌بان ایران» گزارش داده بود، مدیرعامل مترو تهران به دلیل دخالت‌های سردار محمدعلی جعفری فرمانده «قرارگاه بقیه‌الله» سپاه پاسداران و علیرضا زاکانی شهردار تهران در ماجرای حضور و استخدام حجاب‌بان‌ها و همچنین عدم تخصیص بودجه برای جذب پرسنل و تجهیزات متخصص «قهر» کرده است. مسعود درستی گفته بود «حجاب‌بان استخدام کردیم اما برای جذب متخصص التماس می‌کنیم!»

محسن هرمزی معاون حمل و نقل و ترافیک شهرداری تهران گفته بود مدیرعامل مترو استعفا نداده دچار «سرمخوردگی شدید» شده است.

برخی منابع غیررسمی می‌گویند مسعود درستی در حال فراهم کردن مقدمات مهاجرت به کانادا بود که دولت این کشور وی را تحریم کرد. وبسایت «دیده‌بان ایران» ۱۹ اسفندماه در گزارشی نوشت «وجود حجاب‌بان‌ها برای مسعود درستی خوشیمن نبود و او در حالی در فهرست تحریم کانادا قرار گرفت که به دنبال خروج خانواده‌اش از ایران بود و حالا با این تحریم تیر او و خانواده‌اش به سنگ خورده است.»

یک منبع مطلع در مترو تهران به «کیهان لندن» گفته بود، «مسعود درستی خودش از عوامل مورد اعتماد گروه مهندسی سپاسد قرارگاه خاتم الانبیاء سپاه است. او تا سال ۹۶ به عنوان سرپرست کارگاه خط هفت مترو تهران بود که پیمانکار آن طرق قرارداد ای‌پی‌اس قرارگاه خاتم‌الانبیاء بود. اما دو سه سال بعد مدیرعامل شرکت ساخت مترو تهران و در عمل کارفرمای شرکت سپاسد شد.»

به گفته همین منبع «مسعود درستی و تیم او خودشان بخشی از فساد سیستماتیک در شرکت بهره‌برداری مترو تهران و حومه هستند زیرا اغلب قراردادهای پیمانکاری بدون طی روال قانونی با رانت به نورچشمی‌ها واگذار می‌شود و آنها با کمترین کیفیت ممکن با نادیده گرفتن جان مردم پروژه‌ها را تحویل می‌دهند.»

عزل مسعود درستی نشان می‌دهد حتی خودی‌هایی که برای حفاظت از نظام و در نقض حقوق بشر با نهادهای سرکوبگر همکاری داشتند دیگر از حاشیه امن برخوردار نیستند.

زمین خواری صدیقی و پسران؛ امضایی جعل نشده و امام جمعه تهران در دفترخانه سند انتقال زمین را امضا کرده است



● حوزه علمیه «امام خمینی» که تولیت آن به عهده کاظم صدیقی بوده با صدور دو اطلاعیه مطالبی ضد و نقیض را مطرح کرده اما تأیید کرده که کاظم صدیقی خودش برای امضای سند انتقال زمین به دفترخانه رفته است. ● امام جمعه تهران پیشتر مدعی شده بود که امضای او جعل شده و اساساً از وجود چنین موسسه و معامله‌ای بی‌خبر بوده است.

● کاظم صدیقی و پسرانش یک باغ ۴۲۰۰ متری با ارزش ۱۰۰۰ میلیارد تومان در شمال تهران را که در اختیار حوزه علمیه «امام خمینی» بوده، به نام خود کردند.

حاشیه‌های زمین‌خواری امام جمعه تهران و پسرانش همچنان با خبرهای ضد و نقیض از سوی حکومت ادامه دارد. در حالی که کاظم صدیقی ادعا کرده هیچ سندی برای انتقال ملک به نام خودش و پسرانش امضا نکرده و امضای او «جعل» شده، حوزه علمیه «امام خمینی» اعلام کرده صدیقی خودش برای امضای سند انتقال مالکیت به دفترخانه رفته است.

بعد از افشای انتقال سند باغ ۴۲۰۰ متری با ارزش ۱۰۰۰ میلیارد تومان در شمال تهران از حوزه علمیه «امام خمینی» به موسسه شخصی کاظم صدیقی و پسران و دوستان، کاظم صدیقی کل ماجرا را انکار کرد. او مدعی شد که امضای او جعل شده و اساساً از وجود چنین موسسه و معامله‌ای بی‌خبر بوده است. امام جمعه تهران در نامه‌ای به دادستان کل کشور حتی خواستار برخورد قضایی با فرد معتمدی شده که امضای او را جعل کرده است.

حوزه علمیه «امام خمینی» که تولیت آن به عهده کاظم صدیقی بوده با صدور دو اطلاعیه مطالبی ضد و نقیض را مطرح کرده اما تأیید کرده که کاظم صدیقی خودش برای امضای سند انتقال زمین به دفترخانه رفته است. در اطلاعیه نخست حوزه علمیه «امام خمینی» ادعا شده بود موسسه‌ی متعلق به کاظم صدیقی و پسرانش به اسم حوزه شده و تأکید شده بود که موسسه «تحت مالکیت مطلق» حوزه است که با این حساب، زمین هم به حوزه برگشته است.

در این اطلاعیه آمده بود «متعاقب احراز اشکالات شکلی در تنظیم اساسنامه حسب دستور تولیت محترم در آذر ماه سال جاری نسبت به تشکیل مجمع و تنظیم صورتجلسه‌ای به طور فوق العاده جهت خروج افراد میحوث عنه از موسسه معمول گردد که در این راستا در تاریخ ۱۴۰۲/۹/۴ به موجب صورت جلسه مجمع عمومی فوق العاده موسسه کلیه افراد موسس از موسسه خارج شده و کلیه سهام و مالکیت موسسه تحت مالکیت حوزه علمیه امام خمینی قرار گرفته که اقدامات مقتضی در خصوص ثبت صورتجلسات در اداره ثبت شرکت‌ها نیز معمول گردیده است و موسسه پیروان اندیشه‌های قائم، تحت مالکیت مطلق مدرسه علمیه امام خمینی بوده و کلیه منافع این موسسه متعلق به مدرسه مذکور می‌باشد.»

اکنون در اطلاعیه دوم آمده که «در آبان ماه ۱۴۰۲، فردی که سال‌ها امین مجموعه حوزه بوده» در فرآیند ثبت اساسنامه این موسسه «امضای تولیت محترم و برخی دیگر از اعضا جعل و اساسنامه‌ای با عنوان غیرتجاری اما با شرح وظایف تجاری و با سهام افراد حقیقی، برای این موسسه تنظیم و ثبت می‌گردد.»

محسن برهانی با بیان اینکه «اگر واقعاً بازگرداندن تحقق پیدا کرده بود، می‌توانست از موارد تخفیف مجازات محسوب شود» نوشته که «باید توجه کرد که جرم اصلی در انتقال ۴۲۰۰ متر زمین صورت گرفته است و کاظم صدیقی به عنوان متولی مدرسه، ملک مدرسه را به یک مؤسسه منتقل کرده است.» این حقوقدان افزوده که «خاطر همه ما هست که یک بازیگر به خاطر یک استوری یا یک شهروند به خاطر یک توییت، رأساً جلب شدند بدون هیچ احضاری» و تأکید کرده «افکار عمومی به شدت پیگیر این مهم است که دادستان تهران یا دادستان ویژه روحانیت چه خواهند کرد.»

علی مجتهدزاده وکیل دادگستری دیگری است که به زمین‌خواری کاظم صدیقی واکنش نشان داده و در کانال تلگرامی خود نوشت که «حوزه علمیه امام خمینی» اعلام کرد کاظم صدیقی «شخصاً سند انتقال ملک را امضا کرده، انفعال مراجع قضایی تا کجا ادامه دارد؟»

این وکیل دادگستری افزوده که کاظم صدیقی «بیشتر به دین و اعتماد ملت ضربه زده یا آن دخترانی که حاجی فیروز شدند؟ جرم ایشان سنگین‌تر است یا زنان بی‌حجاب؟» این وکیل پرسیده است که چرا آن شدت عمل قضایی شامل حال امثال وی نمی‌شود؟

بر اساس اطلاعات منتشر شده از سوی یاشار سلطانی حوزه علمیه «امام خمینی» در منطقه ازگل تهران که تحت تولیت آیت الله صدیقی اداره می‌شود، باغی به مساحت ۴۲۰۰ متر داشته است که قیمت روز آن، حدود ۱۰۰۰ میلیارد تومان برآورد می‌شود.

آبان‌ماه امسال، شرکتی به نام «موسسه غیرتجاری پیروان اندیشه‌های قائم» ثبت می‌شود و بعد از آن، اسناد مالکیت این باغ بارزش به نام این شرکت می‌شود.

مالکان این شرکت آیت‌الله صدیقی و چند تن از پسران و دوستان او هستند و عروس‌اش نیز بازرس شرکت است.

حوزه علمیه «امام خمینی» معروف به حوزه علمیه ازگل ۲۰ سال پیش در زمینی به مساحت

در این بیانیه آمده که بعد از ثبت موسسه مذکور با عنوان «موسسه غیرتجاری پیروان اندیشه‌های قائم»، تولیت حوزه، یعنی شخص آقای صدیقی «با اعتماد به فرد مذکور در تنظیم اساسنامه بر مبنای توافقات و خط مشی تعریف شده، با حضور در دفترخانه، سند بخشی از زمین حوزه را به موسسه مذکور منتقل نموده و آن را امضا» کرده است.

این در حالیست که کاظم صدیقی از چنین انتقال سندی ابراز بی‌اطلاعی کرده و مدعی شده بود امضایش جعل شده است. هرچند اطلاعات افشا شده از این فساد نشان می‌داد امضای انتقال سند در ساعت ۱۰:۳۰ صبح روز ۱۹ آذر ۱۴۰۲ در حوزه ثبت ملک شمیران انجام شده است.

وبسایت «خبرآنلاین» در مطلبی با عنوان «آقای کاظم صدیقی! جاعل نامحترم چنان دورتان زده که هنوز نمی‌دانید چگونه رفع و رجوعش کنید» به دو اطلاعیه حوزه علمیه «امام خمینی» اشاره کرده و نوشته «کدام بیانیه را باور کنیم؟ اولی را که نوشته بود موسسه به اسم حوزه شده و زمین قانوناً به حوزه برگشته است یا دومی را که تازه می‌گوید قرار است خود زمین را برگردانند؟»

این مطلب افزوده که «خدای ناکرده کسی را متهم نمی‌کنیم که اساساً در چنین جایگاهی نیستیم ولی خطاب به نویسندگان بیانیه‌های این حوزه می‌گوییم خودتان با این طرز نوشتن، دارید بر ابهامات اضافه می‌کنید.»

«خبر آنلاین» تأکید کرده که «با درست و کامل و شفاف و صادقانه توضیح دهید و یا بیانیه ندهید که هر دو بهتر از این وضعیتی است که درست کرده‌اید.» محسن برهانی وکیل دادگستری و استاد حقوق در کانال تلگرامی خود با عنوان «بوی ماستمالی» می‌آید، نوشت: «پشیمانی حتی دقایقی پس از ارتکاب جرم به صورت تام، هیچ تأثیری بر تحقق جرم ندارد. جرم انتقال مال غیر واقع و تمام شد.»

این وکیل دادگستری تأکید کرده، اینکه چند ماه بعد از ارتکاب جرم و پس از افشای، ادعا شود در حال برگرداندن هستیم، تأثیری بر جرم ندارد.

محصّل نتیجه آن در جرم خیانت در امانت یا کلاهبرداری و... استرداد اموال امانی به مالک باشد. باغ متنازع فیه را نیز به اموال عمومی مسترد داشته و اسناد اعاده آن را همانند تصویر شکایت خویش جهت استحضار بد خواهان و کج اندیشان در فضای مجازی یا غیر مجاز منتشر نماید. در کنار آن خود و پسران و عروسان و... را از کلیه مناسب و... استعفاء و خارج شوید.»

قابل توجه آنکه حوزه علمیه «امام خمینی» که تولیت آن به عهده کاظم صدیقی بوده با صدور دو اطلاعیه مطالبی ضد و نقیض را مطرح کرده اما تأیید کرده که کاظم صدیقی خودش برای امضای سند انتقال زمین به دفترخانه رفته است. در اطلاعیه نخست حوزه علمیه «امام خمینی» ادعا شده بود موسسه‌ی متعلق به کاظم صدیقی و پسرانش به اسم حوزه شده و تأکید شده بود که موسسه «تحت مالکیت مطلق» حوزه است که با این حساب، زمین هم به حوزه برگشته است. در این اطلاعیه آمده بود «متعاقب احراز اشکالات شکلی در تنظیم اساسنامه حسب دستور تولیت محترم در آذر ماه سال جاری نسبت به تشکیل مجمع و تنظیم صورتجلسه‌ای بطور فوق العاده جهت خروج افراد مبحوث عنّه از موسسه معمول گردد که در این راستا در تاریخ ۱۴۰۲/۹/۴ به موجب صورت جلسه مجمع عمومی فوق العاده موسسه کلیه افراد موسس از موسسه خارج شده و کلیه سهام و مالکیت موسسه تحت مالکیت حوزه علمیه امام خمینی قرار گرفته که اقدامات مقتضی در خصوص ثبت صورتجلسات در اداره ثبت شرکت‌ها نیز معمول گردیده است و موسسه پیروان اندیشه‌های قائم، تحت مالکیت مطلق مدرسه علمیه امام خمینی بوده و کلیه منافع این موسسه متعلق به مدرسه مذکور می‌باشد.»

در اطلاعیه دوم نیز آمده که «در آبان ماه ۱۴۰۲، فردی که سال‌ها امین مجموعه حوزه بوده» در فرآیند ثبت اساسنامه این موسسه «امضای تولیت محترم و برخی دیگر از اعضا جعل و اساسنامه‌ای با عنوان غیرتجاری اما با شرح وظایف تجاری و با سهام افراد حقیقی، برای این موسسه تنظیم و ثبت می‌گردد.»

در این بیانیه آمده بود که بعد از ثبت موسسه مذکور با عنوان «موسسه غیرتجاری پیروان اندیشه‌های قائم»، تولیت حوزه، یعنی شخص آقای صدیقی «با اعتماد به فرد مذکور در تنظیم اساسنامه بر مبنای توافقات و خط مشی تعریف شده، با حضور در دفترخانه، سند بخشی از زمین حوزه را به موسسه مذکور منتقل نموده و آن را امضا کرده است. فساد آیت‌الله صدیقی و فرزندان یکی از نمونه‌های فساد مقامات جمهوری اسلامی و اطرافیان‌شان است که در سال‌های گذشته افشا شده است. پرونده‌های مشابهی از سوی دو جناح اصلاح‌طلب و اصولگرا تا کنون افشا شده است. پولشویی و فساد دو پسر محمد صادق کهنمویی معاون اول قوه قضاییه، سردار پاسدار محمد باقر قالیباف رئیس کنونی مجلس شورای اسلامی و پسرانش، شبنم نعمت‌زاده فرزند محمدرضا نعمت‌زاده از وزرای دولت‌های اصلاح‌طلب جمهوری اسلامی، مهدی جهانگیری برادر اسحاق جهانگیری معاون اول رئیس جمهوری در دو دولت حسن روحانی، و حسین فریدون برادر حسن روحانی رئیس دولت‌های یازدهم و دوازدهم جمهوری اسلامی از نمونه فسادهای مقامات ارشد حکومتی و نزدیکان آنها است.

این پرونده‌ها تنها بخش کوچکی از فسادهای کلان اقتصادی «خودی»‌های جمهوری اسلامی در به تاراج بردن دارایی‌های عمومی و ملی کشور است. سالهاست افشای فسادهای کلان اقتصادی سران حکومتی و وابستگان‌شان در جریان زدوخورد و تسویه حساب‌های بین‌جناحی انجام می‌شود.

افشای زمین‌خواری کاظم صدیقی امام جمعه تهران و رئیس ستاد امر به معروف و نهی از منکر طی روزهای گذشته به یکی از مهمترین خبرهای داخلی ایران تبدیل شده است. با وجود اسناد و مشخص شدن انجام چنین فساد بزرگی از سوی کاظم صدیقی، علی‌خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی و قوه قضاییه و دیگر چهره‌ها و نهادهای حکومتی نسبت به این موضوع «سکوت» کرده‌اند!

بر اساس اطلاعات منتشر شده از سوی یاشار سلطانی روزنامه‌نگار، باغی به مساحت ۴۲۰۰ متر با ارزش حدود ۱۰۰۰ میلیارد تومان طی یک معامله رسمی، از سوی این حوزه که تولیت آن با کاظم صدیقی بوده، به شرکتی متعلق به کاظم صدیقی و پسرانش با قیمتی ناچیز فروخته شده است. با افشای این خبر، کاظم صدیقی کل ماجرا را منکر شد و مدعی شد که امضای او جعل شده و اساساً از وجود چنین موسسه و معامله‌ای بی‌خبر بوده است. امام جمعه تهران در نامه‌ای به دادستان کل کشور حتی خواستار برخورد قضایی با فرد معتمدی شده که امضای او را جعل کرده است. اکنون با انتشار تصویر سند انتقال این ملک، کاملاً روشن شده که کاظم صدیقی کاملاً از انجام این معامله مطلع بوده است. پیشتر هم گزارش شده بود که او در ساعت ۱۰:۳۰ صبح روز ۱۹ آذر ۱۴۰۲ در حوزه ثبت ملک شمیران حاضر شده و این سند را امضا کرده است. پس از انتشار سند معامله این زمین، وبسایت «خبرآنلاین» در مطلبی نوشته سند انتقال باغ صراحتاً نوشته اند کل این مبلغ نقداً تسلیم فروشنده شده است. یعنی جواد عزیزی و محمدمهدی صدیقی (فرزند کاظم صدیقی) این مبلغ را نقداً به فروشنده یعنی کاظم صدیقی پرداخت کرده‌اند. حتی اگر تمام این مبلغ را تراول چک ۱۰۰ هزار تومانی داده باشند، باید بیش از ۶۶ هزار و ۴۰۰ قطعه تراول برده و تحویل داده باشند. حالا از کدام بانک این همه تراول گرفتند و اصلاً چرا بر خلاف عرف معاملاتی از چک تضمین شده یا واریز به حساب استفاده نکرده‌اند، امر دیگری است. اصلاً مگر دو شخص حقوقی، نقدی معامله می‌کنند؟ و البته فکر می‌کنید اصلاً این همه پول داده‌اند؟ شاید گفته شود چون آقای صدیقی فکر می‌کرده دارد به موسسه تحت نظارت حوزه منتقل می‌کند (!) این موارد را فرمالیته نوشته‌اند (آن هم در سند رسمی)! اگر این گونه است و قرار بود باغ حوزه به موسسه خود حوزه منتقل شود، اساساً چرا عقد بیع منعقد کرده و مبلغ نوشته‌اند؟ آیا این مبلغ و اعتراف فروشنده به دریافت نقدی تمام ثمن معامله، برای محکم کاری‌های بعدی نبوده است؟! مخصوصاً این که تا ریال آخرش را هم نوشته‌اند!

حمیدرضا آقابابایان، حقوقدان و وکیل پایه یک دادگستری نیز در یادداشتی نوشته است: «جناب آقای شیخ کاظم صدیقی، حسب اعلام و اعلان شما، صرف نظر از صحت و سقم جعل امضا و خیانت در امانت یا کلاهبرداری که به واقع نزدیک‌تر است، در خصوص انتقال چهار هزار متری باغ در منطقه ازگل در محدوده مناطق لاکچری و گران قیمت تهران مع‌الواسطه بدون اذن واراده به شما و پسران و عروس‌تان... و امثالهم معروض می‌دارم.»

در ادامه این مطلب آمده «مجازات خطا یا توبه و پشیمانی و استغفار از منظر شرع مقدس اسلام یا تحمیل مجازات از منظر قانون است. لیکن بالاتر از آن برطرف نمودن آلام و تسکین دردهای درست یا غلط آحاد مردم است. که پشت سر مؤمنین و مومنات شایعه درست نموده و می‌نمایند. درست یا غلط، عمداً یا سهواً، دوست یا دشمن، اجنه یا اجانب امضای شما را جعل و باغی را به شما منتقل و یا کلاهبرداری نموده‌اند!»

این وکیل دادگستری افزوده که «صرف‌نظر از هر رأی که

۲۰ هزار مترمربع در نزدیکی تجریش تهران تأسیس شد که بیشتر زمین‌های این مجموعه متعلق به سازمان اوقاف و شهرداری تهران بوده و تولیت آن از ابتدا تا کنون با آیت‌الله کاظم صدیقی بوده است. در روزهای گذشته زمین‌خواری امام جمعه موقت تهران و یکی از نزدیکان به شخص علی‌خامنه‌ای با واکنش‌هایی در شبکه‌های اجتماعی روبرو شده است. در همین حال با واکنش گسترده اصلاح‌طلبان علیه امام جمعه وقت تهران، هشنگ «صدیقی» در شبکه «ایکس» ترند شد.

فساد آیت‌الله صدیقی و فرزندان یکی از نمونه‌های فساد مقامات جمهوری اسلامی و اطرافیان‌شان است که در سال‌های گذشته افشا شده است. پرونده‌های مشابهی از سوی دو جناح اصلاح‌طلب و اصولگرا تا کنون افشا شده است. پولشویی و فساد دو پسر محمد صادق کهنمویی معاون اول قوه قضاییه، سردار پاسدار محمد باقر قالیباف رئیس کنونی مجلس شورای اسلامی و پسرانش، شبنم نعمت‌زاده فرزند محمدرضا نعمت‌زاده از وزرای دولت‌های اصلاح‌طلب جمهوری اسلامی، مهدی جهانگیری برادر اسحاق جهانگیری معاون اول رئیس جمهوری در دو دولت حسن روحانی، و حسین فریدون برادر حسن روحانی رئیس دولت‌های یازدهم و دوازدهم جمهوری اسلامی از نمونه فسادهای مقامات ارشد حکومتی و نزدیکان آنها است.

این پرونده‌ها تنها بخش کوچکی از فسادهای کلان اقتصادی «خودی»‌های جمهوری اسلامی در به تاراج بردن دارایی‌های عمومی و ملی کشور است. سالهاست افشای فسادهای کلان اقتصادی سران حکومتی و وابستگان‌شان در جریان زدوخورد و تسویه حساب‌های بین‌جناحی انجام می‌شود. در مورد زمین‌خواری کاظم صدیقی و پسرانش هم با توجه به موضع تند جریان اصلاح‌طلب با خواست برکناری امام جمعه تهران، به نظر می‌رسد تسویه حسابی از سوی اصلاح‌طلبان با او در جریان است که به احتمال زیاد به انتخابات اخیر مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان رهبری مرتبط است که در یازدهم اسفندماه جاری برگزار شد.

سکوت قوه قضاییه و خامنه‌ای درباره افتضاح امام جمعه تهران؛ زمین‌خواری با معامله‌ای ۱۵۰ برابر زیر قیمت!

جزئیات جدیدی از زمین‌خواری امام جمعه تهران و پسرانش منتشر شده که نشان می‌دهد کاظم صدیقی باغ ۴۲۰۰ متری در منطقه ازگل تهران ۱۵۰ برابر زیر قیمت به شرکت خانوادگی خودش و پسرانش فروخته است.

سند جدید درباره معامله باغ ۴۲۰۰ متری ازگل که متعلق به حوزه علمیه «امام خمینی» بوده و توسط کاظم صدیقی و پسرانش بالا کشیده شده نشان می‌دهد در حالی که قیمت تقریبی این ملک ۱۰۰۰ میلیارد تومان است، مبلغ فروش آن در سند فقط شش میلیارد و ششصد میلیون تومان ذکر شده است. همچنین هیچ سند بانکی برای پرداخت همین رقم هم وجود ندارد و در سند تازه منتشرشده آمده که این مبلغ نقد پرداخت شده است. بر این اساس چند چمدان پول نقد که مشخص نیست چطور تهیه شده موقع معامله رد و بدل شده است!

از سوی دیگر با رقمی که امام جمعه تهران یک باغ ۴۲۰۰ متری را در روندی غیرقانونی به جیب زده حتی نمی‌توان یک آپارتمان چند ده متری کوچک در منطقه ازگل در شمال تهران خریداری کرد!

چه کسی پاسخگوی تیراندازی‌های بی ضابطه‌ی مأموران و قتل شهروندان است؟!

اشتباه شلیک شد. تیر به قلب شهرام رضایی برخورد کرد و او هم درجا جان باخت. او زن و بچه داشت. یک پسر و دختر. پسرش بعد از این اتفاق درس را رها کرد و رفت کارگری تا بتواند مخارج خانواده را تامین کند. بعد هم در توجیه تیری که به اشتباه به این مرد شلیک شده بود، گفتند او اعتیاد داشته و دیه‌اش را به خانواده پرداخت کردند. اینبار هم که شلیک اشتباهی دامن خانواده ما را گرفت و دختر جوان مان جانش را از دست داد.»

به گفته دایی نگار کریمی، نگار تمام کلاس‌های مربوط به آرایشگری را گذرانده بود، اما خودش ناخن کار بود.

وی با اشاره به اینکه مأمور خطاکار اکنون در بازداشت است توضیح داد: «به ما گفتند همان شب اول اسلحه او را گرفتیم و بازداشتش کردیم. اول گفتند مأمور اشتباه شلیک کرده در صورتی که ماشین دیگری در جاده نبوده، اما بعد طور دیگری گفتند؛ گفتند گزارش شده بود ماشینی که در جاده در حال تردد بوده، حامل مواد مخدر بوده است. این مأمور می‌توانست راه ماشین را ببندد نه اینکه در حین حرکت شلیک کند.»

این نخستین بار نیست که یک شهروند بر اثر شلیک مأموران انتظامی و امنیتی کشته می‌شود. پیش از این نیز بارها گزارش‌های متعددی در اینباره در رسانه‌ها منتشر شده است. در خردادماه یک کودک ۹ ساله در استان خوزستان به دلیل شلیک مأموران انتظامی کشته شد. جعفر دلف‌زرگانی پدر مرتضی گفته بود که «ماشین پلیس بدون هیچ هشدار یا اعلام ایست یا آژیر، ماشین را به رگبار بست و تیر به کودک ۹ ساله ما اصابت کرد و در همان لحظه فوت کرد.»

شلیک نیروی انتظامی به اتومبیل‌های در حال حرکت تا کنون جان چندین کودک را گرفته است اسفندماه گذشته کودک دو ساله‌ای به نام امیرعلی که به همراه پدر، مادر و برادرش در اتومبیل بودند در پی شلیک مأموران مبارزه با قاچاقچیان مواد مخدر استان اصفهان کشته شد.

در دی ماه ۱۴۰۱ نیز سهی اعتباری ۱۲ ساله بر اثر تیراندازی مستقیم مأموران به یک اتومبیل در مسیر لامرد به بستک استان هرمزگان جان خود را از دست داد.

میثم پیرفلک و همسرش زینب ملولایی‌راد به اتفاق دو فرزند خود کیان و رادین شامگاه بیست و پنجم آبان ماه با ماشین خود در حال بازگشت به خانه بودند که در میدان «هلال احمر» ایذه، نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی با سلاح جنگی به سوی آنها شلیک کردند.

در اردیبهشت ۱۴۰۰ نیز یک کودک پنج ساله در ابرانشهر در جنوب استان سیستان و بلوچستان بر اثر تیراندازی مستقیم مأموران مبارزه با مواد مخدر به اتومبیل پدرش جان باخت.

در سال ۲۰۲۳ مجموعاً ۴۰۲ شهروند هدف شلیک نیروهای مسلح انتظامی و امنیتی قرار گرفتند که از میان آنها ۱۲۰ شهروند جان خود را از دست دادند که این آمار شامل جان باختن ۲۰ کولبر، ۳۷ سوخت‌بر و ۶۳ شهروند می‌شود. ۲۸۲ شهروند نیز به واسطه شلیک بی‌ضابطه نهادهای انتظامی و نظامی مجروح شدند که از این تعداد ۲۲۸ نفر کولبر، ۳۱ شهروند عادی و ۲۳ نفر سوخت‌بر بوده‌اند. همچنین ۱۱ سوخت‌بر نیز در پی تعقیب و گریز نیروهای نظامی دچار حادثه شدند. از این میزان ۷ سوخت‌بر کشته و ۴ سوخت‌بر دیگر نیز مجروح شدند. معلوم نیست نیروهای انتظامی چگونه آموزش می‌بینند که برای آنها نه اهمیت تیراندازی مستقیم و خطرات آن روشن است و نه جان شهروندان برایشان ارزشی دارد که بیهوده و به هر دلیلی به آسانی انگشت بی‌مسئولیت خود را بر ماشه‌های مرگبار فشار ندهند.



به روستای فرسش می‌آیند. ما اصالتاً اهل روستای فرسش الیگودرز هستیم. قرار شد بعد از مراسم خاکسپاری، خواهرم یعنی مادر نگار تا مراسم هفتم برادرمان بماند و شوهرش، سه خواهرزاده‌ام و همسر خواهرزاده‌ام به اصفهان برگردند. چون خواهر کوچک نگار می‌خواست به مدرسه برود. وقتی همگی سوار ماشین می‌شوند، نگار صندلی جلو کنار پدرش می‌نشیند و دو خواهر دیگر او به همراه داماد خانواده صندلی عقب می‌نشینند. وسط جاده فرعی نزدیک روستای چمن سلطان یکی از مأموران انتظامی که درجه استواری هم داشته به ماشین آنها که پژو ۴۰۵ نقره‌ای بود، شلیک می‌کند. تیر از کنار دست شوهر خواهرم رد می‌شود و به پهلوئی چپ نگار اصابت و سپس به ستون ماشین برخورد می‌کند. آنها از ماشین پیاده و متوجه می‌شوند تیر به پهلوئی نگار شلیک شده است. وقتی مأمور نیروی انتظامی می‌بیند خانواده داخل ماشین بوده، سریع می‌گوید اشتباه شده است. در حالی که چه اشتباهی؟! مگر در آن جاده چند ماشین بود که اشتباه شلیک شده باشد؟ می‌گویند شخصی به اشتباه به همان مأمور خاطی گفته بود ماشینی که در حال گذر است، مواد مخدر حمل می‌کند. البته اینطوری به ما گفتند. خود من از قاضی کشیک پرسیدم این مأمور از چه کسی دستور شلیک گرفته بود؟ قاضی کشیک هم گفت من دستور شلیک نداده بودم. ما متوجه نمی‌شویم مگر می‌شود بدون دستور مافوق، شلیک کرد؟!»

رضایی اضافه کرده: «پزشکان نگار را سریع به اتاق عمل منتقل می‌کنند، اما بعد از جراحی وقتی به بخش ای‌سی‌یو منتقل می‌شود با وجود اینکه چند واحد خون به او تزریق شده بود از شدت خونریزی تمام می‌کند. تیر از سمت چپ وارد پهلوئی نگار شده بود و از سمت راست پهلوئی او خارج و به ستون ماشین برخورد کرده بود. کارشناسی که برای بازدید از ماشین آمده بود، اعلام کرد وقتی تیر شلیک شده، فاصله زیادی با ماشین نداشته و تقریباً از فاصله نزدیک شلیک شده.»

وی تاکید کرده است: «این اولین بار نیست که در این جاده چنین اتفاقی می‌افتد. ۴ سال پیش هم مأموران نیروی انتظامی یک نفر به اسم شهرام رضایی را اینگونه کشتند و گفتند تیر

● معلوم نیست نیروهای انتظامی چگونه آموزش می‌بینند که برای آنها نه اهمیت تیراندازی مستقیم و خطرات آن روشن است و نه جان شهروندان برایشان ارزشی دارد که بیهوده و به هر دلیلی به آسانی انگشت بی‌مسئولیت خود را بر ماشه‌های مرگبار فشار ندهند.

● در تازه‌ترین مورد، هفته گذشته نگار کریمی به همراه پدر، دو خواهر و داماد خانواده از مراسم خاکسپاری دایی خود در روستای فرسش الیگودرز در حال بازگشت به محل زندگی‌شان اصفهان بودند که ناگهان ماشین آنها از سوی یکی از مأموران نیروی انتظامی هدف گلوله قرار می‌گیرد.

● در سال ۲۰۲۳ مجموعاً ۴۰۲ شهروند هدف شلیک نیروهای مسلح انتظامی و امنیتی قرار گرفتند که از میان آنها ۱۲۰ شهروند جان خود را از دست دادند که این آمار شامل جان باختن ۲۰ کولبر، ۳۷ سوخت‌بر و ۶۳ شهروند می‌شود. ۲۸۲ شهروند نیز به واسطه شلیک بی‌ضابطه نهادهای انتظامی و نظامی مجروح شدند که از این تعداد ۲۲۸ نفر کولبر، ۳۱ شهروند عادی و ۲۳ نفر سوخت‌بر بوده‌اند.

هفته گذشته یک شهروند دیگر به نام نگار کریمی، ۲۱ ساله، در پی تیراندازی بی‌ضابطه نیروهای انتظامی در الیگودرز جان خود را از دست داد. در این واقعه مأموران نیروی انتظامی اول مدعی شدند که اشتباهی به ماشین خانواده کریمی تیراندازی کردند.

بامداد روز جمعه، ۱۹ اسفند ۱۴۰۲، وقتی نگار کریمی به همراه پدر، دو خواهر و داماد خانواده از مراسم خاکسپاری دایی خود در روستای فرسش الیگودرز در حال بازگشت به محل زندگی‌شان اصفهان بودند، ناگهان ماشین آنها از سوی یکی از مأموران نیروی انتظامی هدف گلوله قرار می‌گیرد. در این میان تیر از کنار دست پدر خانواده می‌گذرد و سپس به پهلوئی این دختر جوان اصابت می‌کند. دست پدر خانواده مجروح می‌شود و نگار نیز پس از انتقال به بیمارستان «امام جعفر صادق» تحت عمل جراحی قرار می‌گیرد، اما پس از عمل هنگامی که به بخش ای‌سی‌یو بیمارستان منتقل می‌شود به خاطر خونریزی داخلی جان جوان خود را از دست می‌دهد. فرمانده انتظامی شهرستان الیگودرز ۲۵ اسفندماه در ارتباط با این موضوع اعلام کرد: «شب حادثه یک دستگاه خودرو پژو ۴۰۵ بدون توجه به علائم ایست و بازرسی و اخطارهای مکرر مأموران برای ایست و بازرسی بطور غیرمجاز عبور کرد که مأموران به فرض اینکه این خودرو شامل مواد مخدر است، جهت توقیف خودرو اقدام به تیراندازی هوایی و در تعاقب به سمت لاستیک خودرو کردند که یکی از گلوله‌ها پس از اصابت به بدنه خودرو به یکی از سرنشینان خودرو که دختر جوانی به نام نگار کریمی بود، برخورد و موجب جراحت او شد.»

این در حالیست که مهدی رضایی دایی این دختر جوان در این مورد به روزنامه «اعتقاد» گفته است: «مأمور انتظامی اصلاً ایست نداده است. شوهر خواهر من چهل سال است که راننده اتوبوس است. اکثراً بیش از ۳۰ مسافر را به مقصد می‌رساند. چطور می‌شود ایست پلیس را متوجه نشده باشد؟! مگر تازه گواهی‌نامه گرفته بود که این حرف‌ها را می‌زنند. الیگودرز که سیستان و بلوچستان نیست که مأموران در کمین باشند و یک ماشین هم فرار کند. حرف‌هایی که گفته شده صحت ندارد. ما تا پای قصاص پیش خواهیم رفت.»

مهدی رضایی، می‌گوید: «یکی از برادرانم چند وقت پیش به خاطر مشکل قلبی فوت می‌کند. برای همین خواهرم، همسرش، سه دختر و داماد خانواده‌شان برای مراسم عزاداری

لایوشانی جنایات جمهوری اسلامی علیه مردم در گزارش «کمیته ویژه» حکومت درباره خیزش سال ۱۴۰۱



تظاهرات در تهران شهریور ۱۴۰۱ / عکس: رویترز

● کمیته ویژه‌ای که دولت جمهوری اسلامی برای بررسی ابعاد اعتراضات ضدحکومتی سال ۱۴۰۱ تشکیل داد، در گزارشی که متن کامل آن یکشنبه ۲۷ اسفندماه ۱۴۰۲ منتشر شد ادعا کرده، در جریان «اغتشاشات ۱۴۰۱» تعداد ۲۰۲ نفر از مردم جان خود را از دست دادند.

● طبق آنچه در گزارش این کمیته دولتی اعلام شد، ۹۰ نفر از جانب‌اختگان افرادی بودند که «ضمن حمل و استفاده از سلاح (سرد یا گرم) در اقدام تروریستی، درگیری و حمله به مقرهای نظامی و انتظامی، زیرساخت‌های حیاتی و یا افراد مجری قانون کشته شده‌اند».

● همچنین گفته شده «۱۱۲ نفر از جانب‌اختگان، رهگذرانی بودند که در جریان ناآرامی‌ها توسط اغتشاشگران و به وسیله سلاح‌های غیرمجازی که توسط سازمان نیروهای مجری قانون استفاده می‌شوند و یا با هدف کشته‌سازی عمدانه و آگاهانه، برای فضا سازی منفی علیه نظام توسط تروریست‌های مسلح جان خود را از دست داده‌اند».

● «عوامل اقتصادی ناشی از تحریم‌ها» و «نقش بیگانگان، تحریکات و تحرکات برخی دولت‌ها در تداوم» از جمله دلایلی هستند که از آنها به عنوان دلیل آغاز اعتراضات و تداوم آن نام برده شده است.

● این گزارش یک هفته پس از آن منتشر شد که کمیته حقیقت‌یاب سازمان ملل (FFM) در گزارشی که جمعه هشتم مارس (۱۸ اسفندماه) منتشر شد، اعلام کرد جمهوری اسلامی در جریان سرکوب اعتراضات سال ۱۴۰۱ مرتکب موارد جدی نقض حقوق بشر و «جنایات علیه بشریت» شده است.

کمیته ویژه‌ای که دولت جمهوری اسلامی برای بررسی ابعاد اعتراضات ضدحکومتی سال ۱۴۰۱ تشکیل داد، در گزارشی که متن کامل آن یکشنبه ۲۷ اسفندماه ۱۴۰۲ منتشر شد ادعا کرده، در جریان «اغتشاشات ۱۴۰۱» تعداد ۲۰۲ نفر از مردم جان خود را از دست دادند.

این در حالیست که بر اساس گزارش نهادهای حقوق بشری از ۲۶ شهریورماه ۲۰ تا دی‌ماه ۱۴۰۱ بیش از ۵۴۰ نفر از جمله ۷۴ کودک زیر ۱۸ سال کشته شدند.

طبق آنچه در گزارش این کمیته دولتی اعلام شد، ۹۰ نفر از جانب‌اختگان افرادی بودند که «ضمن حمل و استفاده از سلاح (سرد یا گرم) در اقدام تروریستی، درگیری و حمله به مقرهای نظامی و انتظامی، زیرساخت‌های حیاتی و یا افراد مجری قانون کشته شده‌اند».

همچنین گفته شده «۱۱۲ نفر از جانب‌اختگان، رهگذرانی بودند که در جریان ناآرامی‌ها توسط اغتشاشگران و به وسیله سلاح‌های غیرمجازی که توسط سازمان نیروهای مجری قانون استفاده می‌شوند و یا با هدف کشته‌سازی عمدانه و آگاهانه، برای فضا سازی منفی علیه نظام توسط تروریست‌های مسلح جان خود را از دست داده‌اند».

در ادامه نیز عنوان شده تعداد ۷۹ نفر از مأموران امنیتی نیز در درگیری‌ها کشته شده‌اند. طبق آمار فراجا (نیروی انتظامی) حدود ۵۲۰۰ نفر از پرسنل ناجا در درگیری‌ها زخمی شدند. تعداد ۱۵۴۰ نفر از کارکنان سپاه و بسیج نیز مجروح شدند که شامل «قطع نخاع، نابینایی، شکستگی اعضاء بدن» است اما کمیته ویژه نتوانست آمار مشخصی از تعداد مصدومین از

اشاره نشده است.

یکی از کسانی که در اعتراضات سال ۱۴۰۲ با شلیک مستقیم مأموران کشته شد مه‌ران سماک در بندر انزلی بود. متهم ردیف اول قتل او سرهنگ سیدجعفر جواهری به اتهام قتل از کار خود برکنار شد و پرونده وی در دادگاه در جریان است اما حتا به این مورد هم در گزارش «کمیته ویژه» اشاره نشده است.

کمیته حقیقت‌یاب سازمان ملل (FFM) در گزارشی که جمعه هشتم مارس (۱۸ اسفندماه) منتشر شد، اعلام کرد جمهوری اسلامی در جریان سرکوب اعتراضات سال ۱۴۰۱ مرتکب موارد جدی نقض حقوق بشر و «جنایات علیه بشریت» شده است.

ناصر کنعانی سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی با محکوم کردن کمیته حقیقت‌یاب سازمان ملل مدعی شد، این گزارش «وارونه‌نمایی واقعیت» و «مغرضانه» است.

اعضای کمیته حقیقت‌یاب سازمان ملل اعلام کردند، بر مبنای «دلایل معقول» از «کلیت رفتار مقامات حکومت [ایران]، از جمله، بیانیه‌های مقامات دولتی، تداوم نقض حقوق بشر توسط عوامل حکومت و معافیت آنها از مجازات و عدم محکومیت چنین رفتارهایی از سوی حکومت نشان می‌دهد خشونت‌ها و سرکوب‌های صورت گرفته در جهت پیشبرد سیاست حکومت بوده است».

در این گزارش اشاره شده است که «نیروهای امنیتی، با دستگیری‌های خودسرانه، از جمله دستگیری اشخاص برای صرفاً رقصیدن، شعاردادن، شعارنویسی بر روی دیوار، بوق زدن در ماشین، یا انتشار مطالب در شبکه‌های اجتماعی در ارتباط با مطالبات شان، همچون حقوق زنان، تساوی و برابری و پاسخو نگاه داشتن مسئولین نقض حقوق بشر، معتزین را سرکوب کردند، بسیاری را چشم‌بند زدند و در خودروهای بدون شماره و نشان، از جمله آمبولانس منتقل کردند».

مردم به دست آورد.

در بخشی از این گزارش تأکید شده که در جریان این اعتراضات برای بیش از ۳۳ هزار نفر پرونده قضایی تشکیل شده است.

اگرچه ده‌ها نفر از جانب‌اختگان با سلاح‌های جنگی مورد هدف قرار گرفتند اما «کمیته ویژه» مدعی شد، «از آغاز اغتشاشات به نیروهای تأمین‌کننده امنیت و نظم عمومی دستور رسمی داده شد که از به‌کارگیری سلاح‌های کشنده و گرم اجتناب نمایند».

بخش دیگری از این گزارش مربوط به «ریشه‌ها و عوامل بروز ناآرامی‌ها» است که ادعا شده نظرات پژوهشگران و اساتید دانشگاه نیز در آن منظور شده است.

این کمیته تأکید کرده «دشمنان ایران» با القاء «کشته شدن» مهسا امینی در مقر «گشت ارشاد» از این واقعه حداکثر سوء استفاده را در راستای اهداف از قبل طراحی شده به عمل آوردند!

«عوامل اقتصادی ناشی از تحریم‌ها» و «نقش بیگانگان، تحریکات و تحرکات برخی دولت‌ها در تداوم» از جمله دلایلی هستند که از آنها به عنوان دلیل آغاز اعتراضات و تداوم آن نام برده شده است.

این کمیته در نهایت اعلام کرد، «جمهوری اسلامی ایران سال گذشته با تجمعات مسالمت‌آمیز مواجه نبوده، بلکه ورود صدمات زیاد به نیروهای مجری قانون، خسارات بالای وارده به اموال و اماکن خصوصی و عمومی، ایجاد آشوب‌های سازمان یافته با دخالت و حمایت برخی کشورهای خارجی از آشوبگران و تحرکات و خرابکاری‌های آنها، حاکی از این است که ایران با اغتشاشات تمام‌عیار مواجه بوده است».

در کل این گزارش حتا یک مورد به ریشه اصلی اعتراضات یعنی نارضایتی مردم از حکومت و سوء مدیریت در دستگاه‌های مسئول و ناکارآمدی نظام در حل مشکلات جامعه

پدیده خودکشی پزشکان جوان؛ «نگویم خودکشی، بگویم کشتار سیستماتیک توسط وزارت بهداشت»



دکتر پرستو بخشی

در این نامه آمده که «با توجه به انتشار اخبار ضد و نقیض در رسانه های مختلف، انتظار می رود کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی ایران، در اسرع وقت کمیته ای تخصصی را جهت پیگیری و بررسی علل مرگ اعم از سوء مدیریت درمانی استان، مشکلات روحی متوفی و... تشکیل و نتایج به دست آمده را به اطلاع مردم برسانند.»

محمدرضا اسدی عضو هیئت مدیره نظام پزشکی تهران بزرگ نیز در واکنش به خودکشی پرستو بخشی گفته «شاید تنها با پیگیری علل خودکشی مرحوم خانم دکتر پرستو بخشی بتوان جلوی دومینوی فاجعه بار خودکشی پزشکان و دستیاران که با بی توجهی یا سوءمدیریت برخی مسئولان، نظام سلامت کشور را با تهدید جدی مواجه کرده، گرفت تا مانع خودکشی بعدی شد. قطعاً عوامل انسانی دخیل در این امر قابل شناسایی و مجازات هستند.»

در همین حال علاءالدین شیخی رئیس هیئت مدیره نظام پزشکی خرم آباد نیز گفته «با جدیت در حال پیگیری موضوع هستیم و نظام پزشکی دفاع از حقوق پزشکان به خصوص پزشکان جوان را از اولویت ها کاری خود می داند.»

خودکشی دانشجویان ترم های آخر پزشکی که دوران انترنی یا رزیدنتی خود را سپری می کنند و همچنین پزشکان تازه فارغ التحصیل شده به یک پدیده در ایران تبدیل شده بطوری که آمار خودکشی رزیدنت ها و دستیاران تخصصی پزشکی ۱۰ برابر خودکشی جمعیت عمومی کشور است.

در نیمه دی ماه و تنها در طول یک هفته خبر خودکشی سه عضو کادر درمان شامل یک رزیدنت چشم پزشکی، یک رزیدنت روانپزشکی و یک دندانپزشک تازه فارغ التحصیل منتشر شد. پگاه طلایی زاد رزیدنت چشم پزشکی در بیمارستانی در دزفول استان خوزستان مشغول به کار بود. پس از درگذشت این پزشک متخصص جوان، همکارانش از نامه ای توسط او خبر دادند که بیشتر درخواست انصراف از تحصیل داده بود. ←

خود را با افزایش بی رویه و غیرعلمی ظرفیت های تخصص پزشکی و استثمار همه جانبه ای این نیروهای ارزان، بطور تقریباً مجانی درآورد و از طرفی با ایجاد انواع آزارهای روانی و جسمی عرصه را بر آنان تنگ نماید.

این فعال صنفی در یادداشت انتقادی خود نوشته «شاید این یک واقعیت کمتر مورد توجه قرار گرفته توسط مردم باشد که دستیاران تخصصی پزشکی با حقوق ماهانه ای زیر خط فقر روزگار می گذرانند و علیرغم ساعات کار هفتگی که گاه-برخلاف تمام قوانین کار در ایران و جهان- به بیش از ۹۰ ساعت هم می رسد، فاقد هرگونه پوشش بیمه ای و حمایت هستند.» در ادامه آمده که یکی دیگر از مسائل که محیط های درمانی را در دوره ی طرح بطور فزاینده ای غیرقابل تحمل می کند، وجود رؤسای دانشگاه، معاونت های درمان و بهداشت، مدیران گروه های تخصصی و در سطح بعد رؤسای بیمارستان ها و مدیران شبکه و بطور کلی مسئولینی است که دارای شخصیت های ضد اجتماعی، هذیان های خودبزرگ بینی و خصوصاً ولع قدرت هستند. به عقیده دکتر بابک خطی، این افراد به علت فضای رانتی در ساختار وزارت بهداشت «جای تنبیه، توبیخ و عزل، رشد کرده و در جایگاه مسئولیت قرار گرفته، دمار از روزگار کادر درمان به در می آورند و آنچنان عرصه را بر پزشکان دستیار و طرحی تنگ می نمایند که وضعیت این نیروهای خدم و استعداد های برجسته به ابتلا به انواع سخت افسردگی، اضطراب و... کشیده، در مواردی نیز شوربوختانه کار به اتفاقات غیرقابل جبران مثل خودکشی می کشد.» در واکنش به خودکشی دکتر پرستو بخشی، یکصد فعال سیاسی، فرهنگی و روزنامه نگار لرستانی طی نامه ای به وزارت بهداشت و درمان، مجلس شورای اسلامی، هیئت مدیره نظام پزشکی تهران، دادستان داسرای عمومی و انقلاب مرکز استان لرستان درباره خودکشی پرستو بخشی، خواستار پیگیری و بررسی علت خودکشی این پزشک جوان شدند.

● فعالان صنفی از زیر فشار بودن این پزشک جوان خبر داده و معتقدند باید با افرادی که سبب ساز خودکشی این متخصص قلب و عروق بودند برخورد شود.

● دکتر بابک خطی پزشک متخصص کودکان و فعال صنفی: نگویم خودکشی پزشکان متخصص و دستیاران تخصصی پزشکی؛ بگویم کشتار سیستماتیک آنان توسط وزارت بهداشت!

● خودکشی دانشجویان ترم های آخر پزشکی و پزشکان تازه فارغ التحصیل شده به یک پدیده تبدیل شده و آمار خودکشی رزیدنت ها و دستیاران تخصصی پزشکی ۱۰ برابر خودکشی جمعیت عمومی کشور است.

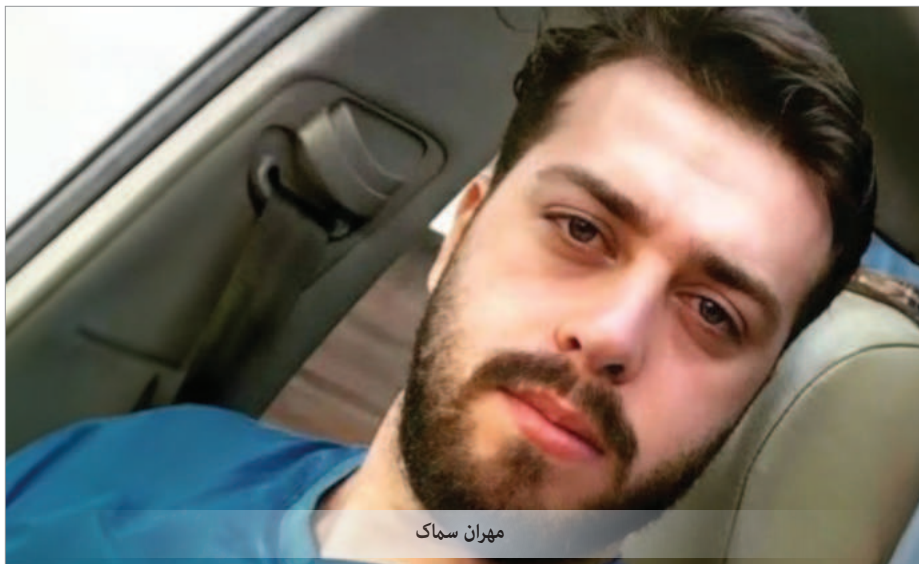
دکتر پرستو بخشی متخصص قلب و عروق جوان در شهر خرم آباد خودکشی کرد. او یکی از ده ها پزشک جوانی است که در سال های اخیر نبودن را بر بودن در شرایطی که جمهوری اسلامی برای شهروندان به وجود آورده، ترجیح داده است. در این میان، یک فعال صنفی پزشکان معتقد است پدیده خودکشی پزشکان جوان، کشتار سیستماتیک آنها توسط وزارت بهداشت جمهوری اسلامی است.

دکتر پرستو بخشی ۳۴ ساله و متخصص بیماری های قلب و عروق، در محل سکونت خود در بیمارستان نورآباد دلفان در استان لرستان خودکشی کرده است. مدیر شبکه بهداشت و درمان دلفان گفته که «چند تن از پرسنل بیمارستان شبانه شب گذشته، چهار فروردین، جسد او را در پانسیون بیمارستان یافته اند.» مرگ دکتر پرستو بخشی موجی از خشم از سوی جامعه پزشکی را در پی داشته است. فعالان صنفی از زیر فشار بودن این پزشک جوان خبر داده و معتقدند باید با افرادی که سبب ساز خودکشی این متخصص قلب و عروق بودند برخورد شود. علی سلحشور سرپرست اداره کل روابط عمومی و امور بین الملل سازمان نظام پزشکی ایران در پی درگذشت دکتر پرستو بخشی در مطلبی با عنوان «این حجم از افسردگی میان جوان پزشکان بی سابقه است!» در اینستاگرام نوشت: «خانم دکتر بخشی پس از دو ترمی بزرگ (از دست دادن پدر و مادر) و با یک سال تاخیر طرح خود را آغاز کردند. وزارت بهداشت کمکی به جابجایی محل طرح ایشان نکردند (ایشان در لیست سیاه وزارتخانه بودند).»

علی سلحشور افزوده که «یک تن از اساتید داخلی (گوارش) بیمارستان رحیمی خرم آباد هم نهایت بی انصافی، توهین و تحقیر را در حق ایشان انجام دادند. حقوق ایشان و متخصص دیگر قلب طرحی را نصف پرداخت کردند! به دلیل اینکه مسئول آموزش بیمارستان رحیمی نامه ای به ریاست بیمارستان نوشته بودند و در آخر این اتفاق ناگوار و فاجعه رخ می دهد.» دکتر بابک خطی پزشک متخصص کودکان و فعال صنفی پس از خودکشی پرستو بخشی در یادداشتی نوشته که «نگویم خودکشی پزشکان متخصص و دستیاران تخصصی پزشکی؛ بگویم کشتار سیستماتیک آنان توسط وزارت بهداشت!»

دکتر بابک خطی «سوء استفاده عمدی وزارت بهداشت» را عامل خودکشی پزشکان جوان و رزیدنت ها دانسته و نوشته وزارت بهداشت بجای تأمین حقوق و تعرفه های مناسب و متناسب با زحمات کادر درمان در بیمارستان های دولتی و آموزشی و آماده کردن محیط برای آرامش هرچه بیشتر کادر درمان در ارائه بهترین خدمات درمانی به مردم، صرفاً بر آن است تا هزینه گرداندن بیمارستان های دولتی تحت پوشش

دادگاه نظامی قزوین حکم اعدام سرهنگ جواهرمردی قاتل مهران سماک را صادر کرد



مهران سماک

دارد. هرچند که این اختلافات می‌تواند جنبه سیاسی داشته باشد. بدیهی است اعدام یک مقام بلندپایه انتظامی پیامدهای پیدا و پنهان زیادی بر ساختار نهادها و ارگان‌های حکومتی خواهد داشت.

جواهرمردی فرمانده نیروی انتظامی در بندر انزلی متهم است که هشتم آذرماه ۱۴۰۱ به مهران سماک شلیک کرد و او را به قتل رساند. در آن شب گروهی از ایرانیان پس از باخت تیم فوتبال جمهوری اسلامی به تیم فوتبال آمریکا در مسابقات جام جهانی قطر به خیابان‌ها آمدند و به بازیکنان تیم که در جریان خیزش ملی پشتیبان مردم نبودند اعتراض کردند. همان



سرهنگ دوم پاسدار سیدجعفر جواهرمردی رئیس سابق نیروی انتظامی بندرانزلی

شب در چندین شهر نیروی انتظامی و بسیج با مردم معترض درگیر شدند. مهران سماک در حالی که داخل اتومبیل خود نشسته بود هدف گلوله قرار گرفت و کشته شد.

با شکایت خانواده سماک، فرمانده نیروی انتظامی بندر انزلی از کار خود برکنار و دادگاهی شد. مجید احمدی وکیل خانواده مهران سماک ۲۵ بهمن‌ماه ۱۴۰۱ اتهام فرمانده سابق نیروی انتظامی انزلی را «عدم رعایت قانون به‌کارگیری سلاح منجر به قتل عمد» عنوان کرده بود.

● دادگاه نظامی شماره یک قزوین به عنوان شعبه هم‌عرض رسیدگی کننده به پرونده «قتل عمد مهران سماک» حکم قتل عمد و مجازات قصاص برای متهم پرونده صادر کرد.

● کیهان لندن دی‌ماه ۱۴۰۲ به نقل از منابع غیررسمی گزارش داده بود دیوان عالی کشور حکم اعدام سرهنگ سیدجعفر جواهرمردی متهم ردیف اول قتل مهران سماک در بندرانزلی (بندرپهلوی) را تأیید کرده است.

● جواهرمردی فرمانده نیروی انتظامی در بندر انزلی متهم است که هشتم آذرماه ۱۴۰۱ به مهران سماک شلیک کرد و او را به قتل رساند. در آن شب گروهی از ایرانیان پس از باخت تیم فوتبال جمهوری اسلامی به تیم فوتبال آمریکا در مسابقات جام جهانی قطر به خیابان‌ها آمدند و به بازیکنان تیم که در جریان خیزش ملی پشتیبان مردم نبودند اعتراض کردند.

مجید احمدی وکیل خانواده مهران سماک در مصاحبه با «شرق» که چهارشنبه هشتم فروردین منتشر شد، گفت: «دادگاه نظامی قزوین به عنوان دادگاه هم‌عرض فرد متهم به قتل مهران را به اتهام قتل عمد به قصاص محکوم کرد.»

این وکیل دادگستری با اشاره به حکم صادر شده توسط شعبه هم‌عرض، توضیح داد، «دادگاه نظامی یک قزوین به عنوان دادگاه هم‌عرض با اصرار بر مفاد رای دادگاه قبلی، رای خود را صادر کرده است، بنابراین متهم به قتل مهران سماک، به اتهام قتل عمد، به قصاص محکوم شده است.»

احمدی همچنین تأکید کرد که این سومین بار است که یک دادگاه نظامی به عنوان دادگاه تخصصی، حکم قتل عمد و مجازات قصاص برای متهم پرونده صادر کرده است.

کیهان لندن صبح ۲۵ دی‌ماه ۱۴۰۲ به نقل از منابع غیررسمی گزارش داده بود دیوان عالی کشور حکم اعدام سرهنگ سیدجعفر جواهرمردی متهم ردیف اول قتل مهران سماک در بندرانزلی (بندرپهلوی) را تأیید کرده است. همان شب اما منابع حکومتی اعلام کردند حکم اعدام وی در دیوان عالی کشور «نقض» شده است.

به نظر می‌رسد بین قضات دیوان عالی و قضات دادسرای نظامی بر سر مجازات سرهنگ جواهرمردی اختلاف زیادی وجود

→ علی قانع‌فرد دندانپزشک طرحی در میاندوآب (آذربایجان غربی) یکی دیگر از کسانی است که خبر خودکشی او منتشر شد. چند روز پیشتر نیز خبر خودکشی سیامک بهروان رزیدنت روانپزشکی در بابل منتشر شده بود. وبسایت «تجارت نیوز» در رابطه با افزایش خودکشی در میان پزشکان و دندانپزشکان جوان نوشته بود که «برخی از فارغ‌التحصیلان پزشکی بطور کلی قید کار در ایران را می‌زنند. همان ابتدای مسیر مهاجرت از ایران را انتخاب می‌کنند. آنها که می‌مانند اما با مشکلاتی دست و پنجه نرم می‌کنند که به گفته خودشان «هفت خان رستم» است. کارزارهای اینترنتی مختلفی هم از سوی آنها به جریان افتاده است، اما صدای این اعتراض هم تاکنون به گوش مقامات نرسیده است.»

بابک شکارچی، معاون آموزشی و پژوهشی سازمان نظام پزشکی ایران در گفتگو با این وبسایت گفته بود که «رزیدنتی هیچ زمان کار راحتی نبود، اما قبلاً امید به آینده وجود داشت. مجموعه‌ای از مشکلات وجود دارد، اما حالا مشکل اصلی نداشتن امید به آینده است. پزشکانی که آموزش دیده‌اند تا سلامت مردم را تأمین می‌کنند، خودشان به بن‌بست خورده و خودکشی می‌کنند.»

بابک شکارچی توضیح داده بود که «امید به آینده لزوماً جنبه اقتصادی ندارد. امید به آینده می‌تواند اقتصادی، اجتماعی و معنوی باشد. نداشتن امید به آینده یکی از مهم‌ترین عواملی است که موجب شده دستیاران ما اقدام به خودکشی کنند. دلایل دیگری هم وجود دارد که این وضعیت را تشدید می‌کند. متناسب با شرایط اقتصادی فعلی، حقوق دستیاران پزشکی و پزشکان طرحی افزایش پیدا نکرده است.» به گفته این مقام سازمان نظام پزشکی «دستیاران پزشکی [رزیدنت‌ها]، هشت تا ۱۱ میلیون تومان حقوق دریافت می‌کنند. با این میزان حقوق چطور باید زندگی خود را بگذرانند؟ حداقل حقوق کارگری را دریافت می‌کنند.»

او افزوده بود که «بطور کلی این پرداختی به دستیاران پزشکی را حقوق هم نمی‌گویند. به آن کمک هزینه تحصیلی می‌گویند. یعنی بر سر آنها منت گذاشته می‌شود. بنابراین اول باید آن را شغل در نظر بگیریم. این افراد دانشجو نیستند. پزشکی هستند که می‌خواهند تخصص بگیرند. بنابراین چون پزشک هستند باید مزایای شغلی به آنها تعلق بگیرد. مزایای شغلی هم یعنی داشتن حقوق، بیمه و امتیازات دیگری که در مشاغل وجود دارد و شاغلان می‌توانند از آن بهره ببرند.»

در همین حال انجمن علمی روانپزشکان ایران ۱۹ دی ۱۴۰۲ در نامه‌ای به ابراهیم رئیسی با اشاره به آمار بالای خودکشی در بین رزیدنت‌ها، هشدار داده بود که تداوم این روند را زمینه‌ساز «فروپاشی نظام سلامت کشور» است.

در این نامه با اشاره به اینکه «فراوانی خودکشی پزشکان جوان و دستیاران پزشکی چندین برابر از آنچه در جمعیت عمومی کشور رخ می‌دهد، بالاتر است»، بر ضرورت تشکیل کمیته‌ای از متخصصان با اختیارات لازم برای مداخله فوری و جلوگیری از تبدیل روند کنونی خودکشی رزیدنت‌ها به یک بحران فراگیرتر تأکید شده بود.

این نامه افزوده بود که «در ماه‌های اخیر شاهد موارد متعددی از فوت پزشکان جوان و دستیاران پزشکی به دلیل اقدام به خودکشی بوده‌ایم که باعث نگرانی شده است. لازم به ذکر است که فراوانی خودکشی در این گروه، شوربختانه چندین برابر از آنچه در جمعیت عمومی کشور رخ می‌دهد، بالاتر است. عوامل متعددی در پیدایش این امر سهم دارند که بسیاری از آنها مربوط به شرایط اجتماعی-اقتصادی-شغلی هستند. این پدیده نه تنها نشانگر وجود بحران و فشار در جامعه درمانی کشور به‌ویژه جوانان این عرصه است، بلکه به‌نوعی بازتابی از شرایط اجتماعی و نیازمند توجه جدی و فوری است.»

بهروز واحدی از فرماندهان میدانی «سپاه قدس» در سوریه کشته شد



بهروز واحدی عضو سپاه قدس

● روابط عمومی سپاه استان البرز اعلام کرد که بهروز واحدی از نیروهای «سپاه قدس» و بسیجی حوزه «صدوقی» ناحیه «امام حسین» کرج بوده که در حمله هوایی اسرائیل کشته شده است. برخی منابع نوشته‌اند این حمله توسط جنگنده‌های آمریکایی صورت گرفته است.

● خبرگزاری‌های مختلف تصاویر زیادی از واحدی منتشر کرده‌اند اما هیچ‌کدام به رسته تخصصی یا نوع مسئولیت و درجه نظامی این فرد اشاره نکرده‌اند.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی سه‌شنبه هفتم فروردین ماه کشته شدن یکی دیگر از نیروهای خود در دیرالزور سوریه به نام بهروز واحدی را تأیید کرد. این حملات بامداد همین روز پس از فرود یک فروند هواپیمای باری ایرانی از دمشق در فرودگاه دیرالزور اتفاق افتاده بود.

روابط عمومی سپاه استان البرز اعلام کرد که بهروز واحدی از نیروهای «سپاه قدس» و بسیجی حوزه «صدوقی» ناحیه «امام حسین» کرج بوده که در حمله هوایی اسرائیل کشته شده است. برخی منابع نوشته‌اند این حمله توسط جنگنده‌های آمریکایی صورت گرفته است.

خبرگزاری‌های مختلف تصاویر زیادی از واحدی منتشر کرده‌اند اما هیچ‌کدام به رسته تخصصی یا نوع مسئولیت و درجه نظامی این فرد اشاره نکرده‌اند.

پیشتر منابع غیررسمی گزارش داده بودند که در این حملات دست‌کم ۹ نفر از جمله یکی از فرماندهان میدانی «سپاه قدس» مشهور به «حاج عسگر» کشته شدند اما مشخص نیست این فرد همان بهروز واحدی است یا نه.

پایگاه خبری اسرائیلی «وای نت» تأیید کرد که این حمله ساعاتی پس از فرود هواپیمای باری ایرانی در فرودگاه دیرالزور اتفاق افتاده است.

برخی منابع غیررسمی می‌گویند بهروز واحدی در جریان سرکوب مردم در اعتراضات ضدحکومتی در کرج و حومه آن نقش فعالی داشت. ضمن اینکه پایگاه بسیج «شهید صدوقی» یکی از پایگاه‌های اصلی سرکوبگران در کرج است. طرفداران نظام در شبکه‌های اجتماعی از وی به عنوان اولین «شهید راه قدس» در سال ۱۴۰۳ نام می‌برند.

رهبران تروریست‌های «حماس» و «جهاد اسلامی» در تهران علی خامنه‌ای: «هیچ تردیدی در حمایت از فلسطین نداریم»



دیدار اسماعیل هنیه با علی خامنه‌ای / فروردین ۱۴۰۳

و جلوتر از دشمن صهیونیستی بوده است و باید در این زمینه بیش از پیش اقدام شود.»

هنیه ساعاتی قبل از دیدار با خامنه‌ای در وزارت خارجه جمهوری اسلامی با حسین امیرعبداللّه‌یان دیدار کرد. وی در جمع خبرنگاران با اشاره به اینکه «جمهوری اسلامی در صف مقدم حمایت از آرمان و ملت فلسطین ایستاده است» گفت، «ما در حال گذر از یک مرحله تاریخی در روند مبارزه با اسرائیل هستیم و نقطه عطف طوفان الاقصی است.» هنیه همچنین گفت، «قطعنامه سازمان ملل برای توقف جنگ غزه انزوای سیاسی اسرائیل بود.»

در غرب تهران زیاد نخاله دبیرکل «جهاد اسلامی» فلسطین مهمان ویژه مراسم جشن طرفداران نظام در «استادیوم آزادی» بود. این مراسم با نام «محفلی قرآنی امام حسنی‌ها» به مناسبت ماه رمضان و تولد امام دوم شیعیان برگزار شد. زیاد نخاله که از تشویق سازمانیافته‌ی طرفداران جمهوری اسلامی به وجد آمده بود، هیجان‌زده تهدید کرد، «به برکت اسلام و قرآن و با حمایت‌های جمهوری اسلامی، اسرائیل هرگز پیروز نخواهد شد و ما قطعاً اسرائیل را شکست خواهیم داد!»

در این میان، شورای امنیت سازمان ملل متحد دوشنبه ۲۵ مارس (ششم فروردین) خواستار آتش‌بس فوری میان اسرائیل و شبه‌نظامیان فلسطینی حماس در «ماه رمضان» و آزادی سریع و بدون قید و شرط همه گروگان‌ها شد. متن پیشنهادی که به تصویب شورای امنیت رسیده شامل محکومیت حماس به عنوان یک سازمان تروریستی می‌شود. تصویب این قطعنامه در سازمان ملل با انتقادات گسترده از سوی جمهوریخواهان آمریکا علیه دولت بایدن نیز مواجه شده است. سناتور بیل هگرتی در واکنش به وتو نکردن قطعنامه شورای امنیت از سوی آمریکا گفت دولت بایدن آنقدر به دنبال جلب رضایت «چپ‌های طرفدار حماس» است که حاضر است علیه شهروندان و منافع متحدان آمریکا عمل کند. وی افزود، «دولت بایدن به اسرائیل خیانت کرد و در کنار تروریست‌های حماس مورد حمایت [رژیم] ایران قرار گرفت، که همچنان شهروندان آمریکا را گروگان می‌گیرند.»

● تقریباً شش ماه پس از عملیات مرگبار «هفت اکتبر» رهبران حماس و جهاد اسلامی به تهران سفر کردند.

● اسماعیل هنیه از رهبران ارشد حماس که گفته می‌شود یکی از اهداف اسرائیل برای ترور است، در دیدار با علی خامنه‌ای از پشتیبانی‌های جمهوری اسلامی تقدیر کرد، گفت: «طوفان الاقصی [هفت اکتبر] اسطوره شکست‌ناپذیری رژیم صهیونیستی را از بین برد.»

● رهبر جمهوری اسلامی همچنین به هنیه گفت، «اقدامات تبلیغاتی و رسانه‌ای مقاومت فلسطین تا کنون بسیار خوب و جلوتر از دشمن صهیونیستی بوده است و باید در این زمینه بیش از پیش اقدام شود.»

یک روز پس از آنکه اعضای شورای امنیت سازمان ملل قطعنامه «آتش‌بس در غزه» را بدون محکوم کردن حماس به عنوان یک سازمان تروریستی تصویب کردند، رهبران حماس و جهاد اسلامی به تهران سفر کردند و با مقامات ارشد جمهوری اسلامی به گفتگو پرداختند.

اسماعیل هنیه از رهبران ارشد حماس که گفته می‌شود یکی از اهداف اسرائیل برای ترور است، سه‌شنبه هفتم فروردین‌ماه در دیدار با علی خامنه‌ای از پشتیبانی‌های جمهوری اسلامی تقدیر کرد و گفت: «طوفان الاقصی [هفت اکتبر] اسطوره شکست‌ناپذیری رژیم صهیونیستی را از بین برد و دشمن بعد از گذشت شش ماه خسارت‌های سنگینی را متحمل شده و هزاران نفر از نظامیان این رژیم کشته و زخمی شده‌اند.» وی تأکید کرد، «جنگ غزه یک جنگ جهانی است و هیأت حاکمه آمریکا شریک اصلی جنایت صهیونیست‌ها است زیرا رأساً هدایت جنگی رژیم صهیونیستی را بر عهده دارد.»

علی خامنه‌ای در این دیدار به هنیه گفت، «ایستادگی نیروهای مقاومت یک پدیده عظیم است که به اسلام عزت بخشید» و تأکید کرد جمهوری اسلامی در حمایت از فلسطین «هیچ تردیدی» به خود راه نخواهد داد.

تجمیع خامنه‌ای از تبلیغات حماس

رهبر جمهوری اسلامی همچنین به هنیه گفت، «اقدامات تبلیغاتی و رسانه‌ای مقاومت فلسطین تا کنون بسیار خوب

وزارت خزانه‌داری آمریکا یک شبکه مالی مرتبط با سپاه قدس، حوثی‌ها و حزب‌الله را تحریم کرد



رزمایش نیروهای سپاه پاسداران در جزیره «بوموسی» در خلیج فارس / مرداد ۱۴۰۲

برایان نلسون معاون وزیر خزانه‌داری در امور تروریسم و اطلاعات مالی، گفت: «خزانه‌داری متعهد به استفاده از تمامی ابزارها علیه کسانی است که به دنبال تأمین مالی فعالیت‌های غیرقانونی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و گروه‌های نیابتی است... ایالات متحده به اقدامات خود برای ایجاد اختلال در سوء استفاده از بازارهای بین‌المللی انرژی جهت تسهیل فعالیت‌های تروریستی ادامه خواهد داد.»

بر اساس این گزارش، شخصی به نام عبدی نصیرعلی محمود به اتهام همکاری با سعید الجمال برای ارسال کشتی‌های ایرانی به چین تحریم شده است. این شبکه از طریق یک صرافی سوری با استفاده از رمز ارز اقدام به فروش نفت و تأمین مالی سپاه قدس و حزب‌الله لبنان می‌کرده است. ماتئو میلر سخنگوی وزارت خارجه آمریکا در واکنش به این تحریم‌ها گفت، «ما از جامعه بین‌المللی دریانوردی می‌خواهیم که اقدامات بیشتری را در جلوگیری از سوء استفاده از بازارهای جهانی انرژی توسط گروه‌های تروریستی مانند سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، حوثی‌ها و حزب‌الله انجام دهد. ما جهت هدف قرار دادن کسانی که محموله‌های غیرقانونی را به نفع گروه‌های تروریستی حمل و نقل می‌کنند، به استفاده از همه ابزارهای موجود ادامه خواهیم داد.»

روزنامه بریتانیایی «تلگراف» ۱۴ مارس ۲۰۲۴ (۲۴ اسفندماه ۱۴۰۳) گزارش داده بود، جمهوری اسلامی از بنادر اروپایی مثل بنادر آنتورپ (بلژیک)، والنسیا (اسپانیا) و راونو (ایتالیا) برای پوشش محموله‌های تسلیحاتی به حزب‌الله استفاده می‌کند.

با افزایش حملات اسرائیل به کاروان‌های انتقال سلاح و همچنین هدف قرار دادن فرودگاه‌های سوریه، جمهوری اسلامی این راه را برای ارسال سلاح به حزب‌الله در پیش گرفته است. این روزنامه پنج کشتی با نام‌های «دیزی، کاشان، شیبا، آرزو و آدرگون» را شناسایی کرده که به نظر می‌رسد در این عملیات «سلاح‌شویی» نقش داشته‌اند. این کشتی‌ها از بندر عباس به سوریه کالا انتقال می‌دهند اما در موارد متعددی در بنادر اروپایی پهلو گرفته‌اند.

دو دفتر کنترل دارایی‌های وزارت خزانه‌داری آمریکا (OFAC) سه‌شنبه ۲۶ مارس (هفتم بهمن‌ماه) شش نهاد، یک فرد و دو نفتکش را که در لیبیا، هند، ویتنام، لبنان و کویت مستقر یا ثبت شده‌اند و در تسهیل حمل و نقل کالا و امور مالی با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی حوثی‌ها و حزب‌الله همکاری داشتند، تحریم کرد.

برایان نلسون معاون وزیر خزانه‌داری در امور تروریسم و اطلاعات مالی، گفت: «خزانه‌داری متعهد به استفاده از تمامی ابزارها علیه کسانی است که به دنبال تأمین مالی فعالیت‌های غیرقانونی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و گروه‌های نیابتی است... ایالات متحده به اقدامات خود برای ایجاد اختلال در سوء استفاده از بازارهای بین‌المللی انرژی جهت تسهیل فعالیت‌های تروریستی ادامه خواهد داد.»

بر اساس این گزارش، شخصی به نام عبدی نصیرعلی محمود به اتهام همکاری با سعید الجمال برای ارسال کشتی‌های ایرانی به چین تحریم شده است. این شبکه از طریق یک صرافی سوری با استفاده از رمز ارز اقدام به فروش نفت و تأمین مالی سپاه قدس و حزب‌الله لبنان می‌کرده است.

دو دفتر کنترل دارایی‌های وزارت خزانه‌داری آمریکا (OFAC) سه‌شنبه ۲۶ مارس (هفتم بهمن‌ماه) شش نهاد، یک فرد و دو نفتکش را که در لیبیا، هند، ویتنام، لبنان و کویت مستقر یا ثبت شده‌اند و در تسهیل حمل و نقل کالا و امور مالی با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی حوثی‌ها و حزب‌الله همکاری داشته‌اند، تحریم کرد.

به گزارش وبسایت وزارت خزانه‌داری آمریکا «این اقدام ششمین دور تحریم‌ها از دسامبر ۲۰۲۳ است که شبکه سعید الجمال تسهیل‌کننده مالی حوثی‌های مستقر در ایران و تحت حمایت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را مورد هدف قرار می‌دهد که نشان‌دهنده گام دیگری در یک کارزار هماهنگ جهت مختل کردن امور مالی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و حمایت این گروه از گروه‌های تروریستی مانند حوثی‌ها است.»

حملات سنگین هوایی به پایگاه‌های «سپاه قدس» در سوریه؛ گزارش‌های اولیه درباره کشته شدن «حاج عسگر»

دیده‌بان حقوق بشر سوریه (مستقر در لندن)، گزارش داد که ۹ نفر از شبه‌نظامیان وابسته به جمهوری اسلامی در منطقه دیرالزور و البوکمال در شرق سوریه کشته شدند؛ هرچند مشخص نیست این حمله از سوی اسرائیل بوده است یا آمریکا.

پایگاه خبری اسرائیلی «وای نت» تأیید کرد که باامداد سه‌شنبه ۲۶ مارس (هفتم فروردین) ساعتی پس از فرود هواپیمای باری ایرانی در فرودگاه دیرالزور، دست‌کم ۹ نفر از جمله یکی از فرماندهان ارشد سپاه پاسداران در یک حمله هوایی کشته شدند.

ساعتی پیش از این حمله یک هواپیمای ترابری ایرانی از فرودگاه دمشق به فرودگاه دیرالزور به زمین نشست. این هواپیما حامل تسلیحات بود و شماری پاسدار سپاهی نیز جزو سرنشینان این هواپیما بودند.

به گفته منابع غیررسمی در یک حمله هوایی به منطقه‌ای در البوکمال سوریه یکی از فرماندهان میدانی نیروهای قدس سپاه پاسداران به نام «حاج عسگر» و چند نفر دیگر کشته شدند. دیده‌بان حقوق بشر سوریه (مستقر در لندن)، گزارش داد که ۹ نفر از شبه‌نظامیان وابسته به جمهوری اسلامی در منطقه دیرالزور و البوکمال در شرق سوریه کشته شدند هرچند مشخص نیست حمله از سوی اسرائیل بود یا آمریکا. پایگاه خبری اسرائیلی «وای نت» تأیید کرد که باامداد سه‌شنبه ۲۶ مارس (هفتم فروردین) ساعتی پس از فرود هواپیمای باری ایرانی در فرودگاه دیرالزور، دست‌کم ۹ نفر از جمله یکی از فرماندهان ارشد سپاه پاسداران در یک حمله هوایی کشته شدند.

پایگاه خبری «کردستان ۲۴» نوشت بر اساس گزارش‌های اولیه این حملات منجر به مرگ «حاج عسگر» شده است. گزارش شده است که پایگاه گروه‌های شبه‌نظامی در المیادین، البوکمال، عباس و یک مقر نیز در محله «فیلات» شهر دیرالزور هدف حمله قرار گرفتند. ساعتی پیش از این حمله یک هواپیمای ترابری ایرانی از فرودگاه دمشق به فرودگاه دیرالزور به زمین نشست. این هواپیما حامل تسلیحات بود و شماری پاسدار سپاهی نیز جزو سرنشینان این هواپیما بودند. تأیید یا رد کشته شدن «حاج عسگر» در این حملات به صورت مستقل ممکن نیست.

کانال‌های تلگرامی وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ادعا کردند که هواپیماهای آمریکایی مناطقی در سوریه را هدف قرار دادند که طی آن ۲۰ نفر کشته و زخمی شده‌اند. خبرنگاری فارس نیز با انتشار ویدیویی گزارش داد جنگنده‌های آمریکا دست‌کم در ۱۰ نوبت به مناطقی در سوریه حمله کردند که شماری کشته و زخمی برجای گذاشت. تا زمان تنظیم این گزارش، مقامات نظامی آمریکا و اسرائیل مسئولیت این حملات را بر عهده نگرفته‌اند.

عادی سازی حجاب اجباری در ورزش ایران و نقش فائزه رفسنجانی



● برخلاف اخباری که در رسانه‌های متمایل به رفسنجانی منتشر شده است، در سال‌هایی که فائزه رفسنجانی کرسی نایب ریسی بانوان را در کمیته ملی المپیک ایران در اختیار داشت، تحولی در وضعیت ورزش زنان رخ نداد.

● در سال‌هایی که او نایب ریسی کمیته ملی المپیک بود، نسیم حسن پور تنها زن ورزشکار ایرانی بود که در المپیک ۲۰۰۴ آتن شرکت داده شد. در بقیه المپیک‌ها، در سئول و سیدنی زنان ایران حضور نداشتند.

این یادداشت از سوی «انجمن ورزشکاران آزادیخواه ایران» در اختیار کیهان لندن قرار گرفته است.

در سال ۸۸ خورشیدی، اگرچه بازگشت میرحسین موسوی به عرصه سیاست جنبش خاموش شده‌ی اصلاحات را شعله‌ور ساخت و کمی از ریزش هوادارانش تا پایان دوره نخست ریاست جمهوری حسن روحانی کاسته شد، اما مردم معترضی که در دی ۹۶ به خیابان‌ها آمدند اینبار نه فریب پروپاگاندای اصلاحات را خوردند و نه به فرامین اپوزیوسیون تن دادند که انقلاب ۵۷ را همچنان شکوهمند برشمرده و دوران خمینی را «طلایی» خطاب می‌کرد. خیزش ۹۶ را می‌بایست نقطه عطف مبارزات مدنی مردم ایران دانست. دی ۹۶ آغاز یک انقلاب ملی را رقم زد که در آن گذر از کلیت نظام با محوریت شاهزاده رضا پهلوی هدف است. با این حال هنوز بدنه اصلاحات با پشتوانه ثروتی که از حضورش در ارکان قدرت جمهوری اسلامی اندوخته و پیوند دیرینه‌ای که با چپ سنتی خارج از ایران دارد در بزنگاه‌های سیاسی سر بیرون می‌آورد و با وارونه جلوه دادن خواست‌های مردم تلاش می‌کند تا مبدا جمهوری اسلامی با تمام اعوان و انصارش فرو بپاشد.

از این حیث، واکاوی نقش فائزه هاشمی رفسنجانی در عادی سازی حجاب اجباری برای زنان ورزشکار خصوصا هنگامی که بخش فارسی وزارت خارجه آمریکا از او به عنوان «مدافع زنان در سرتاسر ایران» نام می‌برد خالی از اهمیت نیست.

فائزه رفسنجانی فدراسیون اسلامی ورزش زنان را در سال ۱۳۶۹ خورشیدی در اولین دوره ریاست جمهوری پدرش، علی اکبر هاشمی رفسنجانی تأسیس کرد.

بی‌اطلاعی سازمان‌های جهانی از جمله کمیته بین‌المللی المپیک از قدمت مبارزات زنان ایران با حجاب اجباری، سبب شد تا تشکیل سازمانی چون «فدراسیون اسلامی ورزش زنان» با استقبال ریسی وقت کمیته بین‌المللی المپیک، خوان آتونوبو سامارانش مواجه شود. از سوی دیگر نگاه مدیران کمیته بین‌المللی المپیک نسبت به وضعیت اسفناک ورزش زنان در ایران تا قبل از انقلاب مهسا از ادعاهای دروغین لابی‌های رژیم مبنی بر ریشه داشتن حجاب در سنت و فرهنگ ایرانیان، تأثیر می‌گرفت. از این رو پروژه تأسیس فدراسیون اسلامی به گمان سامارانش اگرچه با شاخص‌های مندرج در منشور المپیک همسو نبود اما می‌توانست رویکردی نو باشد در تشویق کشورهای اسلامی برای شرکت دادن زنان در بازی‌های المپیک. توجه داشته باشیم که پروژه تأسیس فدراسیون اسلامی ورزش زنان که در سال ۱۳۶۹ کلید خورد، می‌توانست دو دستاورد مهم برای دولت رفسنجانی داشته باشد. نخست اینکه مدافعان حقوق زنان و منتقدین به حجاب اجباری تا حدودی به حاشیه رانده می‌شدند و دوم اینکه می‌توانست قشر جوان را نسبت به گشایش فضای باز اجتماعی امیدوار کند. درواقع بانوانی که به «مرگ» گرفته شده بودند به خیال

مسلمان، هویت اسلامی زنان را طبق موازین اسلامی در میداین ورزشی تقویت کند. این در حالیست که همین چارت سازمانی «نایب ریسی» که برای بانوان در کمیته ملی المپیک و فدراسیون‌های ملی جمهوری اسلامی در نظر گرفته شده و خود فائزه رفسنجانی از سال ۶۷ بر آن تکیه زده بود، یکی از تبعیض‌آمیزترین موارد نابرابری جنسی به شمار می‌آید چراکه از ریاست زنان در کمیته ملی المپیک و فدراسیون‌های ملی ممانعت به عمل می‌آورد. فائزه رفسنجانی نه فقط برای رفع اینگونه تبعیضات چاره‌ای نیاندیشید بلکه اقدام ملموسی نیز برای ارتقاء منزلت و شأن زنان ورزشکار انجام نداد. با نگاهی به تعداد ورزشکاران حاضر ایرانی در المپیک‌های ۱۹۸۸ سئول، ۲۰۰۰ سیدنی و ۲۰۰۴ آتن به خوبی می‌شود پی برد که تا چه اندازه کرامت انسانی زنان ورزشکار دغدغه فکری و سیاسی او بوده است. در سال‌هایی که او نایب ریسی کمیته ملی المپیک بود، نسیم حسن پور تنها زن ورزشکار ایرانی بود که در المپیک ۲۰۰۴ آتن شرکت داده شد. در بقیه المپیک‌ها، در سئول و سیدنی زنان ایران حضور نداشتند. مواضع فائزه رفسنجانی تازه پس از کنار گذاشتن پدرش از قدرت، در چارچوب جمهوری اسلامی رادیکال شد. آنان که مواضع فائزه رفسنجانی را دنبال می‌کنند، به خوبی می‌دانند که او از کمپین یک میلیون امضاء که در دفاع از حقوق زنان به راه افتاده بود استقبال نکرد و همچنین از دادن پاسخ روشن به پرسشگران در ارتباط با قتل و ترورهایی که به دستور علی اکبر هاشمی رفسنجانی صورت می‌گرفته همواره طفره رفته است.

با طرد پدرش از ارکان قدرت، فائزه رفسنجانی در تقابل با برخی از جناح‌های رژیم مواضعی رادیکال گرفت تا جایی که با درگذشت علی اکبر هاشمی رفسنجانی، انتقادهایش به بالاترین مقامات نظام، جنجال برانگیز شد. او اگر چه به دفعات به دادگاه احضار و به دلیل اتهاماتی چون فعالیت علیه امنیت نظام و شرکت در اغتشاشات محکوم و زندانی شده است اما مواضع او در گذشتن از جمهوری اسلامی و استقرار یک نظام سیاسی ملی و سکولار همچنان در پرده‌ای از ابهام باقی مانده است.

طراحان پروژه، این فرصت را در فدراسیون اسلامی ورزش زنان می‌یافتند تا به «تب» راضی بشوند.

فدراسیون اسلامی ورزش زنان در ابتدا برای شرکت زنان مسلمان طراحی و تأسیس شد اما به دلیل عدم استقبال کافی زنان مسلمان، از زنان کشورهای غیرمسلمان نیز دعوت به عمل آورده شد که در این بازی‌ها شرکت کنند. با انزوای سیاسی علی اکبر رفسنجانی این فدراسیون نیز پس از برگزار کردن چهار دوره مسابقات در سال ۱۳۹۰ خورشیدی منحل شد.

مثلت عیسی کلانتری، حسن غفوری فرد و فائزه رفسنجانی در ورزش ایران

کنار گذاشتن حسینعلی منتظری از مقام جانشینی همزمان شده بود با قتل عام زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷. از طرفی معضلات اقتصادی و اجتماعی که از جنگ هشت ساله با عراق افزایش یافته بود، می‌توانست برای چهارمین رییس جمهوری اسلامی، علی اکبر هاشمی رفسنجانی، مشکلات جدی به وجود بیاورد چنانکه همینطور شد.

اعتراضات سال ۱۳۷۰ اولین زنگ خطر را برای نظام و دولت رفسنجانی به صدا در آورد. همچنین یک دهه از روی کار آمدن رژیم می‌گذشت، تحریم بازی‌های المپیک تابستانی ۱۹۸۰ مسکو و ۱۹۸۴ لس آنجلس از سوی جمهوری اسلامی، عملاً ورزش ایران را به حاشیه رانده بود. در چنین احوالی علی اکبر رفسنجانی پس از مرگ روح‌الله خمینی مهار اجرایی کشور را به دست گرفت. حسن غفوری فرد از اعضای حزب مؤتلفه اسلامی و عضو شورای انقلاب فرهنگی به ریاست سازمان تربیت بدنی و به معاونت رییس جمهوری اسلامی منصوب و عیسی کلانتری جانشین مصطفی هاشمی‌طبا در کمیته ملی المپیک شد. عالی‌ترین کرسی زنان در کمیته ملی المپیک نیز در اختیار فائزه هاشمی رفسنجانی قرار گرفت.

برخلاف اخباری که در رسانه‌های متمایل به رفسنجانی منتشر شده است، در سال‌هایی که فائزه رفسنجانی کرسی نایب ریسی بانوان را در کمیته ملی المپیک ایران در اختیار داشت، تحولی در وضعیت ورزش زنان رخ نداد. او به اشتباه در تلاش بود تا با ایجاد همبستگی بین زنان کشورهای

نمایشگاه «چشم برای آزادی» در مرکز نوبل صلح در اسلو



ویدئو

نمایشگاه «چشم برای آزادی» داستان معترضینی را روایت می‌کند که در جریان خیزش مردمی سال ۱۴۰۱ در پیامد شلیک گلوله‌های ساچمه‌ای نیروهای سرکوبگر بینائی خود را از دست دادند و امروز در خارج از ایران سرگرم معالجه و زندگی هستند. جواد مقیمی پارسا عکاس ایرانی- نروژی در کشورهای مختلف به دیدن این معترضین رفته تا زندگی جدید آنها را به تصویر بکشد.

جواد مقیمی پارسا که در ۱۶ سالگی در ایران به حرفه عکاسی روی آورد، پس از وقایع انتخابات جنجالی سال ۱۳۸۸ مجبور به ترک کشور شد و پس از مدتی سکونت در ترکیه به نروژ رفت. یکی از عکس‌های او از اعتراض‌های سال ۱۳۸۸ روی جلد هفته‌نامه «تایم» منتشر شد. این هفته‌نامه آمریکائی یکی از کارهای جواد مقیمی پارسا را در کنار ۱۴۴ عکس دیگر در سال ۲۰۰۹ میلادی در فهرست تصاویر تاثیرگذار یک صد سال اخیر گنجانده است. این عکاس ایرانی- نروژی تا کنون جوایز بسیاری دریافت کرده است. آخرین جایزه‌ای که جواد مقیمی پارسا دریافت کرده، جایزه بهترین عکس سال نروژ در سال ۲۰۲۳ میلادی است. احمد رأفت با جواد مقیمی پارسا گفتگویی انجام داده است.



ویدئو

جمهوری اسلامی در پنجاه و پنجمین شورای حقوق بشر متهم به «جنایت علیه بشریت» شد

دوشنبه ۲۸ اسفند در جریان پنجاه و پنجمین شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد، «کمیته مستقل حقیقت‌یاب» که یک سال پیش تشکیل شد و گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد جهت بررسی وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی، گزارش‌های خود را ارائه دادند. «کمیته مستقل حقیقت‌یاب»، که سه حقوقدان زن در آن عضویت دارند، در گزارش خود جمهوری اسلامی را به «جنایت علیه بشریت» در جریان سرکوب خیزش مردمی سال ۱۴۰۱ متهم ساخت. در جریان این اجلاس که جمعه ۱۷ فروردین به کار خود پایان خواهد داد، قطعنامه‌ای در محکومیت نقض حقوق بشر در جمهوری اسلامی به رای گزارده خواهد شد. این شورا همچنین باید در رابطه با تهدید ماموریت «کمیته مستقل حقیقت‌یاب» و همچنین ماموریت گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد جهت بررسی وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی نیز تصمیم بگیرد. ۴۳ سازمان حقوق بشری ایرانی و بین‌المللی در بیانیه مشترکی خواهان تهدید ماموریت این کمیته و همچنین ماموریت گزارشگر ویژه

معتضان به حجاب اجباری» را شدیداً محکوم کرد. او گفت که حکومت ایران «اعتراضات مسالمت‌آمیز معتضان را به شدیدترین شکل ممکن سرکوب» می‌کند، زنان و کودکان را «تحت آزار جنسی» قرار می‌دهد.

در حاشیه این اجلاس چندین نشست جانبی از سوی نهادهای حقوق بشری ایرانی و بین‌المللی در رابطه با وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی نیز برگزار شد، و نمایندگان برخی نهادهای حقوق بشری ایرانی نیز در صحن این اجلاس صحبت کردند.

محمود امیری‌مقدم مدیر سازمان حقوق بشر ایران یکی از سخنرانان در این اجلاس بود. احمد رأفت با محمود امیری‌مقدم در ژنو گفتگویی انجام داده است.

شدند. در این نشست در حالی که نمایندگان برخی کشورها (کوبا، سوریه، کره شمالی، ونزوئلا، عراق، چین، روسیه، سودان و اریتره) به دفاع از جمهوری اسلامی پرداختند، کشورهای دیگری وضعیت حقوق بشر در ایران را بسیار اسفناک و نگران‌کننده ارزیابی کردند. نماینده آمریکا سخنان خود را با تحسین «مردم شجاع ایران» آغاز کرد که پس از کشته شدن مهسا امینی تظاهرات سراسری را شکل دادند. او در ادامه «رفتار خشونت‌آمیز حکومت» را در مقابله با اعتراضات مسالمت‌آمیز مردم محکوم کرد. نماینده آلمان با اعلام همبستگی با بیانیه اتحادیه اروپا در خصوص وضعیت اسفبار حقوق بشر در ایران، «خشونت جنسیتی و شکنجه

عضو «هیأت علمی مرکز علوم اسلامی»:

شاید لازم است سلاح هسته‌ای داشته باشیم تا دشمن را بترسانیم!



سخنرانی فاکر میبیدی عضو هیأت علمی مرکز جهانی علوم اسلامی در نمایشگاه قرآن

آزاد است فرق کند! وی در همین برنامه هشدار داد «اگر ایران را به آن سمت هل بدهند دیگر تقصیر ایران نیست». یکسال پس از ترور محسن فخری‌زاده معاون وزارت دفاع جمهوری اسلامی، فریدون عباسی‌دوانی نماینده مجلس شورای اسلامی و رئیس پیشین سازمان انرژی اتمی (آذرماه ۱۴۰۰) در یک مصاحبه افشا کرد، با وجود فتوای علی خامنه‌ای در مورد حرام بودن سلاح هسته‌ای اما فخری‌زاده برای آن سیستم ایجاد کرد. در همین ارتباط محمدجواد لاریجانی دبیر سابق ستاد حقوق بشر قوه قضائیه جمهوری اسلامی تهدید کرد «اگر بخواهیم مپ اتم بسازیم کسی نمی‌تواند جلوی ما را بگیرد.» او در واقع مواضع علی خامنه‌ای را تکرار کرد که گفته بود، «اگر می‌خواستیم سلاح هسته‌ای درست کنیم، نمی‌توانستند جلوی ما را بگیرند.»

در میان تنش‌های روزافزون در خاورمیانه، یک مجری «شبکه دو» صدواسیمای جمهوری اسلامی شنبه شب ۲۳ دی‌ماه ۱۴۰۲ روی آنتن زنده از محمد اسلامی رئیس سازمان انرژی اتمی پرسید که آیا زمان آن نرسیده که ایران با توجه به تهدیدات اسرائیل، سلاح هسته‌ای داشته باشد یا دست به یک آزمایش هسته‌ای بزند؟ اسلامی در پاسخ گفت: «امروز بدون اینکه وابسته باشیم به نقطه‌ای رسیدیم که در ترازهای بالای جهانی قلمداد می‌شویم. آنان از این نگران بودند و این نگرانی پابرجاست. آنان می‌خواستند که ما به این فناوری نرسیم اما اکنون رسیدیم.» وی با این مقدمه ادامه داد: «جمهوری اسلامی راهبرد بازدارندگی فعال دارد و داشتن سلاح کشتار جمعی هرگز در دکتین امنیتی و دفاعی جمهوری اسلامی جایگاه نداشته به ویژه اینکه فتوای رهبری هم هست که سلاح هسته‌ای را حرام می‌دانند... راهبرد ملی ما برای تضمین امنیت مؤلفه‌هایی دارد که کمتر کشوری از آن برخوردار است... کشور ما مردم‌پایه است و با توکل بر خدا و اعتماد بر نصرت الهی کار خود را پیش برده است!»

خبرگزاری «مهر» وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی آن بخش از صحبت‌های فاکر میبیدی درباره «سلاح هسته‌ای» را سانسور کرده و عبارت «سلاح جدید» را جایگزین آن کرده است. چنین موضوعی البته جدید نیست. خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی نیز در سال ۱۳۶۷ که ادامه جنگ با عراق با هدف «فتح قدس» ناکام مانده و ناممکن شده بود، در نامه‌ای [محرمانه] در توجیه نوشیدن جام زهر و پذیرش قطعنامه ۵۹۸ در رابطه با آتش‌بس در جنگ با عراق، به کمبود امکانات برای رسیدن به اهداف حکومت اسلامی اشاره کرد و از «سلاح‌های اتمی و لیزر» نام برد. چندین سال پیش که دوباره رقابت‌های درونی نظام بر سر میراث‌خواری اوج گرفت، اکبر هاشمی رفسنجانی «متن کامل» این نامه را در اختیار رسانه‌ها گذاشت اما بجای «اتمی و لیزر» نوشته شد: «مختلف!» خمینی در این نامه در واقع فتوای تلاش برای به دست آوردن «سلاح‌های اتمی و لیزر» را که به نظر وی «از ضرورت‌های جنگ در آن موقع» (در آینده‌ای که جمهوری اسلامی قدرتمند باشد) به شمار می‌رود، صادر کرد و از همان زمان نیز تدارکات برنامه مخفی اتمی آغاز شد.

اکنون نیز اگرچه مقامات جمهوری اسلامی بر اساس فتوای علی خامنه‌ای مبنی بر «حرام بودن ساخت مپ اتم» ادعا می‌کنند هدف برنامه‌های اتمی آنها «صلح‌آمیز» است اما بر اساس گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی غنی‌سازی ۶۰ درصدی اورانیوم در ایران هیچ کاربرد صلح‌آمیز غیرنظامی ندارد! مقامات بلندپایه سیاسی و نظامی جمهوری اسلامی بارها مستقیم و غیرمستقیم درباره توانایی رژیم برای ساخت مپ اتم صحبت کرده‌اند. محمود علوی وزیر پیشین اطلاعات جمهوری اسلامی بهمن سال ۱۳۹۹ در یک برنامه خبری در شبکه دو صدواسیمای حکومت گفته بود «مقام معظم رهبری فتوا داده که سلاح هسته‌ای حرام است اما اگر گریه را در گوشه‌ای گیر بیندازند، ممکن است رفتارشان با وقتی که گریه

● حجت‌الاسلام فاکر میبیدی عضو «هیأت علمی گروه قرآن و حدیث مرکز جهانی علوم اسلامی» در نشست «رابطه قرآن و فناوری نوین»، ساخت سلاح هسته‌ای را بر اساس آیات قرآن توجیه کرده و گفته شاید لازم است «سلاح هسته‌ای» داشته باشیم تا دشمن را بترسانیم!

● خبرگزاری «حوزه» چهارم فروردین گزارش داد که فاکر میبیدی در جریان این نشست (در بخش «نوآوری‌های قرآنی دانش‌بنیان») در باره فناوری در زمینه تسلیحات جنگی گفت: «در زمانی که آیه مرتبط با سلاح جنگی در قرآن نازل شد حیوان زمان جنگ اسب و ادوات جنگی نیزه و شمشیر بود... این ابزار دشمن را می‌ترساند اما امروزه اگر انباری از شمشیر و نیزه داشته باشیم دشمن نمی‌ترسد در حالی که در قرآن می‌گوید ابزاری را فراهم کنید که دشمن از شما بترسد. امروزه با تانک و توپ نمی‌توان دشمن را ترساند بلکه حتی شاید لازم باشد سلاح‌های جدید داشته باشیم تا دشمن را بترسانیم. باید از ابزار و سلاح‌های نوین مجهز شویم.»

● چنین موضوعی البته جدید نیست. خمینی نیز در سال ۱۳۶۷ که ادامه جنگ با عراق با هدف «فتح قدس» ناکام مانده و ناممکن شده بود، در نامه‌ای [محرمانه] در توجیه نوشیدن جام زهر و پذیرش قطعنامه ۵۹۸ در رابطه با آتش‌بس در جنگ با عراق، به کمبود امکانات برای رسیدن به اهداف حکومت اسلامی اشاره کرد و از «سلاح‌های اتمی و لیزر» نام برد. چندین سال پیش اکبر هاشمی رفسنجانی «متن کامل» این نامه را در اختیار رسانه‌ها گذاشت اما بجای «اتمی و لیزر» نوشته شد: «مختلف!» خمینی در این نامه در واقع فتوای تلاش برای به دست آوردن «سلاح‌های اتمی و لیزر» را که به نظر وی «از ضرورت‌های جنگ در آن موقع» (در آینده‌ای که جمهوری اسلامی قدرتمند باشد) به شمار می‌رود، صادر کرد و از همان زمان نیز تدارکات برنامه مخفی اتمی آغاز شد.

حجت‌الاسلام فاکر میبیدی عضو «هیأت علمی گروه قرآن و حدیث مرکز جهانی علوم اسلامی» در نشست «رابطه قرآن و فناوری نوین» ساخت سلاح هسته‌ای را بر اساس آیات قرآن توجیه کرده و گفته شاید لازم است «سلاح هسته‌ای» داشته باشیم تا دشمن را بترسانیم!

● خبرگزاری «حوزه» چهارم فروردین گزارش داد که فاکر میبیدی در جریان این نشست (در بخش «نوآوری‌های قرآنی دانش‌بنیان») درباره فناوری در زمینه تسلیحات جنگی گفت: «در زمانی که آیه مرتبط با سلاح جنگی در قرآن نازل شد حیوان زمان جنگ اسب و ادوات جنگی نیزه و شمشیر بود. این ابزار دشمن را می‌ترساند اما امروزه اگر انباری از شمشیر و نیزه داشته باشیم دشمن نمی‌ترسد در حالی که در قرآن می‌گوید ابزاری را فراهم کنید که دشمن از شما بترسد. امروزه با تانک و توپ نمی‌توان دشمن را ترساند بلکه حتی شاید لازم باشد سلاح‌های جدید داشته باشیم تا دشمن را بترسانیم. باید از ابزار و سلاح‌های نوین مجهز شویم.»

وی همچنین گفت، «رعایت اخلاق الهی و انسانی و کمک به مردم دو جنبه‌ای است که باید در زمینه استفاده از ابزارهای نوین مورد توجه قرار بگیرد. اگر مجهز به ابزار نوین نشویم نابودی ما حتمی است و قرآن نه تنها به ابزار نوین موضعی مثبت دارد بلکه ما را مأمور کرده است پا به پای آن و اقتضای زمان پیش برویم.»

با کارت قومیت در ایران بازی نکنید!

● قومیت محرکه اصلی هویت نیست. در حالی که بسیاری از کشورهای تاسیس شده در دو قرن نوزده و بیست منشأ قومی- ناسیونالیست دارند، برای پرس‌ها- یا ایرانیان بعد از ۱۹۳۵- مفهوم استقلال به هزاران سال قبل بازمی‌گردد.

● اگر علائم را درست تشخیص ندهیم، نسخه‌ای که برای درمان می‌پیچیم نتیجه معکوس در پی خواهد داشت. جنبش زن، زندگی، آزادی عدم مشروعیت جمهوری اسلامی را به غایب گذاشت. تمامی ایرانیان، فارغ از هرگونه قوم و زبان و نژادی شایسته و سزاوار آزادی هستند. ایالات متحده آمریکا، کشورهای میانه‌رو عربی و اسرائیل باید از ایران لیرال، قدرتمند و پیشرفته که روابط صلح‌آمیزی در داخل و خارج داشته باشد استقبال کنند. روزی که رژیم آیت‌الله‌ها سقوط کند، ایران باید مجدداً متحد و شریک آنها باشد و این امر دور نیست.

مایکل روبین (فوروم خاورمیانه) - مردخای کیدار استاد برجسته اسرائیلی در مقاله‌ای که در «اورشلیم پست» منتشر شده عنوان کرده است که «مانند آنچه به دنبال فروپاشی اتحاد جماهیر سابق شوروی رخ داد و یوگسلاوی و جمهوری چک را به کشورهای کوچک و صلح‌طلب قومی تجزیه کرد، بعد از فروپاشی مخلوط conglomerate ایرانی و ظهور و تشکیل پنج الی شش دولت قومی از ویرانه‌های حاصل از این فروپاشی، جهان جای امن و بهتری خواهد بود.» وی به حامیان تغییر رژیم در ایران توصیه کرده که باید از تجزیه‌طلبی قومی در ایران حمایت کنند. تحلیل‌های کیدار همواره قابل احترام بوده اما این رویکرد ملایم او نسبت به تاریخ بسیار عجیب و غریب است. اگر جنگ میان اقبال شوروی سابق و در پیامد آن پاکستانی قومی در یوگسلاوی ناشی از فروپاشی، صلح‌آمیز بوده پس آیا مورخان باید از قتل عام‌های صورت گرفته توسط چنگیزخان مغول به عنوان استراتژی مؤثر در جهت کاهش ازدحام زندان‌ها تقدیر کنند؟

مردخای حق دارد که به تنوع قومی (قومگرایی) در ایران اشاره کند. زبان مادری در سراسر خاورمیانه به میزان گسترده‌ای تعیین‌کننده قومیت است. بسیاری از تحلیلگران ایرانی با استناد به آمارهای دهه‌های گذشته عنوان کرده‌اند که نیمی از جمعیت ایران را فارسی‌زبان‌ها تشکیل داده و نیمه دیگر ترکیبی از آذری، عرب، بلوچ، گیلک، کرد، لر، تالشی و سایر اقوام هستند. برندا شفر متخصص آذربایجان اما مدعی است که این آمار و ارقام دیگر سندیت نداشته و معتقد است که حکومت ایران درباره جمعیت پارسی‌زبان اغراق کرده و آمار واقعی اقلیت‌ها را تقلیل داده است. در حقیقت، در ارتباط با قومیت شاید حق با برندا باشد اما همچون سایر کشورهای تحت حاکمیت استبدادی، دستیابی به آمار قابل استناد و اعتماد در ایران نیز ناممکن است. البته از بسیاری جهات بحث درباره این آمار آب در هاون کوبیدن است زیرا قومیت محرکه اصلی هویت نیست. در حالی که بسیاری از کشورهای تاسیس شده در دو قرن نوزده و بیست منشأ قومی- ناسیونالیست دارند، برای پرس‌ها- یا ایرانیان بعد از ۱۹۳۵- مفهوم استقلال به هزاران سال قبل بازمی‌گردد.

در سال ۱۵۰۱ میلادی، شاه اسماعیل صفوی مذهب رسمی پارسیان را شیعه اعلام کرد. هدف او از اینکار بیش از آنکه مذهبی باشد، سیاسی بود زیرا تفاوتی میان ساکنین دو سوی مرزهای عثمانی و ایرانی وجود نداشت و قصد شاه اسماعیل



هویت‌سازی بر اساس مذهب بود نه بر اساس قومیت. این روش مؤثر بود و به مرور زمان هویت جدید، خود را بر هویت موجود پیش از اسلام ایرانیان که در یک فلات گرد آمده بودند، تحمیل کرد. از سوی دیگر، پرسپولیس [تخت جمشید] پایتخت رسمی امپراتوری هخامنشیان (۵۵۹-۳۳۰ پیش از میلاد)، امروزه نه تنها میراث اقوام فارس بلکه آذری‌زبان‌ها نیز هست. اقوام کرد نیز شاهنامه را که اثر حماسی فردوسی، شاعر قرن دهم پارسی است می‌خوانند. در سال ۱۹۸۰، رئیس جمهور عراق، صدام حسین با هدف ضمیمه کردن خوزستان نفت‌خیز- یا به گفته صدام «عربستان»- به ایران حمله کرد و گمان می‌کرد که اعراب ایرانی از استقلال خود استقبال خواهند کرد. چنین اتفاقی نیافتاد و ایرانیان از هر قومی- به استثنای مجاهدین خلق- علیه دشمن جنگیدند همانگونه که شیعیان عراقی علیه ایران جنگیدند. بسیاری از عرب‌زبان‌ها در جمهوری اسلامی به مراتب بالای حکومتی دست یافتند که شمخانی دبیر شورای عالی امنیت ملی از ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۳ یک نمونه‌ی آنست.

اغراق در رابطه با تجزیه‌طلبان آذربایجانی نیز در ایران یک اشتباه بنیادین است. در سال ۱۸۲۸ میلادی، پیش از آنکه جنوب قفقاز بر اساس قطعنامه ترکمانچای از ایران جدا شود، آذربایجان هرگز یک قلمرو خارج از حاکمیت ایران نبوده بلکه سکونتگاه و قلمرو حکومت ولیعهد قاجار بوده و زمانی که بعد از بیش از یک قرن نیروهای اتحاد جماهیر شوروی، کشوری نیابتی در استان آذربایجان ایران تاسیس کرده و به دنبال الحاق آن به آذربایجان شوروی بودند، ایرانیان از هر طیف قومی و مذهبی علیه آن قیام کردند.

امروزه، آذری‌زبان‌های ایران از قدرت نامتناسبی در کشور برخوردار هستند. رهبر جمهوری اسلامی، علی خامنه‌ای آذری‌زبان است، نخست وزیر سابق، میرحسین موسوی و خلخالی، حاکم شرع دادگاه انقلاب در دهه نخست تأسیس جمهوری اسلامی که حکم اعدام بسیاری را صادر کرد آذری‌زبان بوده است. به اعتقاد گردزبانان، نیروهای سپاه پاسداران متشکل از اقوام آذری‌زبان، نسبت به کردها رویه سختگیرانه‌تر و ظالمانه‌تری دارند تا نیروهای فارسی‌زبان و همانگونه که ولادیمیر پوتین برای اعمال شرورانه خود متکی بر نیروهای وفادار چینی است، زمانی که اعتراضاتی در استان کردستان رخ می‌دهد، تهران نیروهای آذری‌زبان خود را برای سرکوب آنها بسیج می‌کند. این بدان معنا نیست که آذری‌زبان‌ها طرفدار رژیم هستند، بلکه همچون سایر اقوام ایرانی دین‌سالاری در میان آذری‌زبان‌ها رنگ باخته و وفاداری بر اساس قومیت نیز ساده‌انگاری است.

کیدار همچنین اشاره داشته است که «بعد از مرگ مهسا امینی، دختر کردزبان که به دلیل عدم رعایت قوانین

سختگیرانه حجاب در ایران به قتل رسید، تمام اقوام ایرانی با هدف دستیابی به آزادی و استقلال از حکومت مرکزی در تهران بپا خاستند.» اینکه ایرانیان از هر قوم و زبانی- به ویژه فارسی‌زبان‌ها- با همین هدف علیه رژیم روحانیون برخاستند اتفاقاً نشان می‌دهد که قومیت متغیر عمل‌کننده و مؤثر نبوده و کاملاً برعکس، اراده پارسی‌زبانان در تظلم‌خواهی از دختر کردزبان نشان داد که ایدئولوژی و آزادیخواهی سیاسی بر سوگیری‌ها و تعصبات قومی و نژادی غالب است.

همین امر در ارتباط با محیط زیست نیز صدق می‌کند. مدیریت ضعیف در جلوگیری از خشک شدن دریاچه ارومیه به میزان یکسانی به کردزبان‌ها و آذری‌زبان‌های بومی ایرانی آسیب رسانده، اما علت آن بیشتر ناشی از فساد حکومتی بوده نه نزاع قومی. همچنین، مردم در اعتراض به خشک شدن زاینده‌رود در اصفهان به خیابان‌ها آمده و علیه سپاه پاسداران که به دلیل ساخت بی‌رویه سد‌ها چنین فاجعه زیست محیطی را به بار آورده، شعار دادند.

اگر علائم را درست تشخیص ندهیم، نسخه‌ای که برای درمان می‌پیچیم نتیجه معکوس در پی خواهد داشت. جنبش زن، زندگی، آزادی عدم مشروعیت جمهوری اسلامی را به غایب گذاشت. تمامی ایرانیان، فارغ از هرگونه قوم و زبان و نژادی شایسته و سزاوار آزادی هستند. ایالات متحده آمریکا، کشورهای میانه‌رو عربی و اسرائیل باید از ایران لیرال، قدرتمند و پیشرفته که روابط صلح‌آمیزی در داخل و خارج داشته باشد استقبال کنند. روزی که رژیم آیت‌الله‌ها سقوط کند، ایران باید مجدداً متحد و شریک آنها باشد و این امر دور نیست.

دادن این پیام به ایرانیان که غرب به دنبال فروپاشی کشورشان است، منجر به شکست ایرانیان در رسیدن به هدف خود در آخرین لحظه خواهد شد. گروه اندکی از ایرانیان- بجز مریم رجوی و مجاهدین خلق- به کشورشان خیانت خواهند کرد. زمانی که صدام حسین به ایران حمله کرد، ایرانیان بدون توجه به رویکرد و نظرشان نسبت به خمینی، حول یک پرچم گرد آمدند.

این به معنای نادیده انگاشتن و تقلیل امر قومیت در آینده نیست. برخی از گروه‌های بومی در ایران برای حفظ میراث فرهنگی و زبان خود بعد از چهل و پنج سال سرکوب جمهوری اسلامی تا اندازه‌ای خواهان فدرالیسم خواهند بود و این تنها بر عهده ایرانیان است، که بخواهند درباره مفاد قانون اساسی آینده ایران تصمیم بگیرند نه قانونگذاران آمریکایی و اسرائیلی.

*منبع: فوروم خاورمیانه
 *نویسنده: مایکل روبین مدیر تجزیه و تحلیل «فوروم خاورمیانه» و عضو ارشد انستیتو آمریکن اینترپرایز
 *ترجمه و تنظیم: الف. ر.

رکورد تازه قیمت دلار و سقوط بی سابقه ارزش ریال و قدرت خرید مردم



قرار گرفته است.

گذشته، فراهم نشود و این خود عامل گرفتاری است. فرشاد مومنی در بخش دیگری از سخنانش گفته «در حالی که قدرت خرید یک میلیون ریال در سال ۱۳۵۶ معادل دو کیلوگرم طلای خالص بوده، در سال ۱۳۹۹ این قدرت خرید به هشت صدم گرم رسیده است! امیدوارم که سقوط چهل هزارمی قدرت خرید ریال در برابر طلا و این سقوط وحشتناک ارزش ریال، آنهایی را که غافلانه و غیرفاسدانه و غیرطماعانه تن به چنین سیاست‌هایی می‌دهند را هوشیار کند!»

وبسایت «جماران» نیز با توجه به قرار گرفتن قیمت دلار در کانال ۶۱ هزار تومان به ارزش دلاری دستمزد کارگران در ایران پرداخته و نوشته در سال ۱۴۰۳، اگر فرض بگیریم که قیمت دلار حدود ۶۱ هزار تومان بماند، تنها ۶ دلار نسبت به سال قبل حقوق‌های کارگران بیشتر شده است. همزمان با افزایش قیمت دلار و با وجود ادامه تعطیلات غیررسمی نوروزی تا سیزدهم فروردین، قیمت مواد غذایی نیز روندی افزایش دارد. به گزارش وبسایت «اقتصاد نیوز» قیمت مرغ به با عبور از مرز ۸۰ هزار تومان به ۸۰٫۱۰۳ تومان رسیده است.

قیمت گوشت قرمز هم افزایشی بوده است؛ قیمت دام زنده در بازار روند صعودی را در پیش گرفت و با تجربه افزایش ۲۰ تومانی، کیلویی ۲۸۰ هزار تومان معامله شد. هر کیلو دام در کشتارگاه هم رشد قیمت را تجربه کرده است و ۵۵۰ هزار تومان خرید و فروش شد که افزایش ۵۰ هزار تومانی داشته است.

اثرات کاهش قدرت خرید بر اثر افزایش نرخ ارز و سقوط ارزش پول ملی در حالی به سرعت نمایان شده که وبسایت «خبرآنلاین» با انتقاد از سیاست‌های اقتصادی دولت به سخنان سال ۹۱ احمد علم‌الهدی امام جمعه مشهد و پدر همسر ابراهیم رئیسی اشاره کرده که گفته بود «اگر مرغ در دسترس نیست آن را با یک ماده پروتئینی دیگر جایگزین کنید. مشهدی‌ها مگر اشکنه پیاز داغ را پادتان رفته و آن زندگی را فراموش کرده‌اید؛ مگر قرار است برنامه همان باشد که قبلاً بوده است.»

«خبرآنلاین» در ادامه نوشته که باید از حضرت امام جمعه پرسید که اگر دیگر تحریم‌ها در کشور اثری ندارد، دلیل وضعیت اسفبار اقتصاد کشور چیست؟ چرا دلار به ←

این گزارش در گفتگو با چند صرافی در تهران به افزایش پنج درصدی نرخ ارز در روزهای گذشته و با وجود تعطیلات نوروزی و بسته بودن صرافی‌ها اشاره کرده و تأکید کرده سقوط بی سابقه ارزش ریال پس از انتخابات دوازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی با پایین‌ترین سطح مشارکت از انقلاب ۵۷ تا کنون رخ داده است.

صرافان در پایتخت به این خبرگزاری گفته‌اند که پیش از تعطیلات نوروزی و فصل سفر تقاضا برای ارز افزایش یافته و این موضوع یکی از عوامل تحریک افزایشی قیمت‌ها بوده است؛ تقاضا برای ارز در حالی طی روزهای گذشته همچنان بالا بوده که تنها چند صرافی محدود تعطیل نبوده و معاملات در آنها جریان داشته است. به گزارش «آسوشیتدپرس» شرایط وخیم اقتصادی هر چند عاملی برای بروز خشم عمومی شهروندان از جمهوری اسلامی بوده اما همزمان سبب شده بخشی از مردم به جای توجه به اعتراضات و فعالیت‌های پرهزینه علیه حکومت ناچار به تمرکز بر تأمین معیشت شوند.

فرشاد مومنی اقتصاددان و استاد دانشگاه نیز روز گذشته در نشستی با عنوان «اقتصاد سیاسی نوسانات نرخ ارز» درباره نوسانات نرخ ارز به ساختار مافیایی اقتصاد جمهوری اسلامی اشاره کرد و گفت: «نوسانات نرخ ارز موضوع مهم اقتصاد سیاسی است. واقعیت این است که در زمینه بازی با قیمت‌های کلیدی؛ اقتصاد سیاسی ایران در دام مناسبات مافیای پرور، سوداگرپرور، رباخوارپرور و ضربه زننده به کیفیت زندگی عامه مردم و فشارهای مافوق طاقت بر تولیدکنندگان و از همه مهمتر به افلاس‌کشاندن و میان‌تهی‌سازی مالیه حکومت دچار شده است.»

فرشاد مومنی تأکید کرده که «این قفل‌شدگی خطرناک در هر تجربه‌ای امواجی از لطمه‌های وحشتناک اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و امنیت ملی را برای کشور پدید می‌آورد.»

این اقتصاددان افزوده که با وجود اینکه مخرب بودن و فاجعه‌ساز بودن این سیاست در طول سه دهه گذشته بارها و بارها آزموده شده، اما گره خوردن این مناسبات به منافع گروه‌های مافیایی پیش‌گفته، باعث شده که متأسفانه امکان درس گرفتن و یادگرفتن از هیچ یک از تجربه‌های مخرب

● قیمت بی سابقه دلار به معنای ثبت رکوردی تازه در سقوط ارزش پول ملی ایران، سقوط قدرت خرید و سقوط ارزش دارایی‌ها و پس‌انداز مردم است.

● فرشاد مومنی: اقتصاد سیاسی ایران در دام مناسبات مافیای پرور، سوداگرپرور، رباخوارپرور و ضربه زننده به کیفیت زندگی عامه مردم و فشارهای مافوق طاقت بر تولیدکنندگان و از همه مهمتر به افلاس‌کشاندن و میان‌تهی‌سازی مالیه حکومت دچار شده است.

● محمد مخبر معاون اول ابراهیم رئیسی روز گذشته در ادعایی عجیب گفته دولت در سال گذشته سفره مردم را مدیریت کرده است.

● در چنین شرایطی این مردم عادی هستند که هزینه ناکارآمدی ۴۵ ساله جمهوری اسلامی را با سفره‌های خالی و فقر و فلاکت پرداخت می‌کنند و هر هفته بیش از پیش به زیر خط فقر رانده می‌شوند.

قیمت دلار در بازار آزاد ایران با ثبت رکوردی تازه به ۶۱ هزار ۵۵۰ رسیده و ارزش ریال به پایین‌ترین سطح سقوط کرده است. در حالی که کارشناسان نسبت به تورم فزاینده هفته‌ها و ماه‌های آینده هشدار می‌دهند، مقامات دولت رئیسی وعده تورم ۲۰ درصدی می‌دهند.

قیمت ارز و طلا در نخستین روز بازگشایی بازارها پس از تعطیلات رسمی نوروز روند افزایشی پیش از تعطیلات را طی کرد و هر دلار آمریکا روز گذشته به ۶۱ هزار و ۳۵۰ تومان افزایش قیمت پیدا کرد و امروز دوشنبه ششم فروردین با ثبت رکوردی تازه به ۶۱ هزار ۵۵۰ رسید.

قیمت دیگر ارزهای رایج در بازار ایران نیز افزایشی بوده است. هر یورو ۶۶ هزار و ۵۶۰ تومان، هر پوند بریتانیا ۳۲۰ تومان و هر لیر ترکیه ۱۹۱۵ تومان قیمت‌گذاری شده است.

قیمت‌ها در بازار طلا نیز صعودی است؛ در روز دوشنبه ششم فروردین ۱۴۰۳ قیمت هر سکه ۳۸ هزار و ۸۰۰ تومان و قیمت هر مثقال طلای آب شده ۱۴ میلیون و ۱۳۶ هزار تومان اعلام شده است.

قیمت بی سابقه دلار به معنای ثبت رکوردی تازه در سقوط ارزش پول ملی ایران، سقوط قدرت خرید و سقوط ارزش دارایی‌ها و پس‌انداز مردم است؛ موضوعی که در گزارش روز گذشته خبرگزاری «آسوشیتدپرس» نیز مورد اشاره

جمهوری اسلامی تلاش می‌کند کنترل «گذرگاه رفح» به دست اسرائیل نیفتد



عملیات نظامی اسرائیل در غزه

۱۴۰۳) گزارش داده بود پشت این توطئه یگان ۴۰۰۰ رژیم ایران، یگان عملیات ویژه سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (ساس) به ریاست جواد غفاری و واحد عملیات ویژه نیروی قدس سپاه در سوریه موسوم به «واحد ۱۸۴۰» قرار داشتند که زیرمجموعه اصغر باکری رئیس «واحد ۸۴۰» هستند.

این توطئه توسط «شین بت» و نیروهای دفاعی اسرائیل در جریان بازجویی از فلسطینیانی که به ظن برنامه‌ریزی برای حملات تروریستی دستگیر شده بودند، فاش شد. منیر مکده یکی از مقامات ارشد سازمان «فتح» ساکن اردوگاه آوارگان فلسطینی عین الحلوه لبنان، در این طرح‌ها دست داشته است.

در جریان حمله اخیر به دیرالزور سوریه بین ۹ تا ۱۶ نفر از شبه‌نظامیان وابسته به سپاه پاسداران کشته شدند که یکی از آنها بهروز واحدی از نیروهای قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بود. این حمله ساعتی پس از آن صورت گرفت که یک هواپیمای باری ایرانی از دمشق در فرودگاه دیرالزور فرود آمد.

امیر سعید ابروانی سفیر جمهوری اسلامی در سازمان ملل در مصاحبه با تلویزیون «ان‌بی‌سی» که بخش‌هایی از آن سه‌شنبه ششم فوریه (۱۷ بهمن‌ماه ۱۴۰۲) منتشر شد تأیید کرد جمهوری اسلامی با گروه‌های فلسطینی «پیمان دفاعی» دارد و با ارسال سلاح و آموزش این گروه‌ها را تقویت می‌کند. وی در پاسخ به پرسش دیگری، ارسال سلاح به سایر گروه‌های شبه‌نظامی منطقه را رد کرد اما گفت، «با گروه‌های دیگر منطقه هماهنگی داریم، مشورت می‌دهیم و شاید آنها را تأمین مالی کنیم.»

رژیم ایران همزمان با تسلیح گروه‌های نیابتی منطقه، روسیه را نیز در جنگ علیه اوکراین پشتیبانی می‌کند. طی دو سال گذشته هزاران فرزند پهباد، موشک و گلوله‌های توپخانه مسیرهای هوایی و دریایی به روسیه منتقل شده است. آنها همزمان به پشتیبانی از گروه‌های شبه‌نظامی در آفریقا نیز پرداخته‌اند.

● سردار پاسدار محمدرضا نقدی معاون هماهنگ‌کننده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دولتمردان آمریکا و اسرائیل را تهدید کرده «مجاهدان عالم» بیکار ننشسته‌اند و حادثه‌ای مهیب‌تر از طوفان الاقصی در راه است.

● تقریباً شش ماه پس از حمله مرگبار «هفت اکتبر» حماس به اسرائیل، با وجود تحریم‌ها و نظارت‌های بین‌المللی به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی از مسیرهای مختلف ارسال تسلیحات به گروه‌های شبه‌نظامی از جمله حزب‌الله و حماس را افزایش داده است.

● برخی منابع غیررسمی می‌گویند جمهوری اسلامی نمی‌خواهد کنترل رفح به دست اسرائیل بیفتد.

سردار پاسدار محمدرضا نقدی معاون هماهنگ‌کننده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، با تهدید دولتمردان آمریکا و اسرائیل تأکید کرده «مجاهدان عالم» بیکار ننشسته‌اند و حادثه‌ای مهیب‌تر از طوفان الاقصی در راه است.

تقریباً شش ماه پس از حمله مرگبار «هفت اکتبر» حماس به اسرائیل، با وجود تحریم‌ها و نظارت‌های بین‌المللی به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی از مسیرهای مختلف ارسال تسلیحات به گروه‌های شبه‌نظامی از جمله حزب‌الله و حماس را افزایش داده است.

برخی منابع غیررسمی می‌گویند جمهوری اسلامی نمی‌خواهد کنترل گذرگاه رفح به دست اسرائیل بیفتد. تاکتیک اصلی برای تأمین این هدف، تشدید عملیات کنترل شده علیه اسرائیل از سایر جبهه‌هاست. رهبران حماس برای حفظ این گذرگاه روی منتقدان و مخالفان بین‌المللی بنیامین نتانیاها حساب باز کرده‌اند.

بسیاری از تحلیلگران می‌گویند این گذرگاه آخرین مجرای لجستیک و تدارکاتی تروریست‌های حماس است و اگر اسرائیل کنترل رفح را به دست بگیرد، ضربه سنگینی به حماس وارد خواهد شد. اما همزمان با چند رشته عملیات هوایی ارتش اسرائیل در اطراف این گذرگاه، شورای امنیت سازمان ملل قطعنامه توقف عملیات نظامی در غزه را تصویب کرد. با اینهمه عملیات اسرائیل همچنان ادامه دارد. در آمریکا منتقدان دولت بایدن می‌گویند که آمریکا در بدترین شرایط با وتو نکردن قطعنامه آتش‌بس به اسرائیل خیانت کرده است.

به گفته سناتور بیل هگرتی، دولت بایدن آنقدر به دنبال جلب رضایت «چپ‌های طرفدار حماس» است، که حاضر است علیه شهروندان و منافع متحدان آمریکا عمل کند. وی در یک اظهار نظر تأکید کرده، «دولت بایدن به اسرائیل خیانت کرد و در کنار تروریست‌های حماس مورد حمایت [رژیم] ایران قرار گرفت، که همچنان شهروندان آمریکا را گروگان می‌گیرند.» یک روز پس از تصویب این قطعنامه، اسماعیل هنیه و زیاد نخاله رهبران حماس و جهاد اسلامی پیرزومندان به آنها تهران رفتند و علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی به آنها قول داد، در ادامه حمایت از آنها تردید نکند.

همزمان با این تحولات، آژانس امنیت داخلی اسرائیل (شین بت) فاش کرد که اخیراً تلاش‌های جمهوری اسلامی برای قاچاق مقادیر زیادی تسلیحات پیشرفته به تروریست‌ها در کرانه باختری رود اردن را خنثی کرده است. این تسلیحات قرار بود علیه اهدافی در خاک اسرائیل استفاده شود. روزنامه «تایمز اسرائیل» ۲۵ مارس ۲۰۲۴ (ششم فروردین

→ قیمت باور نکردنی رسیده است؟ چرا مردم بهبودی در وضع زندگی خود را حس نمی‌کنند اما تا دلتان بخواهد خالی شدن سفره زندگی خود را به چشم می‌بینند.

با اینهمه مقامات دولت رئیسی همچنان ادعاهای پوچ و فرافکنی درباره تورم و دیگر مشکلات اقتصادی را ادامه می‌دهند. محمدرضا فرزین رئیس کل بانک مرکزی فروردین پارسال وعده کاهش تورم در کانال ۲۰ درصد را داده بود اما تورم طی سال گذشته در کانال ۴۰ درصد باقیماند. رئیس کل بانک مرکزی بدون توضیح درباره چرایی عدم تحقق وعده سال گذشته، مدعی شده دولت برای سال ۱۴۰۳ هدفگذاری تورم ۲۰ درصدی را دارد.

محمد مخبر معاون اول ابراهیم رئیسی روز گذشته در ادعایی عجیب گفته دولت در سال گذشته سفره مردم را مدیریت کرده است.

معاون اول رئیس جمهوری افزوده که «یکی از دغدغه‌های اصلی دولت از زمانی که ارز ترجیحی حذف شد تمرکز بر روی سبد غذایی مردم بوده است تا فشار کمتری به مردم به خصوص دهک‌های پایین جامعه وارد شود.»

تعدادی از مقامات دولتی هم در حال فرافکنی درباره وعده‌های اقتصادی پیشتر دولت هستند؛ برای نمونه در حالی که دولت ابراهیم رئیسی در ابتدای فعالیت وعده تک‌رقمی شدن نرخ تورم را داده بود، اکنون با پایداری تورم افزایشی در دو سال و نیم گذشته، معاون پارلمانی رئیس‌جمهور مدعی شده که «گفته‌ایم تورم در سال ۱۴۰۷ تک‌رقمی می‌شود!»

محمد حسینی معاون پارلمانی ابراهیم رئیسی در گفتگو با خبرنگاری «ایسنا» درباره وعده دولت رئیسی درباره تک‌رقمی شدن تورم طی دو سال، گفته «ما گفته‌ایم در پایان برنامه هفتم توسعه تورم یک رقمی می‌شود. نگفتیم این هدف در سال اول دولت محقق می‌شود. برنامه هفتم از سال ۱۴۰۳ آغاز شده و تا ۱۴۰۷ ادامه دارد و ما گفته‌ایم در پایان ۱۴۰۷ تورم باید تک رقمی شود البته اگر روزدتر این هدف به دست آید بهتر است و دولت همه تلاش خود را در این زمینه به کار می‌گیرد.»

محمد حسینی عدم موفقیت دولت در کاهش تورم را به اعتراضات جنبش ملی در سال ۱۴۰۱ مرتبط دانسته و گفته «دولت از ابتدا تلاش کرد تا تورم را مهار کند و در سال اول هم موفقیتی بدست آورد ولی در سال ۱۴۰۱ شاهد بودیم که چه تنش و مشکلاتی در کشور ایجاد کردند. وقتی ناامنی بوجود می‌آید نباید انتظار جذب گردشگر یا سرمایه داشت. ما با جنگ اقتصادی درگیر بودیم. اتفاقات منطقه و جنگ آشکاری که رخ داد هم می‌تواند آثار اقتصادی داشته باشد.» عملکرد نامطلوب دولت رئیسی در مدیریت اقتصادی کشور و سخنان غیرواقعی تیم اقتصادی دولت سبب انتقادهایی از سوی برخی از «خودی‌ها» شده است. از جمله مسعود پزشکیان، نماینده اصلاح‌طلب تبریز در مجلس شورای اسلامی گفته «قرار بود تورم ابتدا نصف و بعد هم تک رقمی شود اما نه تنها نصف نشد بلکه به طور وحشتناکی چند صد برابر شده است.»

مسعود پزشکیان افزوده که «مردم با بخور و نمیر زندگی می‌کنند و ما به شعارهایی هم که درباره عدالت سر دادیم عمل نکردیم.»

در حالی که ادعاهای دروغ دولت رئیسی و تسویه حساب رقبا از دولت با تمرکز بر مشکلات اقتصادی ادامه دارد، این مردم عادی هستند که هزینه ناکارآمدی ۴۵ ساله جمهوری اسلامی را با سفره‌های خالی و فقر و فلاکت پرداخت می‌کنند و هر هفته بیش از پیش به زیر خط فقر رانده می‌شوند.

اقتصاد ایران در ۱۴۰۳؛ تداوم رکود تورمی و نبود برنامه برای توسعه زیرساخت‌ها



برنامه‌ای برای ارتقای زیرساخت‌ها وجود ندارد. بنابراین ایران در سال جدید نیز با این مشکلات ساختاری دست به گریبان خواهد بود.»

سیاست‌های دولت در مدیریت بازار ارز و طلا در حالی با شکست روبرو شده که در آنسو افزایش قیمت‌ها در بازار ارز و طلا به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر افزایش قیمت در دیگر بازارهای کشور موثر است. دولت ابراهیم رئیسی حتی در کاهش تورم نیز شکست خورده و در حالی که رئیس کل بانک مرکزی هدف‌گذاری تورمی در سال ۱۴۰۳ را در کانال ۲۰ درصد اعلام کرده، کارشناسان معتقدند تورم بالاتر از ارقام مورد تصور دولت و بانک مرکزی خواهد بود. در همین رابطه حسین راغفر اقتصاددان تحلیل بدبینانه‌ای از نرخ تورم در سال ۱۴۰۳ دارد. او گفته که «دولت اعلام کرده تورم ۴۰ درصد است و همین حدود را برای سال آینده نیز برآورد کرده‌اند، اما با برآوردهایی که انجام داده‌ایم به نظر من تورم چه بسا، ۶۰ درصد یا بیشتر باشد؛ به ویژه با شرایطی که در حال حاضر داریم. به هر حال تورم هم میانگین ۳۰۰ یا ۴۰۰ قلم کالا است و برای مردم بیشتر آن بخش حس می‌شود که سید کالایی‌شان را تشکیل می‌دهد.»

کامران ندری اقتصاددان نیز با بیان اینکه «کف نرخ تورم در سال جاری در حدود ۳۰ درصد خواهد بود» گفته «نرخ تورم در صورتی در این سطح قرار می‌گیرد که سیاست‌های انقباضی بانک مرکزی ادامه پیدا کند. با این وجود، اگر قیمت حامل‌های انرژی افزایش یابند، حتی با وجود تداوم سیاست‌های بانک مرکزی، تورم می‌تواند به بیش از این هم برسد.»

کامران ندری افزوده «اقتصاد ایران تحت تاثیر تحولات بین‌المللی و همچنین تحولات داخلی است. برای مثال نتیجه انتخابات در کشور آمریکا می‌تواند روی اقتصاد ایران تاثیر قابل ملاحظه‌ای بگذارد؛ بنابراین پیش‌بینی بلندمدت امکان‌پذیر نیست. با این حال در مجموع و با در نظر گرفتن مسائل، مشکلات و چالش‌های بنیادین اقتصاد ایران، به نظر نمی‌رسد که سال ۱۴۰۳ تفاوت چندانی با سال گذشته داشته باشد.»

صورت طلا می‌آید تلاش کرد بازار ارز را از این مسیر هم کنترل کند.»

او توضیح داده «واقعیت این است که فعالان بازار بر اساس آنچه در ذهن‌شان هست و خرد جمعی رهنمون می‌شود، تصمیم می‌گیرند. بازار ارز دولتی ۴۰ هزار تومان را قبول ندارد. دقیقاً برخلاف آنچه آقای خاندوزی در مورد نرخ بازار آزاد می‌گوید. هیچ بانک مرکزی جرأت نکرده برای طلا قیمت بگذارد. اگرچه با خرید و فروش آن تلاش می‌کنند بر قیمت اثر بگذارند، اما اینکه قیمت را تعیین کنند، شدنی نیست.»

چرا که به گفته این کارشناس، «اگر قیمت را کمتر بگذارند تقاضایش بالا می‌رود، اگر بالاتر بگذارند هم مردم خرید نمی‌کنند و از آن طرف فروشنده بیشتر می‌شود. بانک مرکزی با این حرکات عملاً یک طرف بازار را از کار می‌اندازد. تمام این کارها هزینه مبادلات قیمت طلا و ارز را بالا می‌برد. از همین رو می‌توان گفت که در یک سال گذشته اگرچه تلاش‌هایی برای کنترل قیمت طلا انجام شده، اما در واقعیت این اتفاق نخواهد افتاد.»

کامران ندری کارشناس اقتصادی معتقد است مسائل متعدد سیاسی سبب شده شرایط اقتصاد ایران در سال جدید چندان پیش‌بینی‌پذیر نباشد.

به گفته این اقتصاددان «اقتصاد ایران تحت تاثیر تحولات بین‌المللی و همچنین تحولات داخلی است. برای مثال نتیجه انتخابات در کشور آمریکا می‌تواند روی اقتصاد ایران تاثیر قابل ملاحظه‌ای بگذارد؛ بنابراین پیش‌بینی بلندمدت امکان‌پذیر نیست. با این حال در مجموع و با در نظر گرفتن مسائل، مشکلات و چالش‌های بنیادین اقتصاد ایران، به نظر نمی‌رسد که سال ۱۴۰۳ تفاوت چندانی با سال گذشته داشته باشد.»

وی افزوده که «چالش‌های اقتصاد ایران، از جمله ناترازی شبکه بانکی، مسائل زیست محیطی، مشکلات مدیریتی و بحث کسری کسری بودجه، همه عواملی هستند که در سال ۱۴۰۳ به قوت خود باقی می‌مانند و در اقتصاد ایران،

یک تحلیلگر بازار می‌گوید علت افزایش تقاضا با وجود افزایش قیمت در بازار طلا و ارز اینست که افزایش تورم و بی‌ارزش شدن پول ملی سبب تشویق مردم برای حفظ دارایی‌هایشان از این مسیر شده است.

حسین راغفر اقتصاددان: دولت اعلام کرده تورم ۴۰ درصد است و همین حدود را برای سال آینده نیز برآورد کرده‌اند، اما با برآوردهایی که انجام داده‌ایم به نظر من تورم چه بسا، ۶۰ درصد یا بیشتر باشد.

کامران ندری اقتصاددان: چالش‌های اقتصاد ایران، از جمله ناترازی شبکه بانکی، مسائل زیست محیطی، مشکلات مدیریتی و بحث کسری کسری بودجه در سال ۱۴۰۳ به قوت خود باقی می‌مانند.

افزایش قیمت ارز در آخرین روزهای اسفند و نخستین روزهای فروردین موجی از تورم به همراه داشته است؛ در همین حال کارشناسان اقتصادی معتقدند دولت نه تنها توان کاهش تورم را ندارد بلکه برنامه‌ای نیز برای ارتقای زیرساخت‌ها و بهبود شاخص‌های اقتصادی در کار نیست. قیمت دلار در روزهای گذشته وارد کانال ۶۱ هزار تومان شد و رکورد تازه‌ای در کاهش ارزش پول ملی را ثبت کرد. قیمت طلا نیز افزایش یافت بطوری که قیمت هر سکه طلا به مرز ۳۹ میلیون تومان نزدیک شد.

اینهمه در حالیکه که همچنان تقاضا برای ارز و سکه در بازار پابرجاست و گفته شده که ۳۰ درصد از قیمت سکه کاذب و «حباب» است و علت آن هم تقاضای بالا عنوان شده است.

میثم رادپور تحلیلگر بازارهای مالی معتقد است افزایش تورم و بی‌ارزش شدن پول ملی موجب تشویق مردم برای حفظ دارایی‌هایشان از مسیر خرید سکه و ارز شده است. اواخر دی ماه سال گذشته اولین عرضه شمش در مرکز مبادله طلا و ارز ایران انجام شد. به گفته میثم رادپور، «این سیاست از آنجا نشأت گرفت که بخشی از ارز حاصل از صادرات به صورت طلا وارد کشور شده و این مقدارش زیاد شده است. وزارت اقتصاد با تصور اینکه، چون این ارزها به

تهدید نیمی از جمعیت ایران با فرونشست؛ افزایش مهاجرت‌های اقلیمی در داخل کشور



فرونشست و ریزش پل در مهریز یزد

آمارهای ارائه شده وضعیت خشکی منابع آب زیرزمینی در ایران نشان می‌دهد کاهش حجم آب‌های زیرزمینی کشور که از سال ۱۳۵۵ در کشور بطور محسوس شروع شده با گذشت ۴۷ سال، میزان کسری آن به ۱۳۵ کیلومتر مکعب رسیده است.

کاهش سطح آب در تمامی حوضه‌های آبریز کشور محسوس و به تبع آن «فرونشست زمین» در تمامی استان‌های کشور در حال رخ دادن است. نسبت به سال ۱۳۵۵ و دهه ۵۰، تعداد چاه‌های آب در ایران بیش از ۱۷ برابر شده است و از ۴۵ هزار حلقه به بیش از ۸۰۰ هزار رسیده است.

همچنین تعداد دشت‌های ممنوعه و بحرانی از ۲۲ دشت در سال ۱۳۴۵ به ۴۰۵ دشت (۲۷۰ ممنوعه و ۱۳۵ دشت ممنوعه بحرانی، گزارش شرکت مدیریت منابع آب فروردین ۱۳۹۸) در آخر سال ۱۳۹۷ رسیده است.

اینهمه در حالیست که پیش‌بینی می‌شود که برداشت سالانه ۵۰ میلیارد متر مکعبی آب زیرزمینی که ۸۹ درصد آن در کشاورزی است، تعداد دشت‌های ممنوعه و بحرانی در کشور را بطور مستمر بیشتر کند و شامل کلیه دشت‌های کشور خواهد شد.

مرتضی صدیقی معاون فنی سازمان نقشه‌برداری ایران اسفندماه گذشته اعلام کرد که در ادامه بحران فرونشست زمین در مناطق مختلف ایران به علت کم‌آبی و خشکسالی، میزان فرونشست در مناطقی از استان کرمان به بیش از ۴۲ سانتی‌متر، در استان البرز به ۳۰ سانتی‌متر و در پایتخت هم به ۲۴ سانتی‌متر در سال رسیده است.

مرتضی صدیقی با بیان اینکه اکنون ۳۶۰ منطقه با مساحتی معادل پنج درصد کل ایران دچار فرونشست زمین شده‌اند و هفت استان هم از این حیث در نقطه بحرانی قرار دارند، توضیح داد: «مناطق تحت تاثیر ایران با نرخ بالای ۲۰ سانتی‌متر در سال پنج برابر میانگین جهانی نشست می‌کنند و نباید فراموش کرد که عمده مساحت درگیر فرونشست زمین هم مربوط به مناطق شهری

● میزان فرونشست در مناطقی از استان کرمان به بیش از ۴۲ سانتی‌متر، در استان البرز به ۳۰ سانتی‌متر و در پایتخت هم به ۲۴ سانتی‌متر در سال رسیده است.

● در ایران بیش از ۹۵ درصد فرونشست‌ها به دلیل برداشت از سفره‌های زیرزمینی رخ می‌دهد و نیمی از جمعیت کشور در مناطق درگیر با فرونشست زندگی می‌کنند.

● ایران از جمله در گروه کشورهای با تاب‌آوری پایین در مقابل تغییرات اقلیمی است که در برابر رویدادهایی مانند آتش‌سوزی جنگل‌ها، امواج گرما، سیل، خشکسالی و توفان آسیب‌پذیرتر هستند.

در روزهای گذشته همزمان با بارندگی شدید در شهرهای مختلف ایران، چند مورد فرونشست نیز گزارش شده است. در یک نمونه در مهرشهر کرج فرونشست زمین باعث بلعیده شدن یک اتومبیل پژو ۲۰۶ شد. در نمونه دیگری بر اثر فرونشست پایه‌ی یک پل در حال احداث در مهریز یزد فروریخت و راننده لودر که بر روی پل مشغول کار بود آسیب دید.

انتشار گزارش نتایج یک پژوهش مشترک از سوی محققین دانشگاه کلرادو و دانشگاه فنی هامبورگ درباره پدیده فرونشست در جهان که ماه گذشته منتشر شد نشان می‌داد ایران در رتبه دوم نرخ فرونشست و در رتبه سوم از نظر مساحت با این پدیده روبروست.

فرونشست در دنیا دو عامل طبیعی و انسانی دارد و بطور میانگین ۷۷ درصد فرونشست‌های جهان به دلیل عوامل انسانی رخ می‌دهد. از این ۷۷ درصد، ۶۰ درصد آن به علت برداشت بی‌رویه آب از سفره‌های زیرزمینی است، اما در ایران بیش از ۹۵ درصد فرونشست‌ها به دلیل برداشت از سفره‌های زیرزمینی رخ می‌دهد. همچنین در ایران گستردگی دیده فرونشست در حالیست که حدود نیمی از جمعیت کشور در مناطق درگیر با پدیده فرونشست زندگی می‌کنند.

از این اقتصاددان گفته «چالش‌های اقتصاد ایران، از جمله ناترازی شبکه بانکی، مسائل زیست محیطی، مشکلات مدیریتی و بحث کسری کسری بودجه، همه عواملی هستند که در سال ۱۴۰۳ به قوت خود باقی می‌مانند و در اقتصاد ایران، برنامه‌ای برای ارتقای زیرساخت‌ها وجود ندارد. بنابراین ایران در سال جدید نیز با این مشکلات ساختاری دست به گریبان خواهد بود.»

همانطور که کامران ندی اشاره کرده، مشکلات ساختاری اقتصاد ایران همچنان پابرجاست و در آنسو دولت نیز درباره واقعیت‌های موجود با فرافکنی و انکار و تکذیب به دنبال مدیریت افکار عمومی است.

در حالی که لایحه بودجه امسال با کسری عملیاتی روبروست و درآمدهای نوشته شده کمتر از هزینه‌های گنجانده شده در لایحه است، رئیس سازمان برنامه و بودجه در ادعایی نادرست گفته بودجه ۱۴۰۳ کسری ندارد!

داود منظور رئیس سازمان برنامه و بودجه امروز چهارشنبه هشتم فروردین‌ماه گفته قانون بودجه امسال فاقد کسری و قابل تأمین است. او مدعی شده که «کسری بودجه پنهان در قانون بودجه ۱۴۰۳ عملاً وجود ندارد.»

ادعای عجیب عدم کسری بودجه لایحه در حالی از سوی داود منظور اعلام شده که متن لایحه بودجه بیانگر کسری عملیاتی است. پیش از این نیز داود منظور در پی اصلاحات لایحه از سوی مجلس و افزایش برخی هزینه‌ها از جمله میزان درآمد بازنشستگان دولت، گفته بود که تغییرات مجلس حدود ۴۰۰ هزار میلیارد تومان بر بار مالی دولت افزوده است. رئیس سازمان برنامه و بودجه حتی اعلام کرده بود که دولت توان تأمین مالی این مقدار را ندارد.

ارقام منتشر شده از لایحه بودجه نشان می‌دهد در حال حاضر کسری تراز عملیاتی بودجه حدود ۳۰۷ هزار میلیارد تومان است. همچنین مجموع منابع عمومی دولت ۲۴۶۲ هزار میلیارد تومان است که نسبت به بودجه سال گذشته، ۱۸.۲ درصد رشد نشان می‌دهد.

این میزان کسری یعنی تحمیل بار اضافه به شبکه بانکی کشور و سپس افزایش اضافه برداشت بانک‌ها از بانک مرکزی و در نهایت چاپ پول و تورم!

برخلاف ادعاها و فضا سازی مثبت دولت از وضعیت اقتصاد، کارشناسان سال جدید را سالی پرچالش برای اقتصاد کشور ارزیابی می‌کنند و هشدار می‌دهند در صورتی که دولت رویه کنونی در مدیریت اقتصاد را ادامه دهند، بحران‌ها بیشتر خواهند شد.

مهدی پازوکی اقتصاددان و کارشناس ارشد بودجه درباره چالش‌های اقتصادی در سال جدید خورشیدی گفته که «سال ۱۴۰۳ اگر سیاست دولت همین سیاست ۱۴۰۲ باشد، قطعاً مشکلات اقتصادی بیشتر خواهد شد. این دولت برای حل مشکلات اقتصادی با این تیم موفق نمی‌شود. بزرگترین مشکلی که دولت برای اقتصاد فراهم کرده بی ثباتی اقتصادی است بطوری که تا روز ۲۷ اسفند هنوز بخش مخارج دولت در لایحه بودجه به مجلس تقدیم نشده بود.» این اقتصاددان یکی از مسائل اقتصاد کشور را دخالت شدید دولت در همه بخش‌ها ارزیابی کرده و گفته که «دولت باید ثبات اقتصادی را در پیش بگیرد. ثبات هم به معنی تثبیت قیمت نیست. دخالت دولت ایران در اقتصاد بسیار بالاست. ثبات اقتصادی یعنی انضباط اقتصادی در سیستم بانکی، بودجه، اداری و...»

مهدی پازوکی با اشاره به ناکارآمدی شدید دولت سیزدهم افزوده که «اگر من جای رئیسی بودم استعفا می‌دادم و مردم در انتخابات دیگری یک رئیس جمهور جدید انتخاب کنند»

نهاد ریاست جمهوری اسلامی سامان طاهرپور طراح ایرانی در سوئد را تهدید کرد



ویدئو

منابع سوئدی به کیهان لندن گفتند که سامان طاهرپور اولین فردی نیست که از سوی جمهوری اسلامی تهدید به مرگ شده و پلیس و نهادهای امنیتی سوئدی این تهدیدها را بسیار جدی گرفته و شدیداً نگران امنیت جانی شهروندان ایرانی- سوئدی هستند. این تهدیدها البته با بی‌ارتباط با پرونده حمید نوری دستیار ابراهیم رئیسی در تابسان ۶۷ در زندان گوهردشت، که در سوئد به اتهام «جنایت جنگی» و «قتل گروهی» محکوم به حبس ابد شده و این حکم مورد تأیید دادگاه عالی این کشور اروپائی نیز قرار گرفته است. نیست. احمد رأفت با سامان طاهرپور گفتگوئی انجام داده است.

سامان طاهرپور طراح ایرانی ساکن گوتنبرگ در سوئد و موسس شرکت «کیانی کانسپت» در روزهای گذشته از سوی فردی که ادعا کرده به نمایندگی از نهاد ریاست جمهوری از تهران با او تماس می‌گیرد، به دلیل شرکت در تجمعات اعتراضی در خارج کشور تهدید به مرگ شد. نزدیکان این طراح ایرانی در ایران نیز حضوری تهدید شده‌اند. پلیس امنیتی سوئد پس از شنیدن نوار این تهدید تلفنی و تحقیقات مستقلی که انجام داده، از سامان طاهرپور خواست که تدابیر امنیتی خاصی را رعایت کند. خبر تهدید این طراح ایرانی در بسیاری از رسانه‌های نوشتاری و تصویری سوئد انعکاس گسترده‌ای داشته است.

مهدی ضرغامی عضو هیئت‌علمی دانشگاه تبریز نیز خرداد سال ۱۴۰۱ آماري از مهاجرت درون کشوری به دلیل مشکلات اقلیمی ارائه کرده و گفته بود که تحت تأثیر شرایط اقلیمی، ۱۰ هزار خانواده ایرانی سال گذشته از زایل خارج شدند؛ این عددی است که شرکت حمل‌ونقل و ترابری ثبت کرده است.

روزنامه «جهان صنعت» بهمن‌ماه گذشته در گزارشی درباره مهاجرت اقلیمی نوشته بود که ورود مهاجران جدید به یک منطقه به معنای تامین منبع آب، مسکن و... برای آنهاست. وضعیتی که بازار کار، بازار مسکن، ذخایر آبی و... را تحت تأثیر قرار داده و با چالش‌هایی مواجه می‌کند. چنانچه تاکنون مقامات دولتی بارها گفته‌اند تهران دیگر ظرفیت ورود مهاجران جدید را ندارد. شهرهای شمالی کشور نیز که اکنون یکی از مقاصد مهاجرتی هستند با بحران آب و فرونشست زمین دست‌وپنجه نرم می‌کنند. نتیجه آن می‌شود که به مرور زمان، مقصد مهاجرتی نیز با چالش‌های دیگری مواجه می‌شوند. به عبارتی مشکلات حل نمی‌شود، بلکه فقط به منطقه‌ای دیگر منتقل شده و بر حجم آن هم افزوده شده تا جایی که به گره کور تبدیل می‌شود.

می‌شوند. بهرام صلواتی در ادامه افزوده که بر اساس آمارها در سال ۲۰۲۲ تعداد چند هزار بلاای طبیعی رخ داده است و در ایران نیز بر اساس استانداردها، پنج بلاای طبیعی رخ داده است. مدیر رصدخانه ایران با تأکید بر اینکه در ۴۱ بلاای طبیعی شناخته شده در دنیا، ۳۲ مورد آن در ایران شناسایی شده است، گفته که این عدد نشان‌دهنده بلاخیز بودن کشور است. کمبود آب، شامل تنش آبی، کم‌آبی و بحران آب است. مفهوم تنش آب نسبتاً جدید است. تنش آب مشکل در یافتن منابع آب شیرین برای استفاده است، که علت آن تخلیه منابع است. بحران آب وضعیتی است که در آن آب قابل آشامیدن و غیر آلوده در یک منطقه کمتر از تقاضای آن است.

علی سلاجقه رئیس سازمان محیط زیست نیز پیشتر به خبرگزاری «اپلنا» گفته بود که «تغییر اقلیم و بحران‌های زیست‌محیطی ناشی از آن در همه کشورهای از جمله ایران بروز پیدا کرده و به مشکلات مختلفی از جمله مهاجرت اقلیمی دامن زده است.»

یا زمین‌های مناسب کشاورزی و باغداری است.»
علی شهباز کارشناس زمین‌شناسی نیز روز گذشته در رابطه با فرونشست زمین در کشور گفت که افزایش دما و کاهش بارش‌ها منجر به فشار بیشتر به آبخوان و تشدید فرونشست شده است و متأسفانه این شرایط گرم و خشکی که بر کشور ما خاک است تا سال ۲۰۳۰ ادامه‌دار بوده و بر اساس پیش‌بینی‌ها تا سال ۲۰۴۰ ایران در منطقه خاورمیانه جزو کشورهای بسیار پرتنش به واسطه منابع آبی خواهد بود.

به گفته لین کارشناس زمین‌شناسی در نتیجه تا زمانی که شرایط گرما پایدار باشد، اگر اقدام خاصی انجام نشود قطعاً شاهد درگیر شدن مناطق بیشتری از کشورمان با این پدیده خواهیم بود. درحال حاضر ۴۰۰ دشت از ۶۰۸ دشت ایران در محدوده قرمز قرار دارند و هرگونه برداشت آبی از آنها ممنوع است و اگر برداشت از آبخوان‌ها و احیای آنها را دنبال نکنیم، این ریتم ادامه خواهد داشت.
او با بیان اینکه تنها در شناسایی نقاطی که درگیر فرونشست هستند متولی داریم و مقابله با آن بطور جدی دنبال نمی‌شود، گفته سازمان زمین‌شناسی وظیفه شناسایی دشت‌های مستعد و یا دچار فرونشست زمین را بر عهده دارد اما این تنها در حوزه پایش فرونشست است و متأسفانه پرداختن به راهکارهای کاهش آن روی هواست!
علی شهباز افزوده که در وزارت نیرو کمیته‌ای تحت عنوان کمیته «سازگاری با کم آبی» وجود دارد که در آن از ارگان‌های مختلف حضور دارند و فرونشست نیز ذیل این کارگروه دیده شده اما متأسفانه مشخص نیست که خروجی آن بطور ویژه درباره برداشت از آبخوان‌ها، کسری آبخوان‌ها و فرونشست زمین چه بوده است.

فرونشست زمین در کنار دیگر پیامدهای تغییرات اقلیمی از خشکسالی تا سیل و آبگرفتگی بر آمار مهاجرت نیز اثرگذار است. رصدخانه مهاجرت ایران سال گذشته در گزارشی وضعیت تاب‌آوری اقلیمی ایران را مورد بررسی قرار داد.
بر اساس این گزارش شاخص تاب‌آوری داده‌های ۱۸۰ کشور را شامل می‌شود، عوامل کلیدی همچون آسیب‌پذیری، آمادگی برای افزایش سرمایه‌گذاری‌های آب‌وهوایی و توانایی اقتصادی (تولید ناخالص داخلی) کشورها برای انطباق را در نظر می‌گیرد. این شاخص کشورها را در سه گروه تاب‌آوری طبقه‌بندی می‌کند: تاب‌آوری بالا (نمره بین ۶۰ تا ۱۰۰)، تاب‌آوری متوسط (نمره بین ۴۵ تا ۵۹.۹) و تاب‌آوری پایین (نمره پایین‌تر از ۴۵).

بر اساس امتیازات این شاخص، ایران با کسب امتیاز ۳۶ در رتبه هفتاد و دوم این شاخص و در میان کشورهای با تاب‌آوری پایین قرار گرفته است. همچنین بر اساس رتبه‌بندی این شاخص تنها ۱۵ کشور در گروه کشورهای با تاب‌آوری بالا قرار دارند. ۲۳ کشور در گروه تاب‌آوری متوسط و ۱۴۲ کشور در گروه کشورهای با تاب‌آوری پایین قرار دارند.

بر اساس این شاخص اقلیم کشورها و سرمایه‌گذارانی که در گروه کشورهای با تاب‌آوری پایین قرار دارند، در برابر رویدادهای شدید آب و هوایی مانند آتش‌سوزی جنگل‌ها، امواج گرما، سیل، خشکسالی و توفان آسیب‌پذیرتر هستند. بهرام صلواتی مدیر رصدخانه مهاجرت ایران نیز زمستان گذشته اعلام کرد که از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۵ بطور متوسط سالانه یک میلیون نفر مهاجر داخلی داشتیم. این عدد بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵ بوده است و در مدت ۷ سال است که نمی‌دانیم در این زمینه در کشور چه اتفاقاتی افتاده است. در این میان جمعیت مناطق حاشیه‌ای که بیشتر تحت تأثیر تغییرات اقلیمی قرار دارند، به مناطق مرکزی تزیق

نشست شورای عالی مسکن با فرماندهان «اغلب کارکنان نیروهای مسلح نه خانه دارند، نه توان پرداخت اقساط»



جلسه شورای عالی مسکن با حضور ابراهیم رئیسی و فرماندهان ارشد نظامی جمهوری اسلامی / ۲۶ اسفندماه ۱۴۰۲

● نشست شورای عالی مسکن به ریاست ابراهیم رئیسی و فرماندهان ارشد نیروهای مسلح جمهوری اسلامی روز شنبه ۲۶ اسفندماه در تهران برگزار شد. این نشست در ارتباط با یکی از اصلی‌ترین عوامل نارضایتی نیروهای مسلح یعنی مشکل مسکن بود.

● حسین سلامی فرمانده کل سپاه پاسداران با اعلام اینکه «در سپاه ۱۰۰ هزار نفر فاقد مسکن هستند اما حقوق پایین کارکنان، وضعیت را دشوار می‌کند»، فرمانده سپاه توضیح نداد چرا این نهاد با وجود درآمدهای نجومی و رانت‌های بی‌حساب و کتاب، در تأمین مسکن برای پرسنل ناتوان است؟

● سرلشکر عبدالرحیم موسوی فرمانده کل ارتش در اظهاراتی با اشاره به مشکلات زندگی پرسنل گفت، «واقعیت این است که کارکنان نه آورده آنچنانی دارند و نه توان بازپرداخت اقساط را دارند؛ البته ما در ارتش هرچه از دست‌مان برآمده، انجام داده‌ایم».

● محمد باقری رئیس ستاد کل نیروهای مسلح در نشست شورای عالی مسکن توضیح داد، «۵۰ درصد و یا بیشتر از درآمد همکاران بنده صرف مسکن می‌شود و این وضعیتی است که قدری آنها را در اداره زندگی‌شان دچار مشکل می‌کند»، وی گفت: «طبیعتاً اگر موضوع مسکن حل شود، در جذب نیروهای مسلح، تداوم خدمت خالصانه و سایر ابعاد زندگی و روحیه کارکنان تأثیر بسزایی دارد».

● احمدرضا رادان فرمانده انتظامی جمهوری اسلامی ۱۱ بهمن‌ماه گفته بود، «۷۰ درصد از درآمد و حقوق همکاران‌مان صرف مسکن می‌شود».

نشست شورای عالی مسکن به ریاست ابراهیم رئیسی و فرماندهان ارشد نیروهای مسلح جمهوری اسلامی روز شنبه ۲۶ اسفندماه در تهران برگزار شد. این نشست در ارتباط با یکی از اصلی‌ترین عوامل نارضایتی نیروهای مسلح یعنی مشکل مسکن بود.

بجز اقلیتی در رده‌های بالای قوای نظامی، اغلب آنها از کافی نبودن حقوق ماهانه و اجاره‌نشینی ناراضی هستند.

در این نشست محمد باقری رئیس ستادکل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی، حسین سلامی فرمانده سپاه پاسداران، عبدالرحیم موسوی فرمانده ارتش، احمد رادان فرمانده انتظامی جمهوری اسلامی، محمدرضا قرایی آشتیانی وزیر دفاع و سردار پاسدار احمد وحیدی وزیر کشور حضور داشتند. پاسدار سلامی با اعلام اینکه «در سپاه ۱۰۰ هزار نفر فاقد مسکن هستند» گفت: «برای ما تأمین مسکن برای فاقدین مسکن بسیار مهم است و ۵۰ هزار واحد مسکونی سازمانی را هم پیش‌بینی کرده‌ایم اما سود بالای بانکی و حقوق پایین کارکنان، وضعیت را دشوار می‌کند». فرمانده سپاه توضیح نداد چرا این نهاد با وجود درآمدهای نجومی و رانت‌های بی‌حساب و کتاب، در تأمین مسکن برای پرسنل ناتوان است؟

سرلشکر عبدالرحیم موسوی فرمانده کل ارتش ادعا کرد، «هم‌اکنون ۵۴ هزار و ۵۰۰ واحد مسکونی در حال اجرا از مرحله صدور پروانه تا مرحله نزدیک به تحویل داریم و ۲۳ هزار و ۵۰۰ واحد نیز در حال ساخت است».

وی افزود: «ما به دنبال آن هستیم تا با همکاری وزارت راه و شهرسازی بتوانیم ۱۵۰ هزار واحد مسکونی مورد نیاز را

تأمین کنیم» اما او نیز کمبود منابع مالی را «مهمترین چالش برای ساخت مسکن دانست». وی گفت: «واقعیت این است که کارکنان نه آورده آنچنانی دارند و نه توان بازپرداخت اقساط را دارند؛ البته ما در ارتش هرچه از دست‌مان برآمده، انجام داده‌ایم».

موسوی ششم مرداد ۱۴۰۱ طی یک سخنرانی در «دانشگاه دافوس» به صورت رسمی از پرسنل به دلیل «عدم موفقیت در رفع دغدغه‌های معیشتی» عذرخواهی کرد. فرمانده ارتش گفته بود، «بنده در شهریور ماه سال ۱۳۹۶ با محاسبه و توکل بر خدا صراحتاً یکسری برنامه‌هایی را جهت اجرایی شدن اعلام کرده و بر همین اساس قول‌هایی را داده بودم؛ از جمله اینکه ظرف مدت پنج سال دغدغه معیشت کارکنان را در ذهن رهبر معظم انقلاب اسلامی و خانواده‌های ارتشی مرتفع کنم که متأسفانه در این رابطه موفق نشدم».

وی در همان سخنرانی اعتراف کرد، «در موضوع معیشت به اهداف تعیین شده دست نیافتیم و بر خود لازم می‌دانم از همین تریبون و در حضور نمایندگان ارتش جمهوری اسلامی ایران از رهبر معظم انقلاب اسلامی و کارکنان و خانواده‌های محترم و صبور ارتشی عذر خواهی کنم».

احمدرضا رادان فرمانده انتظامی جمهوری اسلامی ۱۱ بهمن‌ماه گفته بود، «۷۰ درصد از درآمد و حقوق همکاران‌مان صرف مسکن می‌شود».

رئیس‌ی در نشست شورای عالی مسکن مدعی شد که ۱۰ هزار واحد مسکونی به نیروهای مسلح واگذار شده است! همچنین توضیح داد وزارت راه و شهرسازی با وزارت دفاع برای اجرای یک طرح ویژه قرارداد ساخت مسکن امضاء کرده است.

مشخص نیست در این طرح قرار است چه اتفاقی بیفتد اما مشاور وزیر راه و شهرسازی اشاره کرده «مهمترین ویژگی این دستورالعمل این است که زمین‌های بلااستفاده نیروهای مسلح با اولویت خانواده‌های آنها وارد شبکه زمین کشور شود و بتواند بسیاری از نیازهایی که در برخی شهرها در

مسکن‌سازی برای جذب نیروهای مسلح!

محمد باقری رئیس ستاد کل نیروهای مسلح در این نشست تلاش کرد پرسنل را امیدوار نگه دارد. وی طی سخنانی گفت، «جایگاه مسکن در معیشت همه مردم جایگاه خاص و مهمی است، اما برای نیروهای مسلح به لحاظ دغدغه کاری، اضطراب و ویژگی‌های کاری که دارند، جایگاه ویژه‌تری دارد و بدیهی است که همه ما باید تلاش کنیم که آن رزمندگی که در مرز، مناطق امنیتی و مناطق مأموریتی مشغول انجام خدمت خالصانه و شبانه‌روزی است، کمتر دغدغه مسکن را داشته باشد و بدین جهت کار اهمیت بیشتری پیدا می‌کند». او نیز تأکید کرد «۵۰ درصد و یا بیشتر از درآمد همکاران بنده صرف مسکن می‌شود و این وضعیتی است که قدری آنها را در اداره زندگی‌شان دچار مشکل می‌کند و طبیعتاً اگر موضوع مسکن حل شود، در جذب نیروهای مسلح، تداوم خدمت خالصانه و سایر ابعاد زندگی و روحیه کارکنان تأثیر بسزایی دارد».

باقری همچنین گفت: «تلاش نیروهای مسلح این است که در دهه دوم و سوم خدمتی‌شان و حتماً قبل از زمان بازنشستگی صاحب خانه ملکی شوند و این دغدغه را نداشته باشند، لذا ما باید هم خانه ملکی و شخصی و هم خانه سازمانی را همزمان دنبال کنیم که طبیعتاً کار سنگینی است».

وی گفت، در بعضی استان‌ها وضعیت زمین برای ساخت مسکن مناسب است اما در بعضی استان‌ها مثل تهران «مشکل بزرگ» است و نیروهای مسلح زمین مناسبی ندارند. اگرچه بخش عمده درآمدهای ایران صرف تقویت قوای نظامی و تأمین مالی گروه‌های نیابتی می‌شود اما پرسنل میانی در ارگان‌های مربوطه به شدت با مشکلات مالی روبرو هستند هرچند نارضایتی‌ها آنها به دلیل محدودیت‌های شغلی و حفاظتی کمتر علنی و مطرح می‌شود.

برخلاف ادعای دولت؛ رشد اقتصادی در شرایط فعلی غیرممکن است

به گفته پیمان مولوی «متوسط رشد اقتصادی کشور در ۱۲ سال گذشته صفر بوده و این عدد و رقم است و به خوشایند کسی ربطی ندارد. با تحریم نمی‌توان رشد اقتصادی ایجاد کرد.» محمدرضا فرزین رئیس کل بانک مرکزی در دیدار پایان سال با مدیران بانکها اعلام کرده که برنامه‌ریزی بانک مرکزی تا پایان سال ۱۴۰۳ دستیابی به رشد نقدینگی ۲۳ درصد با دامنه مثبت و منفی ۲ درصد و قرار گرفتن نرخ تورم نقطه به نقطه در کانال ۲۰ درصد است.

این در حایست که بر اساس اعلام مرکز آمار، شاخص قیمت مصرف‌کننده در ۱۲ ماه منتهی به اسفندماه سال گذشته نسبت به دوره مشابه سال قبل، ۴۲/۵ درصد افزایش داشته و حجم نقدینگی هم در پایان دی‌ماه ۱۴۰۲ نیز به بیش از ۷ هزار و ۵۵۰ میلیارد تومان رسیده که نسبت به پایان سال ۱۴۰۱ معادل ۱۹/۲ درصد رشد نشان می‌دهد.

رئیس کل بانک مرکزی و دیگر مقامات اقتصادی دولت سیزدهم با ارائه چنین آمارهایی ادعای بهبود شرایط اقتصادی کشور و افزایش رشد اقتصادی دارند.

پیمان مولوی اما معتقد است که «رئیس بانک مرکزی مسئول ایجاد رشد اقتصادی نیست. سیاستگذاری کلان باید به سمت حل موضوع تحریم‌ها برود و از طرف دیگر رتبه آزادی اقتصادی ما ۱۶۰ و ۱۶۵ است که جزو لیگ کشورهای بسته اقتصادی است. مانند زیمبابوه، ونزوئلا، سودان، لبنان. باید به سمت آزادسازی اقتصاد برویم. متأسفانه بسته‌ترین کشور و یکی مانده به آخر از نظر تجارت آزاد هستیم. با تحریم و این رتبه تجارت آزاد اتفاقی نخواهد افتاد.»

این اقتصاددان گفته که «روی کاغذ همه چیز امکان‌پذیر است و تمام سناریوهای اقتصادی را نوشت و برنامه ریزی کرد، اما چه خروجی خواهد داشت و تا چه اندازه این سیاست می‌تواند موفق باشد که آن را زمان مشخص می‌کند. اینکه نقدینگی را به زیر ۲۵ درصد و تورم را به ۲۰ درصد برسانیم براساس محاسبات سوال پیش می‌آید.»

به گفته پیمان مولوی «نکته‌ای که رئیس بانک مرکزی گفته به تورم نقطه‌ای ۲۰ درصد می‌رساند. نقطه‌ای ممکن است به ۲۰ درصد در انتهای سال ۱۴۰۳ برسد، اما متوسط تورم سالیانه نمی‌تواند با رشد ۲۵ و ۲۳ درصدی نقدینگی به زیر ۲۰ درصد بیاید. این یک سناریوی خوش بینانه است.»

او در ادامه افزوده که «همیشه باید یک سناریوی میانه و یک سناریوی بدبینانه داشته باشیم. در سناریوی خوش بینانه نقدینگی می‌تواند در همین کانال، رشد اقتصادی بالای ۴ درصد باشد. تورم ۳۰ درصد هم می‌توان سال آینده دید، اما اگر نقدینگی از ۲۵ درصد به سمت ۳۰ درصد و رشد اقتصادی هم به زیر ۳ درصد برود وارد کانال ۳۵ تا ۴۰ درصد می‌شویم. هر چقدر نقدینگی بیشتر و رشد اقتصادی کمتر شود وارد کانال‌های بالاتر می‌شویم.»

دولت رئیسی طی دو سال گذشته بارها مدعی رشد اقتصادی، کاهش تورم و بهبود وضعیت شاخص‌های اقتصادی شده بود. آلبرت بغزیان اقتصاددان و تحلیلگر اقتصادی پیشتر در اینباره گفته بود: تا زمانی که تورم داریم، ادعای رشد اقتصادی هیچ ارزشی ندارد.»

این اقتصاددان تأکید کرده بود که «دولت به کرات از توفیق‌ها، افزایش رشد اقتصادی، کاهش نرخ تورم و... شنیده‌ایم اما همچنان در موقعیتی قرار داریم که دهک‌ها بطور دائم تنزل رتبه پیدا کرده و به همین میزان مردم گرفتاری‌های لاینحلی را تجربه می‌کنند.»



گذشته در گزارشی با بررسی لایحه بودجه ۱۴۰۳ به انقباضی بودن این بودجه در بخش صنعت و معدن تأکید کرد. این گزارش از رشد منفی صنعت و معدن، بدون محاسبه نفت، در تابستان امسال خبر داده و گفته بود روند تشکیل سرمایه خالص این بخش زیر صفر بوده است.

این مرکز نوشته که تجربه رشد ۷ درصدی در تابستان سال ۱۴۰۲، بخش تولید همچنان دچار رشد کم بوده است. همچنین تأکید شده که رشد بخش صنعت در ۶ ماهه ابتدای سال جاری ناپایدار بوده، بطوری که رشد این بخش در بهار سال ۱۴۰۲ حدود ۳/۶ درصد و در تابستان همین سال به ۲/۶ درصد نسبت به مدت مشابه سال قبل رسیده است.

بر اساس توضیح ارائه شده از سوی این نهاد پژوهشی، طی سال‌های گذشته با وجود رشد سرمایه‌گذاری، به دلیل بالا بودن نرخ استهلاک، خالص سرمایه‌گذاری ثابت در بخش صنعت منفی شده و علاوه بر آن سهم سرمایه‌گذاری از تولید ناخالص داخلی کاهش یافته است.

به گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی تداوم حضور عوامل بی ثبات کننده در اقتصاد ایران در سالهای اخیر موجب شده تا افق رونق های اقتصادی در ایران طولانی نباشد و بخش تولید هر ساله با دوره‌های رکود و رونق روبرو شده و در مجموع از روند پایداری برخوردار نشود. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی همچنین با بیان اینکه «بودجه سال ۱۴۰۳ نسبت به بخش صنعت انقباضی است» نوشته که با وجود تأکید بر برنامه‌محور بودن لایحه بودجه، اهم راهبردهای برنامه هفتم پیشرفت کشور در حمایت هدفمند از افزایش سرمایه‌گذاری در بخش صنعت و معدن، در لایحه بودجه ۱۴۰۳ مغفول مانده است.

آمارهای رشد اقتصادی مورد ادعای دولت برای سال گذشته و همچنین هدفگذاری رشد هفت درصدی در سال جدید خورشیدی با ابهام روبروست. پیمان مولوی عضو انجمن اقتصاددانان ایران معتقد است که «چه این دولت و چه دولت قبل راهی جز رشد اقتصادی ندارد و با تحریم نمی‌توان رشد اقتصادی ایجاد کرد. ۱۲ سال تجربه این را نشان داده است.»

● دولت در لایحه بودجه ۱۴۰۳ رشد اقتصادی ۷ درصدی را هدف‌گذاری کرده است. این هدف با استناد به آمارهای مورد ادعای دولت از رشد اقتصادی ۶ ماهه اول سال ۱۴۰۲ در نظر گرفته شده است.

● ابراهیم رئیسی: شاهد رشد اقتصادی و رشد تولید هستیم، رشد نقدینگی کنترل شده و تورم کاهش یافته است. باید خدا را شکر و تلاش کنیم این روند تثبیت شود و باید تورم کاهشی‌تر شود!

● عضو انجمن اقتصاددانان ایران: متوسط رشد اقتصادی کشور در ۱۲ سال گذشته صفر بوده و این عدد و رقم است و به خوشایند کسی ربطی ندارد. با تحریم نمی‌توان رشد اقتصادی ایجاد کرد.

در حالی که صندوق بین‌المللی پول رشد اقتصادی ایران در ماه‌های آینده را کاهشی پیش‌بینی کرده، مقامات دولت مدعی رشد اقتصادی ۶ درصدی در سال گذشته و رسیدن به رشد اقتصادی ۷ درصدی در سال جدید خورشیدی هستند. کارشناسان اقتصادی معتقدند که رشد اقتصادی در شرایط کنونی با وجود بن‌بست‌ها در سیاست خارجی و تداوم تحریم‌ها امکان‌پذیر نیست.

دولت در لایحه بودجه ۱۴۰۳ رشد اقتصادی ۷ درصدی را هدف‌گذاری کرده است. این هدف با استناد به آمارهای مورد ادعای دولت از رشد اقتصادی ۶ ماهه اول سال ۱۴۰۲ در نظر گرفته شده است.

احسان خاندوزی وزیر اقتصاد جمهوری اسلامی اواخر زمستان امسال مدعی شد که در ۹ ماهه نخست سال ۱۴۰۲ رشد اقتصادی با نفت مثبت ۶/۶۸ بوده است. او افزوده بود دستیابی به این مقدار رشد، دومین رکوردشکنی دولت سیزدهم در رشد اقتصادی از سال ۱۳۹۶ به بعد است.

وزیر اقتصاد جمهوری اسلامی همچنین با اعلام آمارهای تفکیکی گفته بود که میانگین رشد اقتصادی در ۶ ماهه اول ۱۴۰۲، ۷/۵ درصد بوده است.

ابراهیم رئیسی ششم فروردین‌ماه جاری در «گردهمایی مدیران و کارگزاران دولت» مدعی شد که «کشور شاهد رشد اقتصادی و رشد تولید هستیم، رشد نقدینگی کنترل شده و تورم کاهش یافته است. باید خدا را شکر و تلاش کنیم این روند تثبیت شود و باید تورم کاهشی‌تر شود.»

رئیس دولت سیزدهم افزود: «امروز اقتصاد مسئله محوری است و در اقتصاد محور تولید است و تولید باید جهشی دنبال شود.»

اینهمه در حالیکه صندوق بین‌المللی پول در گزارشی در اکتبر ۲۰۲۳ رشد اقتصادی ایران برای سال ۲۰۲۴ را کاهشی پیش‌بینی کرده است.

بر اساس این پیش‌بینی در سال ۲۰۲۴ رشد اقتصادی ایران با کاهش نسبت به سال ۲۰۲۳ به ۳/۷ درصد و حتی در سناریوی بدبینانه‌تر به ۲/۵ درصد خواهد رسید.

همچنین پیش‌بینی شده ایران در رابطه با رشد اقتصادی در رتبه ششم در میان ۱۸ کشور منطقه قرار خواهد گرفت. گزارش صندوق بین‌المللی پول نشان می‌داد که کاهش سرعت رشد اقتصادی که از سال ۲۰۲۳ آغاز شده اما همچنان تا سال ۲۰۲۵ ادامه خواهد یافت؛ بر این اساس رشد اقتصادی پیش‌بینی‌شده برای ایران در سال ۲۰۲۵ به ۲/۳ درصد می‌رسد و ایران در جایگاه دوازدهم منطقه قرار خواهد گرفت.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نیز دی‌ماه سال

احکام سنگین زندان برای یازده فعال حقوق زنان در استان گیلان



@kayhan london

دادگاه انقلاب رشت این ۱۱ فعال امور زنان را به بیش از ۶۰ سال حبس محکوم کرده است. این وکیل دادگستری درباره احکام صادره برای موکلانش گفت که فروغ سمیع‌نیا، به اتهام «اجتماع و تبانی به قصد برهم زدن امنیت کشور» به ۳ سال و ۶ ماه و یک روز حبس و به اتهام «عضویت در گروه غیرقانونی» به ۲ سال و ۷ ماه و ۱۶ روز حبس تعزیری محکوم شد.

مصطفی نیلی افزوده بود که جلوه جواهری هم به اتهام «تبلیغ علیه نظام» به یک سال حبس تعزیری محکوم شده است. بر اساس گزارش‌ها فعالان بازداشت شده، برای اعتراف اجباری در معرض شکنجه و ضرب و جرح و فشارهای روانی قرار گرفته بودند. سارا جهانی دکتر داروساز و از بازداشت‌شدگان در شهر رشت هنگام بازداشت به دلیل مقاومت در برابر دادن رمز گوشی موبایلش به مأموران به شدت مورد ضرب و جرح قرار گرفت. گزارش‌ها حاکی از آن بود که هومن طاهری از دیگر بازداشت‌شدگان این پرونده، بر اثر ضرب و جرح در جریان بازجویی یک دندان خود را از دست داده، صورتش به شدت متورم شده و آثار کبودی بر گردن و قفسه سینه و خراش در دیگر نقاط بدنش پس از گذشت چند روز و انتقال او به بند عمومی، همچنان قابل مشاهده بوده است.

پس از بازداشت فعالان حقوق زنان در گیلان، شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران با انتشار بیانیه‌ای بازداشت‌ها را محکوم کرد و نوشت: «حاکمیت نیز واقف است که این داستان‌پردازی‌های بی‌اساس هیچ مبنایی در جهان واقع و هیچ تأثیری در اراده‌ی نیروهای معترض ندارد. نیز بر همگان روشن شده است که این سناریوسازی‌ها مطلقاً هیچ مخاطبی در سطح جامعه ندارد و هیچ عقل سلیمی این داستان‌های جن و پری سناریونویس‌های کم‌هوش و غیرخلاق نهادهای امنیتی را باور ندارد.»

صدها کنشگر مدنی نیز در بیانیه‌ای بازداشت جمعی از فعالان حقوق زنان و فعالین سیاسی در گیلان را تکرار سناریوهای وزارت اطلاعات و رسانه‌های وابسته به نهادهای امنیتی خوانده و خاطرنشان کردند این بازداشت‌ها «به وضوح از هراس نزدیک شدن به سالگرد خیزش ژینا نشات می‌گیرد و با هدف انتقام‌جویی علیه خیزش درون‌زای «زن، زندگی، آزادی» ادامه دارد.»

گیلان ۲۶ مرداد ۱۴۰۲ اعلام کرده بود «یک تیم تشکیلاتی» شامل ۱۲ نفر به اتهام «تشکیل دوره‌های براندازی نرم» و «اقدامات ضدامنیتی متعدد» بازداشت شدند.

در این اطلاعیه آمده بود «این افراد که سابقه فعالیت‌های ضدامنیتی متعددی در اغتشاشات سال گذشته را دارند، با شناسایی و گردآوردن دیگر افراد سابقه‌دار در آن وقایع و فریب تعدادی از جوانان و متشکل نمودن آنها، در حال فراهم آوردن مقدمات اغتشاش و ناامنی در سطح استان گیلان و برخی شهرستان‌های استان کردستان بودند.»

اطلاعات گیلان ادعا کرده بود دو نفر از اعضای این تیم که رهبری آنها را به عهده داشتند «در دوره‌های براندازی نرم که توسط سرویس‌های اطلاعاتی دشمن در خارج از کشور برگزار شده آموزش دیده و پس از مراجعت به کشور، ضمن حفظ ارتباط با برگزارکنندگان شناخته شده دوره‌ها، مبالغ قابل توجهی پول در پوشش کمک به خانوادگی آسیب‌دیدگان وقایع سال گذشته دریافت کردند.»

عوامل وزارت اطلاعات در استان گیلان مدعی شدند این افراد بخش اندکی از پول دریافتی را خرج خانواده آسیب‌دیدگان کنند و محل هزینه‌ی مابقی وجوه دریافتی وضعیت نامشخصی دارد که در دست بررسی است! یکی دیگر از اتهامات این افراد ارتباط با شبکه «ایران اینترنشنال» است. بر اساس بند آخر این اطلاعیه «اعضای گروه با فراخوان تعدادی از مرتبیتین خود در زمان‌ها و مکان‌های مشخص شده و انجام رفتارهای هنجارشکن، از آن صحنه‌ها فیلمبرداری کرده و تصاویر تهیه شده را به رسانه‌های معاند ارسال می‌کردند.»

از دیگر موارد اتهامی این افراد برقراری ارتباط با خانواده جانباختگان افرادی است که در اعتراضات سال ۱۴۰۱ جان باخته‌اند. اداره اطلاعات گیلان مدعی شده آنها افرادی را که بستگان خود را از دست داده‌اند تحریک می‌کردند.

جلسه دادگاه رسیدگی به فعالان بازداشت‌شده دهم اسفند ۱۴۰۲ در شعبه سوم دادگاه انقلاب رشت برگزار شد. این فعالین به «اجتماع و تبانی»، «تشکیل گروه با هدف برهم زدن امنیت ملی» و «عضویت در گروه» متهم شدند. مصطفی نیلی، وکیل فروغ سمیع‌نیا و جلوه جواهری، روز چهارشنبه ۸ فروردین به «شبکه شرق» گفت که شعبه سوم

● زهره دادرس به اتهام تشکیل گروه با هدف برهم زدن امنیت ملی به شش سال و یک روز حبس تعزیری و به اتهام اجتماع و تبانی، به سه سال و شش ماه و یک روز حبس تعزیری محکوم شده است.

● فروغ سمیع‌نیا، سارا جهانی، یاسمین حشدری، شیوا شاه‌سیا، نگین رضایی، متین یزدانی، آزاده چاووشیان و زهرا دادرس هر یک در مجموع به شش سال و سه ماه و ۷ روز حبس محکوم شدند.

● جلوه جواهری و هومن طاهری هم به اتهام تبلیغ علیه نظام به یک سال حبس تعزیری محکوم شدند.

بر اساس رأی صادر شده از سوی شعبه سوم دادگاه انقلاب رشت، یازده فعال حقوق زنان در استان گیلان را که تابستان گذشته بازداشت شده بودند، به یک تا بیش از ۹ سال زندان محکوم کرد. شعبه سوم دادگاه انقلاب رشت به ریاست قاضی مهدی راسخی روز چهارشنبه ۸ فروردین حکم ۱۱ فعال حقوق زنان این استان را اعلام کرد.

زهرا دادرس، زهره دادرس، نگین رضایی، متین یزدانی، فروغ سمیع‌نیا، جلوه جواهری، یاسمین حشدری، شیوا شاه‌سیا، هومن طاهری، واحده خوش‌سیرت و سارا جهانی فعالانی هستند که ۲۵ مرداد ۱۴۰۲ در عملیات هماهنگ وزارت اطلاعات بطور همزمان در شهرهای مختلف بازداشت شدند. بر اساس حکم صادر شده، زهره دادرس در مجموع به ۹ سال و ۶ ماه حبس محکوم شده است. او به اتهام تشکیل گروه با هدف برهم زدن امنیت ملی به شش سال و یک روز حبس تعزیری و به اتهام اجتماع و تبانی، به سه سال و شش ماه و یک روز حبس تعزیری محکوم شده است.

فروغ سمیع‌نیا، سارا جهانی، یاسمین حشدری، شیوا شاه‌سیا، نگین رضایی، متین یزدانی، آزاده چاووشیان و زهرا دادرس هر یک در مجموع به شش سال و سه ماه و ۷ روز حبس محکوم شدند. در رابطه با اتهام اجتماع و تبانی به قصد برهم زدن امنیت کشور، این فعالان به سه سال و شش ماه و یک روز حبس و به اتهام عضویت در گروه غیرقانونی به دو سال و هفت ماه و ۱۶ روز حبس تعزیری محکوم شدند. جلوه جواهری و هومن طاهری هم به اتهام تبلیغ علیه نظام به یک سال حبس تعزیری محکوم شدند. پس از بازداشت این فعالان، اداره کل اطلاعات استان

صف‌های طولانی با اتومبیل برای بازدید از تخت جمشید

برخی روزنامه‌های داخلی ایران از جمله «اطلاعات» با انتشار این عکس و تصاویر مشابه از «شلوغی بی‌سابقه در ورودی تخت جمشید» خبر داده‌اند. میزان استقبال برای بازدید از تخت جمشید در نخستین روزهای سال نو خورشیدی به حدیست که صف‌های طولانی در مسیر منتهی به آن تشکیل شده است. در ساعات پیش از تحویل سال در سه‌شنبه ۲۹ اسفند نیز با اینکه خربهایی درباره مسدود شدن راه‌های پاسارگاد منتشر شده بود اما جمعیت زیادی نوروز و سال جدید را در کنار آرامگاه کوروش بزرگ آغاز کردند. صدها تن نیز در حافظیه شیراز گرد آمدند تا شروع سال نو را جشن بگیرند.

سکوت قوه قضاییه و خامنه‌ای درباره افتضاح امام جمعه تهران؛ زمین‌خواری با معامله‌ای ۱۵۰ برابر زیر قیمت!

در حالی که قیمت تقریبی این ملک ۱۰۰۰ میلیارد تومان است، مبلغ فروش آن در سند فقط شش میلیارد و ششصد میلیون تومان ذکر شده است. هیچ سند بانکی برای پرداخت همین رقم هم وجود ندارد و در سند تازه منتشرشده آمده که این مبلغ نقد پرداخت شده است. با رقمی که امام جمعه تهران یک باغ ۴۲۰۰ متری را در روندی غیرقانونی به جیب زده حتی نمی‌توان یک آپارتمان چند ده متری کوچک در منطقه ازگل در شمال تهران خریداری کرد!

علی کریمی:

هنرمندان خریدنی نیستند

در حالی که عکس‌های بهروز وثوقی و شاهزاده رضا



اخراج شماری از کارگران گروه ملی فولاد اهواز؛ تعدادی از کارگران نیز در نوبت اخراج!

اخراج کارگران با پرونده‌سازی عوامل امنیتی و حراست و با صحنه‌گردانی علی محمدی مدیرعامل گروه ملی صنعتی فولاد ایران انجام شده است. منابع کارگری گزارش دادند تصمیم به اخراج این کارگران «در پی ماه‌ها تلاش شکست‌خورده برای ایجاد تفرقه» بین کارگران و نیز «شایعه‌سازی‌های شرم‌آور برای برخی همکاران» اجرا شده است. از ابتدای پاییز تا اسفندماه گذشته این کارگران در چند دوره اعتصاب کردند و این اعتراضات با راهپیمایی در خیابان‌های شهر اهواز همراه بود.

دامپزشکی استان «خراسان رضوی»:

پلمب ۴ مرکز عرضه گوشت حیوانات تک‌سمی در مشهد و طر‌قبه-شان‌دیز

اداره کل دامپزشکی «خراسان رضوی» از پلمب ۴ مرکز عرضه گوشت حیوانات تک‌سمی (اسب، الاغ و قاطر) در مشهد و طر‌قبه- شان‌دیز در بازه زمانی ۱۹ اسفند ۱۴۰۲ تا ۱ فروردین ۱۴۰۳ خبر داد. دکتر سید محمد احمدی مدیرکل دامپزشکی «خراسان رضوی» با اعلام این خبر گفت: «در پی تشدید نظارت‌های بهداشتی دامپزشکی در ایام نوروز، ۴ مرکز متخلف که اقدام به عرضه گوشت حیوانات تک‌سمی می‌کردند، شناسایی و پلمب شدند.»

ادعاهای دروغ و ویرانی ایران

دولت سیدابراهیم رئیسی معروف به «قاضی مرگ» دست دولت‌های قبلی جمهوری اسلامی را از نظر ادعاهای بیجا و دروغ درباره وضعیت به ویژه اقتصادی کشور از پشت بسته است. یکی از دروغ‌های بدیع که این اواخر مرتب توسط مقامات



سکوت قوه قضاییه و خامنه‌ای درباره افتضاح امام جمعه تهران

در حالی که قیمت تقریبی این ملک ۱۰۰۰ میلیارد تومان است، مبلغ فروش آن در سند فقط شش میلیارد و ششصد میلیون تومان ذکر شده است. هیچ سند بانکی برای پرداخت همین رقم هم وجود ندارد و در سند تازه منتشرشده آمده که این مبلغ نقد پرداخت شده است. با رقمی که امام جمعه تهران یک باغ ۴۲۰۰ متری را در روندی غیرقانونی به جیب زده حتی نمی‌توان یک آپارتمان چند ده متری کوچک در منطقه ازگل در شمال تهران خریداری کرد!

۳ هزار پرنده در معرض خطر قاچاقچیان

«بیشترین قاچاق پرندگان مربوط به بالابان، شاهین و بحری است، اما بعضاً تعدادی از این پرنده‌ها در حین قاچاق از بین می‌روند.» چهار گونه ارزشمند پرندگان شکاری بومی شامل شاهین، بالابان و بحری و هوبره وجود دارد که علاوه بر بالا بودن آمار قاچاق آنها، گونه‌های در خطر انقراض محسوب می‌شوند. گزارش‌های مختلف از افزایش قاچاق گونه‌های حیات وحش از ایران حکایت دارند؛ از خرس و گربه‌سانان تا لاک‌پشت و انواع پرندگان قربانی قاچاق هستند. مرزهای شرقی و غربی ایران از مهم‌ترین مسیرهای قاچاق حیوانات وحشی به شمار می‌روند که کشورهای حوزه خلیج فارس یکی از مقاصد آنهاست.

روزنامه ایتالیایی «لیبرو»:

سال نو ضد رژیم در ایران

روزنامه ایتالیایی «لیبرو» پنجشنبه ۲۱ مارس با انتشار این عکس در متنی کوتاه به قلم آندره‌آ مورچی که توسط «انجمن ایران- ایتالیا» ترجمه و برای کیهان لندن ارسال شده، نوشته است: «همراه با نقش امضای شاه فقید ایران بر شیشه ماشین‌ها، تصاویری از محمدرضاشاه پهلوی و فرزندش شاهزاده رضا پهلوی در خیابان‌های شهرهای



ایران برای جشن نوروز توزیع شده و نماد شیروخورشید بر هفت‌سین‌ها در منازل خودغاهایی می‌کند. روز گذشته (۲۰ مارس) شجاع‌ترین بخش از جمعیت ایران سال نو را جشن گرفت و رژیم آخوندی را به چالش کشید. این جشن همزمان با آغاز فصل بهار است و ریشه در یک آیین بسیار کهن و باستانی در اندیشه‌های زرتشتی دارد و در حوزه فرهنگ ایرانی از جمله افغانستان و کردستان عراق رایج است.»

دولتی تکرار می‌شود، مربوط به تورم و گرانی است آنهم در حالی که تورم رشد تصاعدی دارد! اخیراً نیز یکی از معاونان رئیسی مدعی شده تا پایان سال ۱۴۰۷ تورم را «تقریبی می‌کنیم»! علی کریمی در واکنش به این ادعای بیجا هشدار داده: «تا ۱۴۰۷ اگر این رژیم بماند، نه ایران می‌ماند و نه ایرانی...»

آسوشیتدپرس: سقوط ارزش ریال پس انداز ایرانیان را بر باد می دهد

آسوشیتدپرس در گزارشی با اشاره به افزایش نرخ دلار به بیش از ۶۱ هزار و ۳۵۰ در بازار آزاد ایران آن را «سقوط تاریخی ریال» خواند و نوشت افزایش نرخ ارز به شدت بر سایر بازارها از جمله مسکن و اجاره تاثیر می گذارد و پس انداز ایرانیان را بر باد می دهد. در این گزارش آمده «روابط جمهوری اسلامی ایران با غرب در پایین ترین سطح خود قرار گرفته. تحریم های گسترده، دسترسی حکومت به منابع مالی را کاهش داد و مذاکرات احیای برجام در سال ۲۰۲۲ نیز به شکست انجامید. در این میان، تنش ها در خاورمیانه به میزان قابل توجهی افزایش یافته. ارسال پهپاد و موشک برای روسیه نیز دیپلماسی با جمهوری اسلامی را به شدت پیچیده تر کرده است.» آسوشیتدپرس اشاره کرد، «شرایط وخیم اقتصادی در گذشته به خشم گسترده مردم علیه حکومت کمک کرد، اما همچنان بسیاری از ایرانیان مجبورند با وجود سرکوب شدید مخالفان، بجای مشارکت در فعالیتهای سیاسی پرریسک، به فکر تأمین نیازهای سفره ی خود باشند.»

افزایش ۵۰ درصدی نرخ ویزیت پزشکان

بر اساس تصویب دولت در سال ۱۴۰۳ تعرفه ی ویزیت پزشکان ۵۰ درصد افزایش پیدا کرد. رضا لاری پور معاون فنی و نظارت سازمان نظام پزشکی پنجم فروردین با اعلام این خبر گفت «با اینکه برای اولین بار سعی شده نرخ برخی اجزای تعرفه عقب تر از نرخ تورم نباشد اما این افزایش نیز با توجه به رشد ناکافی تعرفه ها در طی سنوات گذشته همچنان تکافوی نیازهای مراکز درمانی و ارائه دهندگان خدمات سلامت را نخواهد کرد.»

مرکز آمار ایران:

حدود یک میلیون نفر در سال تحصیلی گذشته ترک تحصیل کردند



مرکز آمار ایران:
حدود یک میلیون نفر در سال تحصیلی گذشته ترک تحصیل کردند

بررسی داده های مرکز آمار ایران نشان می دهد که در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ در مقاطع تحصیلی مختلف حدود یک میلیون نفر از تحصیل بازماندند که در این میان ۱۵ تا ۱۷ ساله ها بیشترین تعداد بازماندگی از تحصیل را داشتند. پیش از این مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی اعلام کرده بود، فقر عامل اصلی بازماندن از تحصیل و ترک تحصیل کودکان در ایران است.

خروج گاندوها از برکه ها در جنوب استان سیستان و بلوچستان

بارندگی شدید و جاری شدن سیلاب در جنوب استان سیستان و بلوچستان، تمساح های پوزه کوتاه (گاندو) را از زیستگاه های خود بیرون کشیده است. پیش از این مدیرکل حفاظت محیط زیست این استان در مورد خطرات ناشی از خروج گاندوها از برکه ها و مرداب ها به مردم هشدار داده بود.

بحران های ساختار سلامت در ایران؛ از اخراج و سرکوب تا مهاجرت!

عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران می گوید که حدود ۴۰ نفر از اعضای هیئت علمی این دانشگاه طی دو سال گذشته اخراج یا بازنشسته شده اند. نظام درمانی ایران اما جدا از حذف اساتید دانشگاه، با مشکلات دیگری از جمله پذیرش بی ضابطه دانشجوی پزشکی و همچنین بیمارستان های در حال ورشکستگی روبرو است.

مهاجرت از ایران در حالی از سوی دانش آموختگان رشته های مختلف روندی صعودی دارد که در این میان مهاجرت کادر درمان از پزشکان تا پرستاران آمار بالایی را به خود اختصاص داده است.

گسترش رودخانه خواری در ایران؛

مافیاهای حکومتی علیه محیط زیست کشور!

مدیرکل مدیریت بحران استان تهران: پیشگیری از تصرفات غیرقانونی و به موازات آن مقابله با رودخانه خواری نیازمند عزمی جدی در راستای استمرار نظارت ها است. دولت درباره «رودخانه خواری» هم فراقتنی کرده و با «خبردرمانی» به دنبال پاک کردن صورت مسئله است



گسترش رودخانه خواری در ایران؛
مافیاهای حکومتی علیه محیط زیست کشور!

بطوری که روزنامه دولتی «ایران» بهمن ۱۴۰۰ از «پایان رودخانه خواری» خبر داده بود! انواع پدیده های «زمین خواری»، «دریاچه خواری»، «رودخانه خواری»، «دشت خواری»، «ساحل خواری» و «جنگل خواری» که در سال های گذشته به بحرانی در حوزه محیط زیست تبدیل شده، توسط افراد حقیقی و حقوقی وابسته به مافیاهای حکومتی صورت می گیرد.

کشف پیکر حلق آویز یک جوان ۲۰ ساله در میدان «شهدای گمنام» شهر آستارا!

محمدرضا شهاب زاده فرماندار آستارا در استان گیلان اعلام کرد: شامگاه جمعه ۳ فروردین ۱۴۰۳ در پی ارائه گزارشی مبنی بر کشف پیکر حلق آویز پسر جوانی در میدان «شهدای گمنام» شهرستان آستارا، بلافاصله مأموران نیروی انتظامی در محل حادثه حضور یافتند و پس از بررسی های لازم مشخص شد، پیکری که با طناب از یک درخت آویزان شده متعلق به جوان حدوداً ۲۰ ساله ای است که با تأیید عوامل اورژانس ساعتی از مرگ وی گذشته بود. هویت این جوان توسط اهالی محل شناسایی شده است.

قتل حمزه اکرمی معاون حوزه علمیه ماهشهر

جسد حمزه اکرمی معاون حوزه علمیه ماهشهر در استان خوزستان صبح شنبه چهارم فروردین ماه در نزدیکی ایستگاه راه آهن ماهشهر کشف شد.

منابع حکومتی گزارش دادند ظاهراً وی جمعه شب در حال مسافرتی بوده که توسط سارق یا سارقین با شلیک اسلحه به قتل می رسد.

دادستان ماهشهر گفته عملیات شناسایی عامل یا عاملان این قتل آغاز شده است.

تخریب شبانه باغ گیاه شناسی نوشهر توسط شهرداری

شهرداری نوشهر حوالی ساعت ۱۱ شب سوم فروردین ۱۴۰۳، بدون اجازه، دیوار شمالی باغ گیاه شناسی این شهر را خراب کرده و قسمتی از باغ را با لودر و بولدوزر صاف کرده است. این باغ که بیش از ۹۰ سال قدمت و حدود ۳۵ هکتار مساحت دارد، یکی از قدیمی ترین باغ های گیاه شناسی ایران و خاورمیانه و از مهم ترین اماکن نگهداری گیاهان و درختان کمیاب به شمار می رود و در سال ۱۳۸۵ به عنوان اثر طبیعی در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است.



تخریب شبانه باغ گیاه شناسی نوشهر توسط شهرداری

این باغ همچنین یکی از مهم ترین ذخیره گاه های ژنتیک درختان و گونه های گیاهی نادر است. به گزارش «ایسنا» با وجود اعتراض کارکنان باغ، تخریب دیوار با دستور شهردار انجام شده و پلیس هم از قبل باخبر بود و اجازه این تخریب را صادر کرده بود. میراث فرهنگی استان که قبلاً با هرگونه تخریب در باغ مخالف بود، در این مورد سکوت اختیار کرده است.



عکس هفته | نوروز در کنار حافظ